

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این جنگ يك گنج است؛
آیا ما خواهیم توانست این
گنج را استخراج کنیم؟

فرماندها کل قوا / حضرت آیت الله خامنه‌ای

This War Is a Treasure Trove, Could We Be Able to Tap This Treasure Trove?

Commander In Chief
Hazrate Ayatollah Khamene'i



۱۳۵۷

THE ATLAS OF IRAN-IRAQ WAR

A CONCISE SUMMARY OF THE
GROUND BATTLES
22 SEP. 1980 TO 20 AUG.

اطلس جنگ ایران و عراق

فشردهٔ نبردهای زمینی
۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - ۲۹ مرداد ۱۳۶۷

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)

مدیریت	نقشه	عکس	طراحی	انتشار
طرح	اطلاعات	عکس	صفحه آرایی	لینتوگرافی
تولید	رقومی کردن	گزینه‌ش	جلد	چاپ
ارزیابی نظامی	ترسیم رایانه‌ای	اجرای رایانه‌ای	اجرای رایانه‌ای	صحافی
اسناد و مدارک	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
تألیف	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
ویرایش	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
ترجمه	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
بازبینی	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
اطلاعات	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
اجرای رایانه‌ای	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
گرافیک	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
اطلاعات	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
رقومی کردن	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
ترسیم رایانه‌ای	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
عکس	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
گزینه‌ش	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
اجرای رایانه‌ای	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
صفحه آرایی	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
جلد	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
اجرای رایانه‌ای	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
لینتوگرافی	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
چاپ	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
صحافی	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع
توزیع	عکس	اجرای رایانه‌ای	چاپ	توزیع

محسن رشید	محسن رشید
حسن درّی	حسن درّی
سیدیحیی صفوی، غلامعلی رشید، محمدعلی جعفری، حسین علایی، غلامرضا محرابی	سیدیحیی صفوی، غلامعلی رشید، محمدعلی جعفری، حسین علایی، غلامرضا محرابی
بانک اطلاعات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (رباب صادقی، گوهر تاج اینانلو)	بانک اطلاعات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (رباب صادقی، گوهر تاج اینانلو)
محسن رشید	محسن رشید
هادی نخعی، گودرز نوروزی، احمد نصرتی	هادی نخعی، گودرز نوروزی، احمد نصرتی
سیدسعادت حسینی، عبدالمجید حیدری	سیدسعادت حسینی، عبدالمجید حیدری
مهدی انصاری، سجاد نخعی	مهدی انصاری، سجاد نخعی
ابوالقاسم حبیبی	ابوالقاسم حبیبی
نسترن صدوری، سیده‌های خاوشی	نسترن صدوری، سیده‌های خاوشی
حشمت‌الله شمس، قاسم فرودی	حشمت‌الله شمس، قاسم فرودی
ابوالقاسم حبیبی	ابوالقاسم حبیبی
قاسم فرودی، کتایون اسدی، طاهره محمدی، رضا قنبری، مریم شیرازی، شیرین باغجری، سامره غلامی پور	قاسم فرودی، کتایون اسدی، طاهره محمدی، رضا قنبری، مریم شیرازی، شیرین باغجری، سامره غلامی پور
قاسم فرودی، سیده‌های خاوشی، نسترن صدوری، مریم داودی، اعظم حکیم نژاد	قاسم فرودی، سیده‌های خاوشی، نسترن صدوری، مریم داودی، اعظم حکیم نژاد
شهید داریوش گودرزی کیا، سعید صادقی، مصطفی نظر، امیرعلی جوادیان، ابراهیم شاطری، علی فریدونی، محمدرضا رفیعی راد	شهید داریوش گودرزی کیا، سعید صادقی، مصطفی نظر، امیرعلی جوادیان، ابراهیم شاطری، علی فریدونی، محمدرضا رفیعی راد
محسن رشید، ابوالقاسم حبیبی	محسن رشید، ابوالقاسم حبیبی
سیده‌های خاوشی، نسترن صدوری	سیده‌های خاوشی، نسترن صدوری
حشمت‌الله شمس	حشمت‌الله شمس
مهدی باقری	مهدی باقری
سیده‌های خاوشی، مریم داودی	سیده‌های خاوشی، مریم داودی
فرایند گویا	فرایند گویا
شادیران ناظر چاپ: محمد بهروزی	شادیران ناظر چاپ: محمد بهروزی
فرد	فرد
انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس	انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)

اطلس جنگ ایران و عراق

فشرده نبردهای زمینی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - ۲۹ مرداد ۱۳۶۷

چاپ سوم: ۱۳۹۲ □ شمارگان: ۲۵۰۰ □ چاپ دوم: ۱۳۸۹ □ چاپ اول: ۱۳۷۹

قیمت: ۲۱۰۰۰۰ ریال □ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۱۵-۹۹-۰

کلیه حقوق متعلق به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. هرگونه عکس برداری، کپی برداری، اسکن و استفاده تکثیری دیگر از این اثر بدون اجازه کتبی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ممنوع است.

۱. تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه اول، شماره ۴، تلفن: ۶۶۴۸۱۵۳۱
۲. تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
۳. خر مشهر، جنب مسجد جامع، بازار شهید محمد جهان آرا، شماره ۲۷

سرشناسه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور

اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ [تهیه‌کننده] مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).

مشخصات نشر

تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری

۱۱۸ ص: مصور (رنگی)، جدول، نقشه، نمودار: ۲۶×۳۶ س. م.

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۶۳۱۵-۹۹-۰

وضعیت فهرست نویسی

فیبا

یادداشت

چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۱۳۷۹ (۱۲۰ ص).

عنوان دیگر

فشرده نبردهای زمینی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - ۲۹ مرداد ۱۳۶۷

موضوع

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- نبردها

موضوع

ایران -- جغرافیای تاریخی -- نقشه‌ها

شناسه افزوده

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

رده‌بندی‌کنگره

۱۳۸۷ ۷ الف ۲ س/۱۶۰۲/DSR

رده‌بندی دیویی

۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی

۱۶۱۲۸۵۸

IRGC Center of Sacred Defense Research and Documents (Center for War Studies and Research)

Management	Designing	Mohsen Rashid
	Production	Hassan Dorri
	Military Appraisal	Seyyed Yahya Safavi, GholamAli Rashid, MohammadAli Jafari, Hossein Ala'ee, Gholamreza Mehrabi
	Documents	Database Of The Holy Defence Research & Documentation Center (Robab Sadeghi, Gohartaj Inanloo)
Text	Writing	Mohsen Rashid
	Edition	Hadi Nakhaee , Goodarz Noroozi, Ahmad Nosrati
	Translation	Seyyed Sa'adat Hosseini, Abdolmajid Heidari
	Revised	Mahdi Ansari, Sajjad Nakhaee
Graphics	Data	Abolghasem Habibi
	Computer Work	Nastaran Saboorie, Seyed Hadi Khavoshi
	Graphic	Heshmatollah Shams ,Ghasem Foroodi
Mapping	Data	Abolghasem Habibi
	Digitalization	Ghasem Foroodi, Katayoon Asadi, Tahereh Mohammadi, Reza Ghanbari, Shirin Baghjeri, Maryam Shirazi, Samereh GholamiPour
	Computer Drawing	Seyed Hadi Khavoshi, Nastaran Saboorie, Maryam Davoudi, A'zam Hakim Nezhad
Photography	Illustrations	Martyr Daryoush Goodarzi Kia, Sa'eed Sadeghi, Mostafa Nazar, AmirAli Javadian, Ebrahim Shateri, Ali Fereidooni, MohammadReza Rafi'ee Rad
	Selection	Mohsen Rashid, Abolghasem Habibi
	Computer Work	Seyed Hadi Khavoshi, Nastaran Saboorie
Design	Pagination	Heshmatollah Shams
	Cover	Mehdi Bagheri
	Computer Work	Seyed Hadi Khavoshi, Maryam Davoudi
Publication	Lithography	Farayand Gooya
	Printing	Shadiran Print Observer: Mohammad Behroozi
	Binding	Fard
	Distribution	Center of Sacred Defense Research and Documents

IRGC Center of Sacred Defense Research and Documents
(Center for War Studies and Research)

THE ATLAS OF IRAN-IRAQ WAR
A Concise Summary of the Ground Battles
22 sep. 1980 to 20 aug. 1988

Third edition: 2013 Numbers: 2500 copies Second edition: 2010 First edition: 2000

Price: 210000 Rials ISBN: 978-964-6315-99-0

All rights reserved. No part of this publication may be Photographed, Photocopied, Scanned or reproduced in any other form without the prior written permission of Center of Sacred Defense Research and Documents.

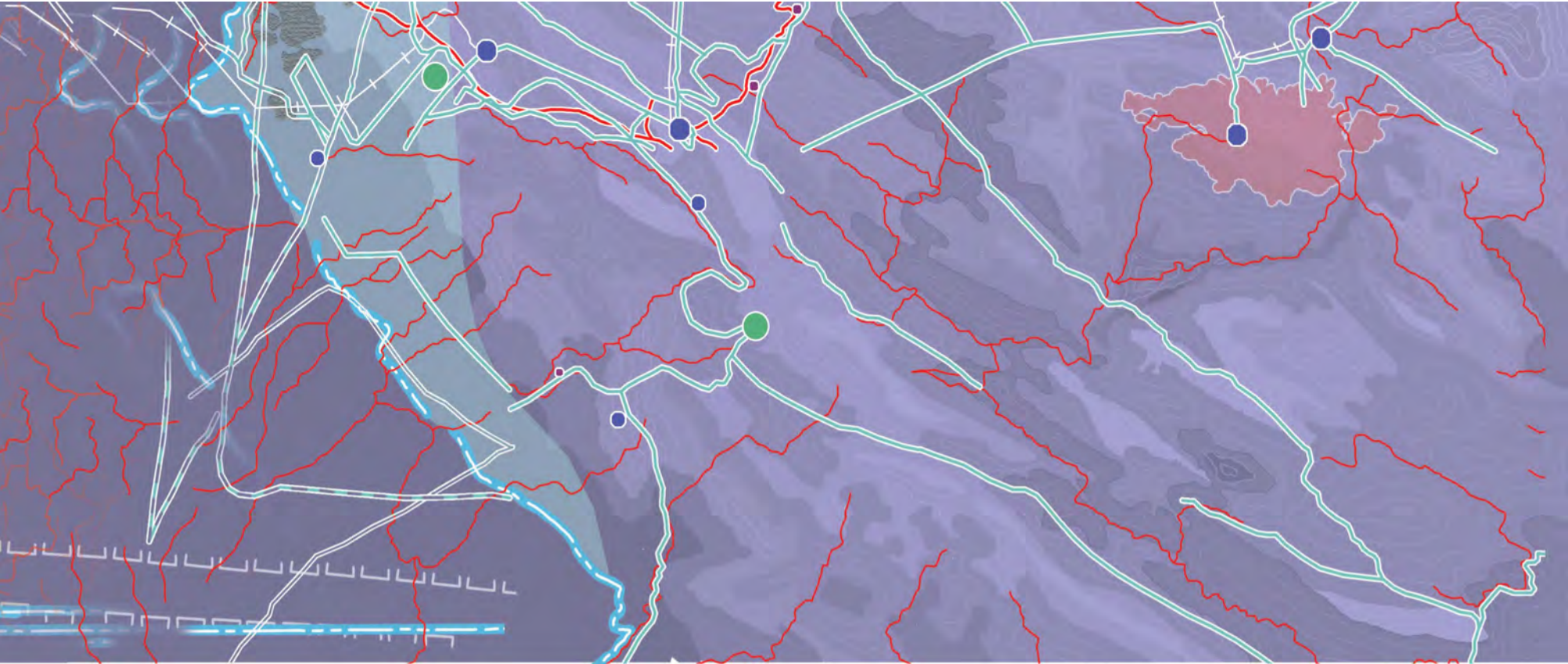
Address: No. 4, first floor, Naseran Building, Farvardin Ave 12, Enghelab st.
Tehran - Iran, Tel: 021- 66481531

فهرست

پیشگفتار - مقدمه	مقدمه	۱۲
زمینه‌سازی تهاجم - آرایش ارتش عراق در آستانه جنگ - هجوم هوایی عراق، هفته اول جنگ - حمله سراسری ارتش عراق، هجوم زمینی - اشغال شهرهای مرزی ایران	پیروزی انقلاب اسلامی، شروع تجاوزات و هجوم سراسری ارتش عراق	۱۹
روند بازیابی - تجربه ناموفق: عملیات‌های پل نادری، نصر (هویزه)، توکل - کسب اعتماد به نفس: عملیات‌های ضربت ذوالفقار، بازی دراز، رجایی و باهنر، شکست محاصره سوسنگرد، امام علی ^(ع) ، فرمانده کل قوا - نتیجه یک سال تلاش	بازیابی قوای مسلح ایران	۲۷
آزادسازی سرزمین‌های جنوبی: عملیات‌های ثامن الائمه ^(ع) ، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس - سرزمین‌های آزادشده در جنوب	آزادسازی سرزمین‌های جنوبی	۴۳
آزادسازی سرزمین‌های شمالی و میانی: عملیات‌های مطلع الفجر، محمد رسول الله ^(ص) ، مسلم بن عقیل ^(ع) ، والفجر ۳، عاشورا، کربلای ۱، کربلای ۶، آخرین وضعیت در جبهه‌های میانی و شمالی	آزادسازی سرزمین‌های شمالی و میانی	۵۳
تعقیب دشمن در جبهه جنوبی: عملیات‌های رمضان، محرم، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، خیبر، بدر، والفجر ۸ - دفاع متحرک (حملات عراق) - عملیات‌های کربلای ۴، کربلای ۵، تکمیلی کربلای ۵، کربلای ۸ - نتیجه تعقیب دشمن در جبهه جنوبی	تعقیب دشمن در جبهه جنوبی	۶۴
تعقیب دشمن در جبهه شمالی: عملیات‌های والفجر ۲، قادر، کربلای ۲، کربلای ۷، والفجر ۴، والفجر ۹، فتح ۱، کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۷، نصر ۸، بیت المقدس ۲، بیت المقدس ۳، بیت المقدس ۴، والفجر ۱۰، بیت المقدس ۶ - نتیجه تعقیب دشمن در جبهه شمالی	تعقیب دشمن در جبهه شمالی	۸۳
چهار ماه اول سال ۱۳۶۷ - سقوط فاو - سقوط شلمچه - عملیات بیت المقدس ۷ - سقوط مجنون - هجوم به عین خوش - مناطق تخلیه شده - پذیرش قطعنامه ۵۹۸ - شکست مجدد عراق در پایان جنگ - عملیات مرصاد - رشد و انهدام ارتش عراق - پایان جنگ (حمله عراق به کویت)	پایان جنگ ایران و عراق، حمله عراق به کویت	۱۰۵

Contents

12	INTRODUCTION	Preface-Introduction
19	LAUNCHING THE IRAQI ATTACKS AFTER THE VICTORY OF THE ISLAMIC REVOLUTION	Prepared the grounds for invasion, Iraqi Army Deployment at the Threshold of the War, Iraqi Air Assault in the First Week of the War, The Iraqi Army Full-Scale Attack Land Assault, The Occupation of Iran's Border Cities
27	RETRIEVAL PERIODS OF IRAN'S ARMED FORCES	Retrieval Process. An Abortive Experience: The Operations of Pol-e -Naderi, Nasr, Tavakkol. Acquiring Self-Confidence: Operations of Zarat-e-Zolfaghar, Bazi Deraz, Rajaee and Bahonar, Breaking the Siege of Susangerd, Imam Ali, Farmandehe Kollé Ghova, Khomeini Rooh-e Khoda. The Result of a One - Year Effort
43	THE LIBERATION OF THE SOUTHERN LANDS	The Liberation of the Southern Lands. The Operations of: Samen ol-A'emme, Tarigh ol- ghods; Fath ol-Mobin, Beit ol-Moghaddas. The Liberated Lands in the South Front
53	THE LIBERATION OF THE NORTHERN AND CENTRAL LANDS	The Liberation of the Northern and Central Lands: The Operations of Matla ol-Fajr, Mohammad Rasul Allah, Moslem Ebne Aqeel, Valfajr-3, Ashura, Karbala-1, Karbala-6. The Last Situation in the Central and Northern Fronts
64	PURSUING THE ENEMY IN THE SOUTHERN FRONT	Pursuing the Enemy in the Southern Front. The Operations of Ramadan, Moharram, Valfajr-e Moghaddamati, Valfajr-1, Kheibar, Badr, Valfajr-8. Mobile Defence(Iraqi Attacks). The Operations of Karbala-4, Karbala-5, Karbala-5 (Supplementary Operations), Karbala-8. The Result of Pursuing the Enemy in the Southern Front
83	PURSUING THE ENEMY IN THE NORTHERN FRONT	Pursuing the Enemy in the Northern Front. The Operations of Valfajr-2, Ghader, Karbala-2, Karbala-7, Valfajr-4, Valfajr-9, Fat'h-1, Karbala-10, Nasr-4, Nasr-7, Nasr-8, Beit ol-Moghaddas-2, Beit ol-Moghaddas-3, Valfajr-10, Beit ol-Moghaddas-4, Beit ol-Moghaddas-6. The Result of Pursuing the Enemy in the Northern Front
105	THE END OF IRAN - IRAQ WAR - IRAQI ATTACKS AGAINST KUWAIT	The First Four Months of 1367. The Fall of Faw. The Fall of Shalamche. Beit ol- Moghaddas - 7 Operation. The Fall of Majnoon. Invade on Ein khosh. The Evacuated Zones. Acceptance of the Resolution 598. Iraq's Repeated defeat at the End of the War. Mersad Operation. The Development and Collapse of the Iraqi Army. The End of War (Iraqi attacks against Kuwait)



محور هجوم عراق		Iraq's Axis of Assault	پایتخت		Capital
هلی برد عراق		Iraq's Airborne	مرکز استان		Province Center
یگان نظامی ایران		Iran's Military Unit	شهر		City
یگان نظامی عراق		Iraq's Military Unit	سایر نقاط		Other places
یگان مکانیزه		Mechanized Unit	مرز بین المللی		International Border
یگان زرهی		Armoured Unit	راه آسفالته		Paved Road
یگان سوار زرهی		Armoured Cavalry Unit	راه شنی		Sandy Road
یگان پیاده		Infantry Unit	راه خاکی		Dirt Road
یگان پیاده کوهستانی		Mountain Infantry Unit	راه آهن		Rail Road
دفاع ساحلی		Coastal Defence	خاکریز		Embankment
یگان نامنظم		Irregular Unit	رودخانه		River
هوا برد		Airborne	نهر		Brook
نیروی مخصوص		Special Force Unit	پل		Bridge
کماندو		Commando	نخلستان		Palm Grove
گارد مرزی		Border Guard	هور		Marsh
گارد جمهوری		The Republican Guard	آبگرفتگی مصنوعی		Artificial Refill of Ground Waters
جیش الشعبی		Jaish al-Shabi	زمین های باتلاقی		Swampy Lands
سپاه	XXX	Corps	تپه های شنی، رمل		Sand Dunes
لشکر	XX	Division	خط دفاعی ایران قبل از عملیات		Iran's Defence- Line before Operations
تیپ	X	Brigade	خط دفاعی عراق قبل از عملیات		Iraq's Defence- Line before Operations
گردان	II	Battalion	خط دفاعی ایران بعد از عملیات		Iran's Defence- Line after Operations
گروهان	I	Company	خط دفاعی عراق بعد از عملیات		Iraq's Defence- Line after Operations
گروه رزمی	П	Combat Group	محور هجوم ایران		Iran's Axis of Assault
یگان تقویت شده (+)		Reinforced Unit	هلی برد ایران		Iran's Airborne
یگان کاسته شده (-)		Reduced Unit	مانور اجرا نشده ایران		Iran's Unperformed Manoeuvre

راهنمای نقشه

Map Guide



تمامی نقشه‌های این کتاب به سمت شمال طراحی و تنظیم شده است.

- نیروهای نظامی Military Forces
- تانک و نفربر Tanks and Personnel Carriers
- هواپیمای جنگنده Fighter
- بالگرد Helicopter
- مهندسی Engineering
- توپخانه صحرائی Field Artillery
- توپخانه ضد هوایی Antiaircraft Artillery

یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۱۹ فجر	۳۴ (۴) امام سجاد	۵۹ مسلم بن عقیل	۶۶۲ (۴۳) بیت المقدس
۵ نصر	۳۳ المهدی	۵۷ ابو الفضل	۱۵۵ ویژه شهدا
۱۷ علی بن ابیطالب	۳۲ انصار الحسین	۵۵ (۶) ویژه پاسداران	۱۱۰ خاتم الانبیا
۱۴ امام حسین	۳۱ (۱) عاشورا	۴۸ فتح	۱۰۵ (۵۲) قدس
۱۲ قائم	۳۰ زرهی	۴۶ فجر	۱۰۰ انصار الرسول
۱۱ امیرالمؤمنین	۲۹ نبی اکرم	۴۴ قمر بنی هاشم	۹۱ بقیة الله
۱۰ سیدالشهدا	۲۸ زرهی صفر	۴۱ ثار الله	۸۲ صاحب الامر
۹ (۲۲) بدر	۲۷ محمدرسول الله	۳۸ زرهی ذوالفقار	۷۵ ظفر
۸ نجف	۲۵ (۲) کربلا	۳۷ نور	۷۲ زرهی محرم
۷ ولی عصر	۲۱ امام رضا	۳۶ انصار المهدی	۷۱ روح الله
۱۸ الغدير (جواد الاثمه)	۲۰ (۵) زرهی رمضان	۳۵ (۱۵) امام حسن	۶۶ ولی امر

The Islamic Revolutionary Guards Corps Units

662dn (43rd) Beitol-Moghaddas	59th Muslim Ibn Agheel	34th (4) Imam Sajjad	19th Fajr
155th Vijeye Shohada	57th Abolfazl	33rd Al-Mahdi	5th Nasr
110th Khatam-ol-Anbia	55 (6th) Vijeye Pasdaran	32dn Ansarol-Hosseini	17th Ali-yebne Abitaleb
105th (52dn) Ghods	48th Fath	31th (1) Ashura	14th (3) Imam Hossein
100th Ansar al-Rasul	46th Fajr	30th Armored	12th Ghaem
91st Baghiatallah	44th Ghamare Bani Hashem	29th Nabiye Akram	11th Amir al-Momenin
82dn Saheb ol-Amr	41st Sarallah	28th Safar Armored	10th Seyed ol-Shohada
75th Zafar	38th Zolfaghar Armored	27th Mohammad Rasulullah	9th (22dn) Badr
72dn Moharram Armored	37th Noor	25th (2) Karbala	8th Najaf
71st Ruhollah	36th Ansar ol-Mahdi	21st Imam Reza	7th Valiasr
66th Vali-ye Amr	35th (15th)(5) Imam Hasan	20th (5th) Ramadan Armored	18th Al-Ghadir (Javad ol-Aemme)

یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۲۳ نوهد	۸۱ زرهی کرمانشاه	۵۵ هوایرد شیراز	۲۱ پیاده حمزه
۳۰ پیاده گرگان	۸۴ پیاده خرم آباد	۵۸ تکاور ذوالفقار	۱۶ زرهی قزوین
۴۰ پیاده سراب	۸۸ زرهی زاهدان	۶۴ پیاده ارومیه	۲۸ پیاده کردستان
	۹۲ زرهی اهواز	۷۷ پیاده خراسان	۳۷ زرهی شیراز

The Islamic Republic of Iran Army Units

21st Hamzeh Infantry	55th Airborne-Shiraz	81st Kermanshah Armored	23rd NOHED
16th Ghazvin Armored	58th Zolfaghar Takavar	84th Khoramabad Infantry	30th Gorgan Infantry
28th Kurdistan Infantry	64th Orumieh Infantry	88th Zahedan Armored	40th Sarab Infantry
37th Shiraz Armored	77th Khorasan Infantry	92nd Ahvaz Armored	



مدیریت: ابراهیم محمدزاده

اجرا: داوود رنجبر با همکاری محمدعلی تقیانی،

غلامرضا نظریفیان و سازمان جغرافیایی ارتش

زمان: سال ۱۳۶۸

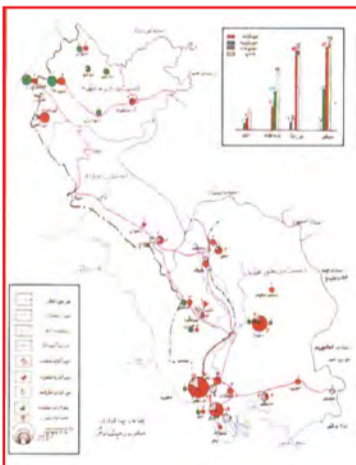


مدیریت: محسن رشید

اجرا: اسدالله احمدی با همکاری محمدعلی تقیانی،

حسن باقی پور و علی رحیمی

زمان: سال ۱۳۷۳



مدیریت: محسن رشید

اجرا: محسن رشید با همکاری اسدالله احمدی، فریبا آهنگرزاده

حسن درزی، داوود ریاحی، حسین کمالی، حسن باقی پور

زمان: سال ۱۳۷۴



مدیریت: محسن رشید

اجرا: محسن رخصت طلب با همکاری محمد طلایی و شرکت

روایت سبز

زمان: سال ۱۳۷۶

پیشگفتار چاپ سوم

«اطلس جنگ ایران و عراق» پس از اولین انتشار با استقبال فراوان روبه‌رو شد و نسخه‌های چاپ اول آن به پایان رسید. با توجه به مشاهده اشکالاتی در این چاپ که بیشتر مربوط به اطلاعات نقشه‌ها، برخی نمودارها و بخشی از ترجمه‌ها بود، پس از تحقیقات مجدد و تکمیلی، این اشکالات رفع گردید و در سال ۱۳۸۹ به چاپ دوم رسید. با پایان یافتن نسخه‌های انتشار دوم، برای چاپ سوم به توصیه برخی فرماندهان عالی جنگ در طرح و اندازه‌فلس‌های عملیاتی تغییراتی ایجاد شد و تلاش گردید تا با بهبود کیفیت چاپ، انتشار سوم این اطلس با کیفیتی بهتر به دست علاقه‌مندان برسد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از تمامی کسانی که با همت بسیار این اثر را پدید آوردند و با تلاش مجدد، چاپ‌های دوم و سوم آن را امکان‌پذیر کردند، سپاس‌گزاری می‌کند.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)

پاییز ۱۳۹۲

پیشگفتار چاپ اول

تهیه اطلس جنگ ایران و عراق و ارائه آن به شکل کنونی، هر چند اندیشه و تجربه جدیدی است، اما سابقه این کار در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ به سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد؛ زمانی که جنگ پایان یافته بود و این مرکز فارغ از تحقیقات میدانی بسیار وسیعی که به عمل آورده بود، به چگونگی بهره‌برداری از منابع جمع‌آوری شده می‌اندیشید. برای نیل به این مقصود، ابتدا با مشاورت فرماندهان صاحب نظر سپاه و با همکاری سازمان جغرافیایی ارتش مجموعه‌ای شامل نقشه‌های چهار عملیات گسترده ثامن‌الائمه^ع، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس به ضمیمه گزارش آنها تهیه گردید که «نمونه شماره ۱ اطلس» نام‌گذاری شد. این دوره یک‌سال طول کشید و پس از آن برخی عوامل، اجرای این پروژه را دچار رکود کرد. در سال ۱۳۷۲ بار دیگر پروژه اطلس فعال شد و تا پایان سال ۱۳۷۳ «نمونه شماره ۲» که در آن به هجوم سراسری عراق، چگونگی مقاومت و نبردهای محدود در یکی از سه استان مورد تجاوز پرداخته شده بود، ارائه گردید. «نمونه شماره ۳» که در سال ۱۳۷۴ به پایان رسید، اطلس دیگری بود که از بازنگری و توسعه «نمونه شماره ۲» به دست آمده بود. ضمناً در این نمونه به تجاوزات ارتش عراق قبل از آغاز رسمی جنگ توجه ویژه‌شده بود. سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ نیز به بررسی امکان بهره‌گیری توأمان از نرم‌افزارهای GIS، گرافیک و صفحه‌آرا گذشت و محصول این فعالیت‌ها نیز به تهیه «نمونه شماره ۴» منجر شد. سرانجام پس از ارائه ۴ نمونه مزبور، تلاش برای تدوین و ارائه محصولات نهایی و نتایج اقدامات فوق‌آغاز شد که به تهیه کتاب حاضر، یعنی اولین جلد اطلس جنگ ایران و عراق انجامید. گفتنی است که برای تهیه این مجموعه که در عین اختصار از پشتوانه عظیم تحقیقاتی برخوردار است - از دستاوردهای دویخس از پروژه‌های مرکز بهره‌گرفته شده است :

الف) پروژه‌های عام مرکز که در این اطلس به طور مستقیم مورد بهره‌گیری قرار گرفته عبارت است از: پروژه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اسناد مکتوب، پروژه جمع‌آوری و بازسازی کالسک‌های عملیاتی، پروژه احیای منابع صوتی، کتاب‌های گزیده اسناد عملیاتی (انتشار محدود)، کتاب‌های سیری در جنگ ایران و عراق (انتشار نامحدود) و مجموعه کتاب‌های روز شمار جنگ ایران و عراق (انتشار نامحدود).

ب) پروژه‌های اختصاصی که با عنوان پروژه‌های پشتیبانی اطلس شناخته می‌شوند و عبارتند از: پروژه تهیه آلبوم کالک، پروژه رقمی کردن نقشه‌های مرز ایران و عراق با مقیاس‌های

مختلف به کمک نرم‌افزارهای GIS، پروژه تجزیه و تحلیل اسناد دوران زمینه‌سازی جنگ، پروژه استخراج و تحلیل داده‌ها و آمار و اطلاعات مربوط به رشد و انهدام ارتش عراق، پروژه استخراج آمار و اطلاعات استعداد خودی در نبردهای بزرگ و محدود و پروژه تهیه گزارش‌های اجمالی از ۳۸ نبرد گسترده رزمندگان ایران.

بدین ترتیب در مراحل نهایی تدوین این اطلس، ضمن بهره‌گیری از نتایج پروژه‌های مذکور و تهیه ماکت دستی، متن آن به نگارش درآمد؛ نمودارها و نقشه‌ها تهیه شد؛ گزینش رنگ‌ها و آرایش صفحات و رنگ‌آمیزی نمودارها و نقشه‌ها، با توجه به اصول گرافیک و رعایت استانداردهای نظامی و جغرافیایی اعمال گردید؛ با ارزیابی کارشناسان نظامی، اصلاحات لازم اجرا شد و پس از گذشت مدتی نزدیک به ۳۴ ماه، در زمستان ۱۳۷۹ به پایان رسید.

در کتاب حاضر، هشت سال جنگ ایران و عراق و وقایع نوزده‌ماهه قبل از آغاز رسمی جنگ در ۱۱۷ صفحه، با متن، آمار و تصویر ارائه گردیده و سعی شده است هر صفحه آن یک موضوع کامل را در برگیرد؛ همین محدودیت مانع از آن شده است که در واگذاری فضا، بین عملیات‌های بزرگ و سایر نبردها تفاوت قائل شویم؛ ضمن آنکه فشرده‌سازی یک عملیات در محدوده یک صفحه، امکان ارائه نقشه‌های گوناگون از یک عملیات را سلب کرده است. امید است که در اطلس‌های بعدی محدودیت‌های یاد شده برداشته شود و پرداختن به نبردهای مختلف با توجه به میزان اهمیت آن‌ها میسر گردد.

اطلس حاضر دارای هفت فصل است که در چهار فصل آن «زمین» و در سه فصل دیگر «زمان» محور قرار گرفته است. از نگاهی دیگر، دو فصل از این کتاب نشان‌دهنده ابتکار عمل عراق و پنج فصل آن بیان‌کننده ابتکار عمل ایران در جنگ است: **فصل اول:** پیروزی انقلاب اسلامی و شروع تجاوزات ارتش عراق شامل سیر تجاوزات مرزی ارتش عراق قبل از آغاز رسمی جنگ، هجوم سراسری ارتش عراق و اشغال مناطق مرزی ایران. **فصل دوم:** «دوران بازیابی قوای مسلح ایران» شامل تجربه عملیات‌های ناموفق در چهار ماهه اول جنگ و دوران کسب اعتماد به نفس نیروهای مردمی - انقلابی و اجرای چند عملیات موفق.

فصل سوم: «آزادسازی سرزمین‌های جنوبی» شامل عملیات‌های شکستن حصر آبادان، آزادسازی بستان و غرب دزفول و فتح خرمشهر. **فصل چهارم:** «آزادسازی سرزمین‌های شمالی و میانی» شامل نبردهای خودی برای آزادسازی سرزمین‌هایی که در استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان در اشغال دشمن باقی مانده بود.

فصل پنجم: «تعقیب دشمن در جبهه جنوبی» شامل نبردهایی که در جبهه جنوبی با هدف تهدید بصره، برای کسب موقعیت برتر و پایان شرافتمندانه جنگ به اجرا درآمد و با عملیات کربلای ۵ و تصویب قطعنامه ۵۹۸ به نتیجه رسید. **فصل ششم:** «تعقیب دشمن در جبهه شمالی» شامل تغییر استراتژی خودی از عملیات در جبهه جنوب به عملیات در جبهه شمال غرب و فراز و نشیب‌های جنگ در این جبهه. **فصل هفتم:** «پایان جنگ، حمله عراق به کویت» شامل: ابتکار عمل عراق در پایان جنگ، به دست گرفتن مجدد ابتکار عمل توسط قوای خودی و حمله عراق به کویت.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۷۹

قوای مسلح ایران در این بخش به کار گرفته شده و بقیه در سایر نقاط کشور در حال برقراری نظم و حفظ امنیت بودند. طراحی کودتای نوژه نیز در ارتش ایران - که در حال تحول از ارتش شاهنشاهی به ارتش جمهوری اسلامی بود - نقش تخریبی بسیاری داشت و موقعیت ارتش را که بر اثر تدبیر غلط شاه و در کوران انقلاب در برابر مردم قرار گرفته و تضعیف شده بود و می‌رفت تا با رهبری امام بازسازی شود، مجدداً تضعیف کرد. از سوی دیگر، دشمن در ارزیابی بحران‌های موجود در کشور، دچار اشتباه شده بود و این وضعیت را به عدم ثبات نظام تعبیر می‌کرد. به گمان دشمن در صورت یک تهاجم خارجی، نظام جدید ایران دچار گسستگی می‌شد و فرو می‌ریخت. با این پیش‌فرض، چند دیدار بین مقام‌های عالی‌رتبه عراقی و امریکایی صورت گرفت و پس از هماهنگی‌های لازم، عراق در شهریور ۱۳۵۹ تجاوزات خود را به ایران تشدید کرده و چندین نقطه از خاک کشور را به اشغال درآورد تا ضمن سنجش توانایی قوای مسلح ایران، واکنش افکار جهانیان را نیز بسنجد. در مقابل، قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران نتوانستند واکنشی بازدارنده از خود نشان دهند و افکار عمومی جهانیان نیز در برابر این تجاوزات واکنشی نشان نداد، لذا حکومت عراق پس از آن که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را رسماً در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۶ به طور یک‌جانبه لغو کرد، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ هجوم سراسری را به خاک ایران آغاز کرد.

تجاوز همه‌جانبه ارتش عراق

در تجاوز سراسری ارتش عراق، قبل از حرکت تانک‌ها و یگان‌های پیاده، توپخانه‌ها به شدت شهرهای مرزی ایران را گلوله‌باران کردند و هواپیماهای نیروی هوایی ارتش عراق نیز در عمق ایران تا تهران به پرواز درآمدند و به بمباران چندین شهر پرداختند. این اقدام عراق بیش از آن‌که اهمیت نظامی داشته باشد، اهمیت روانی داشت. به عبارت دیگر، عراق هجوم سراسری زمینی خود را با جنگ روانی آغاز کرد تا زمینه را برای پیشروی نیروهای پیاده تسهیل کند، لذا پس از هجوم گسترده هوایی و شلیک انبوه آتش توپخانه دشمن، عملیات سراسری زمینی او آغاز شد. عراق در این هجوم، استراتژی "جنگ پر شدت و کوتاه‌مدت" را برگزیده بود، اما بلافاصله پس از هجوم هوایی دشمن، امام خمینی ابتکار عمل را در جنگ روانی به دست گرفتند، بحران را مهار کردند و در آرامش به دست آمده، برای مسئولان کشوری و لشکری زمینه مناسبی به وجود آوردند تا تدابیر لازم را ببینند و اعتماد به نفس مردم نیز تقویت شود و به عنوان نیروی تأخیری وارد میدان شوند. امام با اصلی اعلام کردن جنگ، تأکید بر وحدت ملی، حمایت از فرماندهان نظامی و باز گذاشتن دست فرمانده کل قوا (رئیس جمهوری وقت)، زمینه‌های لازم را برای برنامه‌ریزی فرماندهان فراهم آوردند و استراتژی خودی را با عنوان "سلب آرامش از دشمن" اعلام کردند. واکنش امام، مردم و نظام، نادرستی پیش‌فرض‌های دشمن را آشکار کرد و بدین ترتیب استراتژی جنگ سریع و پر شدت مورد نظر حاکمان عراق به نتیجه نرسید. پس از گذشت سه روز از آغاز جنگ، تحلیل‌گران نظامی اهداف عراق از شروع جنگ را دست‌نیافتنی دانسته و ارتش این کشور را شکست خورده تلقی کردند. حکومت عراق نیز پس از گذشت شش روز از آغاز جنگ، لحن اولیه خود را تغییر داد و از پایان جنگ سخن به میان آورد.

عراق در هفته اول جنگ، شهرهایی را اشغال کرد که اغلب کوچک بودند. بزرگ‌ترین شهری که در هفته اول جنگ به اشغال درآمد، قصر شیرین بود. عراق در اشغال شهرها با مشکل روبه‌رو بود و به جز سوما و موسیان که وسعتی اندک دارند، در بقیه شهرها با مقاومت سرسختانه مواجه شد. هنگام تصرف بستان و سوسنگرد شماری از نیروهای سپاه و ژاندارمری در پاسگاه مرزی سوبله در برابر ارتش عراق ایستادند و پس از سقوط این پاسگاه، عراقی‌ها وارد بستان و سوسنگرد شدند و عناصری از گروه‌های موسوم به جبهه‌التحریر را در آن جا مستقر کردند که کمک‌های بسیاری به ارتش عراق می‌کردند. به هر صورت، ارتش عراق در پایان هفته اول دشت‌هایی وسیع را پشت سر گذاشته و تعدادی از شهرها را با دادن تلفات زیاد، تصرف کرده بود، اما در جبهه غرب، پشت دروازه‌های سرپل‌ذهاب و گیلان‌غرب و در جبهه جنوب، پشت دروازه‌های خرمشهر، اهواز و پشت رودخانه کرخه (در منطقه دزفول) مجبور به توقف شد. به این ترتیب هدف ارتش عراق هم در جبهه جنوب و هم در جبهه غرب ناقص ماند، لذا پس از پایان هفته اول، استراتژی عراق از "جنگ سریع و پر شدت" به "جنگ بلندمدت و فرسایشی" تبدیل شد. در جبهه غرب، عراق تمایلی به سرمایه‌گذاری بیش‌تر نداشت و در جبهه جنوب نیز هدف خود را از تصرف خوزستان به تصرف خرمشهر و آبادان محدود کرد. از آغاز هفته دوم جنگ، عراق حمله خود را به خرمشهر تشدید کرد و در همان حال، شعار صلح خواهی نیز سرداد. عراق در صورت موفقیت می‌توانست لاقلاً با در دست داشتن مناطق مهم، ادعای حاکمیت خود بر اروندرود را به ایران تحمیل کند و بدین ترتیب مطامع تاریخی عراق در خصوص انتقال مرزهایش به ساحل شرقی اروندرود تحقق می‌یافت. اما جنگ در خرمشهر به درازا کشید و مدافعان شهر که از مرز تا پل نو چهار روز در مقابل دشمن ایستادگی کرده بودند، در محله‌های خرمشهر از پل نو تا پل خرمشهر - آبادان نیز سی روز تمام جنگیدند، در حالی که با انسداد جاده‌های اهواز - خرمشهر، اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان، که به ترتیب در تاریخ‌های ۱۳۵۹/۷/۳، ۱۳۵۹/۷/۱۹ و ۱۳۵۹/۷/۲۳ مسدود شدند، شهر در محاصره کامل قرار داشت.

ظهور انقلاب اسلامی ایران، عکس‌العمل عراق و نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی مردم ایران پس از اوج‌گیری در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶، در بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و سبب حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در ایران شد که وضعیت تازه‌ای در منطقه و جهان پدید آورد و عواقبی را در پی داشت. جدایی ایران از بلوک غرب در نظام دو قطبی و اعلام استقلال کامل در نظام بین‌الملل و خروج از دایره وابستگی امریکا در همسایگی شوروی، محسوس‌ترین تبعات این انقلاب بود. علاوه بر این، استقلال یکی از کشورهای منطقه خلیج فارس آن هم کشوری که دارای بیش‌ترین ساحل در این منطقه است و تأثیرگذاری قطعی این امر در سرنوشت نفت، ارائه الگویی جدید برای مبارزه با استبداد، رهایی یک ملت از وابستگی و کسب استقلال و آزادی در مهم‌ترین منطقه نفت‌خیز جهان - که دولت‌های آن فاقد مشروعیت مردمی بودند - ارائه ایدئولوژی جدید برای مبارزه با اسرائیل در وضعیتی که ایدئولوژی‌های گذشته ناتوانی خود را برای مقابله با اسرائیل نشان داده بودند، بخشی از نتایج پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که نظام بین‌الملل نمی‌توانست در مورد آن بدون واکنش باقی بماند؛ خصوصاً از امریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در خاورمیانه، بیش‌ترین واکنش‌ها انتظار می‌رفت.

بروز بحران‌های متعدد و گسترده و پی‌درپی داخلی، افزایش حضور ناوهای امریکایی در خلیج فارس و تشکیل ناوگان پنجم دریایی امریکا با هدف پرکردن خلأ قدرت در این منطقه بعد از سقوط ژاندارم منطقه (شاه ایران)، تشکیل "نیروی یک‌صد و ده هزار نفری واکنش سریع" در ارتش امریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور حضور سریع در مناطق ویژه، فعالیت جدید نیروهای امریکایی در پایگاه‌های نظامی کشور ترکیه در همسایگی ایران و پذیرش شاه در امریکا، هر کدام تهدیدی علیه ایران اسلامی محسوب می‌شد. جدی بودن این تهدیدات به خصوص با حمله امریکا به ایران در صحرای طبس - که به شکست امریکایی‌ها انجامید - و با حمایت از کودتای نوژه - که در آستانه وقوع کشف گردید - آشکار شد.

از سوی دیگر، حکومت عراق که امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را تحمیل بر خود می‌دانست و همواره در پی فرصت بود که به هر نحو ممکن از عملی شدن آن شانه خالی کند و تنگناهای ژئوپلیتیک خود را با تجاوز به خاک ایران بهبود بخشد، گرایش به سمت غرب را آغاز کرده بود. مرادفات دیپلماتیک جدید سران حکومت عراق با حاکمان عربستان سعودی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برکناری "حسن البکر" رئیس جمهوری عراق و جایگزین شدن صدام حسین به جای وی اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تیره شدن روابط عراق با سوریه پس از برکناری حسن البکر، تصفیه درونی حزب بعث و اعدام عناصر برجسته حزب کمونیست عراق، همگی نشان‌دهنده تغییر جهت حزب بعث عراق به سمت غرب بود. در این حال، حکومت عراق با اخراج رهبر انقلاب اسلامی ایران از عراق در آبان ۱۳۵۷، همچنین پس از انقلاب ایران با به شهادت رساندن روحانیان مبارز عراق از جمله آیت‌الله سید محمدباقر صدر و اخراج ایرانیان مقیم عراق، دشمنی خود را با انقلاب اسلامی آشکار می‌ساخت. هدف این اقدامات حکومت عراق، دامن زدن به جنگ سرد علیه ایران اسلامی تلقی می‌شد. از همان اوایل تشکیل نظام اسلامی در ایران، اوضاع استان‌های هم‌مرز با عراق بحرانی شد و از خوزستان تا آذربایجان غربی دست‌خوش حوادثی گردید که گروه‌های ضدانقلاب داخلی با حمایت عراق و یا عناصر عراقی تبار ایجاد می‌کردند. ارتش عراق نیز دور از صحنه نبود، بلکه با اقدامات مهندسی منطقه را برای شروع نبردی سنگین آماده می‌کرد و در این حال با تجاوزات زمینی، هوایی و دریایی و با راه‌انداختن جنگ روانی علیه ایران، قدرت و واکنش قوای ایران را می‌آزمود و معابر و وصولی مناسب را برای آغاز هجوم سراسری شناسایی می‌کرد.

در مقابل، نظام نوپای جمهوری اسلامی که هیچ اندیشه فرامرزی به جز صدور فرهنگ انقلاب اسلامی نداشت، در همان روزهای آغازین انقلاب به سرعت از توان نظامی خود کاست، مستشاران نظامی امریکایی را از کشور اخراج کرد، از پیمان نظامی و منطقه‌ای "سنتو" خارج شد، قرارداد خرید زیردریایی و آواکس را با کشورهای آلمان و امریکا لغو کرد، سقف پرسنل ارتش را از پانصد هزار تن به نصف تقلیل داد و دوره خدمت وظیفه را از دو سال به یک سال کاهش داد. این وضعیت تا گذشت شش ماه پس از انقلاب ادامه داشت، اما پس از بروز چندین بحران در شش ماهه اول انقلاب - که آخرین آن، غائله پاره بود - و پس از این‌که امریکایی‌ها شاه را پذیرفتند، اقدامات بازدارنده به مرور آغاز شد. تشکیل سپاه پاسداران و شروع تحول در ارتش و بازسازی آن - که از همان روزهای اول انقلاب آغاز شده بود - بخشی از این اقدامات بازدارنده محسوب می‌شد. افزایش خدمت سربازی از ۱۲ ماه به ۱۸ ماه و واگذاری فرماندهی کل قوا به رئیس جمهوری وقت - که افزایش انسجام تشکیلات نظامی را در پی داشت و می‌توانست موجب هماهنگی قوای لشکری و کشوری شود - نیز بخش دیگری از اقدامات بازدارنده ایران به شمار می‌رفت. به موازات این تلاش‌ها، تصرف سفارتخانه امریکا در تهران، بسیاری از برنامه‌های ضد امنیتی امریکا علیه ایران را فاش کرد و اسناد به دست آمده از آن، ضمن آن‌که عوامل داخلی امریکا - که نقش‌های مهمی در تکمیل توطئه امریکا علیه ایران داشتند - افشا کرد، بسیاری از تهدیدات را نیز برطرف کرد. این اقدامات با کشف کودتای نوژه تکمیل گردید.

البته اقدامات بازدارنده ایران در حدی نبود که مانع از هجوم سراسری ارتش عراق به خاک کشور شود. در این وضعیت، قوای مسلح نوپای ایران با بحران‌های داخلی درگیر بودند، بحران‌هایی که حتی بخش‌هایی از استان‌های غربی کشور را به میدان جنگ‌های پارتیزانی تبدیل کرده بود. ارتش و سپاه هر دو برای مقابله با ضدانقلاب مسلح درگیر بودند، اما مسئولیت اصلی مقابله با جنگ‌روانی، آشوب، ترور، ارباب مردم و شهادت عناصر شاخص انقلاب، متوجه سپاه بود و عملاً عمده توان آن را به خود مشغول کرده بود و سپاه با گسترش توان خود در سراسر کشور به حفظ امنیت شهرها، روستاها، جاده‌ها و بسیاری از مناطق مرزی می‌پرداخت. به این ترتیب، ارتش، ژاندارمری و سپاه در برابر معابر و وصولی ارتش عراق صف‌آرایی کرده بودند، لیکن کم‌تر از ۲۰ درصد توان موجود

پس از سقوط خرمشهر، دشمن، تصرف آبادان را هدف قرارداد. چهار روز پس از سقوط خرمشهر نیروهای عراقی با عبور از رودخانه بهمنشیر در منطقه کوی ذوالفقاری، وارد جزیره آبادان شدند، لیکن با همت مدافعان آبادان، متجاوزان عقب رانده شدند؛ طوری که عراق تا پایان جنگ، دیگر برای عبور از بهمنشیر و ورود به آبادان به استقبال خطر نرفت و سرمایه‌گذاری جدی نکرد. بنابراین، ارتش عراق در اشغال هدف محدود شده خود نیز ناکام ماند و بخش جنوبی خرمشهر (جنوب کارون) و جزیره آبادان از اشغال دشمن مصون ماند و به این ترتیب با تصرف ناقص اهداف، یک خط پدافندی ناقص و آسیب‌پذیر به دشمن تحمیل شد.

شانزده روز پس از حادثه کوی ذوالفقاری، عراق برای تصرف مجدد سوسنگرد - که در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۹ آزاد شده بود - حمله کرد و این شهر را برای بار دوم به محاصره درآورد، اما این بار نیز با مقاومت سرسختانه نیروهای خودی روبه‌رو شد و پس از دو روز، شکست خورد. بدین ترتیب هدف عملیاتی "سلب آرامش از دشمن" به نتیجه رسید و ارتش عراق را مجبور به پذیرش وضعیتی آسیب‌پذیر کرد. در عین حال، عراق که در مقایسه توان نظامی دو کشور، توازن نظامی موجود را به نفع خود می‌دید، حاضر به عقب‌نشینی نبود و می‌خواست در مذاکرات آتی، مناطق اشغالی را عامل تضمین کسب امتیاز از ایران قرار دهد. پس از اشغال سرزمین‌های ایران، چندین بار هیئت‌های صلح بین ایران و عراق تردد کردند. سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان غیرمتعهدها هر کدام هیئتی را مأمور به میانجیگری کردند. همچنین نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد چند بار به تهران و بغداد سفر کرد. تهران هیچ‌گاه راه را به روی فعالیت دیپلماتیک نبست، اما میانجیگران هیچ طرح تضمین‌شده‌ای برای آزادی سرزمین‌های اشغالی نداشتند، بلکه تنها ایران را به قبول آتش‌بس توصیه می‌کردند! در مقابل، ایران که دارای موضعی ثابت بود و اعلام می‌کرد که قبل از هر چیز، ارتش عراق باید بدون قید و شرط از سرزمین‌های اشغالی عقب‌نشینی کند، تنها راه چاره را در اقدام نظامی می‌دید.

بن‌بست در جنگ، تحول در استراتژی

مدتی پس از هجوم سراسری ارتش عراق، در چارچوب استراتژی آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده "چهار عملیات گسترده طرح‌ریزی شد که در صورت موفقیت، نه تنها سرزمین‌های اشغالی آزاد می‌شد و مرزهای بین‌المللی در استان خوزستان تأمین می‌گردید، بلکه دشمن تا حومه بصره تعقیب می‌شد. اما ابزار کافی برای اجرای این استراتژی در دست نبود و توان به کار گرفته شده، نیازهای عملیاتی را کفایت نمی‌کرد، لذا استراتژی یاد شده به نتیجه نرسید و جنگ با بن‌بست روبه‌رو شد. تنها راه خروج از بن‌بست، با وقوع تحول استراتژیک در جنگ میسر بود. گریزی از استراتژی تأیید شده "آزادی سرزمین‌های اشغالی" نبود، اما ابزارها و روش‌ها باید تغییر می‌کرد. فرماندهی جنگ که برای اجرای این استراتژی می‌بایست سازمان‌های ارتش و سپاه و نیروهای مردمی را به کار می‌گرفت، به جز ارتش، به کارگیری سایر ابزارها را قبول نداشت؛ ضمن آن‌که روش‌های به کار گرفته شده نیز کاربرد لازم را نداشتند. در این اوضاع، بازنگری و ارزیابی عملکرد گذشته به کوشش برخی از فرماندهان نظامی آغاز شد و نیروهای خودی در بستر نبردهای محدود، با روش آزمون و خطا به بررسی پرداختند، لیکن وظیفه اصلی در این مورد متوجه فرمانده کل قوا (رئیس‌جمهور وقت) بود، اما وی پس از احساس بن‌بست، جهت یافتن راه‌حل نظامی برای جنگ، اقدامی نکرد. فرمانده کل قوا برای باز کردن گره جنگ تدبیری نداشت و نیز از اندیشه فرماندهانی که اوضاع جنگ را درک می‌کردند، یاری نمی‌خواست. وی پس از ناکامی نبردهای پل نادری، نصر و توکل، پنج ماه فرصت بازنگری داشت، اما هیچ تدبیر و راه‌کار جدیدی ارائه نکرد، بلکه با روی آوردن به بحران‌های داخلی و نزدیک شدن به سازمان‌های مخالف نظام و رودرو قرار گرفتن در برابر اکثریت مردم، از پشتوانه مردمی و ملی نیز بی‌بهره شد و ضرورت عزل خود را قطعی کرد. در این هنگام رهبری نظام در ۱۳۶۰/۳/۲۱ وی را از سمت فرمانده کل قوا برکنار کرد. پس از برکناری رئیس‌جمهور (بنی‌صدر) از مقام فرماندهی کل قوا، گروه‌های مخالف نظام که با وی هم‌پیمان شده بودند، موقعیت را برای تشدید بحران داخلی مناسب دیدند. این گروه‌ها بدان امید که رئیس‌جمهور همچنان از حمایت مردمی برخوردار است و از این موقعیت، آنان نیز بهره خواهند برد، دست به اقداماتی زدند. از جمله ابتدا جبهه ملی در ۱۳۶۰/۳/۲۵ با عنوان مخالفت با لایحه قصاص، مخالفان را دعوت به راه‌پیمایی کرد، اما رهبری نظام واکنش نشان داد. با دعوت امام خمینی از مردم و حضور انبوه آنان در خیابان‌ها، دعوت جبهه ملی به راه‌پیمایی بی‌پاسخ ماند. پنج روز بعد در ۱۳۶۰/۳/۳۰ سازمان مجاهدین خلق (منافقین) - که از همان روزهای اول انقلاب اقدام به جمع‌آوری سلاح و تشکیل تیم‌های مخفی کرده بود - به حمایت از رئیس‌جمهور یک راه‌پیمایی غیرقانونی خشونت‌بار به راه انداخت. در جریان این اقدام مسلحانه، عده‌ای از عناصر طرفدار نظام به خاک و خون کشیده شدند تا قدرت سازمان به نمایش گذاشته شده و هیبت نظام جمهوری اسلامی شکسته شود، اما نه تنها هدف سازمان تأمین نشد، بلکه واکنش شدید مردم را نیز برانگیخت. لذا از روز بعد از این واقعه سازمان که از قبل آماده ورود به فاز نظامی شده بود، رفتار تشکیلاتی خود را تغییر داد و به اقدامات نظامی مخفیانه روی آورد، ترورها و بمب‌گذاری‌ها آغاز شد، بسیاری از مردم عادی مورد سوء قصد مسلحانه قرار گرفتند و نیز بسیاری از مسئولان کشوری از جمله ۷۲ عضو برجسته نظام در انفجار هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در مقر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با تحول در فرماندهی عالی جنگ، میدان مانور پیدا کرده بود و می‌بایست در صحنه جنگ قابلیت‌های خود را به نمایش می‌گذاشت، ناگزیر شد در گستره‌ای بسیار بیشتر و با حساسیتی افزون‌تر از گذشته، برای برقراری امنیت در سطح کشور وارد عمل شود و به عنوان نیروی اصلی پاسدار انقلاب، در کنار نیروهای

کمیته‌های انقلاب اسلامی و سایر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی از جمله اطلاعات نخست‌وزیری، به حفاظت از اماکن و شخصیت‌ها، شناسایی خانه‌های تیمی و انهدام تشکیلات منافقین و عناصر آن بپردازد. بنی‌صدر و رجوی که هر یک با اتکا به نیروهای یکدیگر، به هم نزدیک شده بودند، به پاریس گریختند و مرکزیت سیاسی محاربه با نظام را در خارج کشور مستقر کردند، اما مرکزیت نظامی سازمان که به رهبری موسی خیابانی در داخل کشور استقرار داشت، به دنبال انهدام پی‌درپی خانه‌های تیمی و تشکیلات سازمان، در یک عملیات سقوط کرد و با کشته شدن موسی خیابانی و اشرف ربیعی (همسر رجوی)، فرماندهی و رهبری سازمان منافقین در داخل کشور فروپاشید و سازمان جایگاه خود را به عنوان یک مدعی داخلی به کلی از دست داد و به یک نیروی ایذایی تبدیل گردید. در همین حال با وجود تشدید بحران داخلی که نتیجه آن، ناامنی عقبه‌های استراتژیک جنگ بود و شمار فراوانی از نیروهای سپاه و بسیج را معطوف خود می‌کرد، رهبری نظام بر اصلی نگه‌داشتن جنگ تأکید می‌کرد. امام خمینی با اولویت‌بندی مصالح کشور، اولویت شماره یک را به جنگ اختصاص دادند. در این حال، با برطرف شدن موانع هماهنگی بین سپاه و ارتش، فرصت به کارگیری اندیشه‌های جدید نظامی که از اسفند ۱۳۵۹ پایه‌ریزی و در نبردهای محدود از جمله عملیات فرمانده کل قوا در ۱۳۶۰/۳/۲۱ آزمایش شده بود، به وجود آمد. علاوه بر این، با رفع موانع مؤثر و ورود سپاه به میدان جنگ، زمینه لازم برای جذب نیروهای انقلابی و شکل‌دهی به این نیروها در قالب سازمان رزم، به وجود آمد و ظرفیت به کارگیری نیروهای مردمی ایجاد شد، لذا سپاه می‌بایست در کنار ایجاد امنیت در کشور و مقابله با جریانی که مردم، دولت، مجلس و قوه قضائیه را تهدید می‌کرد، به مسئله جنگ به عنوان اصلی‌ترین مأموریت خود، می‌پرداخت.

آزادسازی مناطق اشغال شده

در وضعیت جدید، مسئولیت سپاه در جنگ بسیار مهم بود و تحول در فرماندهی ارتش که با فرماندهی سرهنگ علی صیادشیرازی در نیروی زمینی ارتش ایجاد شده بود و هماهنگی فوق‌العاده وی و ستادش با سپاه، این مسئولیت را سنگین‌تر می‌کرد. تعیین استراتژی جدید نظامی، تعیین مناطق عملیاتی، حفظ ابتکار عمل در نبردها، چگونگی گسترش سازمان سپاه برای جذب بیش‌تر نیروهای مردمی و مقابله اساسی با دشمن و نیز تفکیک و تبیین نقش سپاه و ارتش، از جمله مواردی بود که به‌خوبی پی‌گیری شد و به سرانجامی مطلوب رسید. سپاه و ارتش مشترکاً در تبیین و اجرای این موارد عمل کردند و در چهار عملیات گسترده در جنوب، محاصره آبادان، اهواز، شوش و دزفول را شکستند و شهرهای بستان و خرمشهر را آزاد کردند و در بسیاری از نقاط خوزستان به مرز دست یافتند؛ اگرچه پاره‌ای از نقاط چون شلمچه، طلائی، فکه و دویرج همچنان در اشغال دشمن باقی ماند. پایان این مرحله - که به مرحله آزادسازی موسوم است - حدود ۲۰ درصد از مناطقی که در آغاز جنگ اشغال شده بود، از جمله نقاط حساس مرزی یاد شده در جنوب و چندین ارتفاع و شهر مرزی در غرب در اشغال دشمن باقی بود. همچنین تا آن‌جا که تأمین مرزها ایجاب می‌کرد، تعقیب دشمن نیز جزو اهداف استراتژی دوره آزادسازی محسوب می‌شد، از همین روست که در عملیات نصر (هویزه) و نیز در عملیات بیت‌المقدس (فتح خرمشهر) پیش‌بینی شده بود که پس از آزادی خرمشهر، دشمن تا حومه بصره تعقیب شود، اما در هیچ یک از این دو عملیات، عبور از مرز انجام نگرفت. در صورتی که اجرای آخرین مرحله عملیات بیت‌المقدس تحقق می‌یافت و دشمن در آن سوی مرز با موفقیت تعقیب می‌گردید، مسلماً در تصمیم‌گیری برای ادامه و یا پایان جنگ تأثیر مهمی می‌گذاشت. به عبارت دیگر، در اختیار داشتن قسمتی از شرق بصره که می‌توانست عامل فشار به عراق برای تخلیه سرزمین‌های در اشغال مانده باشد، ممکن بود ضرورت ادامه جنگ را منتفی کند.

عبور از مرز برای تعقیب دشمن

در عملیات بیت‌المقدس به فتح خرمشهر اکتفا شد و آخرین مرحله آن عملی نگردید، لذا شلمچه در دست دشمن باقی ماند و خرمشهر و آبادان همچنان در معرض تهدید بود. از فکه تا قصرشیرین نیز ارتفاعات مرزی همچنان در اشغال بود و شهرهای مرزی یا در اشغال مانده بود، یا زیردست و تیر نظامیان عراقی قرار داشت. ارتش عراق که خسارت‌های خود را در دو سال جنگ به سرعت ترمیم کرده بود، پس از فتح خرمشهر، بیش از آغاز جنگ نیرو و تجهیزات داشت. ارزیابی روحیه تجاوزگر رهبری عراق به خصوص صدام حسین، نشان می‌داد که ارتش عراق همچنان یک تهدید جدی علیه جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. از سوی دیگر، منطق نظامی حکم می‌کرد در وضعیتی که برتری با خودی است و دور پیروزی ادامه دارد، جنگ تا دستیابی به موقعیتی مستحکم ادامه یابد، به خصوص که هیچ ندای میانجیگرانه جدی در جهان شنیده نمی‌شد. محافل بین‌المللی درباره حقوق ایران سکوت کرده بودند و عراق هنوز ۲۵۰۰ کیلومترمربع از سرزمین‌های ایران اسلامی را در اشغال داشت و هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی سیاسی طرف مغلوب مشاهده نمی‌شد؛ کوچک‌ترین امتیازی برای ایران در نظر گرفته نشده بود، حتی از محکومیت متجاوز خبری شنیده نمی‌شد و پرداخت غرامت به ایران به فراموشی سپرده شده بود، لذا برای کسب موقعیت برتر و دستیابی به موفقیتی که با استفاده از آن، امکان احقاق حقوق ایران میسر باشد، ادامه جنگ ضروری می‌نمود. این جمع‌بندی سران سیاسی و نظامی کشور بود که در جلساتی با فرمانده کل قوا "امام خمینی" ارائه شد و بر جهت‌گیری اولیه امام مبنی بر لزوم پایان دادن به جنگ، تأثیر گذاشت.

بدین ترتیب ضرورت تعقیب دشمن قطعی شد و تعقیب متجاوز تا حصول وضعیتی که تأمین حقوق ایران را مقدور سازد، مبنای تصمیم‌گیری واقع شد و نقطه عطفی را در روند جنگ به وجود آورد. تصمیم جدید نیاز به استراتژی جدید داشت. استراتژی جدید با عنوان "تعقیب متجاوز" هدف‌های متعددی را دنبال می‌کرد: آزادی سرزمین‌های در اشغال مانده، تأمین

مرزهای بین‌المللی، انهدام ارتش دشمن تارفع تهدید آن، و داشتن نظام بین‌الملل به معرفی و تنبیه آغازگر جنگ و دریافت غرامت جنگی از عراق. اما به این دلیل که امیدوی به پیشرفت کار در مجرای دیپلماسی نبود و نشانه‌ای از واقع‌بینی در نظام بین‌المللی دیده نمی‌شد، راهی جز هدف قرار دادن تغییر حکومت عراق باقی نماند، زیرا تنها در آن صورت بقیه اهداف و حداقل حقوق حقه و منافع ملی ایران تأمین می‌شد. تضمین اجرای این استراتژی، حمایت مردم از ادامه جنگ بود. نقش افکار عمومی که در گذرگاه‌های انقلاب اسلامی تعیین‌کننده بوده است، در اثبات ضرورت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر نیز تأثیرگذار بود. رهبری نظام که حفظ مردم در صحنه را در برنامه خویش قرار داده بود و وحدت و یکپارچگی ملی و مردمی را حفظ می‌کرد، هرگز برای تسریع در چرخه امور از روش‌های غیرمردمی سود نجست، بلکه تنها با تقویت انگیزه‌ها و تأکید بر جنبه‌های شرعی و تقویت احساس تکلیف در مردم، آنان را به حمایت از جنگ فرا می‌خواند، لذا با وجود آن که جامعه ایران جوان بود و سه برابر عراق جمعیت داشت، هرگز در طول جنگ تعداد نیروهای ایرانی در جبهه به تعداد نیروهای عراقی نرسید و هرگز کسی که از خدمت سربازی روی برگردانده بود و یا منطقه عملیاتی را ترک کرده بود، محاکمه نشد، همچنان که کسی برای رفتن به جبهه مجبور نگردید. این روش که در نظام‌های شناخته شده جهان نوعی سوء مدیریت شناخته می‌شود، در انقلاب اسلامی که نوع مدیریت آن از نوع مدیریت انبیا است و بیش از هر چیز، انسان پروری در آن اهمیت دارد، روشی کاملاً صحیح و پسندیده است، اگر چه در کوتاه مدت سبب از دست رفتن پاره‌ای از موقعیت‌های مناسب نیز باشد. در مقابل، رهبران بغداد با روش‌هایی که به کار گرفتند نیروهای فراوانی را در جبهه گرد آوردند، حتی شیعیان عراق که دوست‌داران رهبران روحانی ایران و مردم ایران بودند و نیز عراقی‌های ایرانی‌تبار را هم به جنگ با ایران فرستادند و هرکس روی از جنگ با ایران برمی‌گرداند، اعدام می‌شد و یا خانواده‌اش مورد آزار قرار می‌گرفت.

اما در ایران در کنار رهبری آموزگارانه امام و در کنار نقش تعیین‌کننده نیروهای داوطلب مردمی، سازمان‌های ارتش، سپاه و بسیج به تفکیک مسئولیت، در نبردهای مشترک و مستقل و در آفند و پدافند تجربه‌های خود را محک می‌زدند و در چارچوب استراتژی دوره تعقیب متجاوز، وضعیت رزمی خود را ارتقا می‌دادند؛ افزایش استعداد تیپ‌های مستقل ارتش به لشکر، تشکیل سه نیروی سپاه (زمینی، هوایی، دریایی) و نیز اعزام‌های بزرگ بسیج، همگی در این استراتژی قابل تبیین است. سلب آرامش از دشمن و وارد کردن ضربات سنگین به سازمان ارتش آن - که به منظور گرفتن فرصت بازسازی و تدبیر از دشمن به اجرا در می‌آمد - نیز در چارچوب این استراتژی عملی می‌شد.

همچنین اصلی قرار دادن جنگ و پرهیز از سرمایه‌گذاری در مسائل جانبی، از جمله فرعی کردن مقابله با اسرائیل در لبنان در مقایسه با جنگ تحمیلی و تمرکز قوای مسلح در جبهه‌های جنگ با عراق نیز در جهت تحقق آن استراتژی بود. سعی در غافل‌گیر کردن دشمن در سه عامل زمین، زمان و تاکتیک و نیز انتخاب زمین نبرد و تحمیل آن بر دشمن، از جمله موارد دیگری بود که در اجرای این استراتژی رعایت می‌شد. کسب تجارب جدید در به‌کارگیری تجهیزات و تعیین نقش تأثیرگذار برخی تجهیزات در تاکتیک‌های ویژه، از جمله نقش شناورها در عملیات خیبر و نقش توپخانه در عملیات والفجر ۸ نیز با توجه به همان استراتژی قابل تبیین است. کاهش میزان تأثیرگذاری سلاح‌های پیشرفته دشمن که با ادامه جنگ در زمین‌های دشوار، دنبال می‌شد نیز با توجه به آن استراتژی بود.

در استراتژی "تعقیب متجاوز" که هدف نهایی، بصره بود، با وجود تداوم جنگ در سه جبهه شمالی، میانی و جنوبی، جبهه جنوبی منطقه اصلی نبرد بود و دو جبهه دیگر تا پایان زمستان ۱۳۶۵ نقش پشتیبانی داشتند. اولین نبرد بزرگ در استراتژی تعقیب متجاوز، عملیات رمضان در شرق بصره بود که به سبب عدم انطباق کامل وضعیت خودی با آن استراتژی، با وجود موفقیت‌های اولیه، به اهداف خود نرسید. مهم‌ترین نبرد بزرگ بعدی، عملیات خیبر بود که قابلیت‌های قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران را آشکار می‌ساخت. در نتیجه این عملیات بود که بلوک غرب کوشید باب مذاکره با ایران را بگشاید، اقداماتی که با سفر نخست‌وزیر ترکیه به عنوان پیام‌آور غرب آغاز شد و به سفر مشاور امنیت ملی امریکا (مک‌فارلین) به ایران منتهی گردید.

گذر از موانع عبورناپذیر و تصرف مناطق مهم

عبور از رودخانه بسیار عریض اروند و پشت سر گذاشتن موانع گسترده آن - که در عملیات مهم والفجر ۸ به وقوع پیوست و فتح فاو را در پی داشت - خارج از تصور و پیش‌بینی‌ها بود. به عبارت دیگر، پایان دادن به توقف چندساله در پشت دیوار بلند موانع دفاعی عراق و رسوخ به آن سوی دیوار، اقدامی بود که به نظر ناممکن می‌رسید، اما عملی گردید. عبور از اروند خروشان بدون داشتن تجهیزات و لوازم پیشرفته دریایی و هوایی علاوه بر آن که ارتقاء توانایی‌های نظامی به نمایش درآمده در عملیات خیبر را اثبات می‌کرد، نشان می‌داد که نیروهای مسلح ایران در ارائه اندیشه‌های جدید و تدبیرهای تازه در دنیای نظامی‌گری برای شکستن بن‌بست جنگ، توانایی لازم را دارند. تاکتیک‌های به‌کارگرفته شده در این عملیات که تلفات فراوانی را در ۷۵ روز نبرد به ارتش عراق تحمیل کرد، به تثبیت منطقه تصرف شده انجامید. کوتاه کردن (نسبی) دست عراق از شمال خلیج فارس و همسایه شدن ایران با کویت، امنیت خلیج فارس را متأثر کرده بود، لذا عملیات والفجر ۸ بسیار مهم تلقی می‌شد و به نظر می‌رسید که ایران با در دست داشتن شبه جزیره فاو، آماده پایان بخشیدن به جنگ باشد، لیکن به‌رغم ابراز تمایلات قبلی نظام بین‌الملل برای پایان دادن به جنگ، پس از والفجر ۸ نه تنها هیچ اقدامی از آنان در این خصوص دیده نشد، بلکه پس از فتح فاو، فرانسه - کشوری با ادعای ابرقدرتی - از اردوی غرب و شوروی از اردوی شرق برای تقویت ارتش عراق اقدامات فوق‌العاده‌ای را آغاز کردند. در عین حال، مقامات ایران بار دیگر پای بندی غرب را به مذاکرات محرمانه خود به بوته آزمایش گذاشتند و سال پس از عملیات فتح فاو را سال سرنوشت

نمیدند تا بدین وسیله به افکار عمومی تفهیم گردد که ایران آماده پایان دادن مشروط به جنگ است. بر همین اساس، عملیات کربلای ۴، عملیات سرنوشت‌ساز نام گرفت، اما در آستانه اجرای این عملیات، داستان سفر مک‌فارلین به تهران که مخفی مانده بود، به وسیله عناصر مشکوک ایرانی و احتمالاً مرتبط با اسرائیل، در اختیار یکی از نشریات خارجی قرار گرفت. با پخش اطلاعات این موضوع سرّی، رهبری نظام که این مسئله را توطئه‌ای علیه وحدت ملی می‌دانست، دستور افشای آن را داد. با افشای ماجرای مک‌فارلین، روابط امریکا و عراق تیره شد و شوروی‌ها برای پرکردن جای خالی شده در روابط خارجی عراق، به سرعت خود را به این کشور نزدیک کردند و از سوی دیگر، برای نشان دادن خشم خود به ایران، به دلیل برقراری روابط پنهان با امریکا، بمباران گسترده‌ای را علیه ایران سامان دادند. در این بین امریکایی‌ها هم که از تیره شدن روابط خود با عراق نگران بودند و این مسئله را سبب سلب اطمینان دنیای عرب از واشنگتن می‌دانستند، از سویی از همکاری شوروی با عراق و بمباران شهرهای ایران تشکر کردند و از سوی دیگر، اطلاعات (ماهواره‌ای و غیره) مربوط به عملیات کربلای ۴ را در اختیار عراق گذاشتند. لذا ارتش عراق که از محور اصلی عملیات کربلای ۴ آگاه شده بود، شب عملیات، اصلی‌ترین معبر وصولی را مسدود کرد و در نتیجه، عملیات سرنوشت‌ساز، هم در بُعد سیاسی و هم در بُعد نظامی ناکام ماند، به همین دلیل نام عملیات که قبلاً والفجر ۱۰ پیش‌بینی شده بود، به کربلای ۴ تغییر یافت.

پیشروی در شرق بصره

عملیات کربلای ۴ با وجود ناکامی، نتیجه‌ای مثبت در پی داشت: طریقه گشودن یکی از گره‌های بسته جنگ در شرق بصره را نشان داد. در حالی که حکومت عراق سرگرم برپایی جشن ناکامی عملیات سرنوشت‌ساز ایران بود و آن را حصادالاکبر (دروی بزرگ) نامیده بود و در حال لشکرکشی به سوی فاو بود تا فاو را هم پس بگیرد، عملیات کربلای ۵ آغاز شد. با طرح ریزی و اجرای سریع عملیات کربلای ۵ - که با استفاده از تجارب به دست آمده در عملیات کربلای ۴ و نیز با به‌کارگیری نیروهای آماده و به‌جا مانده از آن عملیات، انجام شد - موانع شرق بصره که برای هیچ ارتشی در خاورمیانه قابل عبور نبود، شکسته شد و بصره برای اولین بار و به‌طور جدی در خطر سقوط قرار گرفت. غافل‌گیری دشمن در زمان، زمین و تاکتیک سبب شد که مهم‌ترین عملیات در دوره تعقیب متجاوز روی دهد. بزرگی حادثه به قدری بود که عراقی‌ها ابتدا امریکا را در این قضیه متهم کردند و گمان بردند دریافت اطلاعات عملیات کربلای ۴ فریبی بیش نبوده، غافل از آن که شبکه‌های اطلاعاتی امریکا هم در مورد عملیات کربلای ۵ غافل‌گیر شده بودند.

این مسئله که بار دیگر از توان مندی قوای مسلح ایران حکایت می‌کرد، دنیای غرب و شرق را به جمع‌بندی قاطعی رساند: آنان متقاعد شدند که در صورت نداشتن اتفاق نظر، ایران برنده قطعی جنگ خواهد بود. در نتیجه اولین توافق بین‌المللی بین امریکا و شوروی بر سر پایان جنگ رخ داد و در اولین و آخرین تلاش جدی سازمان ملل متحد برای برقراری صلح، قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت این سازمان تصویب شد. این قطعنامه هنگامی تصویب شد که برتری در جنگ با ایران بود، در عین حال نحوه تنظیم مواد آن نشان می‌داد، صرف نظر از این که برای اولین بار به برخی واقعیات جنگ توجه شده، با ابهامات بسیاری نیز توأم است که می‌تواند تأمین‌کننده تمایلات عراق باشد و بی‌دلیل نبود که پس از تصویب قطعنامه، عراق بلافاصله آن را پذیرفت، اما ایران که نمی‌توانست ریسک کند و در وضعیت برتر یک قطعنامه مبهم را بپذیرد، پذیرش آن را به توافق بر سر روش اجرای آن مشروط کرد. در عین حال برای تحکیم مواضع بین‌المللی خود که در چانه‌زنی‌های بعدی بتواند حداقل امتیازات و حقوق مورد نظرش را استیفا کند، جنگ را ادامه داد. میدان اصلی جنگ که تا عملیات کربلای ۵، در جبهه جنوبی بود، از این پس به جبهه شمالی منتقل شد و از سوی دیگر، با ورود امریکا به خلیج فارس و احساس خطر جمهوری اسلامی از آن ناحیه، برای مدتی میدان اصلی نبرد از زمین به دریا انتقال یافت و مدت چهارماه این وضعیت ادامه داشت تا آن که یک آتش‌بس نسبی اعلام نشده بین ایران و امریکا به خلیج فارس برقرار شد و بار دیگر نبردهای زمینی، در رأس جنگ قرار گرفت.

در جبهه شمالی چند عملیات موفق اجرا شد. در طی این مدت، ایران ضمن ادامه عملیات، گفت‌وگو برای رسیدن به توافق در نحوه اجرای قطعنامه ۵۹۸ را رها نکرد و در این باره موافقت نسبی دبیرکل سازمان ملل متحد را نیز جلب کرد و با امیدواری در مورد جلب نظر شورای امنیت پیش می‌رفت. نام‌گذاری والفجر ۱۰ برای عملیات در منطقه حلبچه، نیز می‌توانست پیامی برای آمادگی ایران جهت پایان دادن به جنگ باشد، لیکن دنیا با سکوت خود در برابر این پیام، مجوز بمباران شیمیایی حلبچه را به عراق داد و پس از این بمباران نیز اقدام مهمی از کشورهای ثالث دیده نشد. از سوی دیگر، برخی اختلالات و تضاد منافع بین امریکا و شوروی در مورد نحوه پایان یافتن جنگ، از جمله حضور گسترده و دخالت مستقیم نظامی امریکا در خلیج فارس، سبب شد که شوروی هم‌نوایی کاملی (نظیر زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸) با دیگر اعضای شورای امنیت نشان ندهد، از این رو ایران در جریان چانه‌زنی درباره اجرای قطعنامه و رسیدن به وضعیت مطلوب، تهدیدها و قطعنامه‌های تنبیهی بعدی را چندان جدی نمی‌گرفت و با افزایش حسن ارتباط با شوروی، از این ابرقدرت برای گرفتن زمان لازم استفاده می‌کرد.

پایان جنگ

عراق، پس از شکست در خرمشهر در جریان عملیات بیت‌المقدس، در لاک دفاعی فرو رفت و بیش از هر چیز به ایجاد موانع بر سر راه قوای مسلح ایران پرداخت. در همین حال، به مرور اعتبار خود را که از دست داده بود، بازیابی و ارتش خود را نیز بازسازی می‌کرد. از سوی دیگر، ایران



با پیگیری استراتژی تعقیب متجاوز - که در حملات پی در پی بروزی کرد - آسیب‌های مداومی بر روحیه ارتش عراق وارد می‌کرد که خصوصاً در عملیات والفجر ۸ و سپس در عملیات کربلای ۵ به اوج خود رسید. اما از طرف دیگر، کمک‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی و نیز حمایت دیپلماتیک و تبلیغاتی نظام بین‌الملل از عراق، کمیوندهای روانی ارتش این کشور را جبران می‌کرد، ضمن آن که به برتری توانایی‌های نظامی عراق روز به روز می‌افزود. عراق با اتکا به حمایت‌های جهانی، علاوه بر تقویت روزافزون قوای زمینی خود، توان نیروی هوایی‌اش را نیز افزایش داد و به کمک هواپیماهای پیشرفته، از سال ۱۳۶۲ خلیج فارس را برای ایران نا امن کرد تا با توقف یا کاهش صدور نفت و تقلیل قدرت اقتصادی ایران، توان ادامه جنگ را از آن بگیرد و هم‌زمان دامنه جنگ را گسترش دهد و پای نیروهای فرامنطقه‌ای را به خلیج فارس بکشد. ایران در برابر این اقدام چاره‌ای جز مقابله به مثل نداشت. از آن جا که تنگه هرمز به روی کشتی‌های عراقی مسدود بود و کویت و عربستان سعودی به جای عراق نفت می‌فروختند و حمل و نقل دریایی انجام می‌دادند، کشتی‌های کویتی و سعودی هدف حمله هواپیماهای ناشناس قرار می‌گرفتند و این مسئله، دعوت از ابرقدرت‌ها برای اسکورت نفت‌کش‌ها را در پی داشت که از سال ۱۳۶۶ بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸، اجرای اسکورت شروع شد و دور جدیدی را در جنگ پدید آورد. در جنبه‌ای دیگر، تقویت ناوگان هوایی عراق سبب گردید که این کشور از سال ۱۳۶۳ دامنه حملات هوایی خود را تا تهران گسترش دهد و چهار سال بمباران شهرهای ایران را تداوم دهد. در این جریان، شوروی، آلمان و برزیل با تقویت یگان‌های موشکی عراق، نقش مهمی در ادامه حملات این کشور به شهرهای ایران داشتند. این مسئله که بیش‌تر به منظور کاستن از حمایت مردم و دور کردن آن‌ها از جنگ و ایجاد واکنش در آنان علیه حکومت ایران صورت می‌گرفت، به‌رغم آسیب بسیاری که وارد آورد، واکنش منفی علیه نظام جمهوری اسلامی در پی نداشت. ایران نیز با این که قدرت آفند نیروی هوایی‌اش تقریباً به صفر رسیده بود، باموشک‌هایی که به دست آورده یا بازسازی کرده بود، مقابله به مثل می‌کرد، لذا این اقدام عراق نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری ایران نداشت. اما آنچه نقش تعیین‌کننده را ایفا می‌کرد، قوای زمینی ارتش عراق بود که با وجود تلفات فراوانی که در هشت سال جنگ به آن وارد شده بود، در روزهای پایانی جنگ پنج برابر روزهای نخست نیرو و لشکر داشت و تعداد ادوات زرهی و هواپیماهایش نیز دو برابر شده بود، این در حالی بود که شمار نیروهای ایران کمتر از ۳۰ درصد نیروهای عراق بود. در چنین حالتی، عراق در یک سال آخر جنگ از درگیر کردن یگان‌های اصلی خود نیز پرهیز کرد و هرگز حاضر نشد برای دفاع از جبهه شمالی خود، آن‌ها را به کار بگیرد. با چنین وضعیتی و در حالی که قوای مسلح ایران در منطقه حلبچه درگیر بودند، ارتش عراق به فاو حمله کرد و با استفاده از سلاح شیمیایی و غافل‌گیری نیروهای خودی، فاو را پس گرفت و وضعیت جدیدی را پیش آورد. دست‌یابی به فاو برای عراق که به جز ضعف روحی نیروها، در همه جنبه‌های مادی، برتری محسوسی بر ایران یافته بود، برای ارتش عراق مشکل‌گشا شد و با آشکار شدن این برتری و نیز با اتکا به سلاح‌های غیرمتعارف، مناطق از دست داده شلمچه، مجنون و زبیدات را بازستاند. در همین وضعیت، آمریکا که هم‌زمان با حمله عراق به فاو، در حمله‌ای سمبلیک، سکوهای نفتی ایران را هدف گرفته بود تا حمایت خود را از عراق اثبات کند، در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۲ یک هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز خلیج فارس هدف قرار داد و ۲۹۰ مسافر را به شهادت رساند. هم‌زمان خبرهایی دال بر تهدید به بمباران شیمیایی و حتی بمباران اتمی شهرهای بزرگ به ایران می‌رسید و سرنگونی هواپیمای مسافربری نیز هشدار برای حملات بعدی معنا می‌شد. لذا تجزیه و تحلیل اوضاع موجود سبب شد که در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ ایران موافقت خود را با قطعنامه ۵۹۸ اعلام کند. به این ترتیب وقت‌گیری یک ساله ایران برای کسب پیروزی مهم و استراتژیک و قرار گرفتن در موضعی برتر، به نتیجه مطلوب نرسید و نظام بین‌الملل حاضر نشد به تلاش منطقی و دیپلماتیک ایران روی خوش نشان دهد، بلکه برعکس با تقویت رژیم عراق و موافقت با به کارگیری گسترده سلاح‌های غیرمتعارف به وسیله ارتش آن کشور، خطر تضعیف ایران و حتی شکست کامل در جنگ به وجود آمد. پس از اعلام موافقت ایران با قطع‌نامه، ارتش عراق مجدداً به خوزستان، ایلام و کرمانشاه هجوم آورد، ضمن آن که در حمله به کرمانشاه نیروهای منافقین نیز به کار گرفته شد، اما در پی پیام امام خمینی مبنی بر مقابله با تجاوزات دشمن، مردم به طور شگفت‌آوری با حضور در جنوب و غرب کشور ارتش عراق و منافقین را با قدرت عقب راندند. سرانجام عراق نیز که خطر گرفتاری مجدد در حوادثی همانند آغاز جنگ را دوباره احساس می‌کرد، در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۱۵ تن به آتش‌بس داد و در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ به‌طور رسمی آتش‌بس برقرار شد و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد بین نیروهای ایران و عراق مستقر شدند.

ارتش عراق تهدیدی برای کشورهای منطقه

در منطقه نفت خیز خلیج فارس را تهدیدی اساسی برای آینده صدور نفت پیش‌بینی می‌کرد، از این رو دامی برای عراق گسترده تا با گرفتار شدن در آن، تجهیزات کشتار جمعی - که در هشت سال جنگ با ایران از غرب و شرق وارد عراق شده بود - و ارتش قدرت‌مند عراق نابود شود. به همین دلیل کویت که بخش عمده‌ای از هزینه جنگ عراق علیه ایران را پرداخته بود، غافل از دامی که گسترده شده بود، در دریافت طلب خود از عراق پای فشرد و سر ناسازگاری گذاشت و عراق که از شدت تراکم نیروهای ارتش خود به مرز انفجار رسیده بود، موقعیت را برای حمله به کویت مناسب دید، اما پیش از آن، موضوع را با سفیر آمریکا در عراق در میان گذاشت و از عدم مخالفت آنان با این حمله اطمینان حاصل کرد. بدین ترتیب عراق به کویت حمله کرد و ظرف چند ساعت این کشور را به اشغال درآورد و امیران بی‌خبر مانده کویت در محاصره، از کاخ‌ها و کشور خود گریختند. پس از این حادثه، سازمان ملل متحد



که در جنگ ایران و عراق سیاست سکوت و بی‌تفاوتی را در پیش گرفته بود، بی‌درنگ واکنش نشان داد و در مدت کوتاهی شورای امنیت این سازمان چند قطعنامه علیه عراق صادر کرد و افکار عمومی را برای حمله نظامی به این کشور آماده کرد. سپس ارتش آمریکا در حالی که با ارتش‌های انگلیس و فرانسه همراهی می‌شد، عملیات علیه عراق را آغاز کرد تا کویت را از اشغال ارتش عراق آزاد سازد. به عبارت دیگر، برای مقابله با ارتش عراق در کویت، به بسیج جهانی نیاز بود و اگر غرب و ارتش آمریکا وارد عمل نشده بودند، مسلماً هیچ قدرت منطقه‌ای توان بیرون راندن ارتش عراق از کویت را نداشت. نزدیک به دو ماه عراق زیر بمباران هواپیماها و موشک‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه مقاومت کرد و آماده بود تا در پشت خطوط پدافندی مستحکم خود در کویت با نیروی مهاجم نبرد کند، لیکن مهاجمان با تکنولوژی برتر، عراق را در جنگ الکترونیکی مهور کردند و به کمک تجهیزات پیشرفته و سریع، بیابان‌های عربستان

را درنوردیدند و از منطقه‌ای که ارتش عراق حضور نداشت وارد خاک این کشور شدند و جاده عراق به کویت را مسدود کردند، لذا نیروهای عراقی در کویت محاصره شدند و سازمان آن‌ها فرو ریخت. بدین ترتیب آنچه را نظام دوقطبی آن روز جهان در عراق انباشته بود تا مانع از پیروزی ایران در جنگ شود و آنچه کشورهای کویت و عربستان سعودی به عنوان هزینه‌های جنگ به خزانه عراق واریز کرده بودند، تمامی علیه خودشان به کار رفت و سپس در میان مدت بخش عظیمی از آن مستهلک شد؛ تجهیزاتی که باقی‌مانده اندک آن عراق را مهم‌ترین تهدید برای کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس معرفی می‌کرد. در این میان عربستان سعودی و کویت که بخش عمده‌ای از هزینه‌های عراق در جنگ علیه ایران را پرداخته بودند، میزانی از هزینه حمله ناتو به عراق را هم تقبل کردند که خود مسئله عبرت‌انگیز دیگری است.



پیروزی انقلاب اسلامی، شروع تجاوزات و هجوم سراسری ارتش عراق

1

**LAUNCHING THE
IRAQI ATTACKS
AFTER THE
VICTORY OF THE
ISLAMIC
REVOLUTION**



حزب بعث عراق برکنار شدند و صدام حسین رسماً رهبری حکومت عراق را به دست گرفت. رابطه عراق با سوریه به تیرگی گرایید و عراق خواستار مقابله با نفوذ شوروی شد. از سوی دیگر، روابط عراق با فرانسه، انگلیس و آلمان گسترش یافت. آمریکا به منظور آمادگی برای حضور در خلیج فارس، ناوگان پنجم دریایی و نیروی واکنش سریع تشکیل داد. پاسداران مریوان قتل عام شدند و پایه برای ۴۸ ساعت به اشغال گروه‌های ضدانقلاب درآمد.

پاییز ۱۳۵۸

امریکا به شاه گریخته از ایران پناهندگی داد؛ سفارتخانه آمریکا در تهران اشغال شد؛ دارایی‌های ایران در آمریکا و بانک‌های آمریکایی توقیف شد؛ امام خمینی فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی را صادر کردند. از سوی دیگر، کنسولگری ایران در بصره اشغال گردید؛ فعالیت‌های نظامی عراق در مرزهای ایران شدت گرفت و موج بمب‌گذاری خوزستان را فراگرفت.

زمستان ۱۳۵۸

ارتش شوروی پایتخت افغانستان را به اشغال درآورد؛ ایران به این عمل شوروی اعتراض کرد؛ در عین حال شوروی قطعنامه شورای امنیت علیه ایران را وتو کرد. اما عراق آمادگی خود را برای واگذاری تسهیلات به آمریکا جهت تأسیس پایگاه نظامی در عراق اعلام کرد؛ عراق دو میلیارد دلار تجهیزات نظامی از ایتالیا خرید و تجاوزات خود را به مرزهای ایران ادامه داد؛ انفجارات در خوزستان همچنان ادامه یافت و ایران سطح روابط با عراق را به کاردار تنزل داد.

بهار ۱۳۵۹

امریکا رابطه خود را با ایران قطع کرد، سپس با وارد کردن نیروی نظامی به کویر طبرستان، قصد داشت به تهران حمله کند که این اقدام به شکست انجامید. با شکست این تجاوز، آمریکایی‌ها اعلام کردند از حمله به مرزهای ایران حمایت می‌کنند. هم‌زمان با این حوادث، عراق آمادگی خود را برای جنگ علیه ایران اعلام کرد. تجاوزات مرزی به ایران را به شدت افزایش داد و دیپلمات‌های ایرانی را نیز از عراق اخراج کرد.

تابستان ۱۳۵۹

کودتای نوژه - که اجرای آن با حکومت عراق هماهنگ شده بود و مورد حمایت آمریکا، مصر و اسرائیل نیز بود.

خود اعتماد به نفس دهد. عراق همه اقدامات لازم برای زمینه‌سازی هجوم را در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی به گونه‌ای موازی دنبال می‌کرد، اما به هماهنگی با آمریکا بیش از هر چیز اهمیت می‌داد. هنگام قطع رابطه آمریکا با ایران، تجاوزات مرزی عراق افزایش یافت؛ در آستانه کودتای نوژه منحنی این تجاوزات یکنواخت شد و پس از شکست کودتا، بسیار شدت گرفت تا آن که در ۱۳۵۹/۶/۳۱ هجوم سراسری عراق از زمین، هوا و دریا علیه ایران اسلامی آغاز گردید.

رویدادها

زمستان ۱۳۵۷

هنوز دوهفته از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود که استان‌های همجوار عراق دستخوش بحران‌سازی گروه‌های ضدانقلاب و وابسته به بیگانه شدند؛ بیش‌ترین حوادث در مناطق کردنشین رخ می‌داد. از آن پس پادگان‌های ارتش و ژاندارمری در نرده، دیوان‌دره، سقز، سردشت، مهاباد و سنندج هدف حمله قرار می‌گرفت که اکثر آن‌ها سقوط می‌کرد و تجهیزات‌شان به غارت می‌رفت. هم‌زمان با این حوادث، ارتش عراق نیز به مرزهای ایران تجاوز می‌کرد.

مهم‌ترین اقدام عراق در این دوره، بمباران روستای سیرین در حومه بانه و هلی‌برد نیرو در این منطقه بود.

بهار ۱۳۵۸

ایران مدت خدمت سربازی را از دو سال به یک سال کاهش داد، از شمار نیروهای ارتش نیز کاست و قرارداد خرید هفت فروند آواکس از آمریکا و شش فروند زیر دریایی از آلمان را لغو کرد. در همان زمان عراق برای خرید ۱۰۰ هواپیمای جنگی "میراژ" با فرانسه وارد گفت و گو شد. هواپیماهای عراق سردشت را بمباران کردند. گروه موسوم به "خلق عرب" اوضاع خرمشهر را به شدت بحرانی کرد.

تابستان ۱۳۵۸

در یک تصفیه درون حزبی، حسن البکر و شماری از سران

حکومت عراق پس از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، برای افزایش قدرت خود در برابر حکومت وقت ایران و تحقق بخشیدن به ادعای حاکمیت خود بر اروندرود، تقویت توان رزمی و گسترش ساختار ارتش را در دستور کار قرار داد. با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ایران و تزلزل حکومت شاه، دولت عراق از یک سو مذاکره با ایران برای تعیین محل قطعی میله‌های مرزی را به تعویق انداخت و از سوی دیگر، با اخراج امام خمینی از عراق در آبان ۱۳۵۷ و سپس حمایت از بازگشت شاه به ایران در بهمن همان سال، تمایل خود را به همکاری با آمریکا برای مقابله با نفوذ و گسترش انقلاب اسلامی نشان داد و هنوز انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی نرسیده بود که نماینده‌ای را نیز به عربستان فرستاد تا سران این کشور را از آمادگی عراق برای مقابله با انقلاب اسلامی آگاه سازد. نزدیک شدن عراق به حکومت سعودی، تیره شدن روابط عراق با سوریه، تصفیه درونی حزب بعث، کودتای بدون خون‌ریزی صدام حسین علیه حسن البکر، ایجاد محدودیت برای حزب کمونیست در عراق، همگی پیش از آغاز جنگ به وقوع پیوست و روند رو به بهبود روابط عراق با غرب را نمایان می‌ساخت.

اخراج ایرانیان مقیم عراق، به شهادت رساندن روحانیان مبارز شیعه از جمله آیت‌الله سید محمد باقر صدر، توزیع سلاح بین عشایر عرب خوزستان، انفجارهای پی‌در پی در تأسیسات نفتی و معابر عمومی در استان‌های مرزی، مین‌گذاری در جاده‌های مرزی، احداث جاده‌های نظامی و تقویت پاسگاه‌های مرزی؛ نیز بیانگر زمینه‌سازی‌های عراق برای آغاز جنگ بودند.

گلوله‌باران و بمباران پاسگاه‌ها، شهرها و مناطق مرزی ایران و تصرف مناطقی چون خان لیلی (در جنوب قصرشیرین)، گیسکه (در جنوب سومار)، میمک (در غرب ایلام) و چندین پاسگاه در غرب دهلران و جنوب فگه را عراق انجام داد تا واکنش ایران و جهان را بررسی کند و نیز به نظامیان



۱۳۵۹/۶/۲۴) معاون شورای انقلاب عراق ابراهیم‌الدوری: عملیات ما برای بازپس‌گیری ۱۳۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق تا پایان هفته جاری خاتمه می‌یابد.

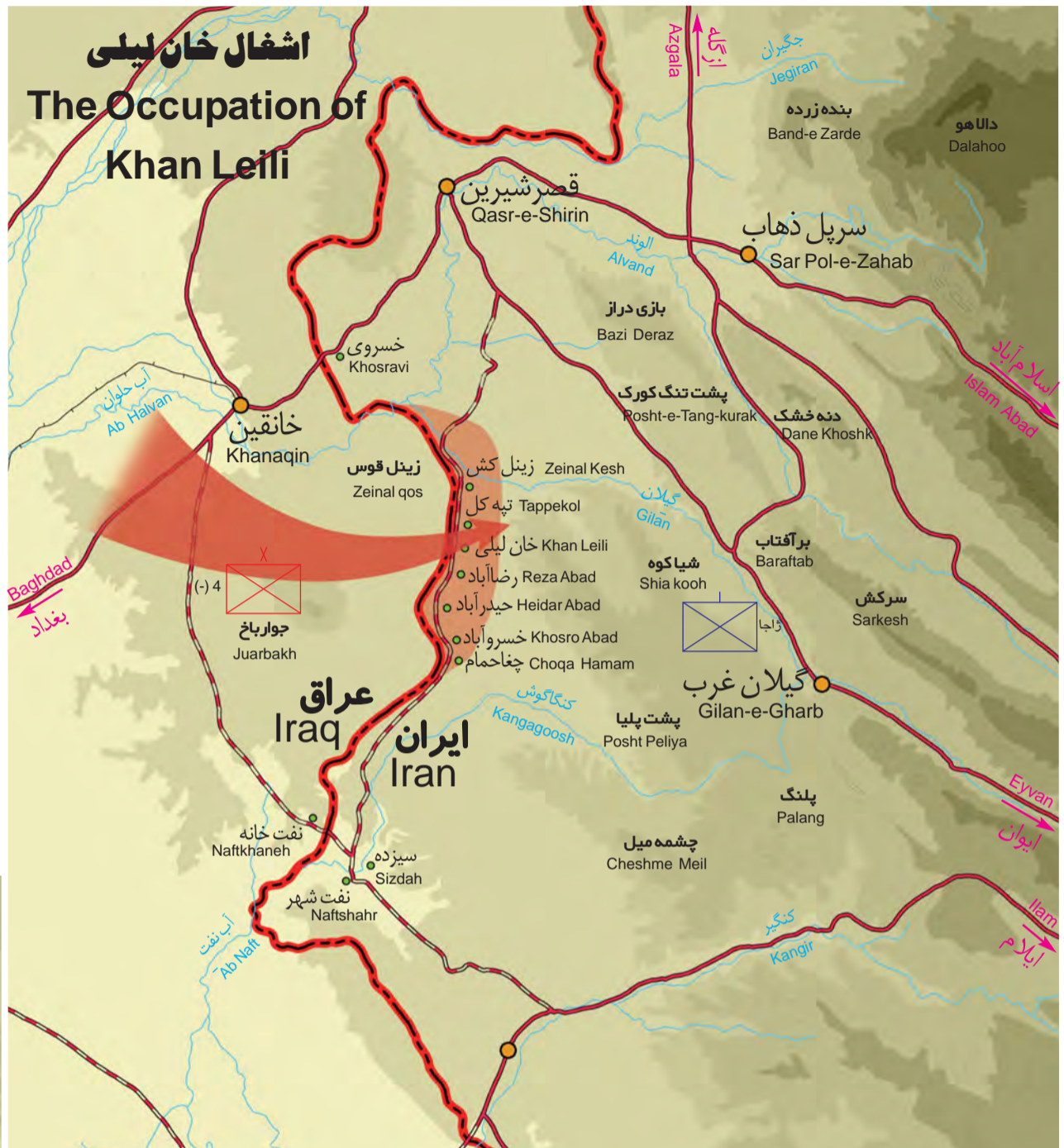
۱۳۵۹/۶/۲۶) عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را ملغی و حاکمیت مطلق خود را بر ابروند رود اعلام کرد. پاسگاه رشیده در جنوب فکه به تصرف عراق درآمد.

۱۳۵۹/۶/۲۸) وزارت خارجه عراق اعلام کرد: [ابروند رود] را دارند، باید پرچم عراق را بر عرشه خود نصب کنند.

۱۳۵۹/۶/۲۹) تهاجم سنگین دریایی عراق، دهانه ابروند تا بندر خرمشهر را در برگرفت. در منطقه نوسود، پاسگاه شیخان به اشغال ارتش عراق درآمد.

۱۳۵۹/۶/۳۰) پاسگاه‌های گیسگه، چغاحمام و چیلات در مناطق سومار، نفت شهر و دهلران به تصرف ارتش عراق درآمد. عراق نیمی از هواپیماهای خود را به کشورهای عربستان، کویت، امارات، عمان، یمن شمالی و اردن فرستاد تا در برابر حملات احتمالی ایران در امان باشند.

۱۳۵۹/۶/۳۱) هجوم سراسری هوایی، دریایی و زمینی ارتش عراق به ایران آغاز شد.

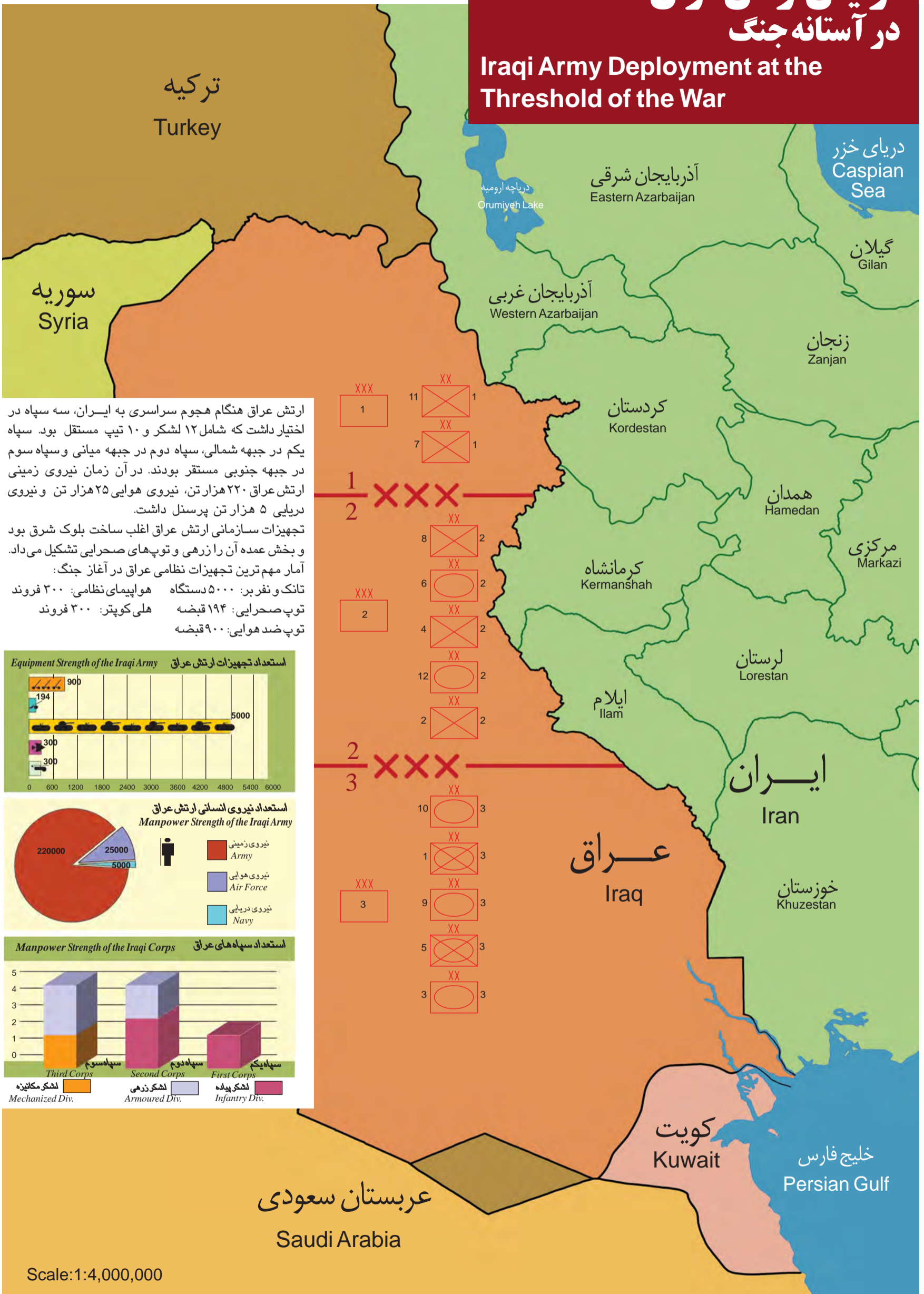


در آستانه اجرا، کشف شد. مشاور امنیتی امریکا با رئیس‌جمهور عراق و وزیر خارجه امریکا با وزیر خارجه عراق دیدار کردند. صدام حسین به عربستان سفر کرد. روابط بازرگانی امریکا با عراق گسترش یافت. چندین منطقه مرزی ایران از جمله خان‌لیلی و میمک به اشغال ارتش عراق درآمد. سرانجام در آخرین روز شهریور سال ۱۳۵۹ هجوم سراسری ارتش عراق به ایران آغاز گردید.

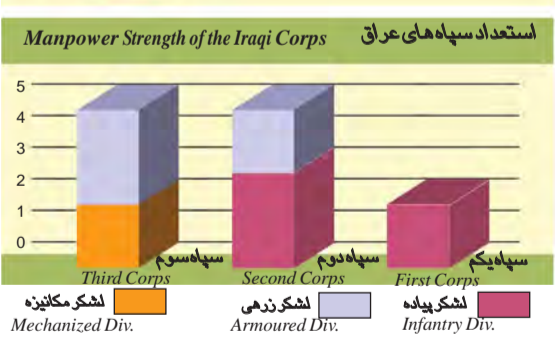
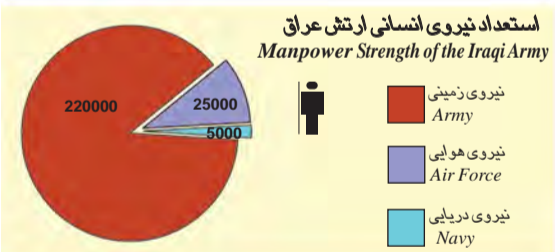
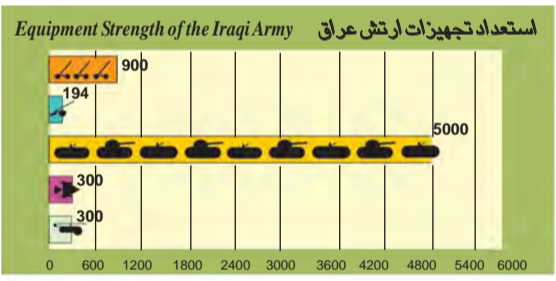
حملات عراق، شهریور ۱۳۵۹
 ۱۳۵۹/۶/۳) سپاه پاسداران وقوع یک جنگ تمام عیار را پیش‌بینی کرد.
 ۱۳۵۹/۶/۷) کیسینجر (وزیر خارجه اسبق امریکا): عراق ظرف ۱۰ روز در جنگ پیروز خواهد شد. شاهپور بختیار آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی نیز سقوط نظام اسلامی را ظرف چند ماه امکان‌پذیر دانست.
 ۱۳۵۹/۶/۱۶) عراق منطقه خان‌لیلی را - که ادعا می‌کرد مالک آن است - اشغال کرد. جاده قصرشیرین - نفت‌شهر از این منطقه می‌گذرد.
 ۱۳۵۹/۶/۱۹) ارتش عراق به میمک حمله کرد.
 ۱۳۵۹/۶/۲۱) میمک به تصرف ارتش عراق درآمد. (طبق قرارداد ۱۹۷۵، مرز ایران و عراق از قله میمک می‌گذرد.)

آرایش ارتش عراق در آستانه جنگ

Iraqi Army Deployment at the Threshold of the War



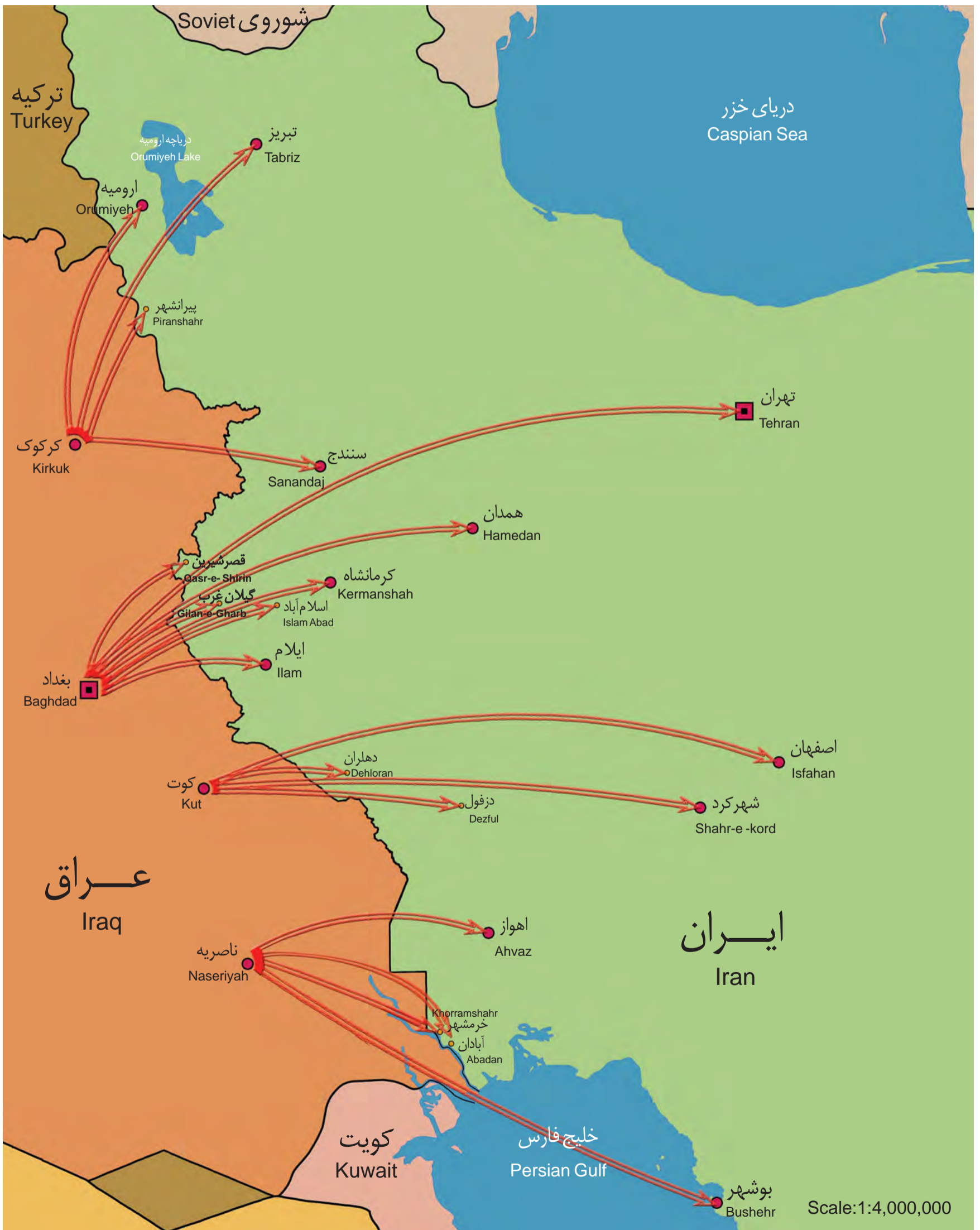
ارتش عراق هنگام هجوم سراسری به ایران، سه سپاه در اختیار داشت که شامل ۱۲ لشکر و ۱۰ تیپ مستقل بود. سپاه یکم در جبهه شمالی، سپاه دوم در جبهه میانی و سپاه سوم در جبهه جنوبی مستقر بودند. در آن زمان نیروی زمینی ارتش عراق ۲۲۰ هزار تن، نیروی هوایی ۲۵ هزار تن و نیروی دریایی ۵ هزار تن پرسنل داشت. تجهیزات سازمانی ارتش عراق اغلب ساخت بلوک شرق بود و بخش عمده آن را زرهی و توپ‌های صحرایی تشکیل می‌داد. آمار مهم‌ترین تجهیزات نظامی عراق در آغاز جنگ: تانک و نفربر: ۵۰۰۰ دستگاه هواپیمای نظامی: ۳۰۰ فروند توپ صحرایی: ۱۹۴ قبضه هلی‌کوپتر: ۳۰۰ فروند توپ ضد هوایی: ۹۰۰ قبضه



هجوم هوایی عراق

Iraqi Air Assault in the First Week of the War

هجوم سراسری ارتش عراق در ساعت ۱۴:۰۰ روز ۱۳۵۹/۶/۲۱ با حمله هوایی به ۱۹ شهر ایران آغاز شد؛ ضمن آن که شهرهای مرزی ایران آماج حملات توپخانه قرار داشت. دشمن در این هجوم دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: در شهرهای مرزی، ارباب مردم به منظور تخلیه شهرها و تسهیل پیشروی نیروی زمینی و در شهرهای دور دست، انهدام پایگاه‌های نظامی، فرودگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، مراکز بزرگ اقتصادی و صنعتی و انهدام مراکز استراتژیک، هدف دشمن را تشکیل می‌داد.

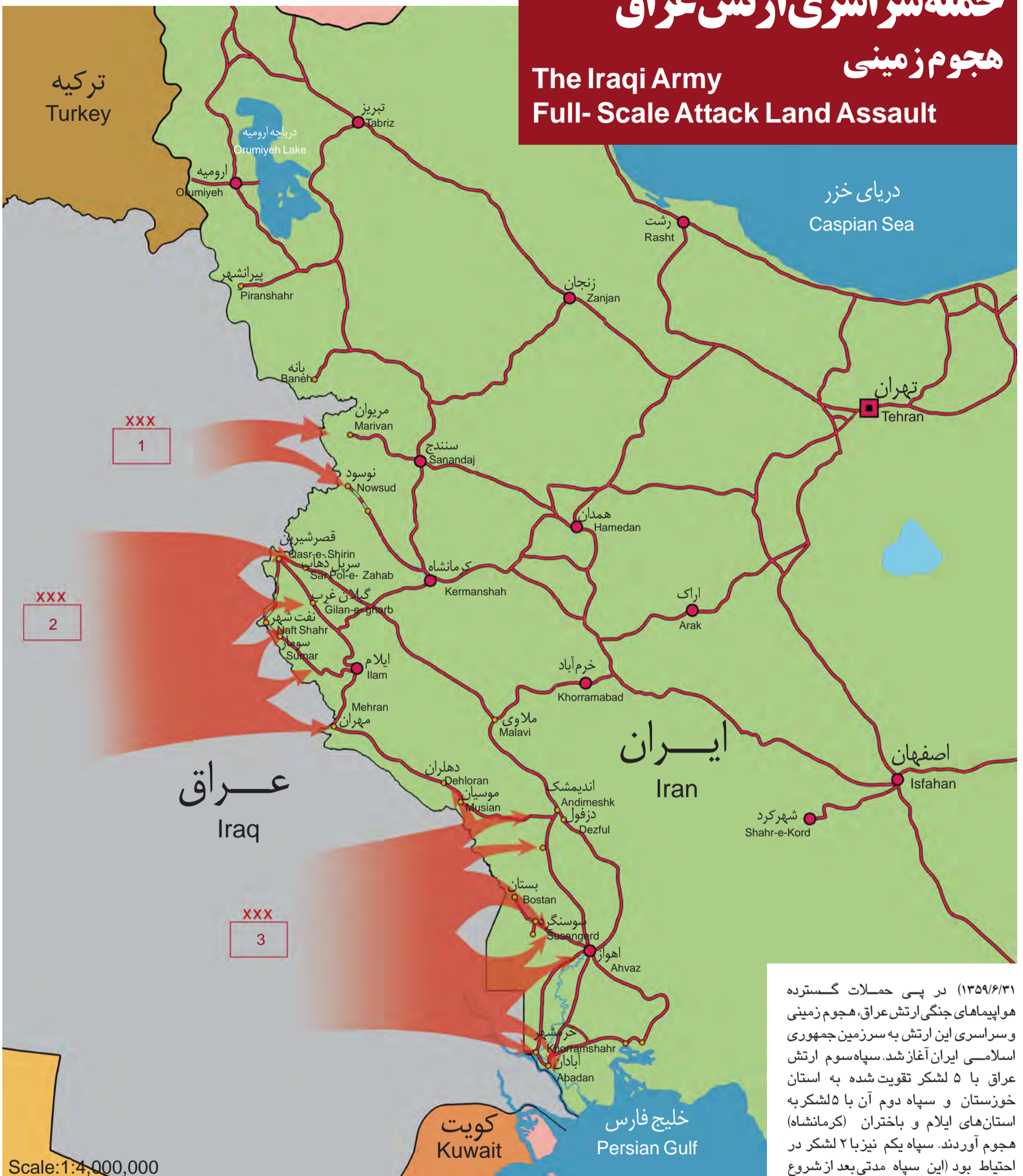


حمله سراسری ارتش عراق

هجوم زمینی

The Iraqi Army

Full- Scale Attack Land Assault



در پی حملات گسترده هواپیماهای جنگی ارتش عراق، هجوم زمینی و سراسری این ارتش به سرزمین جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. سپاه سوم ارتش عراق با ۵ لشکر تقویت شده به استان خوزستان و سپاه دوم آن با ۵ لشکر به استان های ایلام و باختران (کرمانشاه) هجوم آوردند. سپاه یکم نیز با ۲ لشکر در احتیاط بود (این سپاه مدتی بعد از شروع جنگ وارد عمل شد).

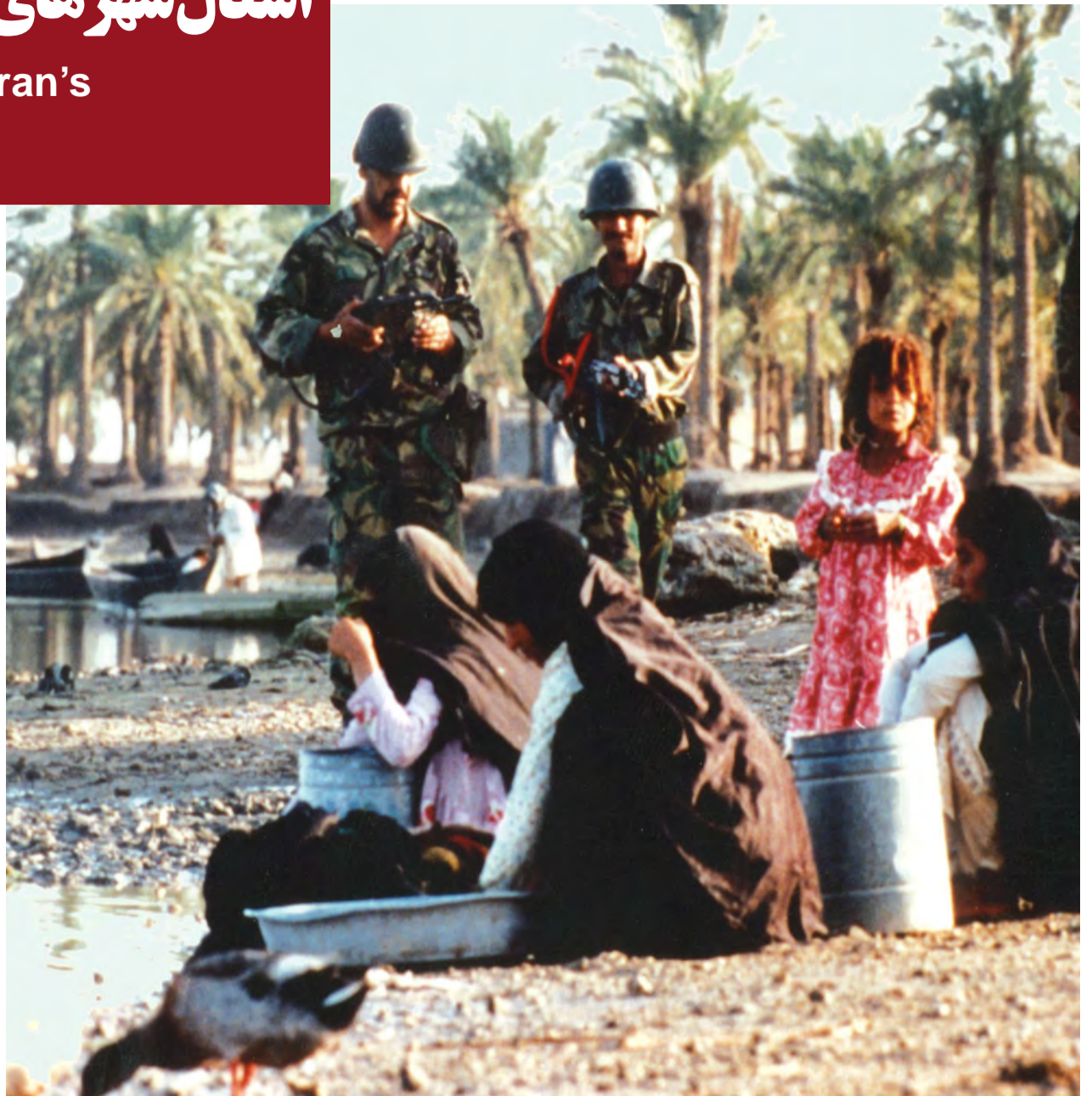
استراتژی ارتش عراق در این حملات، "جنگ سریع و کوتاه مدت" بود، اما پس از یک هفته هجوم سنگین و پی در پی و صرف نیروی فراوان، به آنچه پیش بینی کرده بود، دست نیافت و ناچار به "جنگ فرسایشی" تن سپرد. ارتش عراق پس از آن که در جبهه جنوب زمین گیر شد و نتوانست به اکثر اهداف خود برسد، در حالی که خرمشهر را در اشغال داشت و آبادان و سوسنگرد را به محاصره در آورده بود، در خطوطی نامنظم به پدافند از مناطق اشغالی پرداخت. نکته مهمی که حکومت عراق در محاسبات خود برای حمله به ایران از آن غافل مانده بود و موجب ناکامی اش در تحقق استراتژی "جنگ سریع" گردید، توان عظیم اما ناشناخته انقلاب اسلامی در تقویت پایداری نیروهای مردمی در برابر تجاوزگران بود. ۳۴ روز مقاومت در خرمشهر، ۲ بار آزادسازی سوسنگرد از اشغال، متلاشی کردن قوای عراقی که از رودخانه بهمنشیر گذشته و وارد جزیره آبادان شده بودند و نیز عقب راندن یگان های دشمن در گیلان غرب، نمونه هایی از مقاومت سرسختانه مردم بود که ارتش عراق در برابر آن زمین گیر شد.



اشغال شهرهای مرزی ایران

The Occupation of Iran's Border Cities

۱۳۵۹/۷/۱۹ دشمن پس از عبور از کارون، جاده آبادان - اهواز را مسدود کرد.
 ۱۳۵۹/۷/۲۱ بستان مجدداً اشغال شد.
 ۱۳۵۹/۷/۲۳ جاده آبادان - ماهشهر به دست دشمن مسدود شد.
 ۱۳۵۹/۸/۴ خرمشهر پس از ۳۴ روز مقاومت اشغال شد.
 ۱۳۵۹/۸/۹ دشمن از رودخانه بهمنشیر گذشت و محاصره آبادان را تنگ تر کرد.
 ۱۳۵۹/۸/۹ نیروهای دشمن در جنوب بهمنشیر منهدم شدند و خطر سقوط آبادان برطرف شد.
 ۱۳۵۹/۸/۲۴ سوسنگرد از سه طرف محاصره شد و نیروهای دشمن از غرب و جنوب وارد شهر شدند.
 ۱۳۵۹/۸/۲۶ سوسنگرد آزاد شد.
 ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ هویزه محاصره شد.
 ۱۳۵۹/۱۰/۲۶ نوسود به تصرف دشمن درآمد.
 ۱۳۵۹/۱۰/۲۷ هویزه اشغال شد.



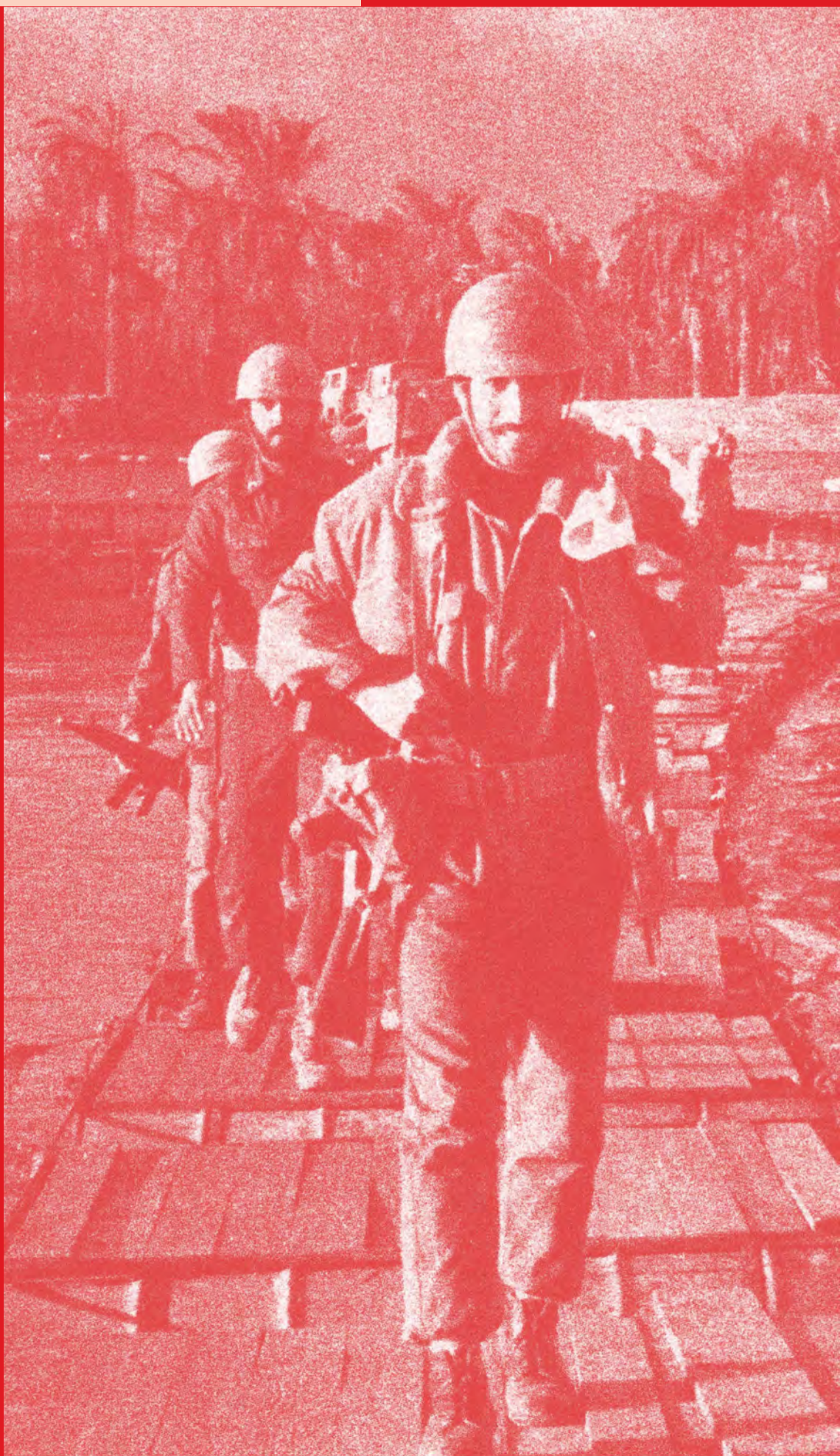
۱۳۵۹/۷/۱ سومار اشغال شد.
 ۱۳۵۹/۷/۲ نفت شهر و مهران تصرف شدند.
 ارتش عراق پس از نفوذ به سرپل ذهاب عقب‌نشینی کرد و در ارتفاعات غرب این شهر مستقر شد.
 ۱۳۵۹/۷/۳ موسیان به اشغال دشمن درآمد.
 ۱۳۵۹/۷/۴ بستان تصرف شد.
 ۱۳۵۹/۷/۵ اشغال قصرشیرین کامل شد.
 شوش، دزفول، اندیمشک و اهواز در خطر سقوط قرار گرفتند.
 ۱۳۵۹/۷/۶ سوسنگرد اشغال شد. دشمن تا نزدیکی حمیدیه پیش آمد و بدین ترتیب حلقه محاصره اهواز تنگ تر شد.
 نیروهای عراقی که به گیلان غرب نفوذ کرده بودند، متحمل تلفاتی سنگین شدند و ناچار به ارتفاعات غرب این شهر گریختند.
 ۱۳۵۹/۷/۹ ارتش عراق از غرب اهواز عقب رانده شد و سوسنگرد و بستان آزاد شدند.
 ۱۳۵۹/۷/۱۸ ارتش عراق پس از نفوذ به دهلران به سمت موسیان عقب‌نشینی کرد.



بازیابی قوای مسلح ایران

2

**RETRIEVAL
PERIODS OF
IRAN'S ARMED
FORCES**



اما در این مرحله نیز فرماندهی عالی نظامی وقت، بدون توجه به کاربرد نیروهای مردمی، تنها به قوای سازمان یافته اتکا کرد. سه فرماندهی در جبهه غرب دزفول، غرب اهواز و شمال آبادان تشکیل شد و چهار عملیات گسترده در این مناطق به اجرا درآمد. روش شناسایی دشمن و اصول و مبانی طرح و سازمان به کار گرفته شده در این عملیات، مبتنی بر آموخته‌های قبل از انقلاب بود، حتی تاکتیک عملیات مبتنی بر تجاربی بود که در مانورهای آموزشی علیه دشمن فرضی حاصل شده و در یک جنگ واقعی محک خورده بود، لذا عملیاتی‌هایی که بر اساس این اصول و مبانی به اجرا درآمد، موفق نگردید. این گونه عملیات‌ها را که اتکای اصلی آن بر نهادهای نظامی سنتی است، در عرف سیاسی - نظامی آن زمان

برخی نیروها پذیرفتنی نبود، زیرا واگذاری زمین عامل ترغیب دشمن یعنی به گسترش جنگ بود. در نتیجه چاره کار تنها با استراتژی سلب آرامش از دشمن، خروج از انفعال و به دست گرفتن ابتکار عمل، ممکن بود. این اندیشه به همت نیروهای مردمی و با سازمان‌دهی سپاه و نیز با یاری سایر نیروها در مقابله با اشغال شهرهای مرزی مؤثر افتاد و ارتش عراق را در تصرف کامل اهداف خود ناکام گذاشت. عامل مهم در موفقیت این استراتژی، اتکا به نیروی مردمی یک انقلاب تازه‌نفس بود که دشمن را در وضعیتی آسیب‌پذیر گرفتار کرد. پس از متوقف کردن ارتش متجاوز عراق، به همت رزمندگان ایران اسلامی، برنامه‌ریزی برای بیرون راندن آن ضرورت یافت:

اگرچه سخنان تهدیدآمیز مقام‌های عراقی و تجاوزات ارتش این کشور به مرزهای ایران از ماه‌های پیش از آغاز جنگ، هجوم ارتش بعث عراق را حتمی جلوه می‌داد، لکن تا ۱۳۵۹/۶/۱۵ که منطقه "خان لیلی" به اشغال نیروهای عراقی درآمد، کم‌تر کسی در جمهوری اسلامی ایران هجوم سراسری عراق را پیش‌بینی می‌کرد. بنابراین، آغاز هجوم سراسری عراقی‌ها در غافل‌گیری قوای ایران انجام شد و این غفلت به نوعی موجب عقب ماندگی جبهه ایران گردید. برای رفع این معضل، اگرچه استراتژی فرماندهی عالی نظامی ایران، واگذاری زمین به ازای کسب زمان بود، لیکن این تدبیر برای

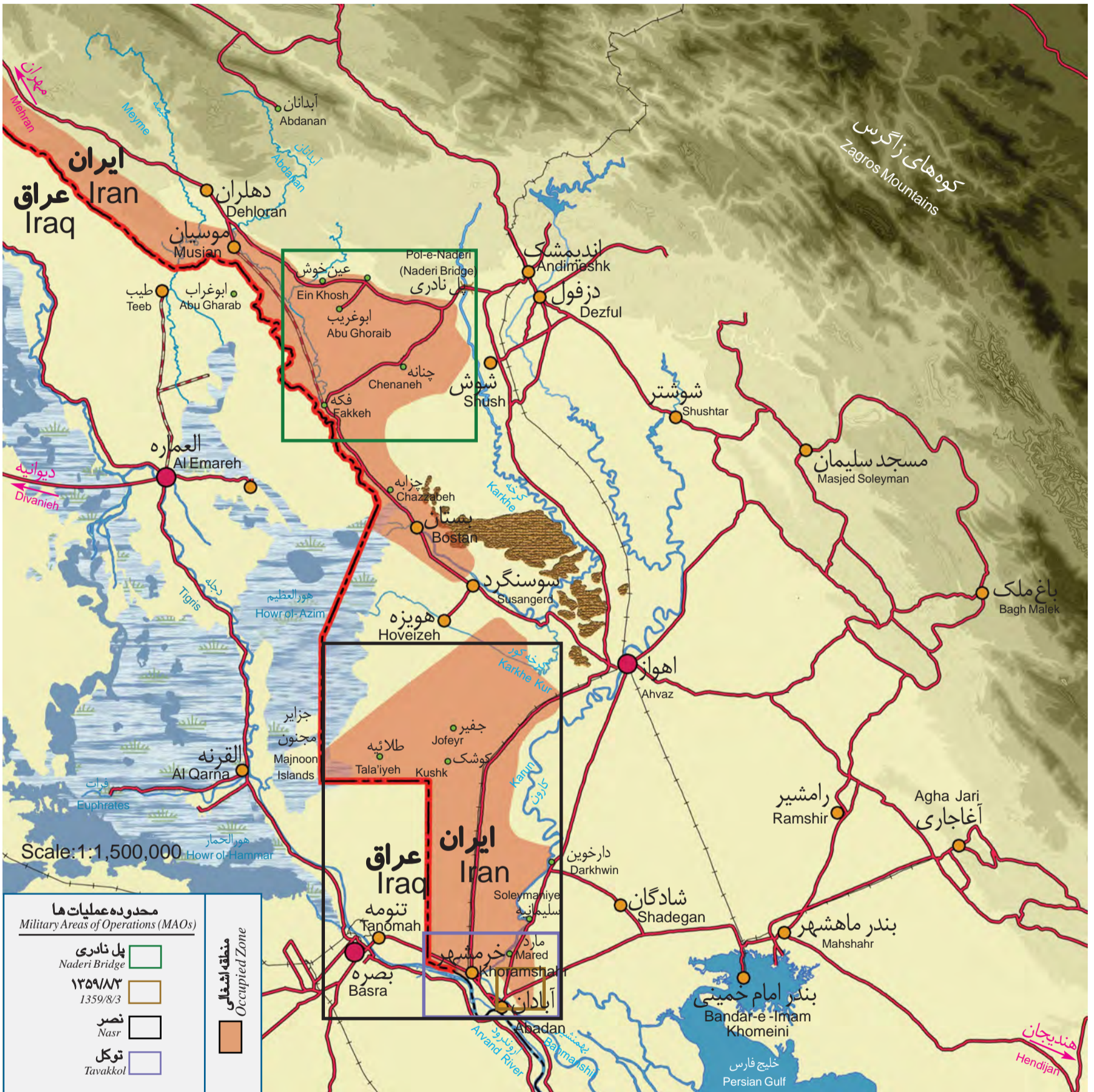


عملیات امام علی^(ع) در تپه‌های الله اکبر به دست آمد، پشتوانه مهمی برای پایه‌ریزی استراتژی جدید بود. به این ترتیب چهار ماهه دوم جنگ، دوره نقد استراتژی گذشته و پایه‌ریزی استراتژی جدید شناخته می‌شود. در این دوره در کنار عملیات‌های نامنظم و ایذایی، نوعی عملیات با ویژگی اصلی اتکا به نیروهای داوطلب و مبتنی بر انگیزه‌های انقلابی و تکلیف شرعی و نه صرف وظیفه شغلی نظامی‌گری، تجربه شد که مضمونی انقلابی - بسیجی داشت و از آن با عنوان "عملیات مردمی" یاد می‌شد. همین نوع عملیات بود که در مراحل بعد تکامل و توسعه یافت و پیروزی‌های بزرگ فتح‌المبین و بیت‌المقدس را پدید آورد. در سه ماهه سوم جنگ با برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، بزرگ‌ترین مانع برای اجرای استراتژی جدید برداشته شد. این دوران، دوره تحول در فرماندهی جنگ بود که با عملیات موفق "فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا" آغاز شد و به عملیات "ثامن الائمه" (شکسته شدن حصر آبادان) منجر شد.

ارتش کمک گرفته شده بود، نقطه عطفی در اندیشه نخبگان نظامی پدید آورد و آنان را به این باور رساند که می‌باید استراتژی نظامی جدیدی مبتنی بر اصول و مبانی انقلابی پایه‌ریزی شود و با ادغام دو سازمان رزم ارتش و سپاه به ترکیب جدیدی دست یافت؛ یعنی اندیشه کلاسیک، تجهیزات و سازمان ارتش توأم با خلاقیت و ابتکار، خطرپذیری و تجهیزات رزمی سبک سپاه - که مانع چابکی رزمنده نیست - به کار گرفته شود تا زمینه‌های تحول مثبت در استراتژی جنگ فراهم آید. به موازات تفکر مستمر و مؤثر نخبگان نظامی برای پایه‌ریزی استراتژی نظامی جدید، در عرصه عمل نیز زمینه‌های تحقق این استراتژی به تدریج فراهم شد. همکاری صمیمانه سپاه و ارتش در همه سطوح، نتایج ارزشمندی در پی آورد، از جمله در عملیات شکست محاصره سوسنگرد و آزادی ارتفاعات میمک و بازی‌دراز. همچنین تجربه موفق که در

"عملیات کلاسیک" می‌نامیدند. عدم موفقیت این عملیات‌ها - که در چهار ماه اول جنگ به اجرا درآمدند - دلیلی بر کارایی نداشتن استراتژی نظامی ایران در آن دوره بود. لذا نقد و بررسی آن استراتژی ضرورت داشت؛ ضرورتی که تنها برخی از نخبگان آن را درک می‌کردند.

پس از موفق نبودن چهار عملیات بزرگ در چهار ماهه اول جنگ، روحیه یأس بر اردوی خودی سایه افکند و امید به یافتن راه حل نظامی برای جنگ از بین رفت. در این هنگام، بار دیگر نیروهای انقلابی مشکل‌گشا شدند و با اجرای عملیاتی محدود، شکستن بن‌بست جنگ را نوید دادند: در عملیاتی که در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ به نام "امام مهدی^(عج)" در غرب سوسنگرد با هدف انهدام دشمن به اجرا درآمد، از آن جهت که طرح‌ریزی، فرماندهی و اجرای آن به عهده سپاه بود و از آتش پشتیبانی



لازم شده بود. همچنین پراکنندگی نیروهای خودی که بر اثر حضور گسترده و نابرابر دشمن پدید آمده بود، استفاده بهینه از توان ارتش را ناممکن ساخته بود. نکته مهم دیگر این که در طرح ریزی عملیات‌ها عوامل مهمی چون توان انقلابی نیروهای مردمی و سپاه نادیده گرفته شده بود.

خطر اصلی را متوجه "اهواز" (مرکز استان خوزستان) می‌دانست، نیروی زمینی ارتش معتقد بود که "دزفول" (گلوگاه این استان) هدف اصلی دشمن است. این اختلاف نظر سبب تجزیه در فرماندهی شده بود: فرماندهی محور دزفول به فرمانده نیروی زمینی ارتش و فرماندهی محور اهواز و آبادان به رئیس ستاد مشترک ارتش واگذار گردید.

بدین ترتیب نداشتن تحلیل واحد از دشمن و تعدد فرماندهی، مانع از انسجام

عملیات در ۱۳۵۹/۸/۳ در محور آبادان، سومین عملیات در ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ در محور هویزه و چهارمین عملیات در ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ در محور آبادان اجرا شد، اما هیچ کدام به پیروزی نینجامید. برخی دلایل ناکامی در این عملیات‌ها را می‌توان چنین برشمرد: ناآگاهی از استعداد دقیق و آرایش دشمن و در نتیجه طراحی نامناسب عملیات‌ها، همچنین نداشتن اتفاق نظر در اولویت‌گذاری مناطق مورد تهدید؛ به عبارت دیگر، در حالی که ستاد مشترک ارتش

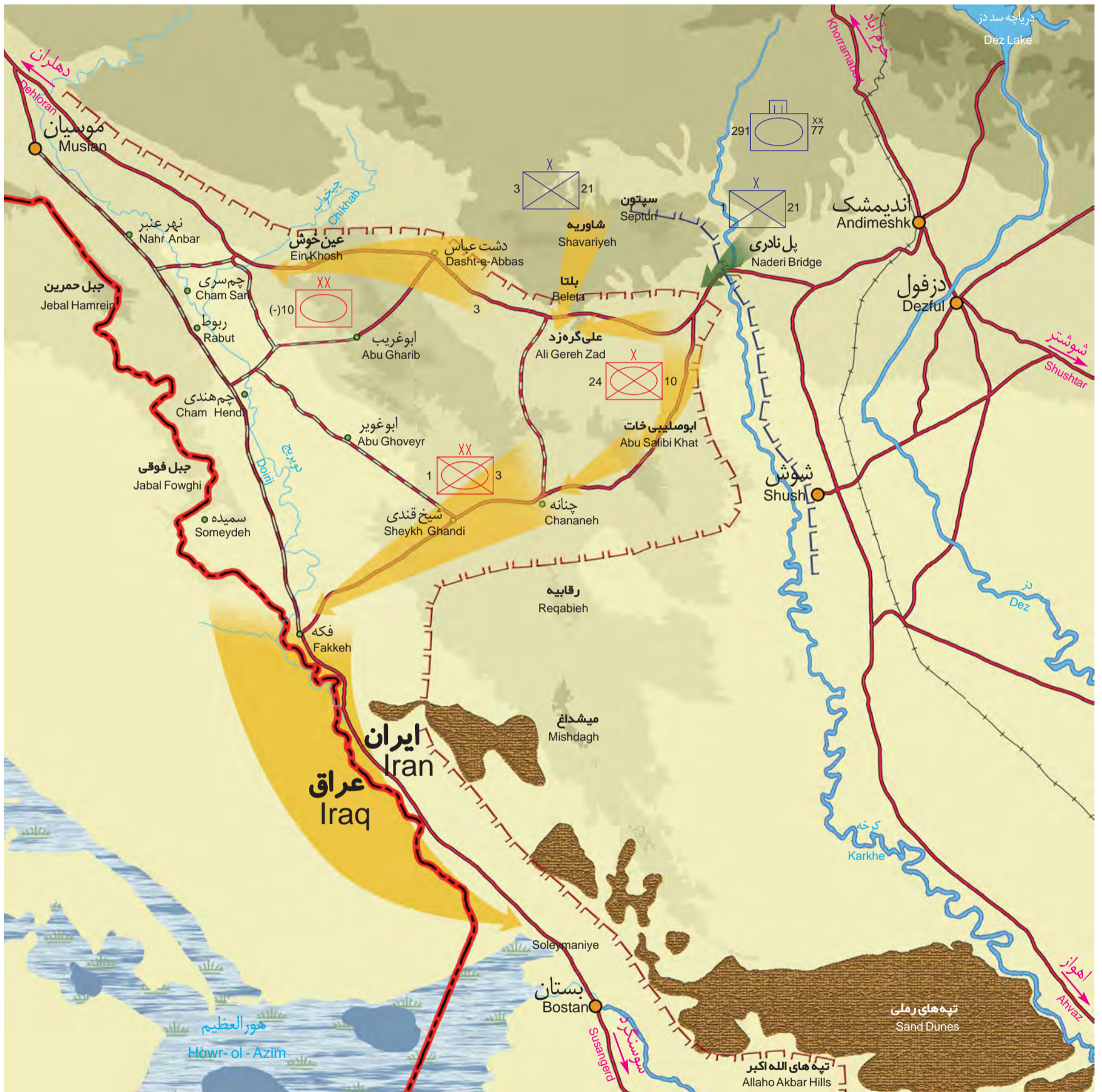
نداشتن تحلیل صحیح از اهداف تجاوز ارتش عراق به مرزهای ایران در پیش از آغاز رسمی جنگ، سبب شد تا انتقال یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی به مناطق مورد هجوم با تأخیر انجام شود، چندان که پس از آغاز جنگ ۱۵ روز به طول انجامید تا همه یگان‌ها به جبهه وارد شوند. از این زمان به بعد انتظار می‌رفت واکنش‌هایی مناسب‌تر و نیرومندتر علیه تجاوزات دشمن انجام گیرد. اولین عملیات گسترده در ۱۳۵۹/۷/۲۳ در محور دزفول، دومین

عملیات پل نادری

Pol-e-Naderi (Naderi Bridge) Operation

Area: Southern Front -Dezful- West of the Naderi Bridge
Objectives: Liberation of the Western Zone of the Karkhe River up to the Border
Date: 15/10/1980

منطقه: جبهه جنوبی: دزفول - غرب پل نادری
هدف: آزادسازی منطقه غرب رودخانه کرخه تا مرز
تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۲۳



در این عملیات برای شکستن خط، تدبیر لازم اندیشیده نشده بود؛ مانور تانک‌های خودی بدون حمایت نیروهای پیاده اجرایی شد و حرکت نیروهای زرهی از جاده‌ای بود که در دید و تیر مستقیم دشمن قرار داشت، در نتیجه هنگامی که با شروع عملیات، واحدهای زرهی به موازات جاده دهلران پیشروی خود را آغاز کردند، قبل از رسیدن به خط دشمن و شروع درگیری نزدیک، شکار جنگ‌افزارهای ضد تانک شدند که بر اثر آن، عملیات متوقف شد.

در عملیات ۱۳۵۹/۷/۲۳ که در غرب دزفول با فرماندهی نیروی زمینی ارتش طراحی و اجرا شد، پیش‌بینی شده بود با بیرون راندن نیروهای دشمن از غرب رودخانه کرخه، مرز بین‌المللی تأمین شود و سپس با پیشروی به سمت العماره و چزابه، عقبه نیروهای عراقی مستقر در منطقه عمومی بستان و سوسنگرد بسته شود تا به محاصره خودی درآیند و آن منطقه نیز آزاد گردد. به عبارت دیگر، این عملیات در صورت موفقیت می‌توانست در سرنوشت جنگ تأثیر کلی ایجاد کند، اما ضعف در برآورد و طراحی عملیات و نیز نداشتن شناسایی کافی از زمین و دشمن، به ناکامی عملیات انجامید.

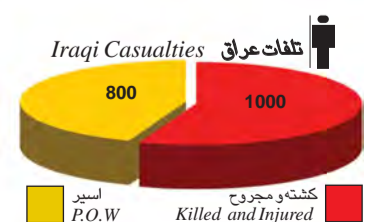
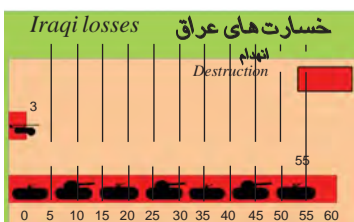
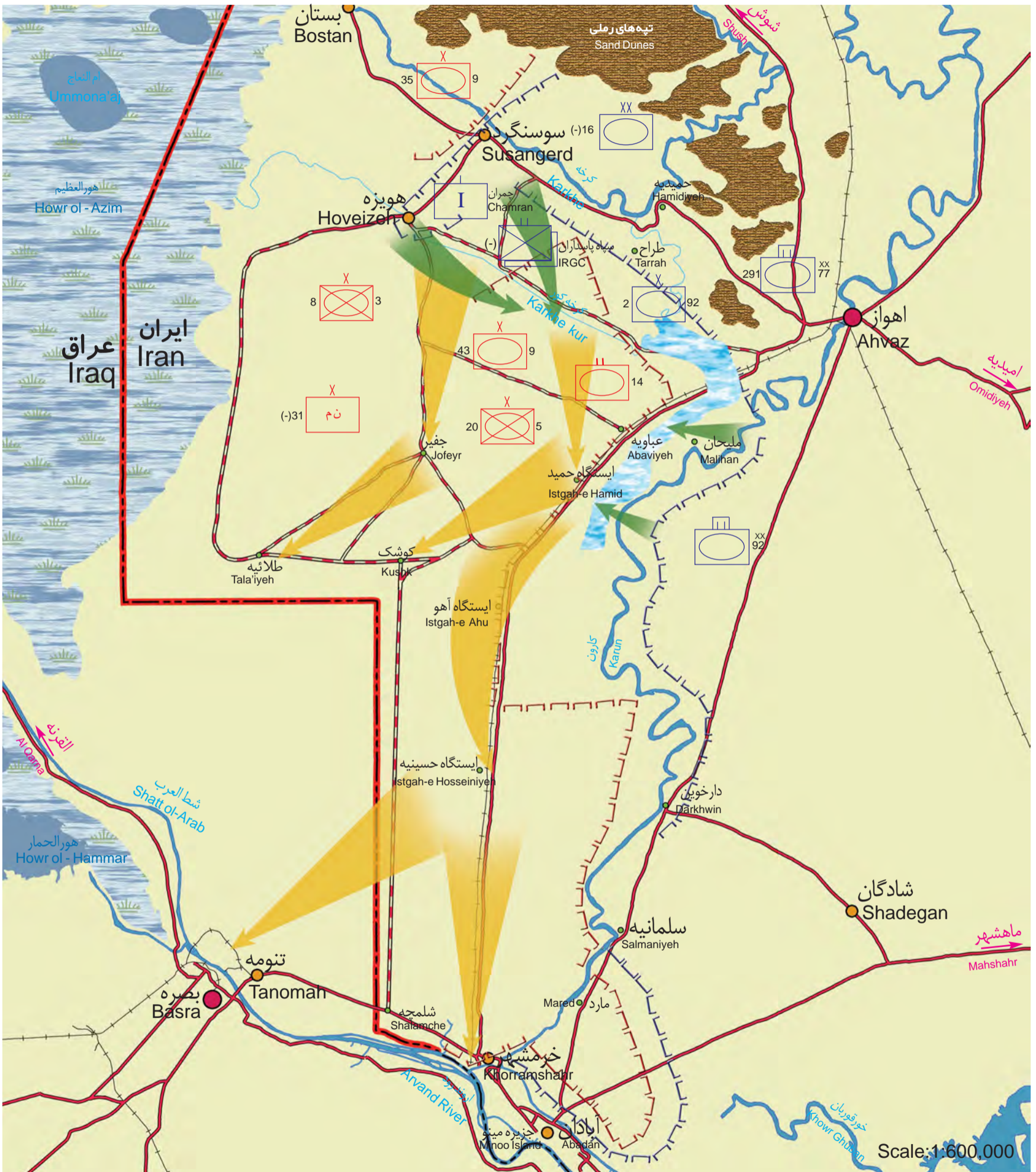


عملیات نصر (هویزه)

Nasr (Hoveizeh) Operation

Area: Southern Front - Ahvaz- South of Karkhe Kur
Objectives: Liberation of the western Zone of Karun River up to the Border
Date: 5/1/1981 to 6/1/1981

منطقه: جبهه جنوبی: اهواز - جنوب کرخه کور
هدف: آزادسازی منطقه غرب رودخانه کارون تا مرز
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۱۶ تا ۱۰/۱۵



عملیات توکل

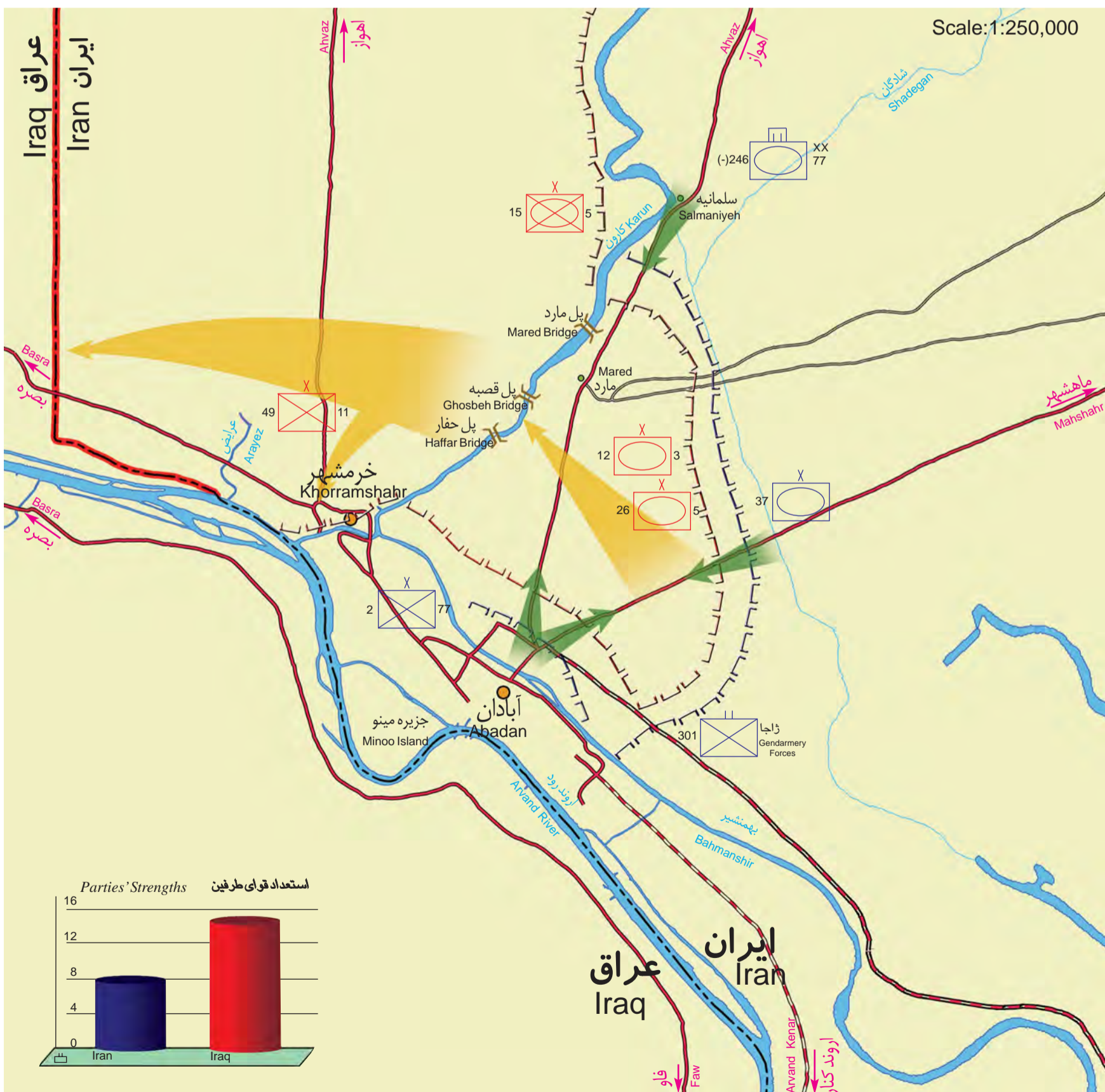
Tavvakkol (Trust in God) Operation

Area: Southern Front-North of Abadan
Objectives: Breaking the Siege of Abadan, Liberating the Occupied Zones in the East of Karun and Chasing the Enemy up to the Shalamche Border
Date: 10/1/1981

منطقه: جبهه جنوبی: شمال آبادان
هدف: شکست محاصره آبادان، آزادسازی زمین‌های اشغالی در شرق کارون و سپس تعقیب دشمن تا مرز شلمچه
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۰

پس از اجرای ناموفق عملیات بزرگ ۱۳۵۹/۸/۳ ارتشی، سپاهی و مردمی بودند - به سبب پیشروی نکردن دو محور دیگر، نتوانستند موقعیت خود را تثبیت کنند و ناچار عقب‌نشینی کردند. به این ترتیب عملیات در مرحله اول متوقف گردید. در این عملیات ستون زرهی خودی در محور جاده ماهشهر-آبادان، قبل از آغاز درگیری هدف یگان‌های ضد زره عراق قرار گرفت و متوقف شد. با ناکامی در مرحله اول، مراحل بعدی عملیات نیز منتفی شد. این آخرین عملیات در سطح گسترده بود و پس از آن تا عزل ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و تغییر استراتژی جنگ، عملیات بزرگی انجام نشد.

عملیات نصر(هویزه) با فرماندهی ستاد مشترک ارتش طرح‌ریزی و اجرا شد. در این عملیات علاوه بر یگان‌های ارتش، دوگردان (-) نیروی داوطلب از سپاه پاسداران نیز حضور داشتند که شماری از دانشجویان پیرو خط امام هم در میان آنان بودند. طبق طرح، عملیات می‌بایست در چند مرحله اجرا می‌شد و اهداف آن عبارت بود از: انهدام دشمن در جنوب کرخه کور و پیشروی به سمت جفیر، آزادسازی غرب کارون از جمله خرمشهر و تأمین مرز، عبور از مرز و تعقیب دشمن تا بصره. هر چند توان لازم برای رسیدن به این اهداف فراهم نشده بود، ولی مرحله اول عملیات با موفقیتی چشمگیر اجرا شد و ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. در ادامه بر اثر فشار دشمن حفظ منطقه ممکن نگردید، لذا با عقب‌نشینی بدون برنامه، غنایم به دست آمده جا ماند و نیروهای خط اول - که از سپاه و دانشجویان پیرو خط امام بودند - به محاصره دشمن درآمدند و ۱۴۰ تن از آنان، از جمله فرمانده‌شان **حسین علم‌الهدی**، به شهادت رسیدند.



کسب اعتماد به نفس

Acquiring Self-Confidence



با آغاز جنگ و حضور نیروهای مردمی در جبهه و تشکیل هسته‌های مقاومت، به تدریج شیوه‌ای از جنگ ابداع و رایج گردید که مشخصه اصلی آن انگیزه‌های مذهبی-انقلابی نیروهای داوطلب (اعم از نظامی و غیرنظامی) بود که در این شیوه از یگان‌ها و تجهیزات و سازمان ارتش نیز به تناسب و برحسب نیاز استفاده می‌شد. به این ترتیب در یک سال اول جنگ عملیات‌های آفندی و پدافندی بسیاری از جمله ۱۱۲ عملیات آفندی انجام شد که بیش‌تر آن ایزدایی بود. تعدادی عملیات محدود و نیمه‌گسترده نیز انجام شد که از میان آنها سه عملیات نیمه‌گسترده "ضربت ذوالفقار"، "بازی دراز" و "رجایی-باهنر" در جبهه میانی و سه عملیات آزادی سوسنگرد، "امام‌علی (ع)" و "فرمانده کل قوا" در جبهه جنوبی از سایر نبردها مهم‌تر بود.

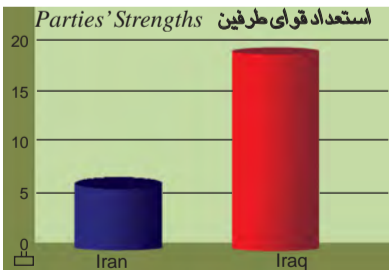
در این دوره فرماندهان شایسته‌ای از اردوی خودی به شهادت رسیدند که شاخص‌ترین آنان **دکتر مصطفی چمران** نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع و فرمانده ستاد جنگ‌های نامنظم بود.

عملیات ضربت ذوالفقار

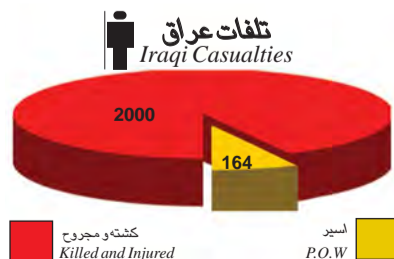
Zarbat-e Zolfaghar (Zolfaghar Strike) Operation

Area: Central Front -Ilam-Meymak
Objectives: Recapturing the Meymak Heights
Date: 9/1/1981 to 9/2/1981

منطقه: جبهه میانی: ایلام و میمک
هدف: بازپس گیری ارتفاعات میمک
تاریخ: ۱۰/۱۹ تا ۱۳۵۹/۱۱/۲۰



تصرف ارتفاعات کله قندی و ۶۲۰ در محور شمالی و ارتفاعات ۵۲۵ و ۵۴۰ در محور جنوبی داشت. این شکست برای ارتش عراق سنگین بود، لذا برای بازپس گیری مناطق از دست داده حدود یک ماه کوشید، اما موفقیتی به دست نیاورد.



مرزی پرداخت. عراق در صدد بود قرارداد ۱۹۷۵ را "کان لم یکن" اعلام کند، در نتیجه تعهد خود در مسئله اروند را نقض کند و مناطقی چون میمک را با زور اسلحه به تصرف درآورد. دشمن با این اندیشه از ۱۳۵۹/۶/۱۹ هجوم گسترده خود را به میمک آغاز کرد و پس از چند روز جنگ توانست آن را اشغال کند. برای بازپس گیری میمک، عملیات ضربت ذوالفقار به فرماندهی لشکر ۸۱ زرهی ارتش طرح ریزی و اجرا شد که در موفقیت آن، عشایر، سپاه ایلام، سپاه قزوین و هوانیروز ارتش نقش عمده ای داشتند. این عملیات به رغم محدودیت، نتایج ارزشمندی همچون

منطقه کوهستانی میمک از نظر سوق الجیشی دارای پیچیدگی خاصی است که آن را از دیگر مناطق عملیاتی به کلی متمایز می کند. بخشی از منطقه میمک در زمان حکومت محمدرضا پهلوی طبق قرارداد ۱۹۷۵ به عراق واگذار شد، اما با توافق دو طرف، زمان انتقال آن به تعویق افتاد. از آغاز سال ۱۳۵۶ تلاش برای تعیین حدود مرزی آغاز گردید. لیکن حکومت عراق که شاهد بروز زمینه های انقلاب در ایران بود، با بهانه جویی، موضوع را معلق گذاشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز حکومت عراق باب مذاکره رامسدود نگه داشت، نامه های طرف ایرانی را بی پاسخ گذاشت و در مقابل به تجاوزات

عملیات بازی دراز

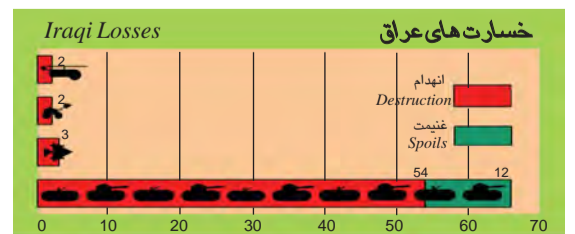
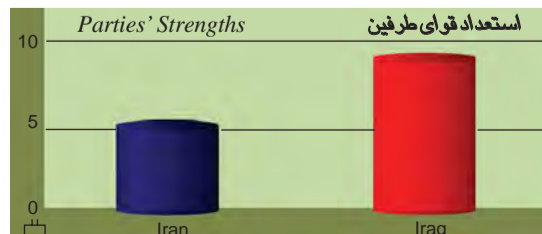
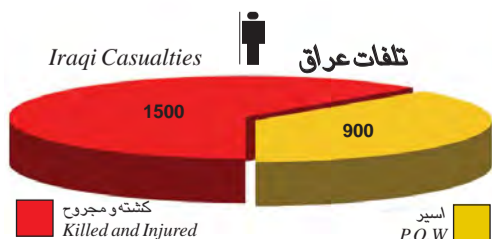
Bazi Deraz Operation

Area : Central Front - SarPol-e- Zahab- Bazi Deraz Heights
Objectives : Liberation of Bazi Deraz Heights
Date : 22/4/1981 to 29/4/1981

منطقه: جبهه میانی: سرپل ذهاب - ارتفاعات بازی دراز
هدف: آزادسازی ارتفاعات بازی دراز
تاریخ: ۲۲/۴ تا ۲۹/۴/۱۳۶۰

ولی دشمن تا نزدیک قله ۱۱۵۰ جاده داشت. دشمن در این عملیات ضمن پاتک روی قله ها، در محور داربلوط نیز چند پاتک کرد که هوانیروز ارتش در مقابله با آن نقش بارزی داشت و طی آن خلبان **علی اکبر شیرودی** به شهادت رسید. در این عملیات افراد بسیاری از دشمن اسیر شدند که تا آن روز جنگ (به جز در عملیات هویزه) بی سابقه بود. ادامه حضور دشمن روی قله های ۱۱۰۰ و ۱۱۵۰ موجب شد تا همچنان روی دشت ذهاب دید و تیر داشته باشد.

عملیات "بازی دراز" با طرح ریزی سپاه و فرماندهی مشترک سپاه و ارتش در دو محور به اجرا درآمد. در محور شمالی، تصرف قله های ۱۱۰۰ صخره ای و ۱۱۵۰ و در محور جنوبی تصرف قله های ۱۰۵۰ و ۱۱۰۰ گچی از جمله اهداف عملیات بودند. در محور شمالی، هدف مورد نظر آزاد شد، ولی تثبیت نگردید. در محور جنوبی همه قله ها به جز قله های ۱۱۵۰ و ۱۱۰۰ آزاد و تثبیت شدند، این در حالی بود که نیروهای خودی روی ارتفاع بازی دراز از جاده محروم بودند



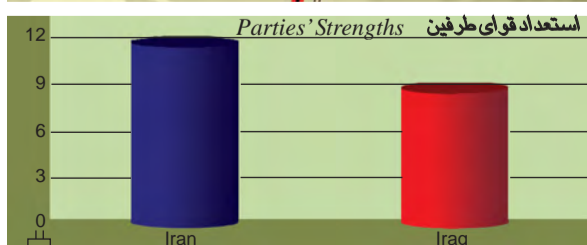
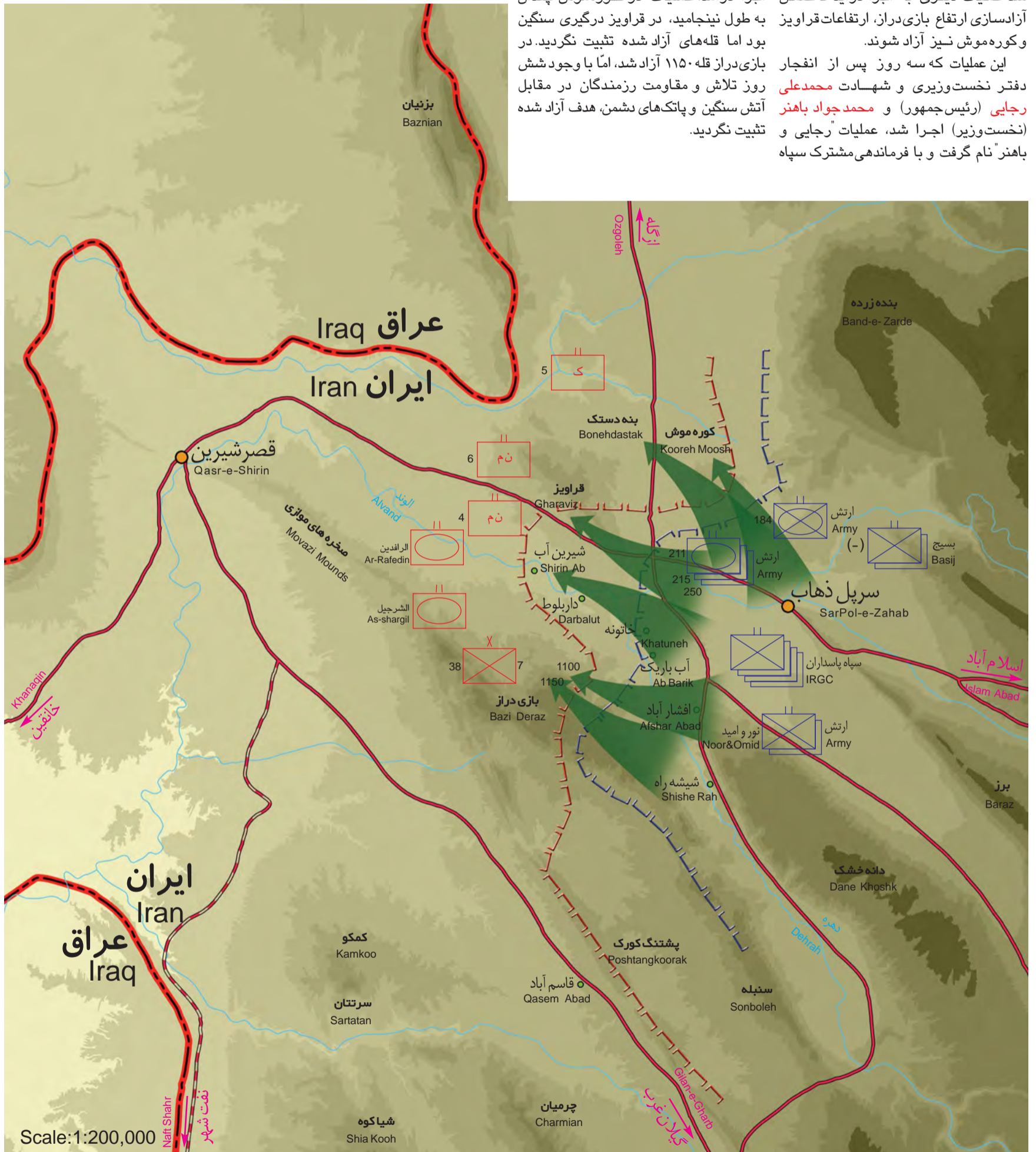
عملیات رجایی و باهنر

Raja'ee and Bahonar Operation*

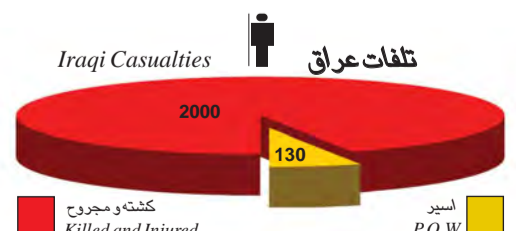
Area: Central Front-SarPol-e-Zahab
Objectives: Liberation of Kooreh Moosh, Gharaviz and Bazi Deraz Heights
Date: 2/9/1981 to 7/9/1981

منطقه: جبهه میانی: سرپل ذهاب
هدف: آزادسازی ارتفاعات کوره موش، قراویز و بازی دراز
تاریخ: ۶/۱۱ تا ۶/۱۶/۱۳۶۰

در پی موفقیت عملیات بازی دراز، تصمیم گرفته شد عملیات دیگری به اجرا درآید تا ضمن آزادسازی ارتفاع بازی دراز، ارتفاعات قراویز و کوره موش نیز آزاد شوند. این عملیات که سه روز پس از انفجار دفتر نخست وزیری و شهادت **محمدعلی رجایی** (رئیس جمهور) و **محمدجواد باهنر** (نخست وزیر) اجرا شد، عملیات "رجایی و باهنر" نام گرفت و با فرماندهی مشترک سپاه



* Mohammad Ali Raja'ee (the president) and Mohammad Javad Bahonar (the prime minister) of Iran who were martyred in a bombing incident by the MKO (Monafeqin).

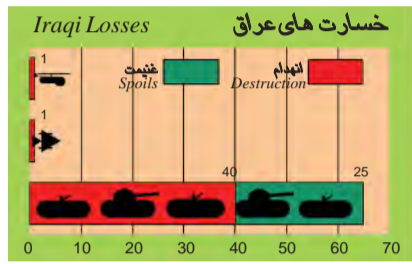
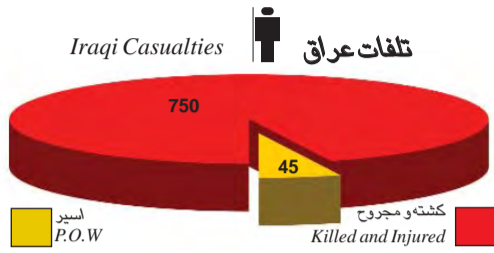


شکست محاصره سوسنگرد

Breaking the Siege of Susangerd

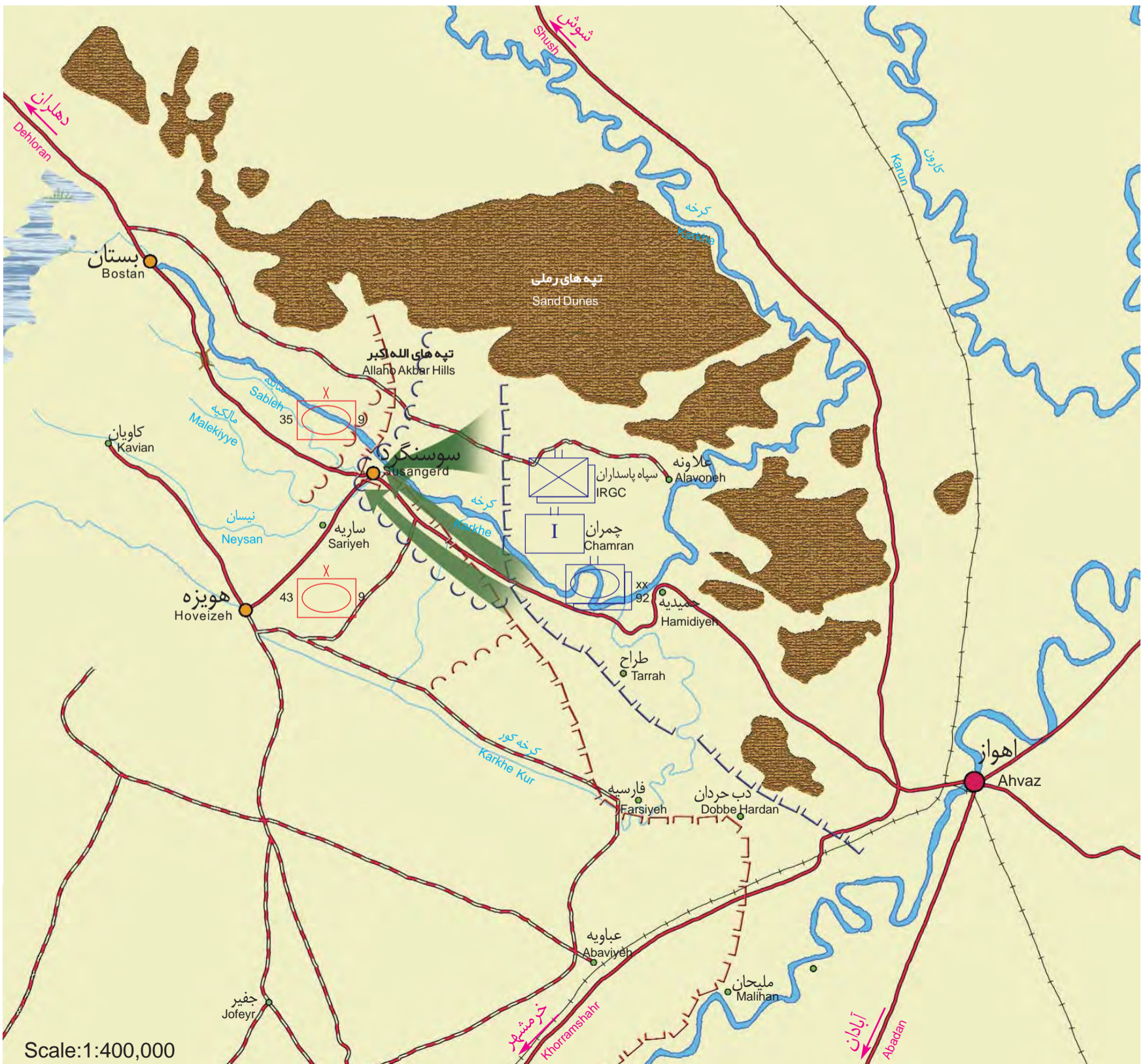
Area: Southern Front-Susangerd
Objectives: Breaking the siege of Susangerd
Date: 17/11/1980
Liberated zones: 50 sq kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: سوسنگرد
هدف: شکستن حلقه محاصره سوسنگرد
تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲۶
منطقه آزاد شده: ۵۰ کیلومتر مربع



سوسنگرد در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۶ به اشغال ارتش عراق درآمد، سه روز بعد رزمندگان سپاه اهواز با حمایت نیروهایی از لشکر ۹۲ ارتش، سوسنگرد را آزاد کردند و عناصر خائن (موسوم به جبهه التحریر) که در جریان سقوط شهر و طی دوره اشغال، عراق را یاری می کردند، دستگیر و اعدام شدند. در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۴ یگان های عراقی بار دیگر سوسنگرد را از سه طرف محاصره کردند و روز بعد وارد شهر شدند، لیکن نیروهای سپاه و ژاندارمری که داوطلبانه در سوسنگرد باقی مانده بودند، با مقاومت خود از سقوط شهر جلوگیری کردند. هم زمان با مقاومت نیروها در داخل

سوسنگرد، در اهواز برای شکستن محاصره شهر طرح ریزی می شد، پس از دو روز مقاومت، سرانجام در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۶ با اجرای عملیاتی از بیرون شهر، با مشارکت سپاه، ارتش و ستاد جنگ های نامنظم، ابتدا محاصره جنوب شرقی شهر شکسته شد، سپس رزمندگان به شهر وارد شدند و با کمک نیروهای محاصره شده در آن، اشغالگران را از شهر بیرون راندند و تا پشت دیوارهای غربی شهر آن ها را تعقیب کردند. این عملیات در تقویت اعتماد به نفس نیروی خودی بسیار مؤثر بود.



عملیات امام علی (ع)

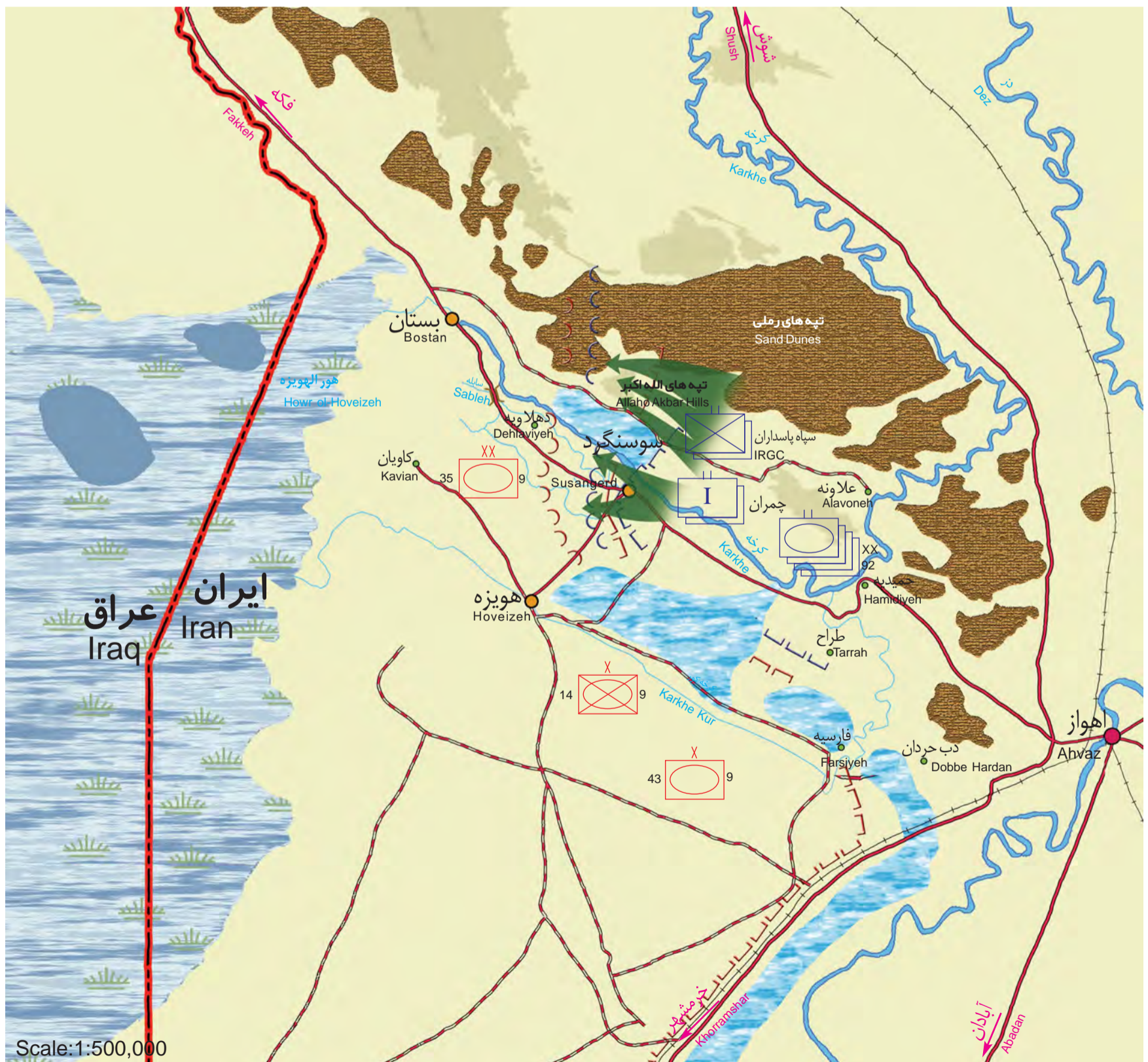
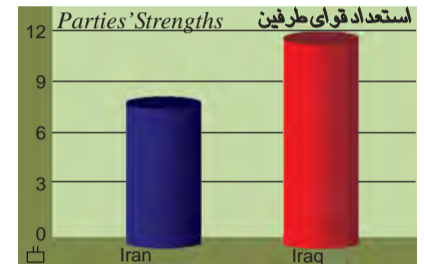
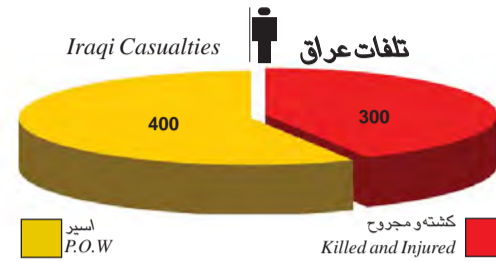
Imam Ali (PBUH) (the First Imam of Shiites) Operation

Area: Southern Front-Susangerd
Objectives: Liberation of Allāh Akbar Hills
Date: 21/5/1981
Liberated Zones: 100 sq kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: سوسنگرد
هدف: آزادسازی تپه های الله اکبر
تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۳۱
منطقه آزاد شده: ۱۰۰ کیلومتر مربع

هم زمان با عملیات تپه های الله اکبر، عملیات دیگری در غرب سوسنگرد با فرماندهی سپاه طرح ریزی و اجرا شد که در واقع پشتیبان عملیات اصلی بود. در این عملیات نیروهای خودی با چهار کیلومتر پیشروی به سمت غرب، دشمن را عقب راندند. دشمن که در این وضعیت قادر نبود از منطقه اشغال شده دفاع کند، از تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱۹ بدون درگیری تا نزدیکی دهلاویه عقب نشینی کرد.

در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۳۱ عملیاتی با نام "امام علی (ع)" در شمال و غرب سوسنگرد اجرا شد. عملیات اصلی در شمال کرخه روی تپه های الله اکبر و برای اولین بار با فرماندهی مشترک سپاه و ارتش در چهار محور به اجرا درآمد. در این عملیات یگان های لشکر ۹۲ اهواز از مقابل و نیروهای سپاه و ستاد جنگ های نامنظم دو جناح دشمن را روی تپه های الله اکبر تحت فشار قرار دادند که بر اثر آن، مقاومت قوای عراقی در هم شکست و در نتیجه تپه های الله اکبر آزاد گردید و دشمن عقب نشینی کرد. فرماندهی این عملیات را فرمانده لشکر ۹۲، سرهنگ نیازی به عهده داشت.

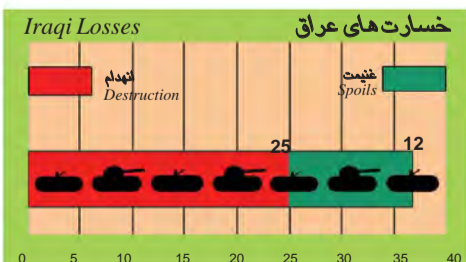
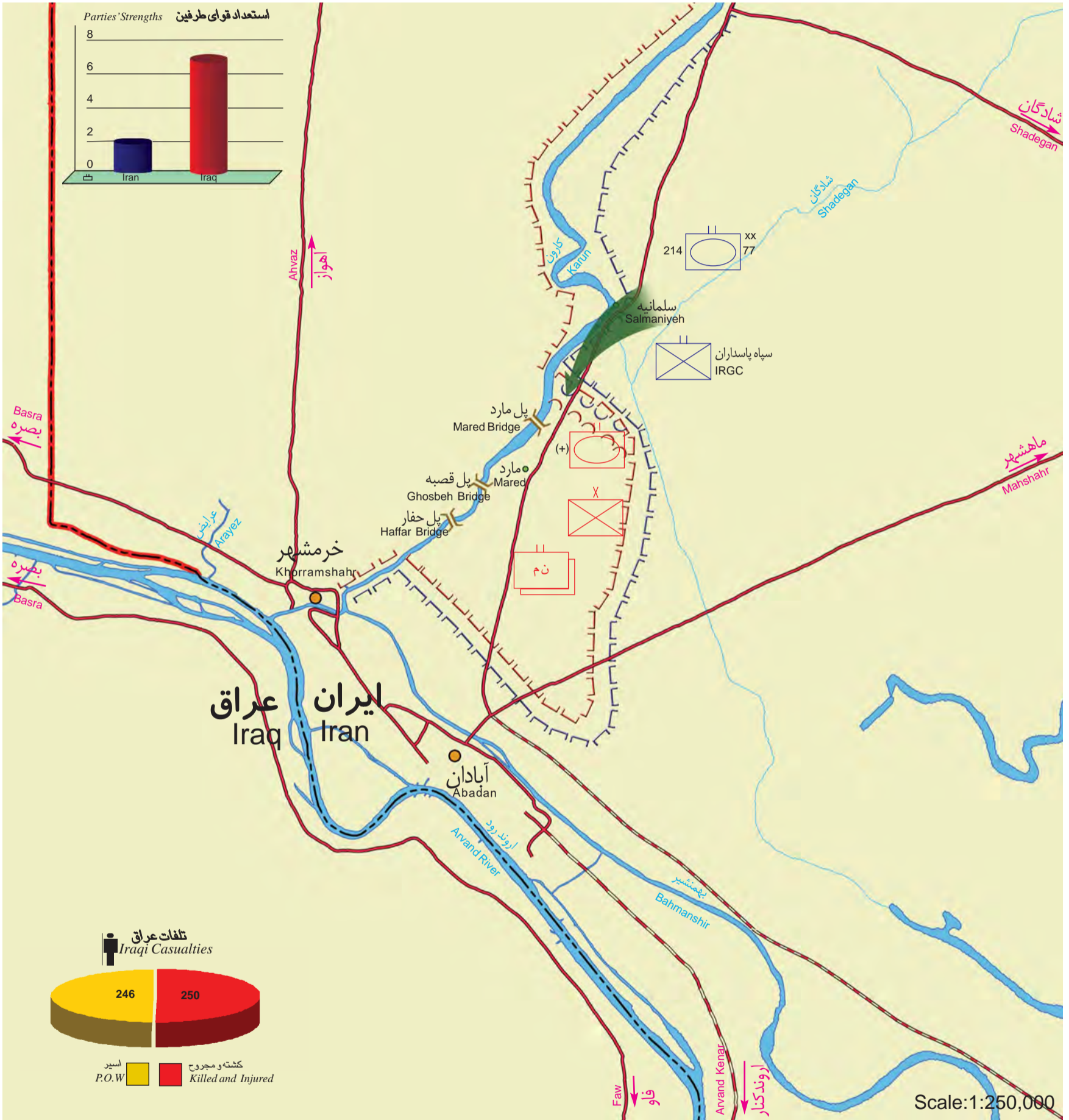


عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا

Farmandehe Kalle Ghova, Khomeini Rooh-e Khoda
(The Supreme Commander of Armed Forces, Khomeini Ruhollah) Operation

Area: Southern Front, Darkhovayn
Objectives: Advancing towards the Mared Bridge
Date: 11/6/1981 to 14/6/1981
Liberated Zones: 3 sq kilometers

منطقه: جبهه جنوبی: دارخوین
هدف: پیشروی به سوی پل مارد
تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۲۴ تا ۳/۲۱
منطقه آزاد شده: ۳ کیلومتر مربع



برای اولین بار هم‌زمان با تک، برای پدافند از منطقه تصرف شده، شبانه خاکریز زده شد، از این رو با وجود واکنش شدید نیروهای عراقی، منطقه آزاد شده تثبیت گردید.

پیروزی سپاه در این عملیات تلویحاً حامل این پیام بود که پس از حذف بنی‌صدر، سپاه حتی به تنهایی نیز آماده ادامه جنگ است و برکناری وی امر جنگ را مختل نخواهد کرد.

این عملیات که به دلیل هم‌زمانی آن با عزل ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی کل نیروهای مسلح، "فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا" نام گرفت، با فرماندهی سپاه طرح ریزی و اجرا شد.

در جریان آماده‌سازی این عملیات - که سه ماه ادامه داشت - کانالی به طول ۱۷۵۰ متر احداث شد تا نیروهای خودی بتوانند در آن به راحتی تا ۲۵۰ متری خط دشمن پیش بروند. در این عملیات

نتیجه یک سال تلاش

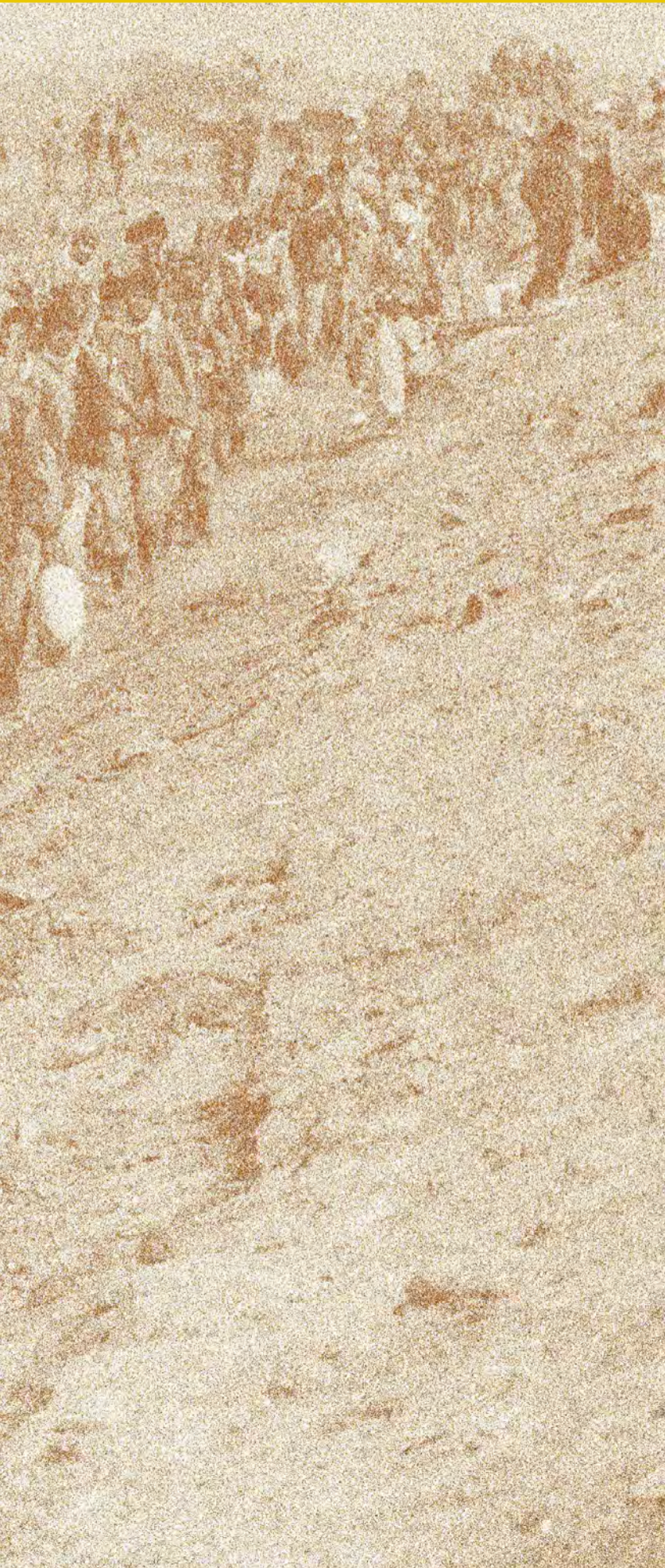
The Result of a one-Year Effort



نظامی از بین توده‌های مردم و دوره پایه‌ریزی تئوری جنگ انقلابی بر مبنای ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران بود. در این دوران بر اساس روش "آزمون و خطا" تجاربی به دست آمد که پس از بررسی آن‌ها، چگونگی طرح‌ریزی عملیات ثامن الائمه^ع شناخته شد، بنابراین می‌توان گفت عملیات ثامن الائمه^ع نتیجه بهره‌گیری از تجارب سال اول جنگ بود، ضمن آن که مبنای تدوین استراتژی بعدی نیز شد.

سلب کرد و برتری استراتژی "پیروزی خون بر شمشیر" را بار دیگر به اثبات رساند. نبردهای محدودی که هر کدام به تنهایی اثر مهمی بردشمن نداشتند، اما آن‌گاه که پیاپی به اجرا درآمدند، تأثیرگذار شدند. طوری که صرف‌نظر از تأثیرات مثبت روحی-روانی آن‌ها بر نیروهای خودی، به آزادسازی حدود ۲۰ درصد از مناطق اشغالی انجامیدند. از سوی دیگر، نبردهای محدود یک سال اول جنگ، دوره کسب اعتماد به نفس، دوره شناسایی شخصیت‌های ناشناخته

استراتژی موفق نیروهای انقلابی که بر "فرصت ندادن به دشمن" تأکید داشت و واگذاری زمین و زمان به متجاوزان را در جهت تحقق اهداف آن‌ها می‌دانست، اگر چه فاقد ابزار کافی بود، ولی با استفاده بهینه از امکانات موجود، ضربه‌های مؤثری به دشمن وارد آورد. اتکا به عوامل و مبنای انقلابی مردمی که برای دشمن ناشناخته بود، مهم‌ترین عامل موفقیت در اجرای این استراتژی بود. اقدامات محدود و پراکنده ولی خودکفا و پی‌درپی، امان را از دشمن



آزادسازی سرزمین های جنوبی

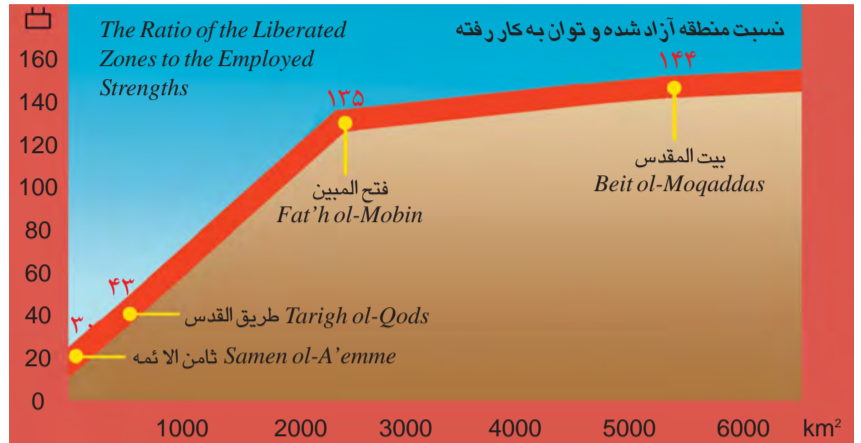
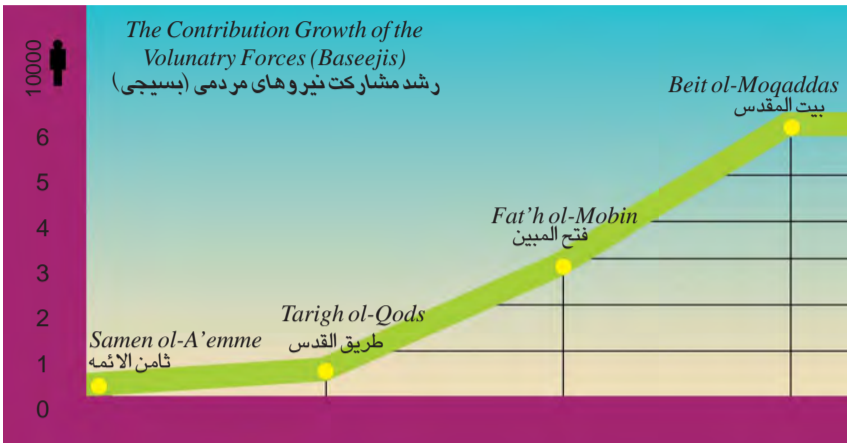
3

THE
LIBERATION
OF
THE SOUTHERN
LANDS



آزادسازی سرزمین های جنوبی

The Liberation of the Southern Lands



عملیاتی، نقطه ضعف دشمن شناخته شد و به رغم قابل عبور نبودن آن، محور اصلی عملیات با عبور از این ناحیه طراحی شد و در مرحله عمل، ابتدا مواضع دشمن در شمال و سپس در جنوب منطقه عملیاتی فرو ریخت.

یادآوری می شود که بعد از عملیات طریق القدس، دو عملیات نیمه گسترده "مطلع الفجر" و "محمد رسول الله (ص)" در دو جبهه میانی و شمالی به اجرا درآمد. این دو عملیات از آن جهت که با هدف تأمین مرز بین المللی انجام شد، خود به خود حلقه ای از زنجیره استراتژی جدید شناخته می شد، ولی از آن جهت که اجرای عملیات های گسترده جنوب وابسته به نتایج این دو عملیات نبود، اجرای آنها تأثیر استراتژیک در سرنوشت جنگ در آن برهه نداشت. برای اجرای این دو عملیات، تنها به مقدمات جبهه ای اتکا شد و مقدمات کلی نظام برای ادامه عملیات های گسترده در جبهه جنوب باقی ماند.

عملیات گسترده بعدی در جنوب، عملیات "فتح المبین" بود. در این عملیات نیز مانند عملیات قبلی، نقاط قوت و ضعف دشمن شناسایی شد. عقبه های دشمن به دو جاده دهلران - پل نادری و فکه - پل نادری اتکا داشت. بنابراین مسدود کردن این دو جاده در دو نقطه مهم عین خوش و برفقاز، اقدام مؤثری بود که عملیات بر اساس آن طرح ریزی و اجرا شد و به موفقیت نیز انجامید.

در ادامه روند آزادسازی مناطق اشغالی جنوب، نوبت به عملیات بیت المقدس رسید. در این عملیات نحوه آرایش دشمن مورد بررسی قرار گرفت، مرکز ثقل آن شناسایی شد و هجوم به این مرکز، مبنای طرح ریزی قرار گرفت. با یورش رزمندگان خودی به مرکز ثقل دشمن - که در منطقه ایستگاه حسینیه قرار داشت - فرماندهی جبهه عراق دچار سردرگمی شد و زمینه برای اجرای مراحل دیگر عملیات آماده گردید. به این ترتیب، مقدمات فتح خرمشهر فراهم آمد که در ادامه عملیات، به آزادی این شهر انجامید.

خطوط پدافندی نیز باشد. در عمل با استفاده از یگان های آزاد شده ارتش از خطوط پدافندی و نیز با استفاده از سازمان رو به گسترش سپاه، قوای مسلح ایران اسلامی بر قدرت خود برای اجرای عملیات می افزودند. بدین ترتیب متناسب با نیروی موجود، وسعت منطقه هر عملیات تعیین می گردید. بنابراین به تناسب رشد توان نیروی خودی، هر بار بر وسعت مناطق انتخاب شده افزوده می شد چندان که در چهار عملیات بزرگ، استعداد به کار گرفته شده افزایش عمده ای یافت، بدین ترتیب که از ۳۰ گردان به ۱۳۵، ۴۳ و ۱۴۴ گردان رسید و متناسب با آن، مناطق عملیاتی نیز به ترتیب از ۱۳۰ کیلومتر مربع به ۶۵۰، ۲۵۰۰ و ۵۳۸۰ کیلومتر مربع گسترش یافت.

ویژگی دیگر این چهار عملیات زنجیره ای بودن آن ها بود، به این معنا که اجرای هر کدام از عملیات های بزرگ به موفقیت عملیات قبلی بستگی داشت، به همین دلیل، ترتیب و توالی آن ها نیز بسیار مهم بود.

چنان که مشخص است، تغییر در فرماندهی جنگ به تغییر استراتژی نظامی ایران انجامید و این نکته ای بود که برای مدتی از ذهن دشمن دور ماند. دشمن تحول در اردوی ایران را با تأخیری طولانی درک کرد و همین امر موجب گردید تا بدون توجه به نقاط ضعف خود در لاک دفاعی آسیب پذیر فرو رود و در نتیجه متحمل ضربات پی در پی شود.

اولین عملیات به نام ثامن الائمه^(ع) در شمال آبادان و با توجه به عقبه آسیب پذیر دشمن طراحی شد. اتکای دشمن به دو پل حفار و قصبه روی رود کارون، سبب گردید تا رزمندگان خودی که مهم ترین هدف را دست یابی به این پل های دانستند، از این طریق دشمن را محاصره و در نتیجه منطقه را فتح کنند.

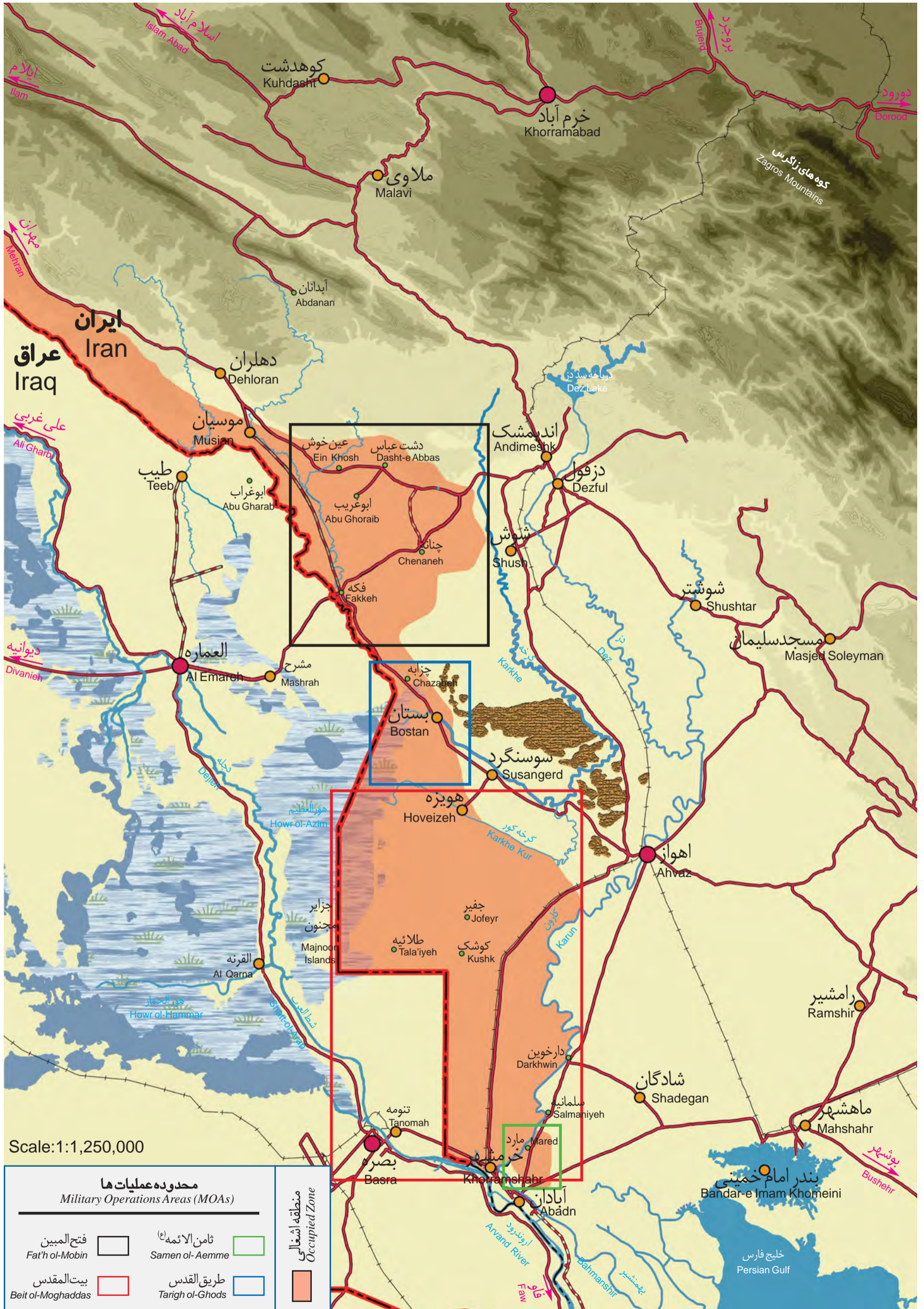
در عملیات طریق القدس، زمین های رملی در شمال منطقه

برکناری ابوالحسن بنی صدر از فرماندهی کل قوا موجب تحول در جنگ شد؛ یعنی نگرش به جنگ، استراتژی نظامی، فرماندهی میدان نبرد، سازمان عمل کننده، طرح ریزی و تاکتیک های به کار گرفته شده تغییر کرد و اندیشه کلاسیک با روحیه انقلابی آمیخته شد. همچنین با تداوم عملیات ها در یک سال اول جنگ و کسب تجربیات و افزایش کارایی کادرها و دست اندرکاران عملیات ها و نیز توانایی هر چه بیش تر جذب نیروهای داوطلب و به کارگیری مناسب تر آنان، به تدریج زمینه های لازم برای بهبود اوضاع جنگ و ایجاد وضعیت جدید فراهم شد. در وضعیت جدید، سپاه که خود در زمان تصدی بنی صدر در مقام فرماندهی کل قوا، دچار پاره ای نامالیامات درون سازمانی بود، با عزل وی انسجام لازم را در سطح فرماندهی به دست آورد. با انتخاب فرمانده جدید (محسن رضایی)، سپاه که تا آن روز بیش ترین توان خود را معطوف مسائل فرهنگی و امنیتی می کرد، گرایش به سمت نظامیگری را آغاز کرد و ضمن گسترش سازمان رزم خود، استعداد گردان های مستقل را تا سطح تیپ افزایش داد و امکان جذب انبوه نیروهای بسیجی را فراهم آورد.

از سوی دیگر، با عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا، تحول در فرماندهی ارتش نیز محتمل به نظر می رسید که با سقوط هواپیمای حامل فرماندهان نظامی پس از عملیات ثامن الائمه^(ع)، ضرورت این تحول قطعی شد. انتخاب فرمانده جدید نیروی زمینی ارتش (سرهنگ علی صیادشیرازی) خود تأثیری بسزا در روند جنگ و همکاری سازنده سپاه و ارتش بر جای گذاشت.

ارتش عراق که در مناطق وسیعی زمین گیر شده بود، به همان وسعت نیز نیروهای ایران را درگیر پدافند کرده بود، لذا در انتخاب مناطق عملیاتی اهدافی تعیین می شد که علاوه بر آزادی زمین، متضمن آزادی نیرو از





عملیات ثامن الائمه (ع)

Samen ol-A'emme (PBUH) (the Eighth Imam of Shiites) Operation

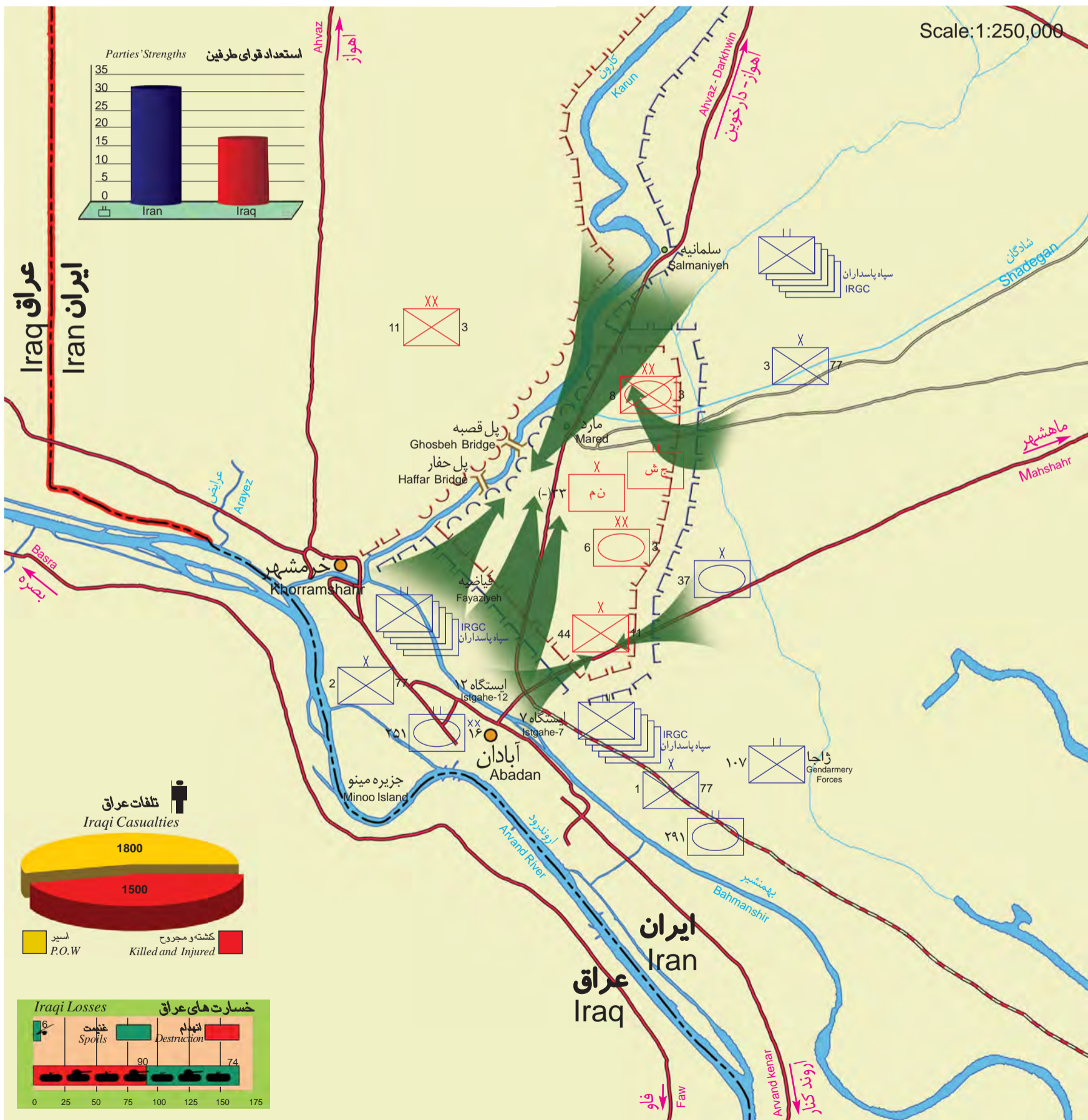
Area: Southern Front - The North of Abadan
Code: Nasro Menallah va Fathon Gharib
Date: 27, 28/9/1981
Objectives: Breaking the Siege of Abadan, liberating the Abadan - Ahvaz & Abadan-Mahshahr Roads and the Occupied Region in Eastern Karun
Liberated Zones: 130 sq kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: شمال آبادان
رمز: نصر من الله و فتح قريب
تاریخ: ۱۳۶۰/۷/۶ و ۵
هدف: شکستن حصر آبادان؛ آزادسازی جاده‌های آبادان-اهواز و آبادان-ماهشهر و منطقه اشغالی در شرق کارون
وسعت منطقه آزاد شده: ۱۳۰ کیلومتر مربع

اهداف پیش‌بینی شده تأمین شد و لشکر ۳ زرهی عراق آسیب فراوانی دید. روز پس از پایان عملیات (۱۳۶۰/۷/۷) هواپیمای حامل چند تن از فرماندهان نظامی که از خوزستان به سوی تهران پرواز می‌کرد، به طور مشکوکی در جنوب تهران (کهریزک) سقوط کرد و ۴۹ سرنشین آن از جمله رئیس ستاد مشترک ارتش (ولی‌الله فلاحتی)، قائم‌مقام فرمانده سپاه (یوسف کلاهدوز)، فرمانده نیروی هوایی ارتش (جواد فکوری)، وزیر دفاع و نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع (سید موسی نامجو) و فرمانده سپاه اهواز (محمد علی جهان‌آرا) به شهادت رسیدند.

پس از دور زدن دشمن از ناحیه نهر شادگان، با موفقیت به پیش رفتند، ولی در محور فیاضیه - که گلگاه نیروهای دشمن بود و برای آن‌ها اهمیتی حیاتی داشت - با مقاومتی سرسختانه رو به رو شدند. چند ساعت بعد نیروهای محور ایستگاه ۷ و ایستگاه ۱۲ که مأموریت خود را به خوبی اجرا کرده بودند، به کمک محور فیاضیه رفتند و مقاومت دشمن را شکستند. بدین ترتیب در کمتر از ۲۴ ساعت بین دو محور اصلی عملیات الحاق حاصل شد و نیروهای خودی به عقبه دشمن رسیدند و آن دسته از قوای عراقی را که نتوانسته بودند عقب نشینی کنند، اسیر کردند. در این عملیات، کلیه

عملیات ثامن الائمه^(ع) نقطه عطفی در تاریخ جنگ بود. این عملیات از سویی نتیجه سال اول جنگ و اوج نبردهای نیمه گسترده محسوب می‌شد و از سوی دیگر، عامل تحول استراتژیک در جنگ بود و اولین گام از نبردهای گسترده آزادسازی به حساب می‌آمد. این عملیات را سپاه طرح‌ریزی کرد و با فرماندهی مشترک ارتش و سپاه، از چهار محور به اجرا درآمد که دارخوین و فیاضیه محورهای اصلی عملیات بودند. با اجرای کامل عملیات در این دو محور، پل‌های قصبه و حفار می‌بایست بسته می‌شد و دشمن به محاصره در می‌آمد. در آغاز عملیات، نیروهای خودی در محور دارخوین



عملیات طریق القدس

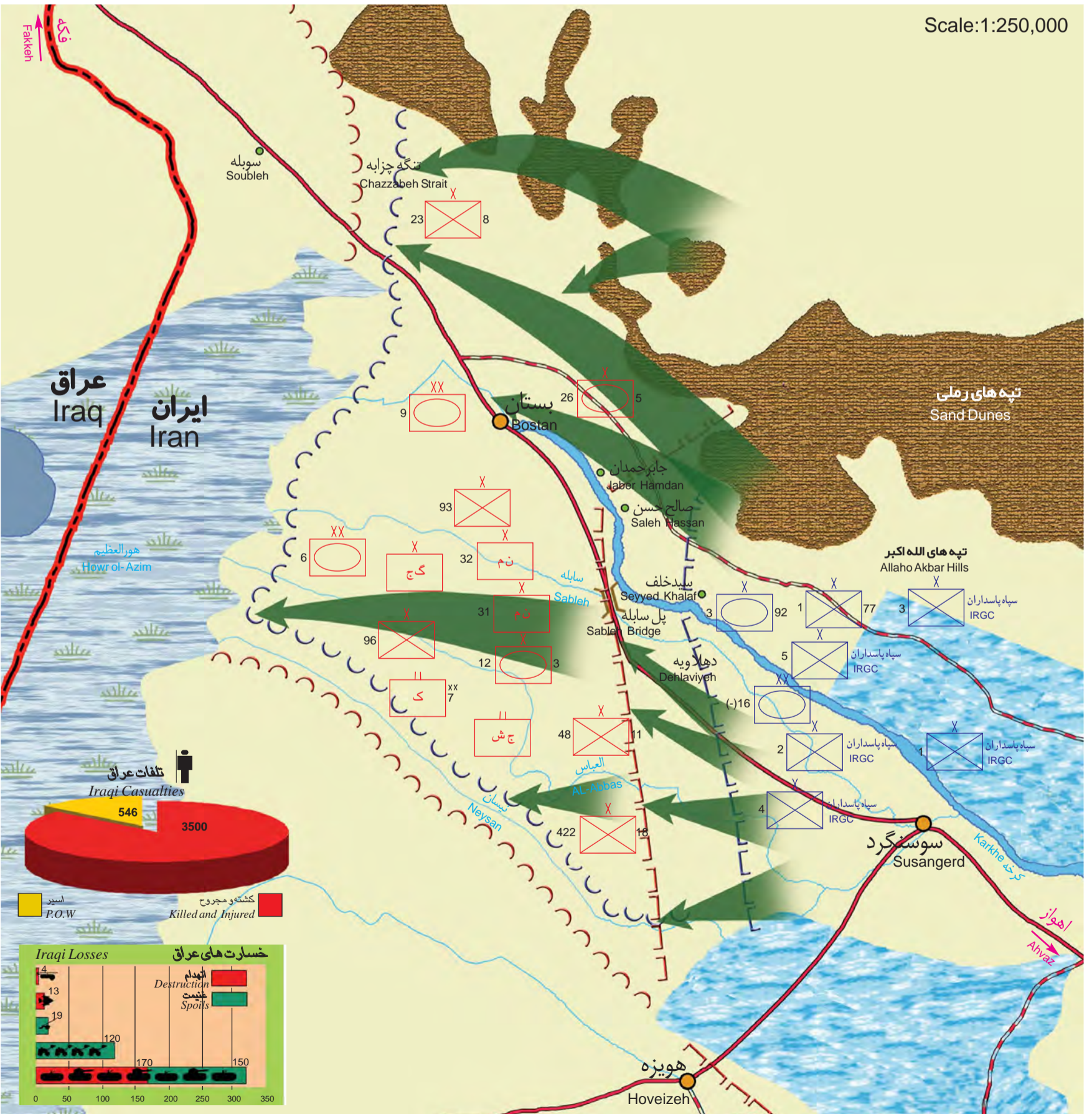
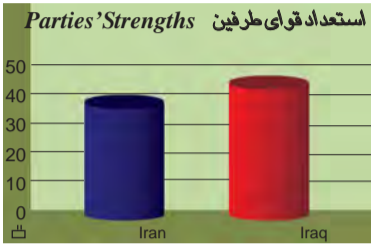
Tarigh ol-Ghods (The Way to Qods) Operation

Area: Southern Front - Bostan
Code: Ya- Hossein (PBUIF)
Date: 29/11/1981 to 4/12/1981
Objectives: Liberation of Bostan, and Access to the Border in Chazzabeh
Liberated zones: 650 sq kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: بستان
رمز: یا حسین (ع)
تاریخ: ۹/۸ تا ۱۳۶۰/۹/۱۳
هدف: آزادسازی بستان و رسیدن به مرز در چزابه
وسعت منطقه آزاد شده: ۶۵۰ کیلومتر مربع

عبور در شمال منطقه عملیاتی بود که سبب غافلگیری دشمن گردید. با موفقیت در محور شمالی، موقعیت نیروهای عراقی مستقر در محور جنوبی نیز متزلزل شد و عملیات این محور هم به پیروزی رسید. در این عملیات کلیه اهداف تأمین شد: شهر بستان و تنگه مهم چزابه آزاد شد. همچنین تصرف چزابه سبب شد که اتصال قوای دشمن در غرب کرخه و غرب کارون گسسته شود. بدین ترتیب توان ارتش عراق در جنوب تجزیه شد و زمینه مناسب برای پیروزی عملیات فتح المبین پدید آمد.

پس از عملیات ثامن الائمه (ع)، سرهنگ **علی صیاد شیرازی** به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد. انتخاب وی - که در زمان بنی صدر به جرم (!) همکاری با سپاه مغضوب واقع شده بود - در کنار فرمانده جدید سپاه (محسن رضایی)، نزدیکی بیش تر دو سازمان ارتش و سپاه را موجب شد و این امکان به وجود آمد که فرماندهان سپاه و ارتش طرح عملیاتی جدید موسوم به "کربلا" را طراحی کنند. عملیات "طریق القدس" اولین مرحله از این طرح محسوب می شود. ویژگی اصلی عملیات طریق القدس، گذشتن از زمین های رملی غیر قابل



Area: Southern Front - Shush and Dezful
Code: Ya. Zahra (PBUIH)
Date: 22/3/1982 to 30/3/1982
Objectives: Liberation of the Western Zone of Karkheh River and the Dezful - Dehloran Road; Securing Andimeshk, Shush and Dezful and the Andimeshk- Ahvaz Road
Liberated Zones: 2400 Sq kilometres

منطقه: جبهه جنوبی - شوش و دزفول
رمز: یازهرا (س)
تاریخ: ۱۳۶۱/۱/۱۰ تا ۱۳۶۱/۳/۳۰
هدف: آزادسازی منطقه غرب رودخانه کرخه و جاده دزفول - دهلران و تأمین اندیمشک، شوش، دزفول و جاده اندیمشک - اهواز
وسعت منطقه آزاد شده: ۲۴۰۰ کیلومتر مربع

عملیات فتح المبین

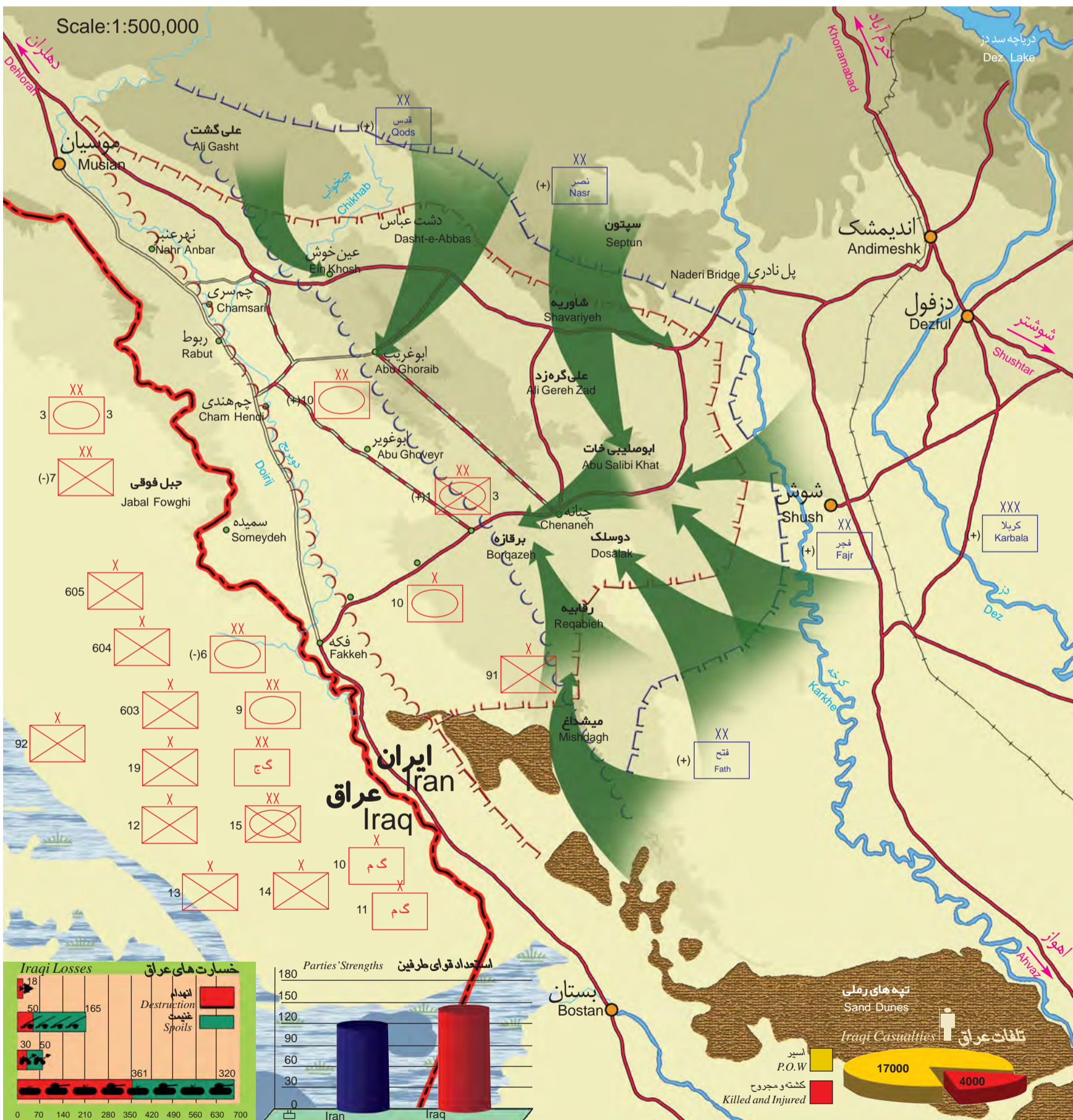
Fath ol-Mobin (Undeniable Victory) Operation

در مرحله سوم، پیشروی به سوی مقر فرماندهی دشمن آغاز شد و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) به فرماندهی **احمد متوسلیان**، سایت‌های ۴ و ۵ را به اشغال درآورد. در مرحله چهارم با پاک‌سازی منطقه آزاد شده و تعقیب دشمن، شرق رودخانه دویرج به تصرف درآمد و دشمن به غرب این رودخانه عقب‌رانده شد. بدین ترتیب همه اهداف تأمین گردید و لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه عراق نیز آسیب جدی دیدند.

به فرماندهی **محسن وزوایی** منهدم شد. در مرحله دوم، تنگه رقابیه مسدود شد؛ یگان‌های خودی با استفاده از کانالی که در زمین‌های رملی در انتهای میشداغ احداث شده بود، تنگه رقابیه را دور زدند و دشمن را از پشت محاصره کردند. دشمن که از همان مرحله اول موقعیت خود را در خطر دیده بود، برای خروج از محاصره فشار شدیدی وارد می‌آورد تا معبر عین خوش را باز کند، لیکن رشادت نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) مانع از موفقیت دشمن شد.

زمین را شناسایی کردند. عقبه دشمن به دو جاده چنانه - فکه و پل نادری - عین خوش اتکا داشت، بنابراین با توجه به این وضعیت، عملیات طراحی و اجرا شد. در محور شمالی دو قرارگاه و در محورهای شرقی و جنوبی هر کدام یک قرارگاه وارد عمل شدند. در مرحله اول، تنگه عین خوش را تیپ ۱۴ امام حسین (ع) با فرماندهی **حسین خرازی** آزاد کرد و توپخانه دشمن در منطقه "علی‌گره زد" با عملیات نفوذی یک گردان از تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)

با پیروزی عملیات طریق‌القدس و قطع ارتباط زمینی یگان‌های تحت امر سپاه سوم عراق در دو منطقه غرب رود کرخه و غرب رود کارون، زمینه مناسب برای عملیات در هر یک از این دو منطقه فراهم شد. منطقه غرب کرخه به دلایلی همچون دور کردن دشمن از شهرهای اندیمشک، دزفول، شوش و تناسب استعداد یگان‌های خودی با وسعت منطقه و تناسب وضعیت طبیعی زمین آن با رزم نیروی پیاده، برای اجرای عملیات برگزیده شد. سپس یگان‌ها نقاط حساس



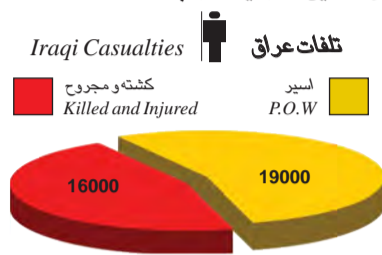
عملیات بیت المقدس

Beit ol-Moghaddas (The Holy Qods) Operation

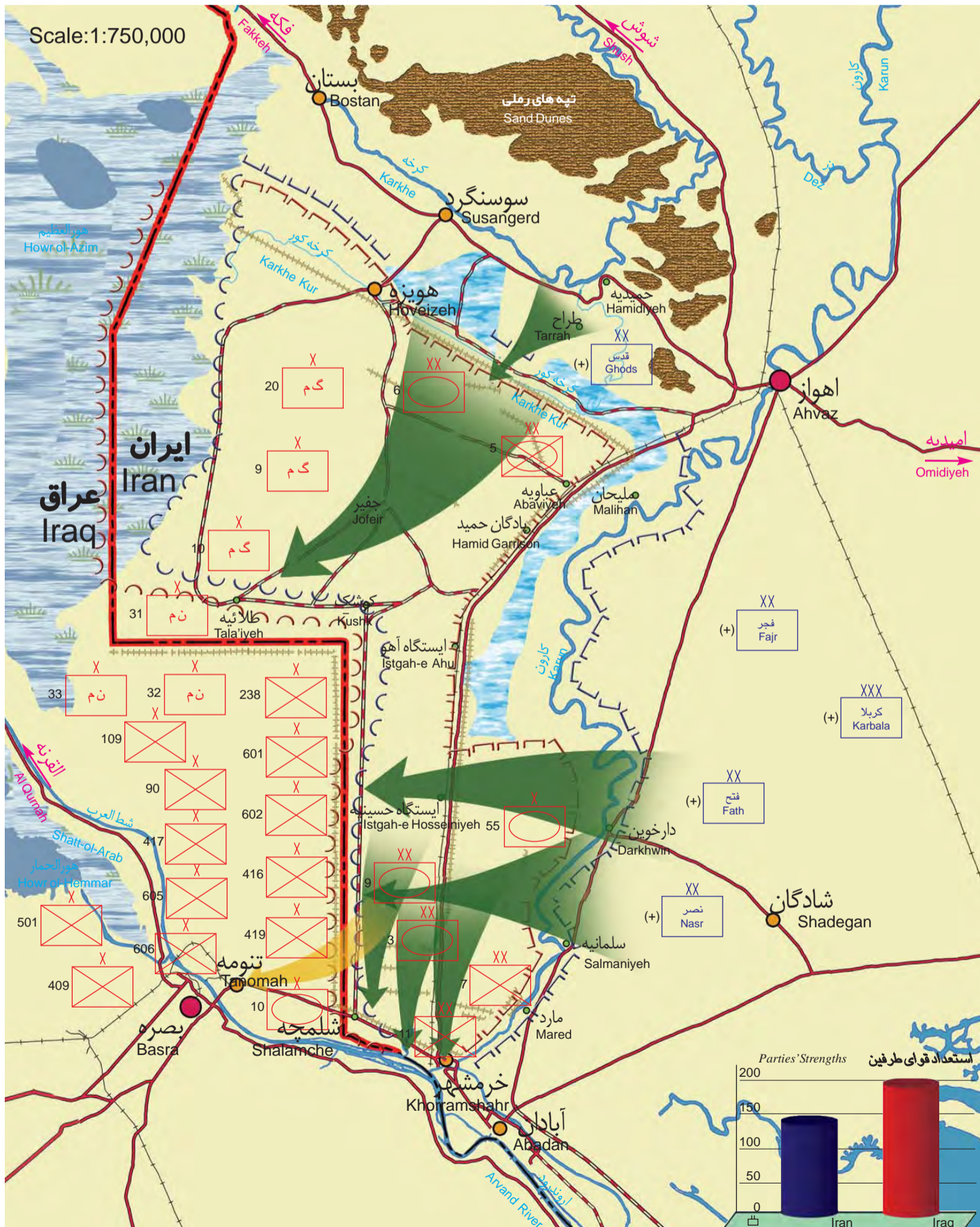
گردید. در این عملیات اغلب بخشی از شلمچه و طلائییه و ۱۵ تیپ مستقل عراق در اشغال دشمن باقی ماند. از ۵۰ تا ۸۰ درصد آسیب در این عملیات ۸ لشکر جدی دیدند. مرزی تأمین گردید، هر چند

Area: Southern Front - the Western Karun River
Code: Ya Ali-yebne Abitaleb (the First Imam of Shiites^{PBUH})
Date: 30/4/1982 to 24/5/1982
Objectives: Liberating Khorramshahr and Hoveizeh and the Ahvaz-Khorramshahr Road; Pulling Ahvaz, Hamidiyeh, and Susangerd and also the Ahvaz-Abadan Road out of the Enemy's Artillery Fire Range; Securing International Borders
Liberated Zones: 5380 Sq kilometers

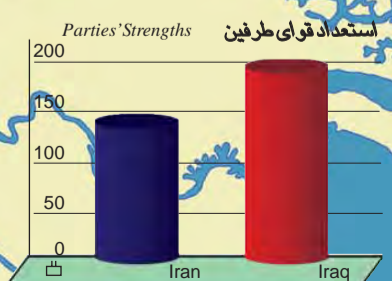
منطقه: جبهه جنوبی: غرب رود کارون
رمز: یا علی بن ابی طالب^(ع)
تاریخ: ۲۱/۱۰ تا ۱۳۶۱/۲/۳
هدف: آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه و جاده اهواز - خرمشهر؛ خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد و نیز جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دشمن؛ تأمین مرز بین المللی
وسعت منطقه آزاد شده: ۵۳۸۰ کیلومتر مربع



قدس، فتح و نصر وارد عملیات شده بود، انسداد جاده خرمشهر - شلمچه و تأمین "تهرعریض" و "پل نو" موجب گردید که نیروهای عراقی تسلیم شوند و در نتیجه خرمشهر در ساعت ۱۱ صبح روز ۱۳۶۱/۲/۳ آزاد



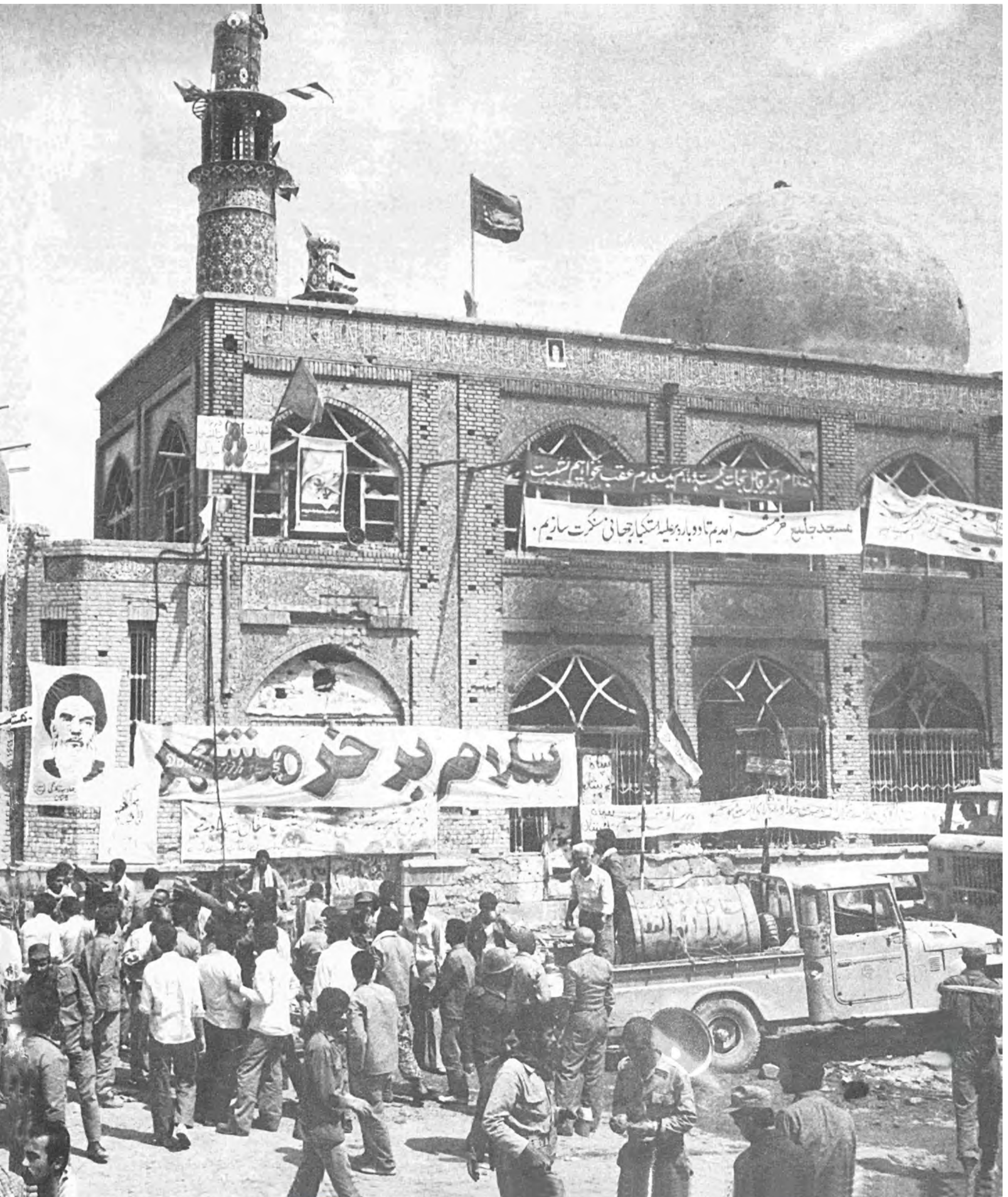
عراق با تداوم اشغال خرمشهر می کوشید آخرین و مهم ترین اهرم فشار خود را برای واداشتن ایران به شرکت در مذاکرات صلح، از موضع ضعف حفظ کنند. متقابلاً، آزادسازی این شهر می توانست نماد تحمیل اراده جمهوری اسلامی ایران بر متجاوز و اثبات برتری اش در جنگ باشد. با توجه به اهمیت این منطقه در تعیین سرنوشت جنگ، عملیات "بیت المقدس" راسپاه و ارتش طراحی و اجرا کردند. این عملیات ترکیبی از عملیات اصلی و عملیات پشتیبانی بود. عملیات پشتیبانی را قرارگاه فجر مرکب از یگان های سپاه و ارتش - که از عملیات "فتح المبین" در منطقه مانده بود - در فکه انجام داد و ضمن عقب راندن دشمن به سمت مرز، حدود ۲۰۰۰ اسیر گرفت. این قرارگاه در آخرین مرحله از عملیات اصلی نیز به کار گرفته شد. اما در منطقه عملیات اصلی، در مرحله اول، جاده اهواز - خرمشهر از ۶۸ تا ۱۰۳ کیلومتر تصرف و تثبیت گردید و کلیه رخنه ها ترمیم شد. در مرحله دوم، ضمن آزادسازی مسافت بیشتری از این جاده، پیشروی به سمت مرز در محدوده ایستگاه حسینییه آغاز شد. با این پیشروی مرکز ثقل قوای دشمن به دست نیروی خودی افتاد که بر اثر آن، عراق از سویی عقبه لشکرهای خود را در جعفر در معرض تهدید می دید و از سویی دیگر، در مورد حفظ بصره احساس نگرانی می کرد، ضمن آن که با رسیدن نیروها به مرز، تأمین عقبه نیروهای دشمن در خرمشهر نیز به خطر افتاد. از این رو عراق هراسان از تکرار "فتح المبین"، از منطقه وسیعی شامل پادگان حمید، هویزه و جعفر عقب نشینی کرد؛ دو لشکر خود را عقب کشید تا آن ها را از انهدام برهاند و در عین حال برای پدافند بصره از آن ها استفاده کند. در مرحله سوم،



سرزمین های آزاد شده در جنوب

The Liberated Lands in the South

دوره موفقیت آمیز آزادسازی مناطق اشغالی
جبهه جنوبی، بیانگر شایستگی قوای نظامی
جمهوری اسلامی ایران بود و برتری نظامی آنها
را بر عراق نشان می داد. این موفقیت نه تنها
به برتری ایران بر عراق در موازنه قوا دلالت
می کرد، بلکه در برقراری موازنه منطقه ای نیز

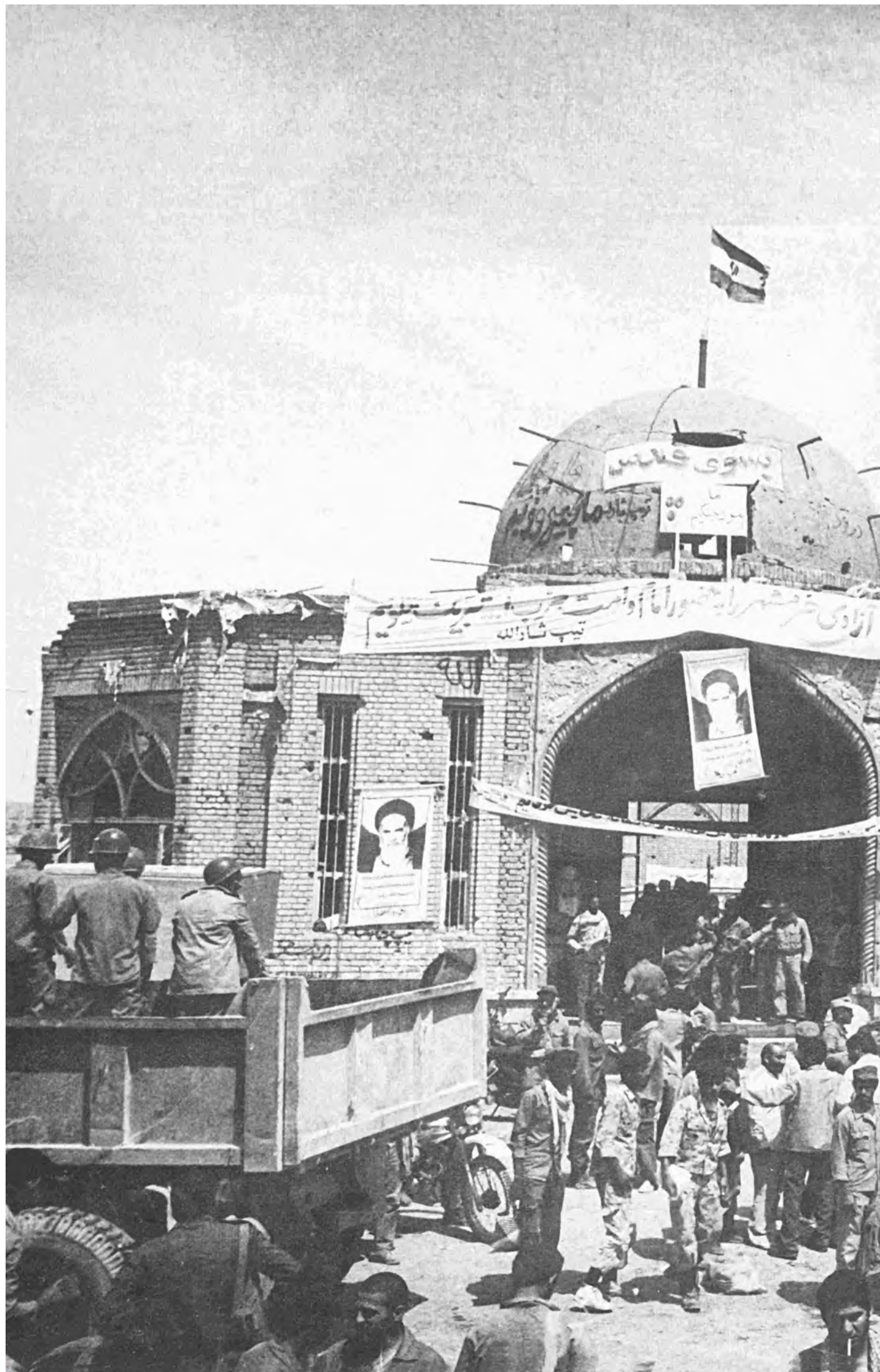


دویرج موضع گرفت. در محور فکه نیز با آن که در عملیات پشتیبانی بیت المقدس، دشمن به سوی مرز عقب رانده شده بود، هنوز بخشی از خاک ایران اسلامی را در اشغال داشت. در پایان عملیات بیت المقدس نیز بخشی از طلائیه و شلمچه ایران در تصرف عراق باقی مانده بود. حضور ارتش عراق در پشت رودخانه دویرج و روی ارتفاعات حمیرین سبب شده بود که عملاً جاده دزفول - دهلران بدون استفاده بماند. این جاده در منطقه عمومی عین خوش و موسیان زیر دید دشمن بود و امنیت لازم برای تردد در آن وجود نداشت. در شلمچه موضوع اهمیت بیش‌تری داشت، زیرا حضور نیروهای دشمن در این منطقه، تهدید خرمشهر تلقی می‌شد. بنابراین اصول نظامی حکم می‌کرد که برای رفع این تهدید و تأمین اطمینان بخش‌تر مرزها، عملیات بیت المقدس ادامه یابد و دشمن در آن سوی مرز تعقیب شود، به ویژه که روحیه تضعیف شده ارتش دشمن و سازمان آسیب دیده آن ایجاب می‌کرد که از اصول نظامی تبعیت شود و با استفاده از دور پیروزی، اصل تعاقب اجرا گردد، لیکن در پی ۲۵ روز جنگ برای آزادی خرمشهر، سازمان رزم خودی به بازسازی نیاز داشت، ضمن آن که شناسایی کافی از مواضع دشمن در آن سوی مرز انجام نشده بود، لذا ادامه عملیات به فرصت دیگری موکول شد.

در حالی که افکار عمومی از آزادی کامل سرزمین‌های جنوب حکایت می‌کرد، ارتش عراق چندین نقطه از خاک ایران را در کنار مرز در اشغال داشت. عراق در عملیات فتح المبین تا پشت مرز عقب رانده نشد، بلکه در منطقه عین خوش پشت رودخانه

برتر خاورمیانه شناخته شود، برای محدود کردن تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران، به جنوب لبنان حمله کرد تا مانور قدرتمندانه خود را به نمایش گذارد. از سوی دیگر، اوضاع جنگ پس از فتح خرمشهر، ادامه آن را ضروری نشان می‌داد.

تأثیر گذاشته بود. پیروزی‌های ایران بیش از هر کشور دیگری سبب نگرانی اسرائیل بود، از همین زاویه می‌توان یکی از علل حمله اسرائیل به جنوب لبنان را که پس از فتح خرمشهر انجام شد، بررسی کرد. حکومت اشغالگر قدس که همواره می‌کوشد تا قدرت





آزادسازی سرزمین های شمالی و میانی

4

THE LIBERATION
OF THE NORTHERN
AND CENTRAL
LANDS



آزادسازی سرزمین‌های شمالی و میانی

The Liberation of the Northern and Central Lands

در دوره آزادسازی مناطق اشغالی جنوب کشور، تنها یک عملیات نیمه‌گسترده با نام "مطلع الفجر" در جبهه میانی و یک عملیات نیمه‌گسترده با نام "محمد رسول الله (ص)" در جبهه شمالی انجام شد و سایر عملیات‌های جبهه میانی که با هدف آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و تأمین مرز اجرا می‌شد، هم‌زمان با دوره "تنبیه متجاوز" بود که البته تأثیر تنبیهی نیز داشت. توضیح این‌که پس از فتح خرمشهر حدود ۵۰۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران اسلامی در اشغال دشمن باقی مانده بود که ارتش عراق به جهت آسیب‌پذیری نیروهایش، نیمی از این مناطق را تخلیه کرد. اما ۲۵۰۰ کیلومترمربع باقی‌مانده را همچنان در اشغال نگه داشت که این نقاط بیش‌تر در مناطق کوهستانی مرزهای استان کرمانشاه و ایلام بود.

برای آزادسازی این مناطق چندین عملیات انجام شد که برخی از آن‌ها موفقیت‌های مهمی در پی داشت. این سلسله عملیات‌های آزادسازی ویژگی‌های متفاوتی نسبت به عملیات آزادسازی در جبهه جنوبی داشتند، در واقع خصلت آزادسازی و تأمین مرز، تنها خصلت و هدف این دسته عملیات‌ها به شمار نمی‌رفت بلکه حل و فصل برخی مسائل خودی در روند کلی جنگ (پس از فتح خرمشهر) نیز از جمله اهداف این عملیات‌ها بود. به عنوان مثال، در صورت موفقیت عملیات

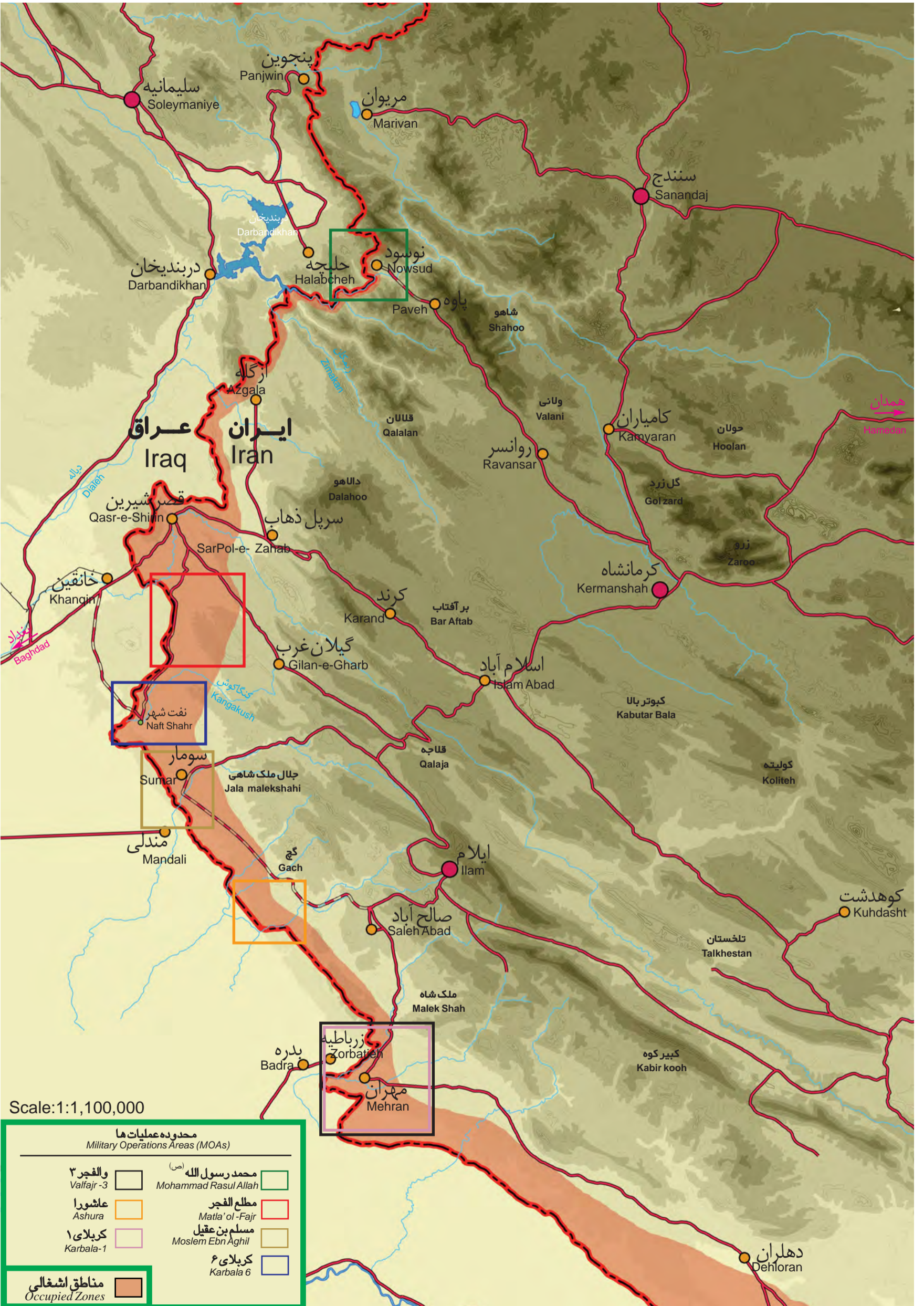
رمضان، شاید برای آزادی ارتفاعات جبهه میانی به عملیات نیاز نبود اما در پی عدم موفقیت در عملیات رمضان، اردوی خودی متوجه جبهه میانی گردید و منطقه سومار برای عملیات "مسلم بن عقیل" انتخاب شد. در این‌جا چند هدف دنبال می‌شد: هدف اول، کسب زمان برای بررسی عملیات رمضان و یافتن راه‌کارهای بهتر در جنوب و هدف دوم، بازستاندن ارتفاعات مرزی و استقرار روی ارتفاعات بلند به منظور تأمین شهر مندلی و شناسایی وضعیت کلی زمین در این جبهه بود که با این اقدام، تأمین مرز بین‌المللی نیز میسر می‌شد. عملیات بعدی در این جبهه، در مهران و با نام "الفجر ۳" به اجرا درآمد که اهداف آن نیز مشابه عملیات مسلم بن عقیل بود، به این معنا که این بار، عدم‌الفتح در عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱ سبب اجرای سه عملیات با نام‌های والفجر ۲ و ۳ و ۴ گردید؛ والفجر ۲ و ۴ در جبهه شمالی و والفجر ۳ در جبهه میانی به اجرا درآمد. در عملیات والفجر ۳، تأمین مرزهای بین‌المللی در منطقه مهران از جمله اهداف بود. عملیات مهم دیگر این جبهه، در منطقه عمومی میمک و با نام "عاشورا" انجام شد. هدف این عملیات نیز بی‌شبهت به دو عملیات دیگر نبود. فاصله یک‌ساله دو عملیات خیبر و بدر ایجاب می‌کرد که در این فاصله زمانی عملیاتی هر چند محدود انجام شود تا ضمن سلب آرامش از دشمن، آمادگی رزمی خودی

نیز حفظ گردد.

طی سه عملیات مذکور، مناطقی از ارتفاعات اشغالی سومار، میمک و مهران آزاد شد، لیکن ارتفاعات مرزی قصرشیرین و نفت‌شهر، همچنان در تصرف دشمن باقی ماند. در آغاز سال ۱۳۶۵، ارتش عراق پس از شکست در عملیات "الفجر ۸" با تحرکاتی موسوم به "دفاع متحرک" علاوه بر بازپس‌گیری بخشی از ارتفاعات منطقه سومار، بار دیگر شهر مهران را نیز اشغال کرد که در پی آن "عملیات کربلای ۱" با هدف بیرون راندن اشغالگران از این شهر انجام گرفت که چنین نیز شد.

آخرین عملیات مهم این جبهه، عملیات "کربلای ۶" بود که با هدف آزاد کردن "نفت‌شهر" طرح ریزی شد. این عملیات برخلاف سه عملیات اول که در واقع متأثر از عملیات‌های جبهه جنوبی بود، به منظور اثرگذاری روی یکی از عملیات‌های جنوب به اجرا درآمد؛ یعنی پیش‌بینی شده بود که این عملیات هم‌زمان با عملیات "کربلای ۵" اجرا شود تا نیروهای دشمن تجزیه شوند و از فشار آن‌ها در جبهه "کربلای ۵" کاسته شود، اما اهداف این عملیات تحقق نیافت. به عبارت دیگر، نبرد برای آزادی سرزمین‌های اشغال شده در جبهه میانی تا پایان جنگ ادامه داشت، ولی ضمن کسب موفقیت‌هایی، به هدف نهایی نرسید.





Scale: 1:1,100,000

محدوده عملیات‌ها
Military Operations Areas (MOAs)

۳ والفجر Valfajr-3	محمد رسول الله (ص) Mohammad Rasul Allah
عاشورا Ashura	مطلع الفجر Matla' ol-Fajr
کربلای ۱ Karbala-1	مسلم بن عقیل Moslem Ebn Aghil
مناطق اشغالی Occupied Zones	کربلای ۶ Karbala 6

عملیات مطلع الفجر

Matla'ol-Fajr (The Rising of Dawn) Operation

Area: Central Front-Gilan-e-Gharb, Shia kohh
Code: Ya Mahdi (PBUH) Adrekni
Date: 11/12/1981 to 27/12/1981
Objectives: Liberating the Heights in the West of Gilan-e-Gharb

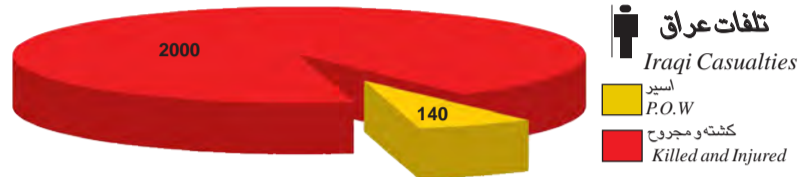
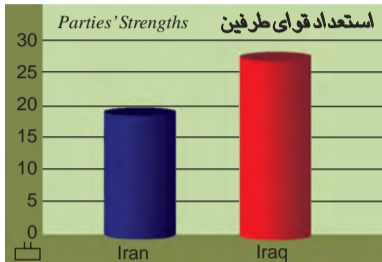
منطقه: جبهه میانی: گیلان غرب - شیاکوه
رمز: یامهدی (عج) ادرکنی
تاریخ: ۹/۲۰ تا ۱۰/۶/۱۳۶۰
هدف: آزادسازی ارتفاعات غرب گیلان غرب

دیگر به تصرف دشمن درآید. در این عملیات، **غلامعلی پیچک** فرمانده محور تنگ کورک به شهادت رسید.

درآمد، اما پاتک‌های سنگین و متوالی دشمن از یکسو و عدم امکان پشتیبانی از نیروها - به سبب دوری مسافت خط مقدم با عقبه - از سوی دیگر، موجب شد که با وجود ۱۷ روز مقاومت، قلعه‌های آزاد شده، بار

توانی که در این عملیات‌ها به کار گرفته شد، همچون عملیات‌های جبهه جنوبی نبود. در عملیات مطلع الفجر - که به فرماندهی مشترک سپاه و ارتش انجام شد - ارتفاعات "شیاکوه" و "برآفتاب" به تصرف خودی

نیروهای خودی، در ارزش‌گذاری سه جبهه -مانند دشمن- اولویت اول را برای جبهه جنوبی قائل بودند و جبهه‌های میانی و شمالی در رتبه دوم و سوم قرار داشت. به همین دلیل فرماندهی نیروی خودی در جبهه جنوبی تمرکز یافته بود و جبهه میانی عمدتاً با اتکال به توان تقویت‌شده سپاه منطقه ۷ و قرارگاه ارتش در غرب کشور اداره می‌شد. به عبارت دیگر، اگرچه دو عملیات مطلع الفجر و محمد رسول‌الله (ص) از سلسله عملیات‌های دوره آزادسازی شناخته می‌شود، لیکن



عملیات محمد رسول الله (ص)

Mohammad Rasul Allah (PBUH) (Mohammad-the Prophet of God) Operation

Area: Northern Front- Biyareh - Tavileh
Code : La Elaha Ellallah , Mohammad Rasul Allah (PBUH)
Date : 3/1/1982
Objectives : Clearing and Securing the International Borders across the Area of Oramanat

منطقه: جبهه شمالی: بیاره- طویلہ
رمز: لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص)
تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۱۳
هدف: پاکسازی و تأمین مرز بین المللی در منطقه اورامانات

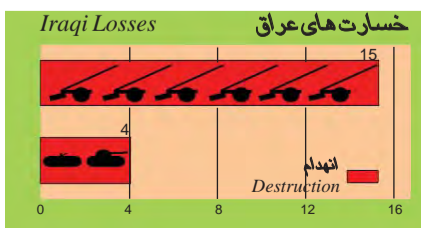
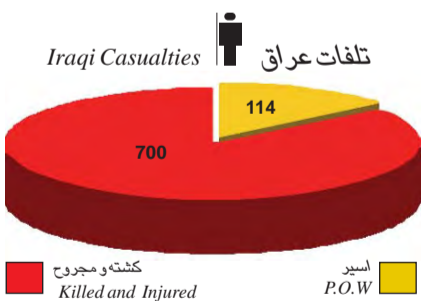
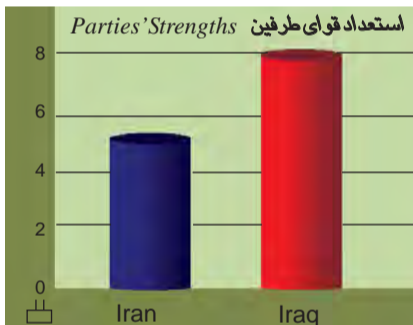
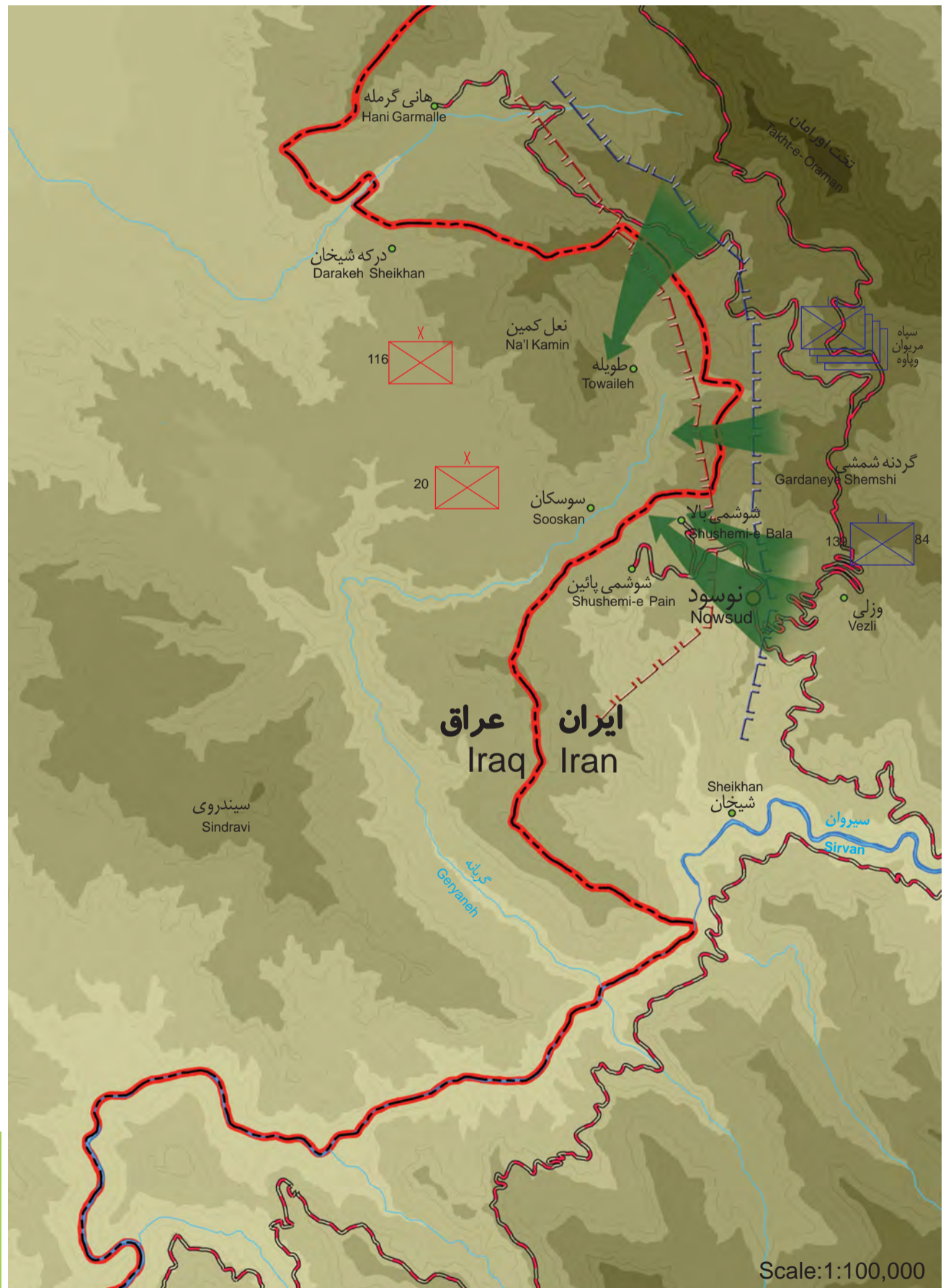
منطقه - که پشتیبانی از قوای خودی را دشوار کرده بود - موجب گردید که یگان‌های عمل‌کننده نتوانند مناطق آزاد شده را تثبیت کنند و ناچار به مواضع قبلی خود بازگشتند.

گفتنی است که عملیات محمد رسول الله (ص) همچون بسیاری دیگر از عملیات‌های مشابه، در جنبه‌هایی چون آموزش، کسب تجربه و کادرسازی برای تداوم جنگ اهمیت داشت؛ به عنوان مثال فرمانده محور راست عملیات **احمد متوسلیان**، فرمانده سپاه مریوان و فرمانده محور چپ، **محمد ابراهیم همت**، فرمانده سپاه پاوه، هر دو در اندک زمانی یکی پس از دیگری به فرماندهی لشکر محمد رسول الله (ص) - یکی از پر قدرت ترین لشکرهای سپاه در جنگ - منصوب شدند. یکی دیگر از فرماندهان این عملیات، پاسدار **ناصر کاظمی** فرماندار پاوه بود.

حرکت دشمن، طی دوره کسب اعتماد به نفس، در تیر ماه ۱۳۶۰ عملیات روح الله به اجرا درآمد و شرق نوسود آزاد شد. در دوران آزادسازی نیز عملیات محمد رسول الله (ص) در این منطقه، با فرمادهای مشترک سپاه و ارتش اجرا شد که رزمندگان خودی به اغلب اهداف تعیین شده دست یافتند، لکن عواملی همچون نبودن جاده‌های مواصلاتی مناسب و حضور دشمن در ارتفاعات سرکوب

بود، وضعیت مطمئنی را برای مرزهای عراق سبب می‌شد. به عبارت دیگر، اقدامات گروه‌های ضدانقلاب در مناطق گردنشین، سبب امنیت مرزهای عراق شده بود. اما پس از آن که قوای ایرانی این گروه‌ها را به سوی مرز عقب راندند و دسترسی به مرز میسر شد، ارتش عراق تجاوز زمینی را در جبهه شمالی آغاز کرد و در زمستان ۱۳۵۹ حاشیه مرز را از نوسود تا مریوان را به اشغال درآورد. در پاسخ به این

در آغاز جنگ، دشمن برای اشغال سرزمین‌های جبهه شمالی سرمایه‌گذاری نکرد، زیرا ارزش نظامی این جبهه کمتر از دو جبهه دیگر بود و تنها برای حفظ کرکوک که سومین شهر مهم عراق محسوب می‌شود و به میزان اهمیت آن، نسبت به این جبهه حساسیت نشان می‌داد. از سوی دیگر، حضور فعال گروه‌های ضدانقلاب در این جبهه ضمن آن که قوای ایرانی را به طور گسترده درگیر کرده



عملیات مسلم بن عقیل

Moslem Ebne Aghil (Moslem the son of Aghil) Operation

Area : Central Front- Sumar
Code: YaAbolfazlel-Abbas^(PBUH)
Date : 1/10/1982 to 5/10/982
Objectives: Liberating Sumar, Scuring the Border Heights and Posing a Threat to Mandali in Iraq
Liberated And Captured Zones: 130 Sq. Kilometres

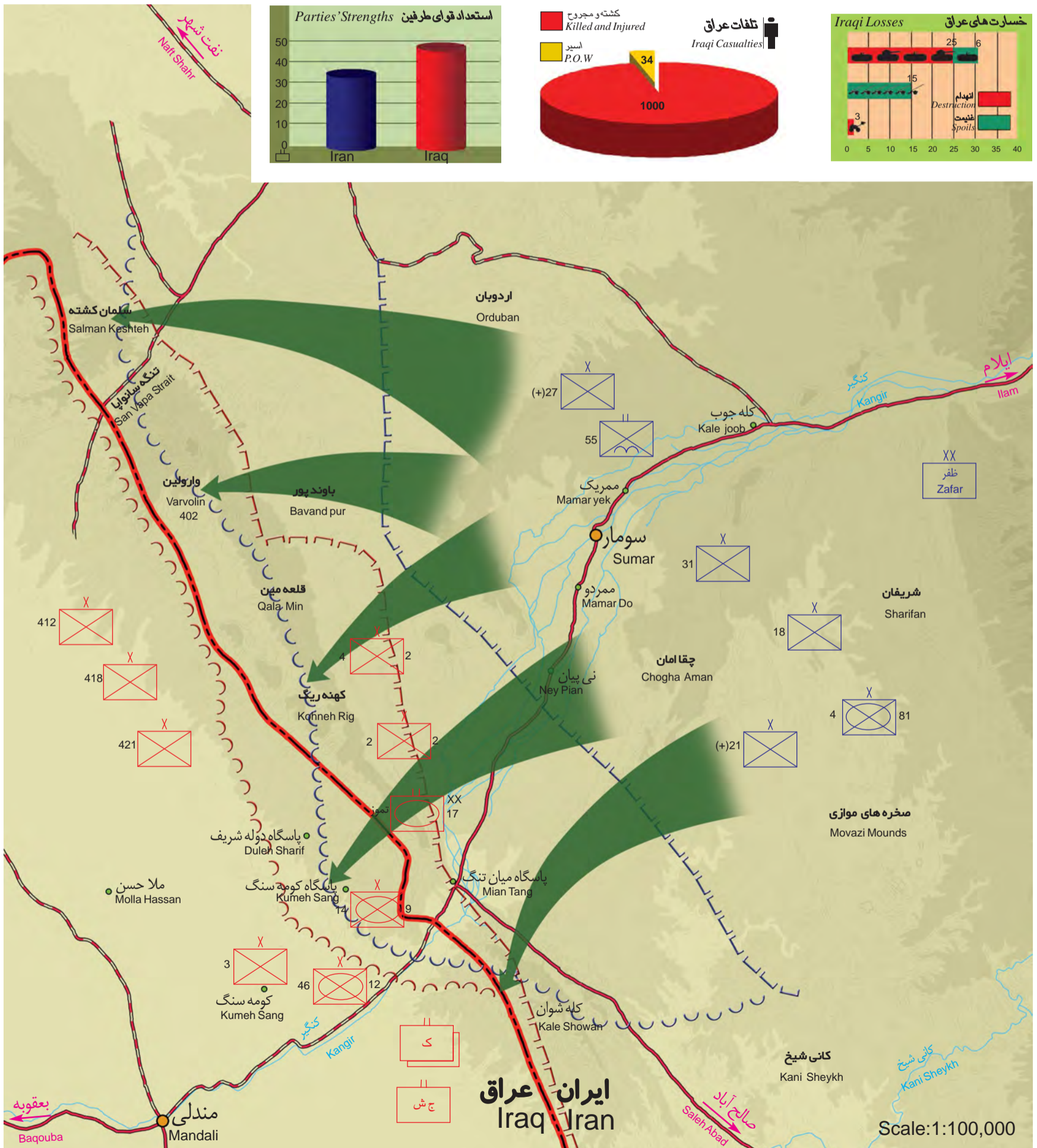
منطقه: جبهه میانی: سومار
رمز: یا ابوالفضل العباس^(ع)
تاریخ: ۷/۹ تا ۱۳/۷/۱۳۶۱
هدف: آزادسازی سومار، تأمین ارتفاعات مرزی و تهدید شهر مندلی عراق
وسعت مناطق آزاد شده و تصرف شده: ۱۳۰ کیلومترمربع

۱۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران آزاد و حدود ۳۰ کیلومترمربع از خاک عراق تصرف گردید و نیروهای خودی ضمن تأمین دشت سومار، بر تنگه‌های مرزی تسلط یافتند و شهر مندلی نیز در دید و تیررس آنان واقع شد. در نتیجه امکان پیشروی در عمق خاک دشمن، فراهم گردید.

عملیات "مسلم بن عقیل" قرار گرفت که با طراحی و فرماندهی مشترک ارتش و سپاه انجام شد. در این عملیات با پیشروی نیروهای خودی - که در مرحله اول با سرعتی شگفت آور و بعد به تدریج صورت گرفت - و با مقاومت طولانی آنان در مقابل پاتک‌های عراق، منطقه آزاد شده تثبیت گردید. بدین ترتیب بیش از

توانایی‌ها قرار گیرد. علاوه بر این امر مهم، آزادسازی مناطق کوهستانی جبهه میانی از اشغال دشمن و تأمین مرزها در این منطقه نیز مطرح بود؛ از این رو عقب راندن دشمن از غرب شهر سومار و آزادسازی ارتفاعات مرزی آن، همچنین در صورت امکان پیشروی به سوی شهر "مندلی" عراق، هدف

پس از توقف عملیات رمضان در دشت‌های شرق بصره در برابر نیروی زرهی دشمن، انتخاب منطقه‌ای کوهستانی و محدود و تری برای اجرای عملیات، لازمه حفظ ابتکار عمل نیروهای جمهوری اسلامی دانسته شد. تا نقاط قوت خودی و ضعف دشمن در زمین‌های ناهموار، زمینه‌ساز تقویت تدریجی



عملیات والفجر ۳

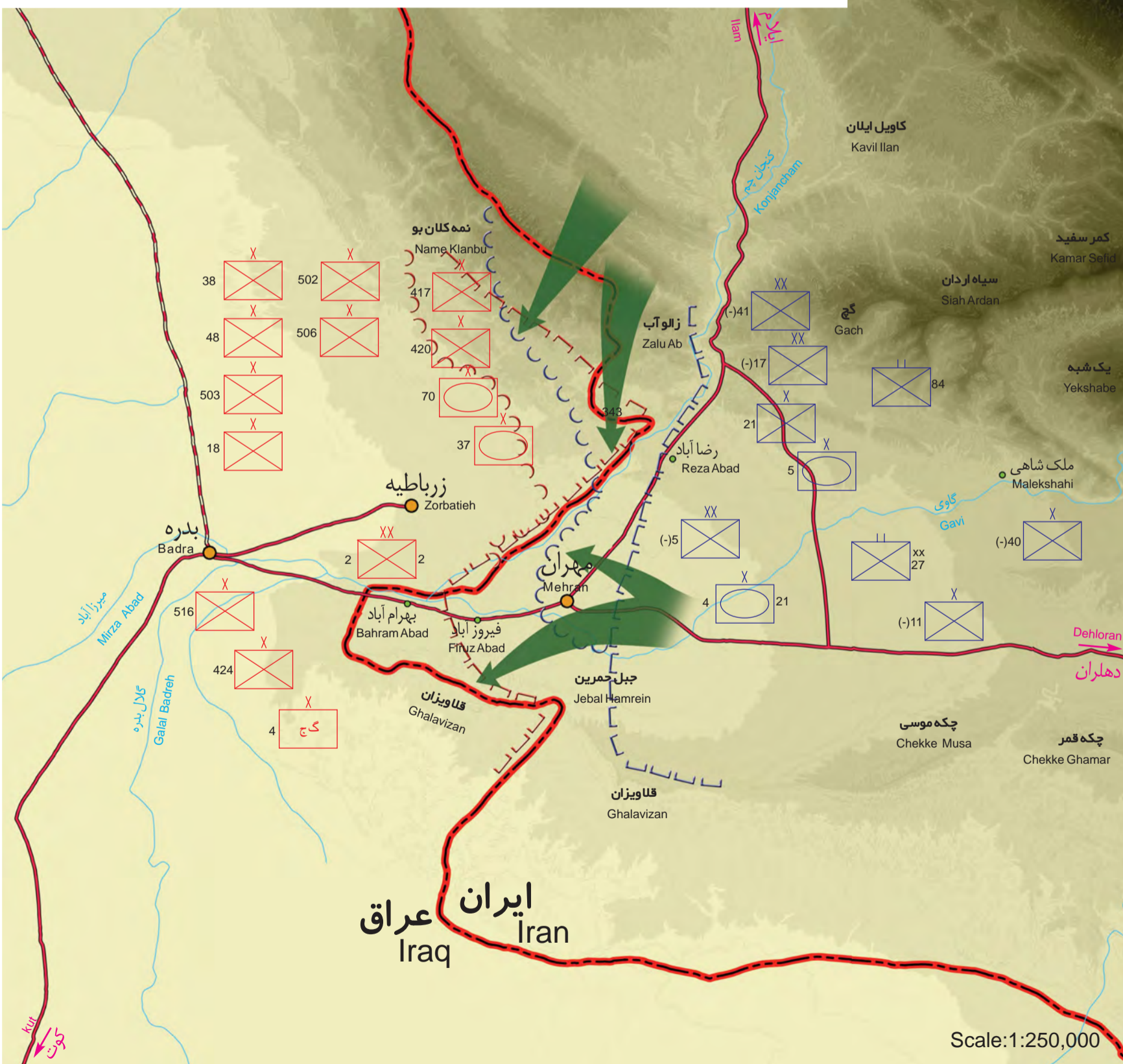
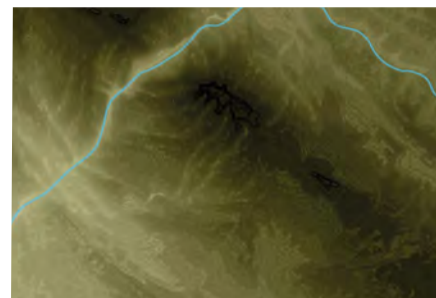
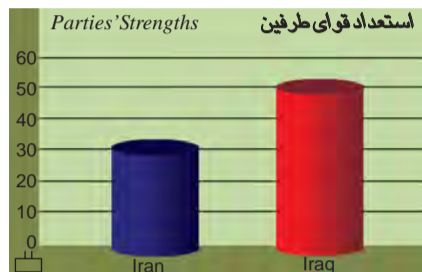
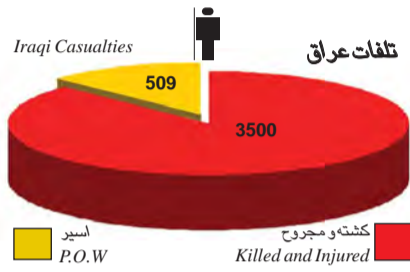
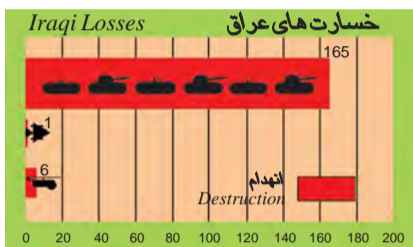
Valfajr-3 (Dawn-3) Operation

Area : Central Front-Mehran
Code : Ya Allah
Time : 29/7/1983 to 9/8/1983
Objectives : Securing Mehran City and the Mehran Plain as well as the Ilam - Dehloran road
Liberated Zones : 100 sq. Kilometres

منطقه: جبهه میانی: مهران
رمز: یا الله
زمان: ۵/۷ تا ۱۳۶۲/۵/۱۸
هدف: تأمین شهر و دشت مهران و جاده ایلام - دهلران
وسعت منطقه آزادشده: ۱۰۰ کیلومتر مربع

شدند هدف‌های مورد نظر را تصرف کنند. در این میان، نیروهای عراقی یازده شبانه روز روی ارتفاع ۳۴۳ معروف به "کله قندی" - که آزادسازی آن در تعیین نتیجه عملیات بسیار مؤثر بود - مقاومت کردند تا این که **محمد ابراهیم همت** فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) با یک گردان نیرو وارد عمل شد و مقاومت دشمن را درهم شکست. در این عملیات با آزادسازی بخش عمده‌ای از ارتفاعات سرکوب منطقه، شهر و دشت مهران و نیز دو جاده مهران - ایلام و مهران - دهلران تأمین شد و ارتباط جبهه‌های میانی و جنوبی از طریق این دو جاده برقرار گردید.

شهر مهران در ۱۳۵۹/۷/۲ به اشغال ارتش عراق درآمد و تا عملیات "الفجر ۳" در اشغال بود. برای آزادسازی این شهر و ارتفاعات مرزی آن، عملیات "الفجر ۳" با فرماندهی مشترک سپاه و ارتش طراحی شد. در اجرای عملیات، نیروهای خودی از سه محور به دشمن یورش بردند و موفق



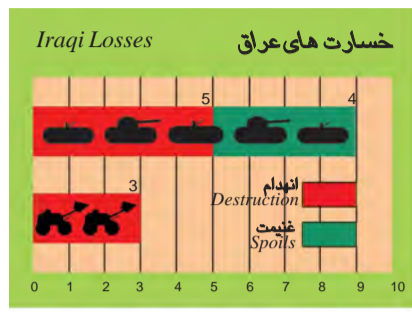
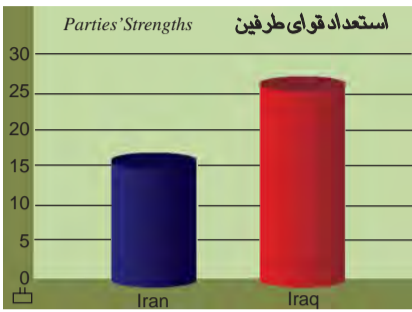
عملیات عاشورا

Ashura Operation

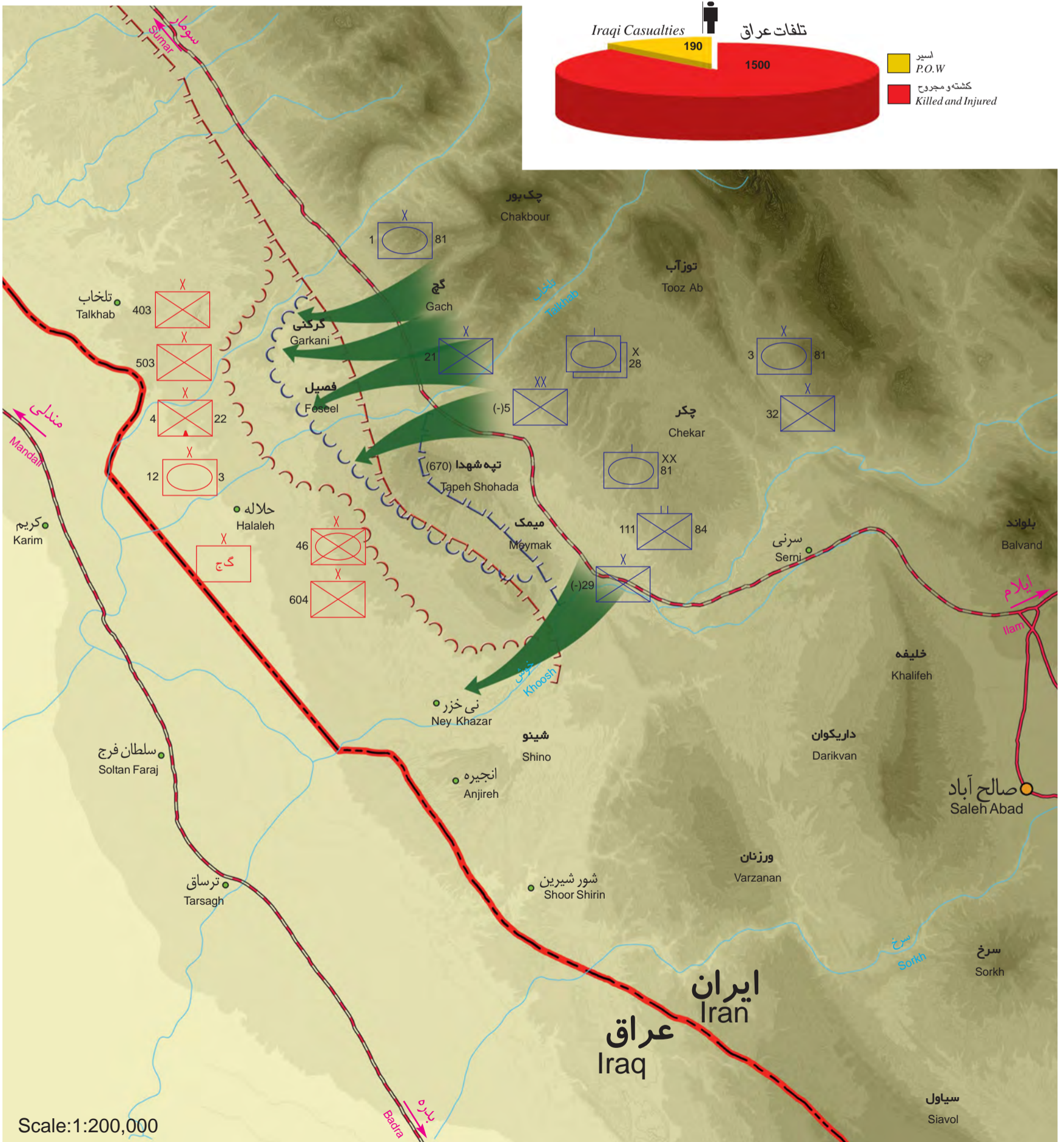
Area : Central Front - Meymak
Code : Ya Aba Abdellahel- Hossain (PBUH)
Date: 18/10/1984 to 22/10/1984
Objectives : Liberating Foseel and Garkani Heights in the North of Meymak

منطقه: جبهه میانی: میمک
رمز: یا ابا عبدالله الحسین (ع)
تاریخ: ۷/۲۶ تا ۱۳۶۳/۷/۳۰
هدف: آزادسازی ارتفاعات فصیل و گرکنی در شمال میمک
وسعت منطقه آزاد شده: ۵۰ کیلومتر مربع

Liberated Zones : 50 Sq. Kilometres



ارتش عراق که در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۱ (قبل از آغاز رسمی جنگ) ارتفاع میمک را به اشغال درآورده بود، پس از هجوم سراسری، سرزمین اشغالی را توسعه داد و ارتفاعات شمال آن شامل فصیل و گرکنی را نیز تصرف کرد. در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۹ در عملیات "ضربت ذوالفقار" قسمتی از ارتفاعات میمک آزاد گردید، اما ارتفاعات فصیل و گرکنی و نیز بخشی از دامنه غربی میمک



Scale: 1:200,000

عملیات کربلا ۱

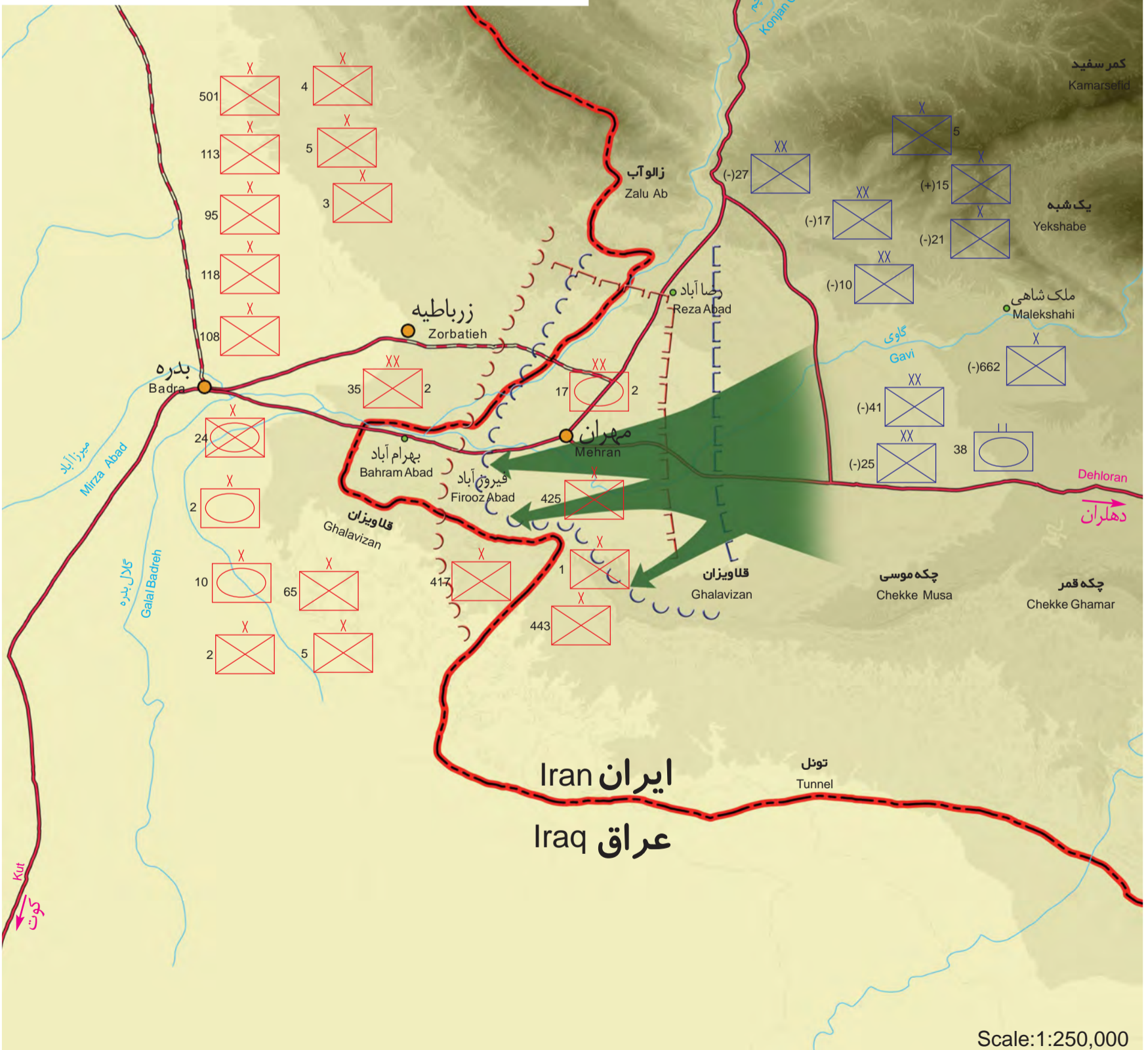
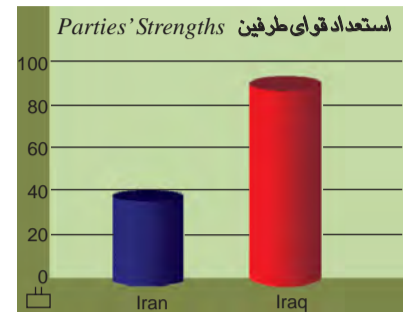
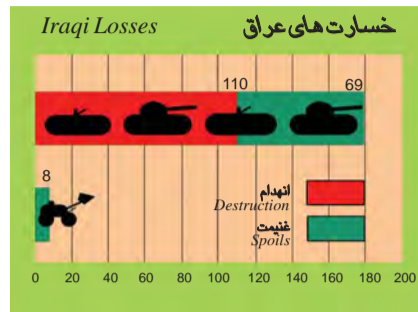
Karbala-1 Operation

Area : Central Front-Mehran
Code : Ya Abolfazlel Abbas^(PBUH) Adrekn
Date : 30/6/1986 to 10/7/1986
Objectives : Liberating Mehran and its Heights
Liberated Zones : 175 Sq. Kilometres

منطقه: جبهه میانی: مهران
رمز: یا ابوالفضل العباس (ع) ادرکنی
تاریخ: ۴/۹ تا ۳۰/۶/۱۳۶۵
هدف: آزادسازی شهر مهران و ارتفاعات آن
وسعت منطقه آزاد شده: ۱۷۵ کیلومتر مربع

پیروزی در این نبرد، تأثیر اقدامات قبلی عراق در دوره دفاع متحرک را خنثی کرد، به نحوی که از آن پس تحرک دیگری از ارتش این کشور (تا روزهای پایانی جنگ) مشاهده نگردید و ارتش عراق دوباره در لاک دفاعی فرورفت. در این عملیات فرماندهان بسیاری از ارتش عراق اسیر شدند و متقابلاً **رضا دستواره** جانشین فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) به شهادت رسید.

شهر مهران که در عملیات "الفجر ۳" آزاد شده بود، پس از عملیات "الفجر ۸"، در اردیبهشت ۱۳۶۵ مورد تعرض ارتش عراق قرار گرفت و اشغال شد. دو ماه بعد عملیات "کربلا ۱" را سپاه پاسداران طراحی و در پنج مرحله اجرا کرد. در این عملیات، تمامی منطقه از جمله شهر مهران، پاسگاه دراجی و قله ۲۲۳ - از سلسله ارتفاعات قلاویزان - آزاد شد. این پیروزی گسترده تر از پیش بینی قبل از عملیات بود. سرعت



Area : Central Front - Naft Shahr
Code : Ya Fatemeye Zahra (PBUH)
Date : 13/1/1987 to 14/1/1987
Objectives : Liberating Naft Shahr in Iran and Naftkhane in Iraq

منطقه : جبهه میانی - نفت شهر
رمز : یافاطمة زهرا (س)
تاریخ : ۱۳۶۵/۱۰/۲۴ تا ۱۰/۲۳
هدف : آزادسازی نفت شهر ایران و نفت خانه عراق

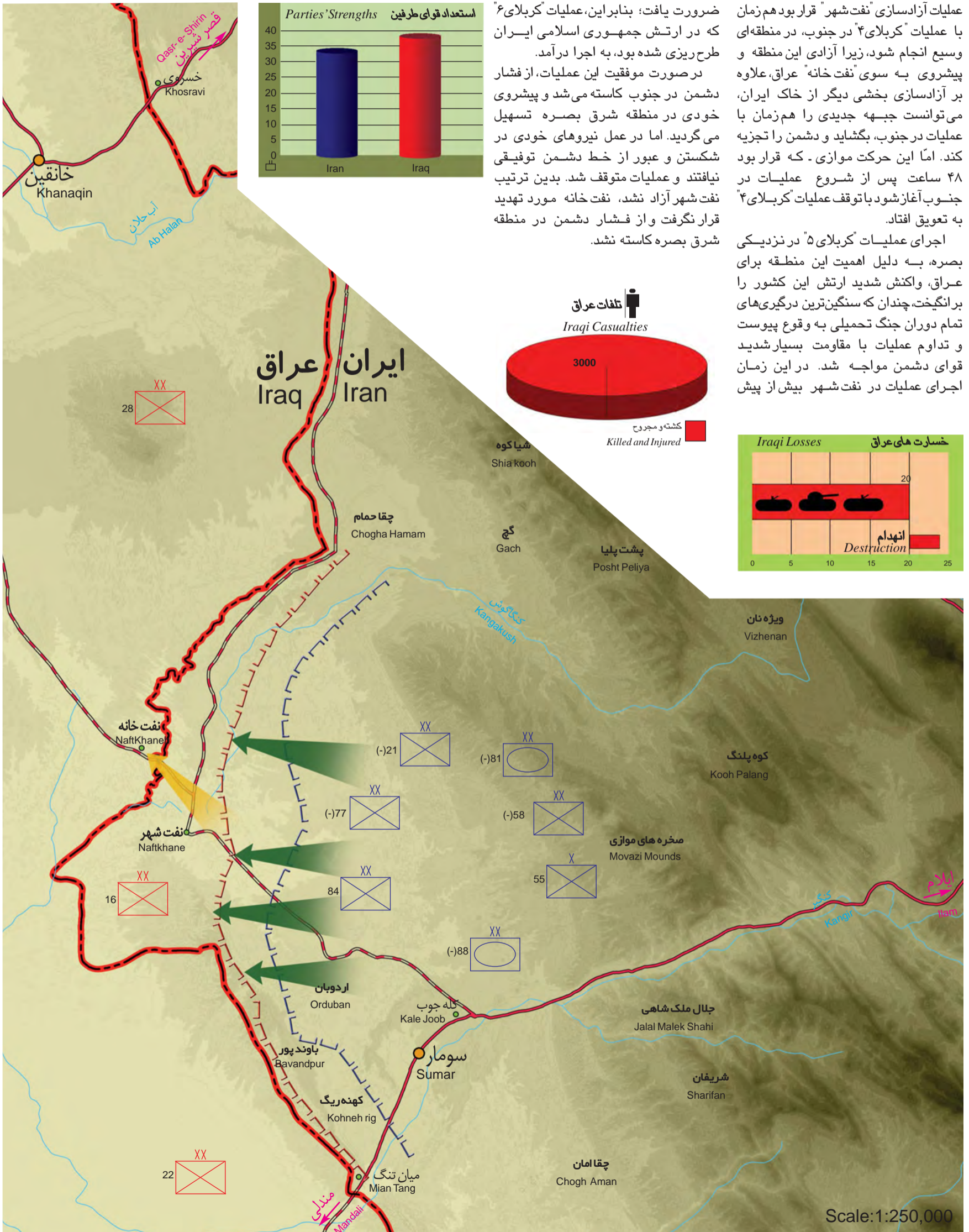
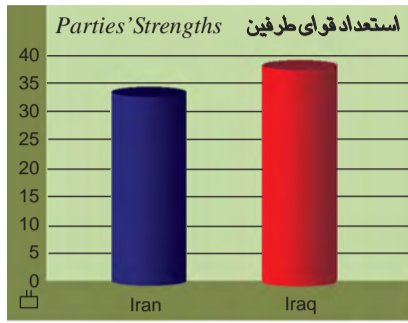
عملیات کربلا ۶

Karbala-6 Operation

عملیات آزادسازی "نفت شهر" قرار بود هم زمان با عملیات "کربلا ۴" در جنوب، در منطقه ای وسیع انجام شود، زیرا آزادی این منطقه و پیشروی به سوی "نفت خانه" عراق، علاوه بر آزادسازی بخشی دیگر از خاک ایران، می توانست جبهه جدیدی را هم زمان با عملیات در جنوب، بگشاید و دشمن را تجزیه کند. اما این حرکت موازی - که قرار بود ۴۸ ساعت پس از شروع عملیات در جنوب آغاز شود با توقف عملیات "کربلا ۴" به تعویق افتاد.

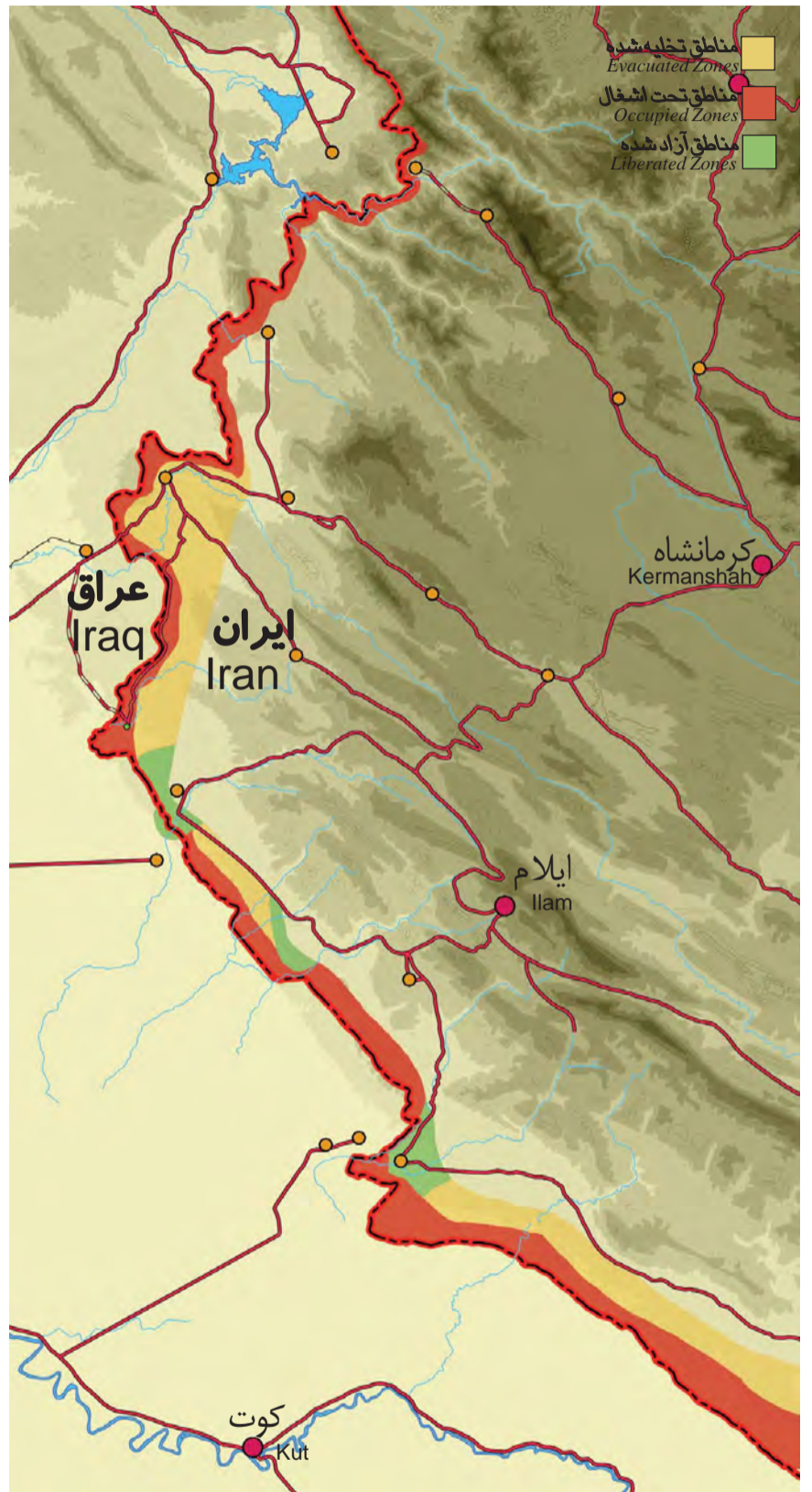
اجرای عملیات "کربلا ۵" در نزدیکی بصره، به دلیل اهمیت این منطقه برای عراق، واکنش شدید ارتش این کشور را برانگیخت، چندان که سنگین ترین درگیری های تمام دوران جنگ تحمیلی به وقوع پیوست و تداوم عملیات با مقاومت بسیار شدید قوای دشمن مواجه شد. در این زمان اجرای عملیات در نفت شهر بیش از پیش

ضرورت یافت؛ بنابراین، عملیات "کربلا ۶" که در ارتش جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی شده بود، به اجرا درآمد. در صورت موفقیت این عملیات، از فشار دشمن در جنوب کاسته می شد و پیشروی خودی در منطقه شرق بصره تسهیل می گردید. اما در عمل نیروهای خودی در شکستن و عبور از خط دشمن توفیقی نیافتند و عملیات متوقف شد. بدین ترتیب نفت شهر آزاد نشد، نفت خانه مورد تهدید قرار نگرفت و از فشار دشمن در منطقه شرق بصره کاسته نشد.



آخرین وضعیت در جبهه میانی و شمالی

The Last Situation in the Central and Northern Fronts



۶۳
63



نزدیک ترین راه زمینی و کوتاه ترین فاصله هوایی بغداد از مرز ایران به ترتیب مرز قصرشیرین و میمک است، لذا حکومت عراق همواره برای تأمین بغداد به استان های کرمانشاه و ایلام توجه داشته است. به عبارت دیگر، حفظ بغداد به دفاع مطمئن عراق در این مناطق بستگی دارد. به این دلیل از گذشته دور، استراتژی نظامی عراق در برابر ایران، "هجوم از منطقه جنوبی و دفاع در منطقه میانی" بوده است. بر مبنای این استراتژی بود که ارتش عراق با وجود اینکه پس از شکست سنگین خود در عملیات آزادسازی خرمشهر (عملیات بیت المقدس)، از برخی مناطق اشغالی عقب نشست، ارتفاعات مرزی در جبهه میانی را تخلیه نکرد. در آن

زمان، در سراسر مرز از ۲۵۰۰ کیلومترمربع مناطق در اشغال مانده، ۴۰ درصد در منطقه میانی و ۶۰ درصد در منطقه جنوبی بود. بدین ترتیب، ایران نمی توانست از سومار و قصرشیرین استفاده کند، زیرا دشمن در ارتفاعات مسلط بر این مناطق مستقر شده بود. مهران و نفت شهر نیز همچنان در اشغال بودند.

تلاش خودی در این دوران اگر چه به آزادی مهران و سومار انجامید، ولی نفت شهر تا پایان جنگ در اشغال ماند و تردد به قصرشیرین نیز به دشواری انجام می گرفت.



**تعقيب دشمن
در جبهه جنوبي**

5

**PURSUING THE
ENEMY IN THE
SOUTHERN
FRONT**



تعقیب دشمن در جبهه جنوبی

Pursuing the Enemy in the Southern Front

واسطه‌ای، به تحقق هدف نهایی نینجامید. اما پس از بدر، عملیات "الفجر ۸" در فاو اجرا شد که نتیجه تجارب به دست آمده از عملیات آبی-خاکی در هور بود. عبور شگفت‌آور از اروندرود و پیروزی دور از انتظار و بزرگ در فاو، بن بست جنگ در جنوب را شکست، موازنه قوا را به نفع ایران برهم زد و عراق را به تحرکاتی موسوم به "دفاع متحرک" واداشت تا هم ضربه روانی از دست دادن فاو را جبران کند، هم مانع از تداوم تمرکز نیروهای ایران و اجرای عملیات‌های بعدی آنان گردد.

فتح فاو، عملیات "کربلای ۴" را در پی داشت که با هدف تصرف کامل شبه‌جزیره فاو و محاصره بصره از جنوب، آغاز شد و زمینه‌ساز عملیات موفق "کربلای ۵" در شرق بصره گردید. عملیات "کربلای ۵" در فاصله بسیار اندک دو هفته‌ای بعد از توقف عملیات "کربلای ۴" آغاز شد. عبور قدرت‌مندان رزمندگان جمهوری اسلامی ایران از انبوه موانع مستحکم و نفوذناپذیر ارتش عراق، یگان‌های این ارتش را در پشت دروازه‌های شرق بصره به میزان عمده‌ای منهدم کرد، تکاپوی گسترده نظام بین‌الملل برای نجات حکومت عراق را برانگیخت و بُعد بین‌المللی جنگ را وارد مرحله‌ای جدید کرد.

این عملیات که با دو عملیات نیمه‌گسترده تکمیل شد، آخرین اقدام برای تعقیب متجاوز در جنوب بود و پس از آن، میدان اصلی جنگ زمینی به جبهه‌های شمالی منتقل شد تا علاوه بر تمهید مقدمات لازم برای اهداف سلیمانیه و کرکوک، نیروهای اصلی عراق از جنوب به شمال منتقل شوند و میزان سرسختی مدافعان بصره کاهش یابد.

در این حال، نبرد دریایی و درگیری مستقیم ایران و آمریکا در خلیج فارس نیز رو به گسترش بود.

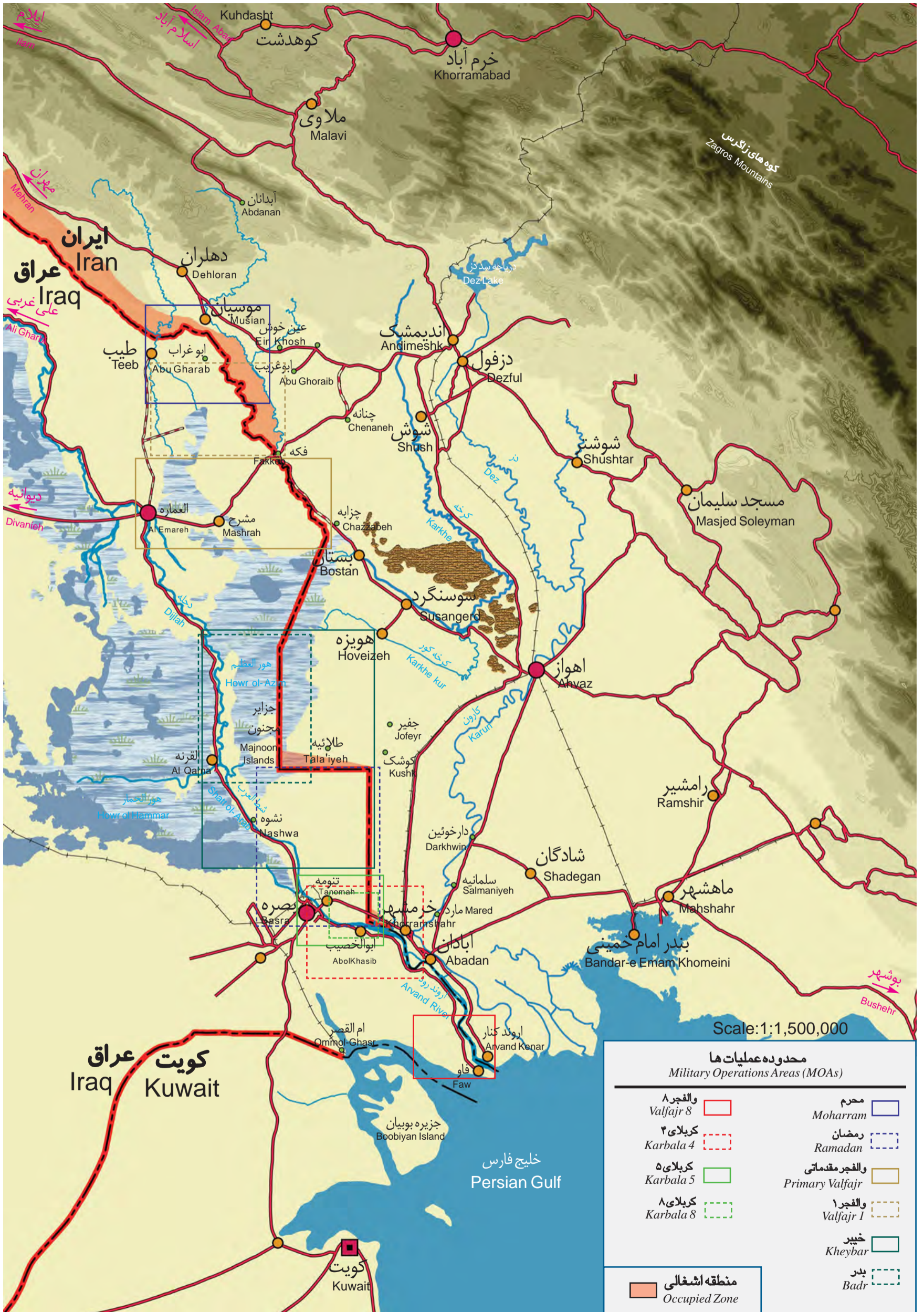
از سه هدف بغداد، بصره و کرکوک می‌توانست این خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران را تحقق بخشد. بصره - که دومین شهر بزرگ عراق به شمار می‌رفت - نزدیک‌ترین هدف بود، ضمن آن که پیشروی در شرق این شهر تا ساحل شط‌العرب، تأمین خوزستان، خصوصاً خرمشهر و آبادان را در پی داشت و از هرگونه تهدید احتمالی می‌کاست. برای هجوم به بصره سه راه‌کار نظامی شناخته می‌شد که نزدیک‌ترین راه، از شرق بصره بود. راه‌کار بعدی از سمت شمال با در دست گرفتن جاده العماره - بصره و راه‌کار سوم، محاصره بصره از طریق شبه‌جزیره فاو بود.

در اولین اقدام، قوای مسلح ایران منطقه شرق بصره را برگزیدند تا از نزدیک‌ترین راه به این هدف دست یابند. با همین انگیزه، عملیات "رمضان" اجرا شد، لیکن موفقیت آن چشمگیر نبود. پس از عملیات رمضان چند عملیات نیمه‌گسترده در دستور کار قرار گرفت که یکی از آن‌ها به نام "محرم" در جبهه جنوبی انجام شد. این عملیات که با هدف آزادسازی ارتفاعات مرزی اجرا شد و به تسلط بر ارتفاعات سرکوب منطقه انجامید، اهمیت زمین شرق العماره را آشکار کرد و برای مدتی در انتخاب محورهای اصلی و استراتژی نظامی ایران تأثیر گذاشت. عملیات در منطقه العماره خود هدفی مستقل بود و تهدیدی دوجانبه علیه بصره و بغداد محسوب می‌شد. با همین هدف، دو عملیات "الفجر مقدماتی" و "الفجر ۸" در آن زمین اجرا شد، اما هدف‌های این دو عملیات تحقق نیافت. پس از این ناکامی، بار دیگر در جنوب، بصره به عنوان تنها هدف استراتژیک انتخاب شد، عملیات‌های بدر و خیبر به اجرا درآمد و راه‌کارهای جدیدی در شمال بصره، گزینش شد. این دو عملیات که در هور انجام می‌شد، با وجود پیروزی‌های اولیه و دست‌یابی به هدف‌های

پس از آزادسازی خرمشهر، امکان پایان دادن به جنگ بررسی شد. مسلماً پایان دادن به جنگ بدون تحقق یافتن حقوق ایران، مقبول نبود و برای تحقق این حقوق، دو راه متصور بود: ادامه دادن به جنگ یا مذاکره. اقدام دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ به گونه‌ای که حقوق مسلم ایران اعاده و رعایت شود، با توجه به مواضع عراق و حامیانش، افق روشنی نداشت. در آن هنگام هنوز ۲۵۰۰ کیلومترمربع از مناطق مرزی ایران در اشغال بود و عراق در نظر داشت در صورت آغاز مذاکرات صلح، با در اختیار داشتن این مناطق خواسته‌های خود را بر ایران تحمیل کند تا آنچه را که نتوانسته بود از طریق جنگ تصاحب کند، با مذاکره به گونه‌ای رسمی به چنگ آورد. از سوی دیگر، ارتش عراق اگرچه از نظر روحیه و حیثیت لطمه‌هایی جبران‌ناپذیر دیده بود، لیکن یگان‌های خود را بازسازی کرده و بلکه توانی بیش از آغاز جنگ فراهم ساخته بود و با توجه به وجود روحیه توسعه‌طلبی در رهبران این کشور - که حتی با توسل به زور در صدد تغییر موقعیت ژئوپلیتیک عراق بودند - احتمال می‌رفت ارتش عراق پس از تجدید قوا، بار دیگر به ایران لشکرکشی کند. بنابراین، حکومت عراق همچنان تهدیدی جدی علیه ایران شناخته می‌شد. به دلیل این تهدید و نیز با توجه به این که سازمان‌های جهانی مسئول، به حقوق ایران اعتنایی نمی‌کردند، به نظر می‌رسید جمهوری اسلامی ایران چاره‌ای جز ادامه جنگ ندارد و ناگزیر باید منطقه‌ای ارزشمند را در عراق تصرف کند تا به این وسیله بتواند حقوق از دست‌رفته خود را در جنگ بازستاند و مهم‌ترین که ریشه تجاوز را به نحوی که تهدید تجاوز به کلی از بین برود، بخشکند و دولت عراق را به پذیرش قطعی حقانیت ایران در اختلافات مرزی، وادارد.

طبق بررسی‌هایی که انجام شد، تنها دست‌یابی به یکی





عملیات رمضان

Ramadan Operation

Area: Southern Front - Eastern Basra
Code: Ya. Mahdi (PBUI) Adrekn
Data: 13/7/1982 to 29/7/1982
Objectives: Posing a Threat to Basra from the East and Establishing Presence in the Edge of Shatt ol-Arab
Captured Zones: 40 Sq. kilometres

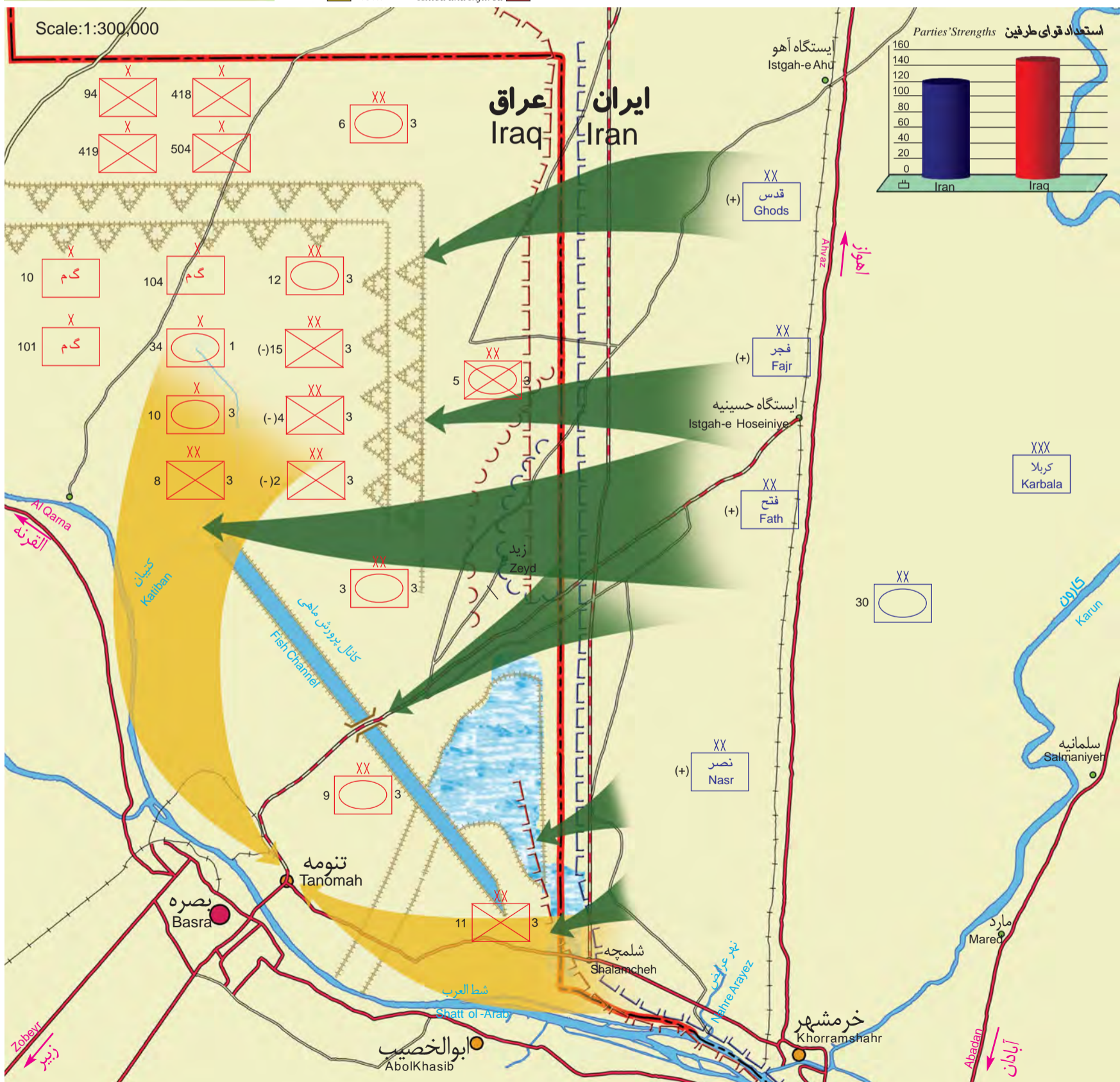
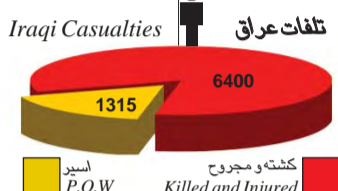
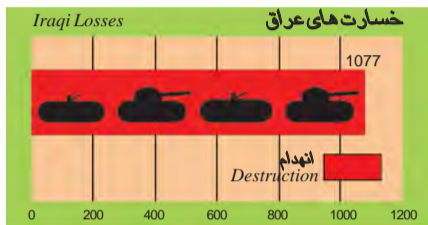
منطقه: جبهه جنوبی: شرق بصره
رمز: یا مهدی (عج) ادرکنی
تاریخ: ۱۳۶۱/۵/۷ تا ۴/۲۲
هدف: تهدید بصره از شرق و حضور در حاشیه شط العرب
وسعت منطقه تصرف شده: ۴۰ کیلومتر مربع

رو به رو بودند، نتوانستند این موانع را پشت سر بگذارند و جناح راست قرارگاه فتح را تأمین کنند، لذا نیروهای قرارگاه فتح در تثبیت موقعیت خود موفق نشدند و تنها محدوده پاسگاه زید را تصرف کردند. بدین ترتیب منطقه زید آزاد و لشکر ۹ زرهی عراق کاملاً منهدم شد، اما هدف اصلی عملیات تأمین نگردید.

هرچند تلاش اصلی عملیات به ثمر نشست و یگان‌های قرارگاه فتح توانستند با نفوذ به عمق عراق تا نهرکتیبان پیش بروند و به قرارگاه فرماندهی دشمن دست یابند، اما نیروهای پیش‌تاز که از جناح چپ با اتکا به کانال پرورش ماهی وضعیت قابل دفاعی داشتند، از جناح راست در برابر هجوم یگان‌های زرهی عراق آسیب پذیر بودند. قرارگاه‌های مجاور نیز که با استحکامات جدید عراق

عملیاتی را تأمین نمی‌کرد. تنها اطلاعات خودی با شناسایی از نزدیک و به وسیله نیروی انسانی به دست می‌آمد که شناخت کافی از آرایش و استحکامات جدید ارتش عراق را در بر نداشت. در حالی که تغییر آرایش نیروهای دشمن و روش‌های جدید دفاعی آن‌ها حکایت از استراتژی جدید ارتش عراق می‌کرد، نبود شناخت کافی از این وضعیت تازه، آثار نامطلوبی بر عملکرد خودی گذاشت. به هر حال، عملیات رمضان با طراحی فرماندهی سپاه و ارتش در چهار محور و در پنج مرحله اجرا شد. نداشتن شناخت دقیق از وضعیت و استحکامات جدید نیروهای عراقی به اختلال در اجرای عملیات انجامید.

عبور از مرز و ورود به خاک عراق نیاز به تبیین استراتژی جدیدی داشت، استراتژی جدید نیز منابع و روش‌های تازه‌ای را می‌طلبید لیکن عملیات رمضان با همان مقدرات و روش‌های گذشته طرح‌ریزی شد. هدف این بود که با موفقیت در عملیات رمضان، منطقه‌ای تصرف شود و بدین وسیله پایان عادلانه جنگ ممکن گردد. از سوی دیگر، از هفت ماه قبل از شروع این عملیات خبرهایی از داخل عراق می‌رسید مبنی بر تشکیل خطوط پدافندی مستحکم در مناطق استراتژیک، اما اطلاعات از عمق دشمن کم‌تر به دست می‌آمد. اطلاعات ماهواره‌ای به هیچ‌عنوان به ایران منتقل نمی‌شد؛ عکس‌برداری هوایی نیز نیازهای



عملیات محرم

Moharram Operation

علاوه بر این، جاده عین خوش-دهلران نیز از دید و تیر دشمن خارج شد و در مقابل، شهرک "طیب" عراق در دید و تیررس خودی درآمد. گفتنی است که سه رودخانه میمه، دویریج و چیاواب فصلی هستند و بارندگی، آب آنها را تا ده برابر می‌افزاید؛ هنگام اجرای عملیات محرم نیز بر اثر بارش باران شدید، برخی از رزمندگان خودی گرفتار سیلاب و جریان تند رودخانه شدند و اهداف این محور به تمامی تصرف نشد.

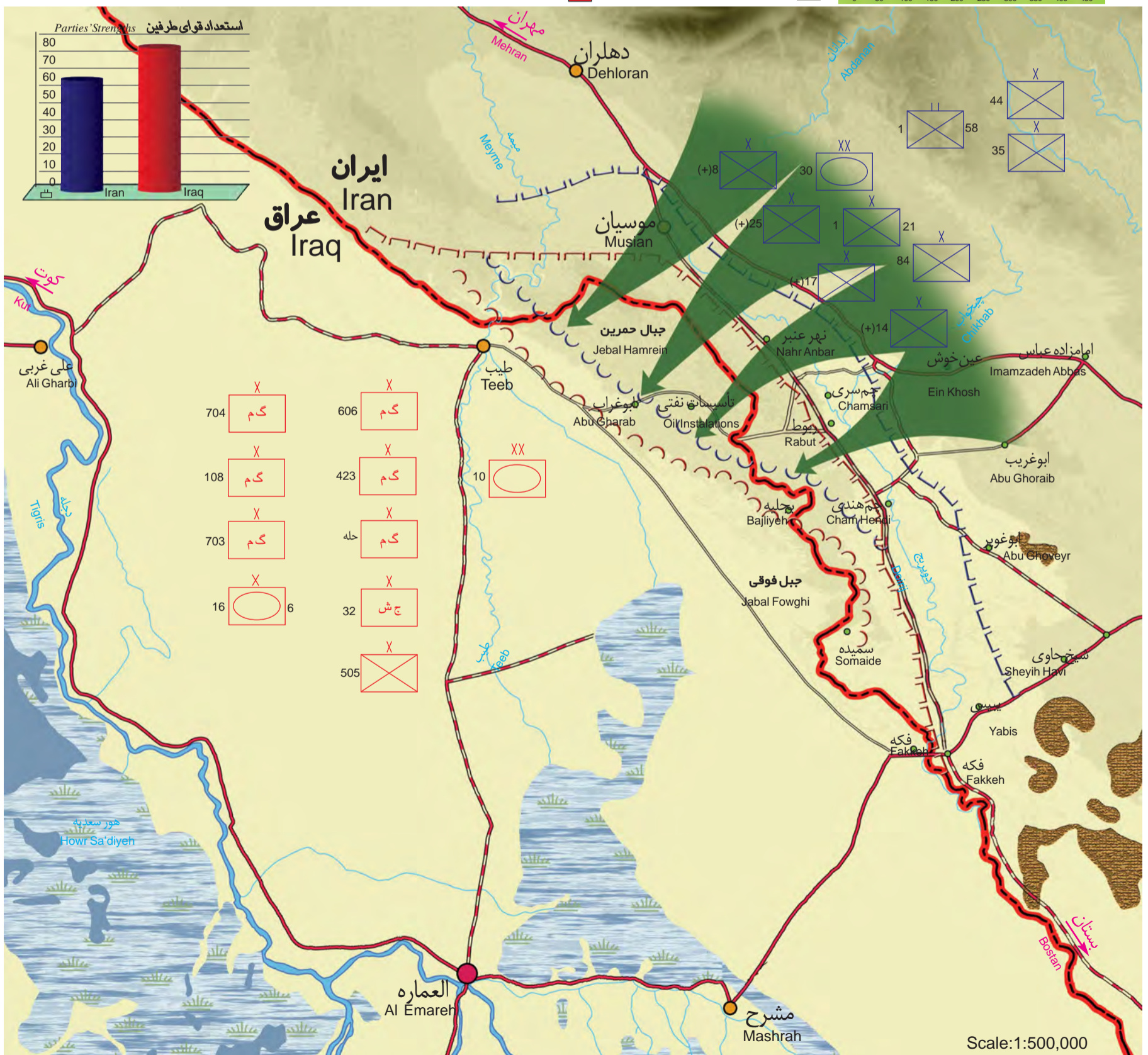
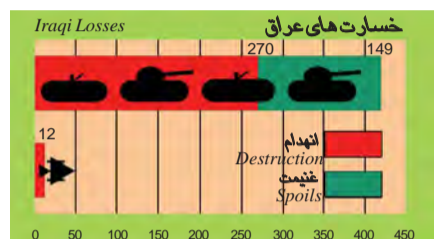
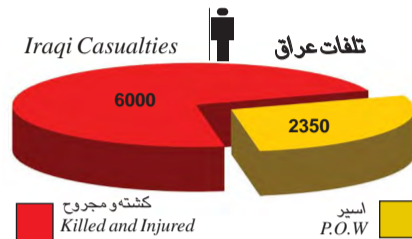
سازمان جدید به اجرا گذاشت. از سوی دیگر، کسب آمادگی برای عملیات گسترده بعدی نیازمند زمان بود، در عین حال نمی‌بایست به دشمن فرصت خروج از انفعال داده می‌شد. در عملیات محرم ضرورت آزادسازی ارتفاعات مرزی و تصرف جا پا و سرپل مناسب در منطقه العماره مدنظر قرار داشت. در این عملیات که با طراحی و فرماندهی مشترک سپاه و ارتش اجرا شد، رزمندگان خودی در سه مرحله موفق شدند ارتفاعات ۴۰۰ و ۲۹۸، حوزه نفتی "بیات"، نهر عنبر، پل و پاسگاه چم‌سری و موسیان را آزاد کنند.

Area: Southern Front-Ein Khosh-Zubaidat
Code: Ya Zeinab^(PBUH)
Date: 1/11/1982 to 7/11/1982
Objectives: Capturing a bridgehead in Al-Emareh Zone and Liberating the Border Heights
Liberated And Captured Zones: 500 sq. Kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: عین خوش، زبیدات
رمز: یازینب^(س)
تاریخ: ۸/۱۰ تا ۱۳۶۱/۸/۱۶
هدف: تصرف سرپل در منطقه العماره و آزادسازی ارتفاعات مرزی
وسعت مناطق آزاد شده و تصرف شده: ۵۰۰ کیلومتر مربع

خود را پر کرده است. سازمان تیپ‌های مستقل سپاه که در نبردهای گذشته اغلب بیش از ده گردان را زیر پوشش خود داشتند نیز نشان می‌داد که گسترش سازمان امری اجتناب‌ناپذیر است. بر همین اساس، سپاه با حرکتی جهشی تیپ‌های مستقل خود را به لشکر تبدیل کرد و نیروی زمینی تشکیل داد و عملیات محرم را در قالب

منحنی جذب نیروی مردمی از عملیات ثامن الائمه^(ع) تا عملیات بیت المقدس رشد فوق‌العاده‌ای را نشان می‌داد. لیکن حرکت این منحنی در حد فاصل عملیات بیت المقدس تا عملیات رمضان از روند یکنواختی برخوردار شد. تحلیل این مسئله، فرماندهی را بدین نتیجه رساند که ظرفیت سازمانی سپاه برای جذب نیروهای مردمی گنجایش



عملیات والفجر مقدماتی

Valfajr-e Moghaddamati (Primary Valfajr) Operation

Area: Southern Front-North of Chazzabeh
Code: Ya.Allah
Date: 6/2/1983 to 9/2/1983
Objectives: Advancing towards Al-Emareh and Posing a Threat to it from the East

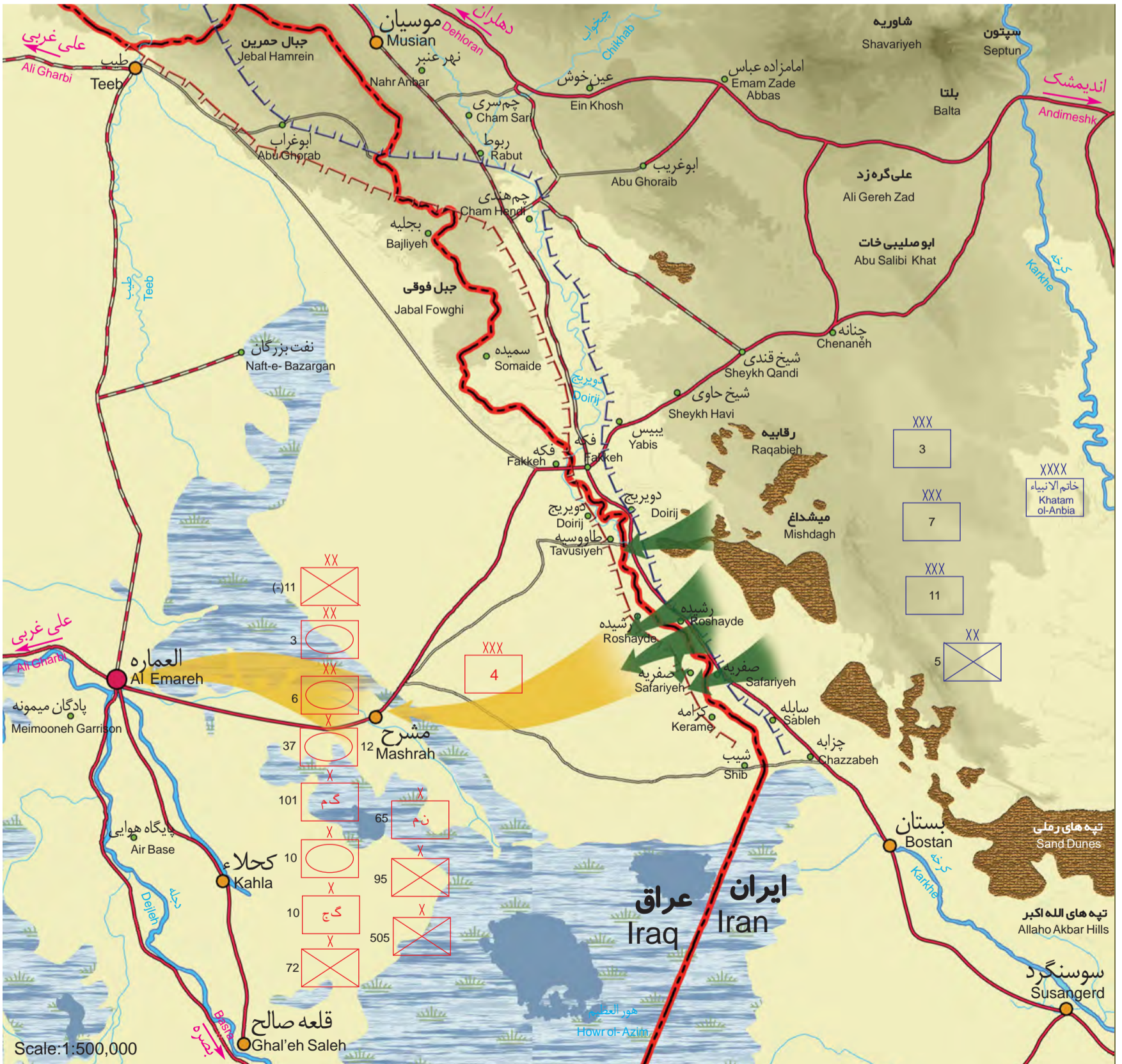
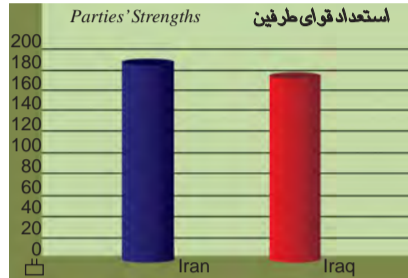
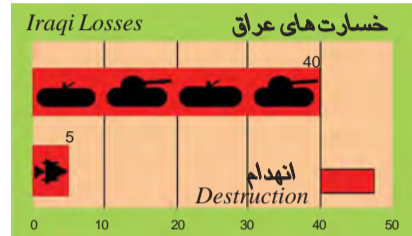
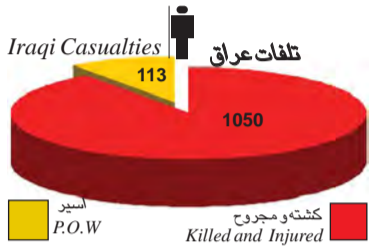
منطقه: جبهه جنوبی: شمال چزابه
رمز: یا الله
تاریخ: ۱۱/۱۷ تا ۱۱/۲۰/۱۳۶۱
هدف: پیشروی به سوی العماره و تهدید آن در شرق

عملیات تأثیر تعیین کننده ای در سرنوشت جنگ داشته باشد، لیکن چنین نشد و به همین دلیل، "الفجر مقدماتی" نام گرفت. همچنین در آستانه این عملیات، چند تن از فرماندهان سپاه از جمله **غلامحسین افشردی (حسن باقری)** و **مجید بقایی** هنگام شناسایی منطقه به شهادت رسیدند.

نشان داد که در وضعیت جدید جنگ، مقدرات، ابتکارات و عوامل جدیدی باید وارد عرصه شود تا بتوان موانع مستحکم دشمن را پشت سر گذاشت. همچنین پس از این عملیات، تشکیلات جدید سپاه ارزیابی و بهینه شد. همزمانی این عملیات با ایام دهه فجر شد که نام "الفجر" برای آن در نظر گرفته شود؛ پیشبینی می شد که این

انتخاب شد تا امکان مانور زرهی در آن میسر نباشد. در این عملیات رزمندگان توانستند با شکستن خطوط پی در پی ارتش عراق، به عمق مواضع آن نفوذ کنند، اما بر اثر مقاومت شدید دشمن، در محور عملیاتی ناهماهنگی به وجود آمد و نیروهای خودی به مواضع قبلی بازگشتند. این عملیات

تسلط نیروهای خودی بر ارتفاعات حمزین در عملیات محرم و مشاهده معابر وصولی العماره، راهکار جدیدی را پدید آورد و بر این اساس عملیات والفجر طراحی گردید. از سوی دیگر، نیروی زمینی تازه تأسیس سپاه که اولین تجربه خود را در عملیات نیمه گسترده محرم با موفقیت پشت سر گذاشته بود، سازمان رزم جدیدی برای این عملیات گسترده آماده کرد. به عبارت دیگر، عملیات والفجر میدان آزمایش مناسبی برای تشکیلات جدید سپاه بود، ضمن آن که برای جلوگیری از تکرار حوادث عملیات رمضان و خنثی کردن توان زرهی عراق، منطقه رملی در غرب ارتفاعات میشداغ

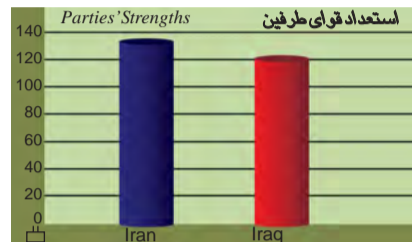


عملیات والفجرا

Valfajr 1 Operation

شهادت طلب استفاده می‌شد، ولی در عملیات "الفجرا" روش "هجوم در پوشش آتش تهیه" انتخاب شد؛ طرحی که "آتش به جای خون" نام گرفت. عملیات با اجرای انبوه آتش توپخانه شروع شد؛ ۶۰ هزار گلوله بر مواضع دشمن فرود آمد، چیزی که تا آن زمان در طول جنگ ایران و عراق در عملیات‌های خودی سابقه نداشت. دشمن نیز با ۱۰۰ هزار گلوله توپ با آتش خودی مقابله کرد. در این عملیات - که در دو محور و در چند مرحله اجرا شد - خطوط پدافندی نیروهای دشمن شکست، لیکن بر اثر هوشیاری آن‌ها و عوامل دیگر، الحاق بین یگان‌ها صورت نگرفت و منطقه آزاد شده تثبیت نگردید.

ارتش، ارتش می‌تواند کارنامه درخشان‌تری از سپاه عرضه کند، در عملیات والفجرا، سازمان سپاه را تحت امر گرفت و شیوه‌های شناخته شده کلاسیک را برای عملیات برگزید. از آغاز عملیات "ثامن الاثمه" تا آغاز عملیات "الفجرا" همواره در شکستن خط، از تاریکی شب، غافل‌گیری، هجوم به نقاط ضعف دشمن و ابتکار عمل نیروهای

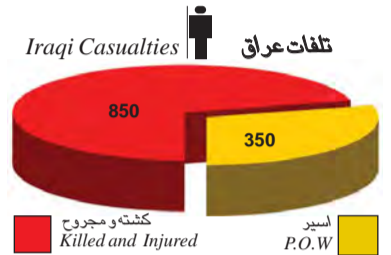
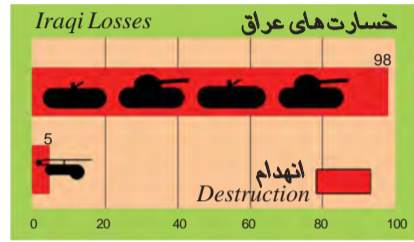


Area : Southern Front - Jabal Fowghi
Code : Ya Allah
Date : 10/4/1983 to 17/4/1983
Objectives : Advancing towards Al-Emareh and Posing a Threat to It from the North

منطقه: جبهه جنوبی: جبل فوقی
رمز: یا الله
تاریخ: ۱۳۶۲/۱/۲۸ تا ۱۳۶۲/۱/۲۱
هدف: پیشروی به سوی العماره و تهدید آن از شمال

که در پی ناکامی عملیات رمضان حاصل شد، موقعیت سپاه را در برنامه‌ریزی جنگ تضعیف کرد. در نتیجه فرماندهی عملیات والفجرا به فرمانده نیروی زمینی ارتش سرهنگ صیاد شیرازی واگذار شد. وی که پس از ناکامی عملیات رمضان، معتقد شده بود در صورت واگذاری نیروهای بسیجی به

از هنگام برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از سمت فرماندهی کل قوا و ایجاد تحول در فرماندهی جنگ، ایده‌های کارشناسان نظامی سپاه، مبنای طرح‌ریزی نبردهای بزرگ قرار می‌گرفت. این جریان که از عملیات ثامن الاثمه آغاز شد تا پایان والفجرا مقدماتی ادامه داشت. اما عدم موفقیت در عملیات والفجرا مقدماتی



عملیات خیبر

Kheibar Operation

Area: Southern Front -Howr ol-Hoveizeh
Code: Ya Rasullallah (PBUH)
Date: 22/2/1984 to 12/3/1984
Objectives: Crossing the Howr and Posing a Threat to Basra from the North
Liberated And Captured Zones : 1100 Sq.Kilometres

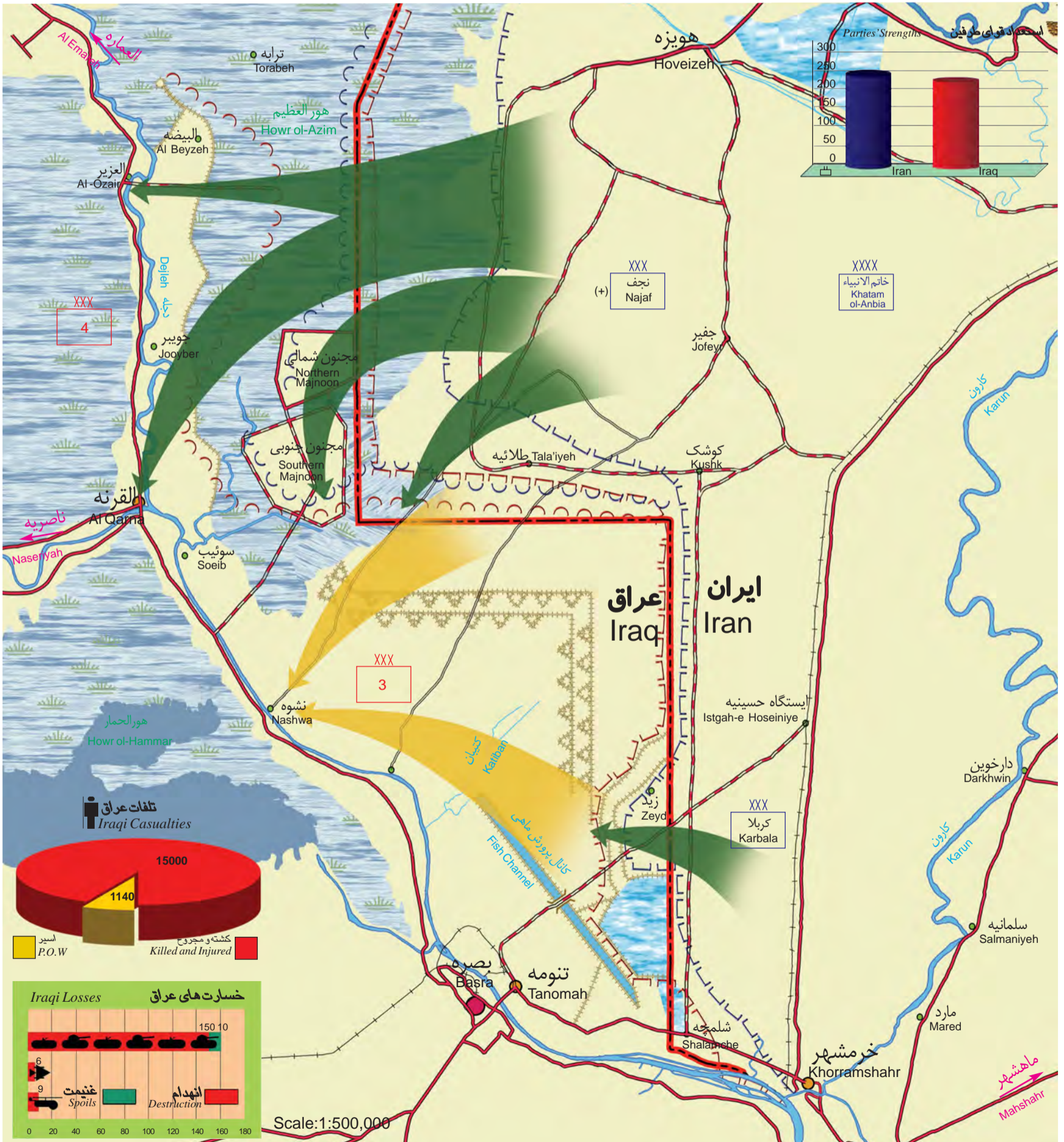
منطقه: جبهه جنوبی: هور الهویزه
رمز: یا رسول الله (ص)
تاریخ: ۱۲/۳ تا ۱۳۶۲/۱۲/۲۲
هدف: عبور از هور و تهدید بصره از شمال
وسعت منطقه آزادشده و تصرف شده: ۱۱۰۰ کیلومتر مربع

به طور بی سابقه ای از سلاح شیمیایی استفاده کرد؛ لذا امکان تثبیت کامل منطقه میسر نشد و تنها به تثبیت جزایر مجنون اکتفا گردید. در این عملیات، **محمد ابراهیم همت** فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و **حمید باکری** جانشین فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا به شهادت رسیدند.

که خود به چهار محور فرعی العزیر، القرنه، جزایر مجنون و طلائییه تقسیم شده بود، اغلب اهداف تصرف شد. هر چند به سبب آن که در این عملیات آبی - خاکی کوتاه ترین فاصله خط اول خودی تا خشکی از ۱۳ کیلومتر تجاوز می کرد، امکان پشتیبانی زمینی وجود نداشت. یگان دریایی تازه تأسیس سپاه و تلاش هوانیروز ارتش هم پاسخگوی نیازمندی ها نبود. از سوی دیگر، دشمن در این عملیات

همچنین خیبر اولین عملیات آبی - خاکی قوای مسلح ایران بود که اساس طرح ریزی نبردهای گسترده بدر، والفجر ۸ و کربلای ۵ را پایه گذاری کرد. عملیات خیبر در دو محور مستقل اجرا شد: در محور زید، نیروی زمینی ارتش و در محور هورالعظیم، سپاه فرماندهی عملیات را به عهده داشت. در محور زید پیشروی میسر نشد. ولی در محور هور

پس از عملیات رمضان دو منطقه دشوار؛ منطقه رملی فکه و منطقه آب گرفته هور، برای نبرد با دشمن مورد مطالعه قرار گرفت و به ترتیب عملیات والفجر مقدماتی و خیبر، در دو منطقه یاد شده به اجرا درآمد. ویژگی های برجسته عملیات خیبر، حضور آقای هاشمی رفسنجانی برای اولین بار در قرارگاه فرماندهی جنگ، بسیج سراسری حدود ۲۵۰ گردان رزمنده و طراحی عملیات در نهایت اختفا بود.



عملیات بدر

Badr Operation

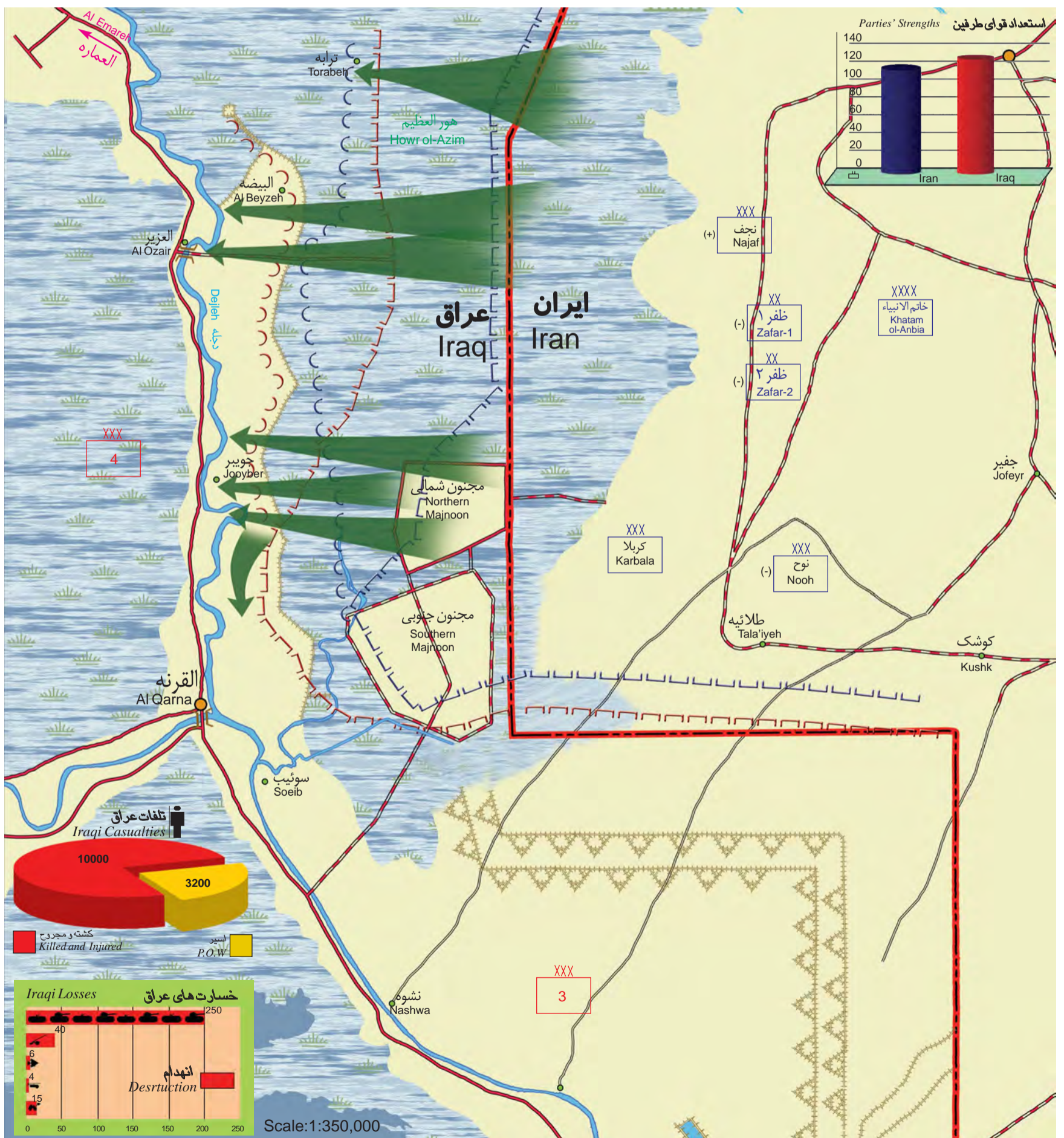
Area: Southern Front - Howr ol - Hoveizeh
Code: Ya Fatema Toz - Zahra^(PBUIH)
Date: 11/3/1985 to 17/3/1985
Objectives: Blocking the Basra - Al Emareh Road and Posing a Threat to Basra from the North
Captured Zones: 500 sq. Kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: هور الهویزه
رمز: یافاطمه الزهرا^(س)
تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۲۶ تا ۱۳۶۳/۱۲/۲۰
هدف: قطع جاده بصره - العماره و تهدید بصره از شمال
وسعت منطقه تصرف شده: حدود ۵۰۰ کیلومترمربع

مقاومت در برابر پاتک‌های متوالی و سنگین زرهی دشمن، منطقه شرق دجله راتخلیه و به تثبیت مواضع جدید در هورالعظیم بسنده کردند. در شش روز جنگ سخت، شماری از نیروها و فرماندهان سپاه به شهادت رسیدند، از جمله: **مهدی باکری** فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا، **عباس کریمی** فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله^(ص) و **ابراهیم جعفرزاده** فرمانده

ترغیب کرد. عبور از هور، تصرف ساحل غربی دجله و بستن بزرگراه العماره - بصره، اهداف عملیات بدر بود. در این عملیات با عبور از رود دجله، تردد دشمن در جاده العماره - بصره قطع شد. لیکن اتکا به عقبه آبی، نداشتن جاده‌های مواصلاتی، بروز مشکلات ترابری و پشتیبانی و بی‌بهره بودن از آتش توپخانه سبب گردید که پس از شش روز نبرد و

حضور آقای هاشمی رفسنجانی در قرارگاه فرماندهی عملیات خیبر، در عملیات بدر تکرار نشد، بلکه مجدداً سپاه نقش اول را در عملیات به عهده گرفت و با همکاری ارتش، این نبرد را فرماندهی و اجرا کرد. این عملیات ادامه عملیات خیبر بود. بررسی نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن در عملیات خیبر، بار دیگر فرماندهان جنگ را به طراحی و اجرای عملیات در هور



عملیات والفجر ۸

Valfajr- 8 Operation

Area: Southern Front - Faw
Code: Ya Fatema Toz - Zahra (PBUH)
Date: 9/2/1986 to 20/2/1986
Objectives: Capturing Faw and
 Posing a Threat to Basra from the South
Captured Zones: 940 sq. Kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: فاو
رمز: یا فاطمه الزهرا (س)
تاریخ: ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ تا ۱۳۶۴/۱۲/۱
هدف: تصرف فاو و تهدید بصره از جنوب
وسعت منطقه تصرف شده: ۹۴۰ کیلومترمربع

سرفرماندهی ارتش عراق به یقین رسید که تلاش برای بازپس‌گیری فاو به جایی نمی‌رسد و به جز انهدام یگان‌های نتیجه‌ای ندارد، لذا پاتک‌ها را متوقف کرد. بدین ترتیب سواحل عراق در کنار خلیج فارس و هم‌مرز با کویت، در تصرف رزمندگان ایران باقی ماند.

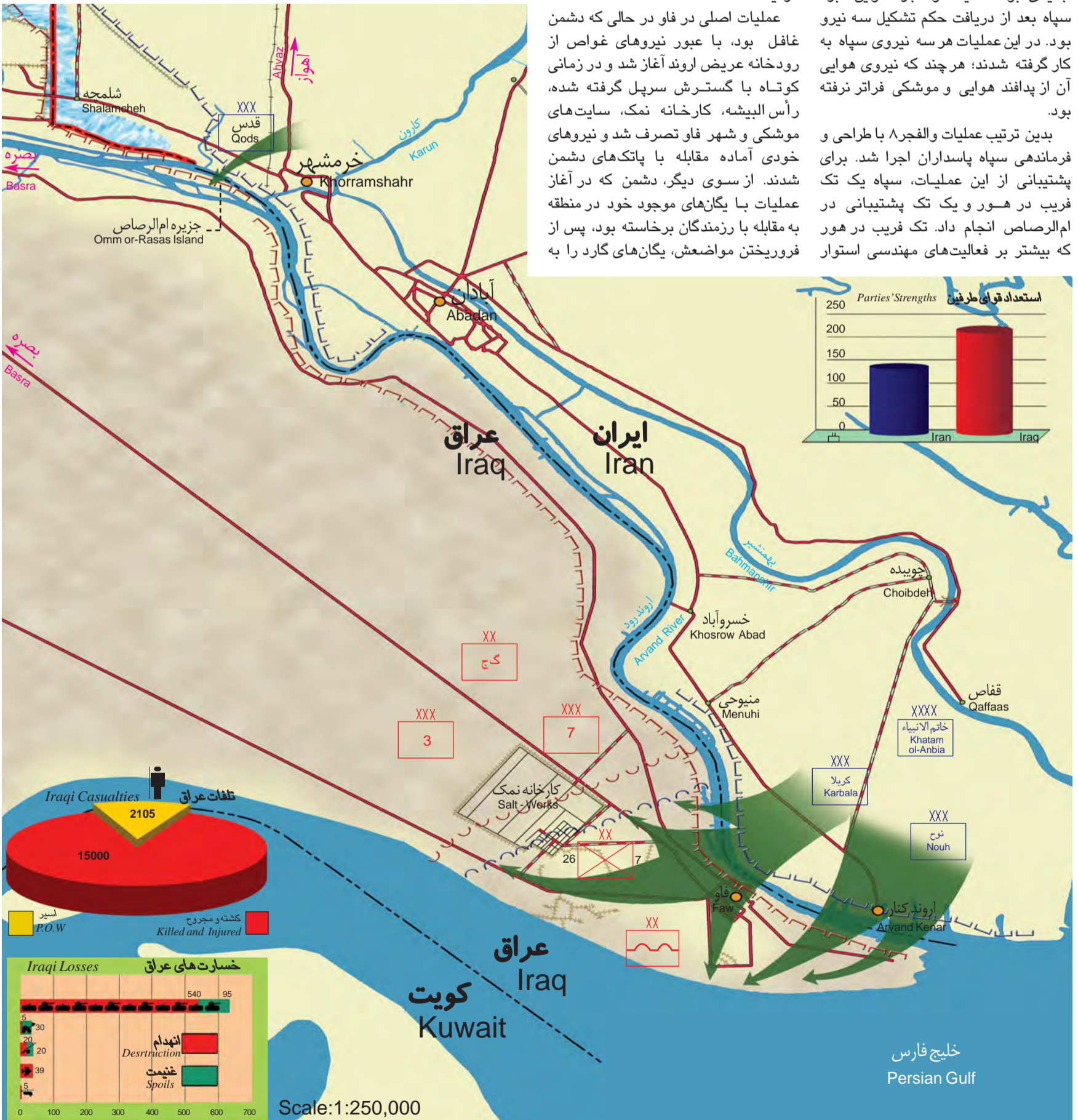
سرعت وارد نبرد کرد تا با ایجاد تأخیر، فرصت لازم را برای ورود یگان‌های احتیاط ارتش عراق فراهم آورد. اما یگان‌های گارد نه تنها نتوانستند در تثبیت مواضع آزاد شده تأخیر ایجاد کنند، بلکه سازمان‌شان نیز متلاشی شد و عقب‌نشینی کردند. ورود یگان‌های احتیاط ارتش عراق به میدان نبرد نیز مؤثر نبود و ۷۵ روز پاتک آن‌ها فقط بر آمار تلفات و خسارت‌های دشمن افزود، چندان که

بود، سبب غافل‌گیری نیروهای عراقی شد و به نیروی خودی امکان داد قبل از هوشیار شدن عراقی‌ها، موقعیت خود را در منطقه فاو مستحکم سازد. همچنین تک پشتیبانی سپاه در جزیره ام‌الرصاص که به شکستن خط دشمن و آزادی این جزیره انجامید، تأثیر مهمی در پشتیبانی عملیات والفجر ۸ داشت، هر چند در این عملیات پس از ۴۸ ساعت، بر اثر فشار دشمن منطقه تصرف شده تخلیه گردید.

عملیات اصلی در فاو در حالی که دشمن غافل بود، با عبور نیروهای غواص از رودخانه عریض اروندر آغاز شد و در زمانی کوتاه با گسترش سرپل گرفته شده، رأس‌البیشه، کارخانه نمک، سایت‌های موشکی و شهر فاو تصرف شد و نیروهای خودی آماده مقابله با پاتک‌های دشمن شدند. از سوی دیگر، دشمن که در آغاز عملیات با یگان‌های موجود خود در منطقه به مقابله با رزمندگان برخاسته بود، پس از فروریختن مواضعش، یگان‌های گارد را به

پس از عملیات بدر، در سطوح عالی جنگ پذیرفته شد که سپاه ارتش ضمن پشتیبانی از یکدیگر، هر کدام مستقلاً به طرح‌ریزی و اجرای عملیات بپردازند. همچنین مدتی پس از این تصمیم، امام خمینی سپاه را موظف کرد تا همچون ارتش، قوای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریایی تشکیل دهد. البته سپاه هم‌زمان با عملیات خیبر یگان دریایی تشکیل داده بود، لیکن ایجاد نیروی دریایی مسئله جدیدی بود. عملیات والفجر ۸ اولین نبرد سپاه بعد از دریافت حکم تشکیل سه نیرو بود. در این عملیات هر سه نیروی سپاه به کار گرفته شدند؛ هر چند که نیروی هوایی آن از پدافند هوایی و موشکی فراتر نرفته بود.

بدین ترتیب عملیات والفجر ۸ با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران اجرا شد. برای پشتیبانی از این عملیات، سپاه یک تک فریب در هور و یک تک پشتیبانی در ام‌الرصاص انجام داد. تک فریب در هور که بیشتر بر فعالیت‌های مهندسی استوار



دفاع متحرک (حملات عراق)

Mobile Defence (Iraqi Attacks)

آماده شدند تا با اجرای عملیات "کربلای ۱" ابتکار عمل را به دست بگیرند. پیروزی رزمندگان ایران در این عملیات و آزادی مجدد مهران در تیرماه ۱۳۶۵، نقطه پایان "استراتژی دفاع متحرک عراق" بود.

هرجا عراق حمله می‌کرد و خط شکسته می‌شد به میدان می‌آمد و دشمن را به عقب می‌راند. پس از اشغال مهران، قوای خودی و دشمن به زمان نیاز داشتند تا با کسب آمادگی بیشتر، بتوانند اراده خود را بر طرف مقابل تحمیل کنند. در این رقابت، رزمندگان خودی پیشی گرفتند و در زمانی نسبتاً کوتاه

برخوردار نبود. ارتش عراق عملیات سنگینی چون جنگ فاو را پشت سر گذاشته و تلفات فراوان آن در این عملیات، ضربه‌ای سهمگین بر سازمان ارتش عراق وارد ساخته بود به گونه‌ای که تغییر استراتژی پدافندی به آفندی برای این ارتش بسیار دشوار بود و هاله‌ای از ابهام و تردید به همراه داشت. همچنین عدم تمرکز ارتش عراق از قوت آن کاسته بود. از سوی دیگر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به جز در مناطق مهمی چون فاو و جزیره مجنون، درگیر خط پدافندی نبود، بنابراین سپاه همچون نیروی احتیاط با تجهیزات سبک سازمانی خود

فتح فاو نقطه عطفی در روند حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از عراق بود. کمک‌های بی‌دریغی که از آغاز جنگ جریان داشت، در سال‌های ۱۳۶۴-۶۵ بسیار افزایش یافت و ارتش عراق را بیش از پیش تقویت کرد. در آغاز جنگ کمک‌های منطقه‌ای به عراق سرازیر شد که اولین محموله‌های آن از مصر و اردن بود، سپس شوروی با تمدید قرارداد همکاری نظامی خود با عراق، به تقویت نیروی زمینی و هوایی این کشور پرداخت و نقش مهمی در حملات عراق به شهرهای ایران داشت. فرانسه نیز با ارسال تجهیزات جدید، قدرت هوایی ارتش عراق را افزایش داد، حمله به نفتکش‌ها را دامن زد و در ناامن ساختن خلیج فارس نقش محسوسی داشت.

ارتش عراق در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ آن‌چنان تقویت و تجهیز شده بود که با همه تلفات و خسارت‌های پنج ساله خود (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴)، چند برابر روزهای آغاز جنگ توان داشت. این برتری می‌بایست به تغییر موازنه در جنگ منجر می‌شد و عراق از وضعیت پدافند به آفند تغییر حالت می‌داد، اما عملیات‌های پی‌درپی رزمندگان جمهوری اسلامی ایران مانع از آن بود که ارتش عراق خود را بازیابد. در این میان، عملیات موفق "الفجر ۸" که به تصرف شبه جزیره فاو و کوتاه کردن دست عراق از شمال خلیج فارس انجامید، روحیه افراد ارتش عراق را به کلی ضعیف کرد. در پی این عملیات، نگرانی حامیان عراق به شدت برانگیخته شد و آن‌ها برای جلوگیری از روند برتری ایران در جنگ، ارسال سلاح به عراق را بسیار افزایش دادند، چندان که تنها شوروی بیش از ۹ میلیارد دلار و فرانسه بیش از ۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در اختیار عراق گذاشتند تا ارتش خود را گسترش دهد. همین امر بود که در حوادث روزهای آخر جنگ تا اندازه‌ای به نفع عراق مؤثر افتاد. ضمن آن که در یک اقدام کوتاه مدت برای کاهش آثار روانی از دست دادن فاو، به ارتش عراق دستور داده شد تا با استفاده از برتری تسلیحاتی خود، در نقاط رخنه‌پذیر جبهه ایران نفوذ کند. این دستور به تحرکاتی معروف به "استراتژی دفاع متحرک عراق" انجامید. این اقدام دشمن که برای اردوی خودی تازگی داشت، برای مدت کوتاهی مؤثر بود و مناطقی از سرزمین‌های آزاد شده از جمله شهر مهران بار دیگر اشغال شد. عراق پس از تصرف شهر مهران برای بزرگ‌نمایی اشغال این شهر تبلیغات فراوانی راه انداخت که در عین حال نشان‌دهنده تأثیر منفی و عمیق شکست فاو در ارتش این کشور بود. اما شادی دشمن به طول نینجامید، زیرا عملکرد او در دوره دفاع متحرک از قوت لازم



تاریخ	جبهه	منطقه	استعداد عراق	نتیجه هجوم عراق
۱۳۶۴/۱۲/۲۵	شمالی	چوارتا، منطقه عملیاتی والفجر ۹	۱ تیپ پیاده و ۴ گردان کماندو	ارتفاعات موبرا، مامخلان و بلنگه سور تصرف شد.
۱۳۶۴/۱۲/۲۹	شمالی	پنجوین، منطقه عملیاتی والفجر ۴	۱ تیپ پیاده	ارتفاعات شیخ گزنشین، میشلان، شیخ لطیف و شاخ تاجر تصرف شد.
۱۳۶۵/۱/۱۵	شمالی	ارتفاعات دربندیخان	۲ تیپ پیاده و گردان زرهی	ارتفاعات شاخ شمیران، شاخ سورمر و شاخ پردکان تصرف شد. تپه ۱۷۵ سقوط کرد.
۱۳۶۵/۱/۱۸	جنوبی	شهرانی، منطقه عملیاتی محرم	۵ تیپ پیاده و ۲ گردان تانک	ارتفاعات اسماعیل خان، پاسگاه دوله شریف سقوط کرد.
۱۳۶۵/۱/۲۲	میانی	ارتفاعات اسماعیل خان، منطقه عملیاتی مسلمان عقیل	۱ تیپ پیاده و یگان‌های جاش	ارتفاعات سرسول، گردشوان و لولان سقوط کرد.
۱۳۶۵/۱/۲۴	شمالی	سیدکان، منطقه عملیاتی قادر	۱ لشکر زرهی	دشمن ظرف ۴ روز تلاش نتوانست بیش از ۲۰۰ متر پیشروی کند.
۱۳۶۵/۲/۶	جنوبی	جزیره مجنون، منطقه عملیاتی خیبر	۱ لشکر زرهی و ۱۰ تیپ پیاده	اقدام گسترده دشمن با واکنش مؤثر خودی خنثی شد. در این عملیات ۱۷۶ دستگاه زرهی و ۱۲ خودرو دشمن منهدم شد.
۱۳۶۵/۲/۱۰	جنوبی	فکّه، منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی و ۱	۲ لشکر و ۱۱ تیپ مختلط	چند روز تلاش دشمن تنها منجر به سقوط ۳۶ کیلومتر مربع از ارتفاعات حمزین شد.
۱۳۶۵/۲/۱۹	جنوبی	پیچ انگیزه، منطقه عملیاتی والفجر ۱	۷ تیپ پیاده و ۱۲ گردان کماندو	طی ۱۰ روز، ارتفاعات ۲۵۹ و ۲۴۲۵ سقوط کرد. اما دشمن ۳۲۰۰ کشته، زخمی و اسیر داد و ۱۷ هلی‌کوپتر او نیز منهدم شد.
۱۳۶۵/۲/۲۴	شمالی	حاج عمران، منطقه عملیاتی والفجر ۲	۷ تیپ پیاده و ۲ تیپ زرهی	در این عملیات، مهران سقوط کرد، البته باتک‌های خودی ضربه‌های مؤثری به دشمن وارد کرد.
۱۳۶۵/۲/۲۶	میانی	مهران، منطقه عملیاتی والفجر ۳		

سلسله تحرکات دفاع متحرک عراق

عملیات کربلا ۵

karbala-5 Operation

Area: Southern Front - Shalamche

Code: Ya Zahra (PBUH)

Date: 9/1/1987 to 27/1/1987

Objectives: Capturing Shalamche and Advancing towards Basra

Liberated Zones: About 75 Sq. Kilometres

منطقه: جبهه جنوبی: شلمچه

رمز: یازهراس

تاریخ: ۱۹/۱۰/۱۳۶۵ تا ۲۷/۱/۱۳۶۷

هدف: تصرف شلمچه و پیشروی به سوی بصره

وسعت منطقه تصرف شده: حدود ۷۵ کیلومتر مربع

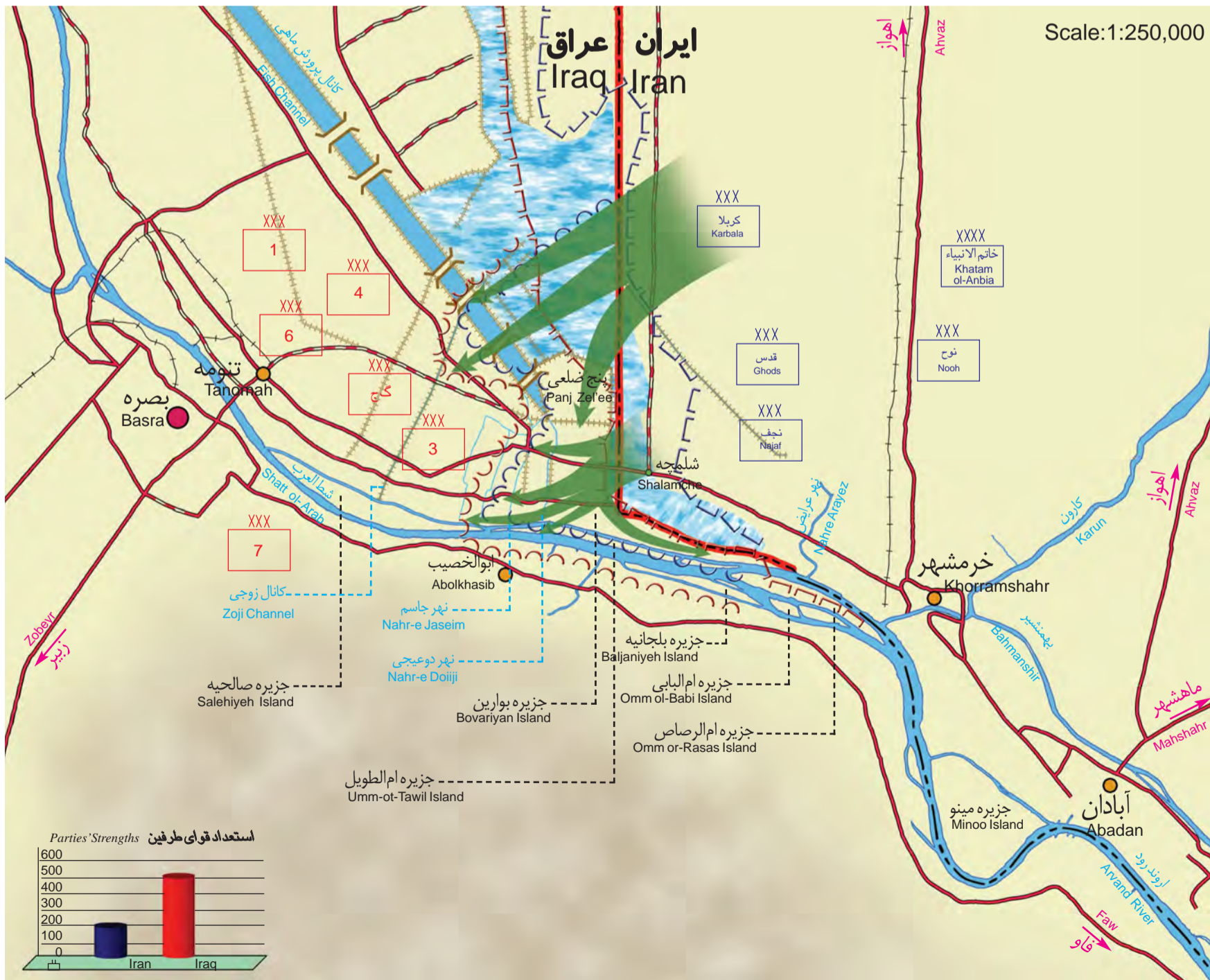
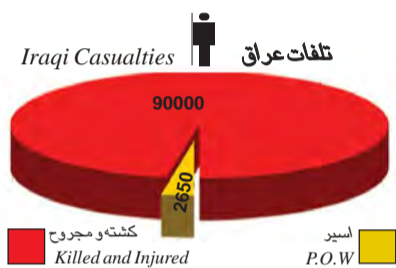
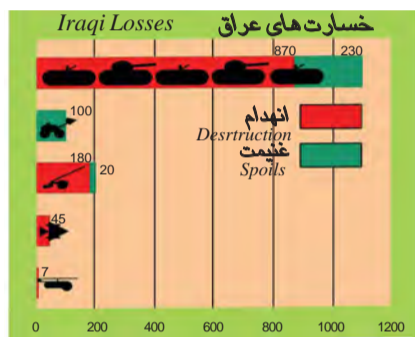
پایان جنگ را در پی داشت. عبور از استحکامات شرق بصره نشان داد پیروزی ایران در هر وضعیت متصور است و استحکامات و تجهیزات عراق نمی‌تواند در بازداشتن رزمندگان ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد، لذا برای جلوگیری از شکست ارتش عراق تلاش گسترده‌ای صورت گرفت که در نهایت به تصویب قطعنامه ۵۸۹ انجامید.

در این عملیات **حسین خراسانی** و **اسماعیل دقایقی** فرماندهان لشکرهای ۱۴ امام حسین (ع) و ۹ بدر به شهادت رسیدند.

به معنای تسلیم عراق و تحقق خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود؛ لذا عراق پذیرفت که برای سد کردن حرکت رزمندگان ایران بهای سنگینی بپردازد و با گسیل انبوه نیروهای خود به منطقه‌ای با وسعت کم، در زیر آتش شدید و مؤثر نیروی خودی ایستادگی نماید. این اقدام که به متلاشی شدن شمار فراوانی از یگان‌های عراقی انجامید، بدین معنا بود که دشمن برای از دست ندادن زمین شرق بصره، آماده پذیرش تلفات فراوان است. با این حال ارتش عراق نتوانست مانع از سقوط مواضع خود در شرق بصره شود و ۸۰ درصد از هدف‌های عملیات کربلا ۵ تأمین شد. پیروزی ایران در این زمین، شمارش معکوس

آشکار ساخت. به هر صورت، عملیات "کربلا ۵" در وضعیت بسیار دشواری طراحی و اجرای آن بلافاصله آغاز شد. در این عملیات مواضع عراق در کانال پرورش ماهی، پنج ضلعی و شلمچه از سمت شمال مورد هجوم قرار گرفت و بسیاری از دژهای نفوذناپذیر تسخیر شد. از آنجا که این عملیات تنها دو هفته پس از پایان عملیات کربلا ۴ به وقوع پیوست، دشمن از نظر زمان غافل‌گیر شد. همچنین به دلیل این که جهت هجوم نیروهای خودی، خلاف جهت آرایش نیروهای عراقی بود، دشمن در تاکتیک نیز غافل‌گیر شد. به این ترتیب خشنودی عراق در متوقف کردن عملیات ابوالخصیب (کربلا ۴) دیری نیامید و دو هفته بعد بصره که زمین‌های اطراف آن بسیار مسلح و نفوذناپذیر شناخته می‌شد، در مقابل هجومی جدید و تهدیدی جدی قرار گرفت؛ هجوم نیروهای پیاپی که اگر به زرهی و هلی‌کوپتر تجهیز شده بودند، پیشروی آنان تا دروازه بصره مسلم به نظر می‌رسید. فرصت دادن به نیروهای رزمی سپاه و واگذاری این منطقه

نام‌گذاری سال ۱۳۶۵ به "سال سرنوشت" و عدم موفقیت در عملیات "کربلا ۴" بحران بزرگی را برای فرماندهان جنگ ایجاد کرده بود. آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده عالی، ادامه جنگ را به شرط تضمین پیروزی مقبول می‌دانست و فرماندهان یگان‌های سپاه نیز که از نتایج عملیات "کربلا ۴" دچار فشار روحی بودند و نیز استحکامات شلمچه را غیر قابل عبور می‌دانستند، نه تنها تضمین پیروزی را میسر نمی‌دیدند، بلکه کسب موفقیت بر شلمچه را امکان‌ناپذیر ارزیابی می‌کردند. اما در این میان فرمانده کل سپاه که از شکست در کربلا ۴، فقط ضعف دشمن در شلمچه را شناسایی کرده بود، از نادر افراد امیدواری بود که در جلسات تصمیم‌گیری بر اجرای عملیات در منطقه شلمچه اصرار می‌ورزید. به عبارت دیگر، اگرچه عملیات "کربلا ۴" به موفقیت نینجامید، لیکن تاکتیک به کار رفته در آن عملیات در محور شلمچه که سبب شکسته شدن خط دشمن و نفوذ به عمق مواضع آن‌ها شد، آسیب‌پذیری موانع مستحکم شرق بصره را

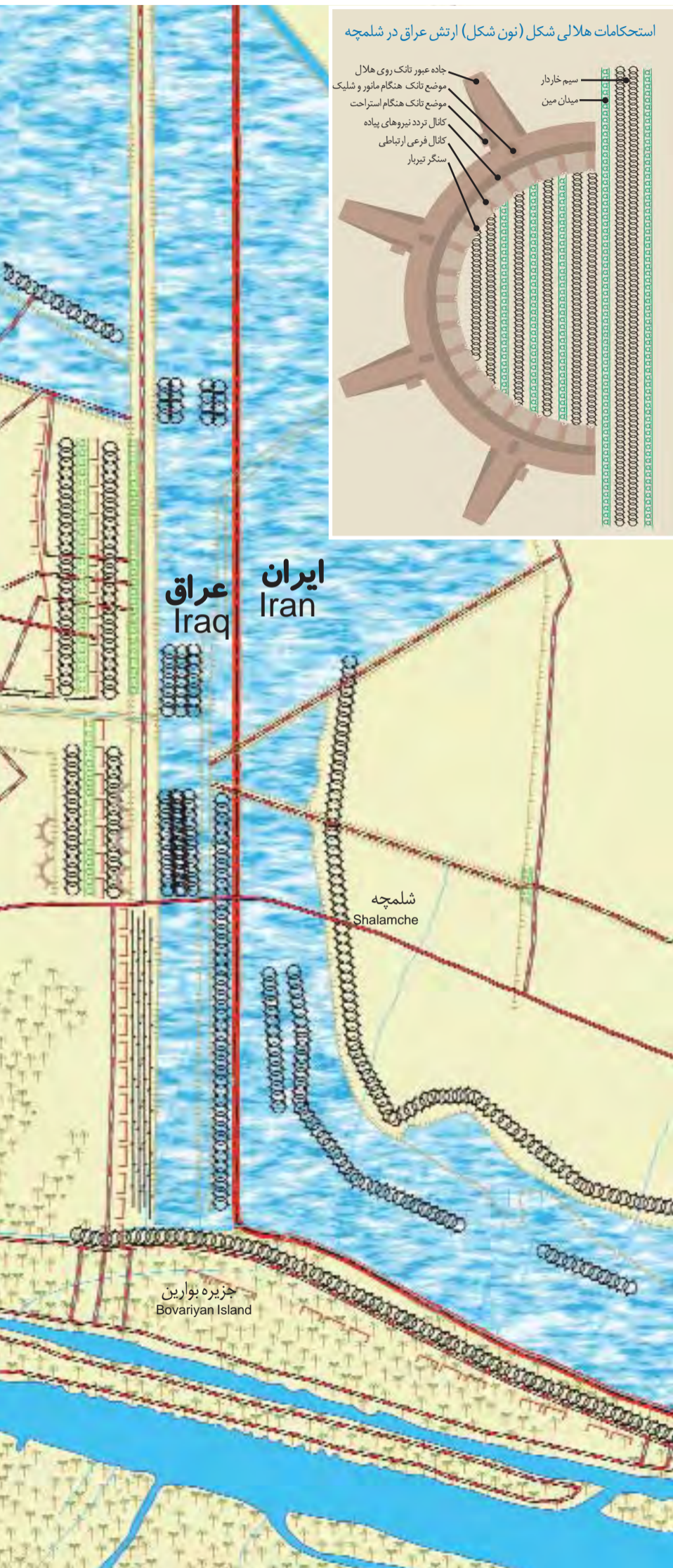


عملیات تکمیلی کربلای ۵

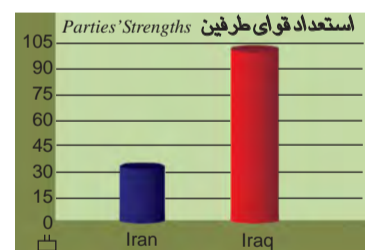
Karbala 5 Supplementary Operations

Area: Southern Front - Shalamche
 Code: Ya Zahra^(PBUH)
 Date: 22/2/1987 to 4/3/1987
 Objectives: Restoring the Friendly Line in the Karbala-5 Operation

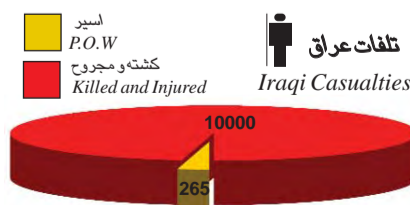
منطقه: جبهه جنوبی: شلمچه
 رمز: یازهرا^(س)
 تاریخ: ۱۲/۳ تا ۱۳۶۵/۱۲/۱۳
 هدف: ترمیم خط خودی در کربلای ۵



تمرکز کرد و با انبوه آتش توپخانه و زرهی در عملیاتی بسیار دشوار، ضلع جنوبی کانال پرورش ماهی را پس گرفت. از این پس عراق در یک جبهه غربی-شرقی در مقابل رزمندگان اسلام پدافند می‌کرد. پس از آن، اقدامات مهندسی عراق آغاز شد که سه دژ مسلح به نام خاکریزهای ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ احداث کرد. در "عملیات تکمیلی" عملیات کربلای ۵- که سپاه طراح و مجری آن بود- هدف، بازپس‌گیری ضلع جنوبی کانال پرورش ماهی بود. در این عملیات با آن‌که دشمن کاملاً هوشیار بود و تاکتیک و جهت تک رزمندگان نیز مشخص بود، تا پل کانال ماهی‌گیری پیشروی شد، اما سرانجام پس از چهار مرحله عملیات و انهدام بخش مهمی از ارتش عراق، برای تثبیت منطقه، نیروهای خودی به حفظ خاکریز ۵۰۰ اکتفا کردند.



در عملیات "کربلای ۵" دشمن از دوسو مورد هجوم قرار گرفته بود: محور شرقی- غربی و محور شمالی- جنوبی. ارتش عراق ناگزیر بود در منطقه‌ای محدود به حد فاصل کانال زوجی تا نهر جاسم، در دو جبهه با دو آرایش و با ۹۰ درجه تغییر جهت، با رزمندگان ایران مقابله کند. این نکته- که از پیچیدگی‌های عملیات کربلای ۵ محسوب می‌شود، دشمن را بسیار آسیب‌پذیر کرده بود، لذا مدتی پس از تثبیت عملیات کربلای ۵، ارتش عراق کوشید تا از این محاصره بیرون آید که بدین منظور توان زرهی خود را در جنوب کانال پرورش ماهی



عملیات کربلا ۸

Karbala - 8 Operations

Area: Southern Front - Shalamche
Code: Ya Saheb az-Zaman^(PBUH)
Date: 7/4/1987 to 11/4/1987
Objectives: Securing the Zowji Channel and Developing the Captured Zone in the West of the Fish Channel

منطقه: جبهه جنوبی: شلمچه
رمز: یا صاحب الزمان (عج)
تاریخ: ۱/۱۸ تا ۱۳۶۶/۱/۲۲
هدف: تأمین کانال زوجی و توسعه منطقه تصرف شده در غرب کانال پرورش ماهی



۷۹
79



"عملیات تکمیلی" عملیات کربلا ۵ نشان داد که رزمندگان اسلام مانند همه نبردهای گذشته خود، قادر به شکستن سخت‌ترین خطوط پدافندی دشمن می‌باشند و با وجود اتکاب به نیروی پیاده، بر قوای زرهی و بر آتش انبوه دشمن تسلط دارند و زمین‌های مسلح را به تسخیر درمی‌آورند، لیکن به دلیل این که در بررسی یک نبرد، همه ابعاد مورد توجه قرار می‌گیرد و از آن جهت که همواره عملیاتی در دستور قرار می‌گرفت که حفظ ابتکار در آن مفروض باشد، ادامه عملیات در منطقه شرق بصره با تاکتیک‌های به کار رفته و راه‌کارهای شناخته شده، توصیه نمی‌شد، بنابراین پس از "عملیات تکمیلی"، فرمانده سپاه جبهه شمال غرب را برگزید تا عملیات "کربلا ۱۰" را برای آن منطقه طراحی کند، با این هدف که با تغییر جبهه، زمان لازم به دست آید و به مرور راه‌کارهای جدیدی در جنوب شناسایی شود. در عین حال

عملیات "کربلا ۸" نیز به فرماندهی فرمانده نیروی زمینی سپاه در دو محور انجام شد تا خطوط پدافندی بهبود یابد و به سمت کانال زوجی پیشروی شود. در آغاز عملیات، یگان‌های خودی تا خط ۱۰۰۰ پیشروی کردند، اما تسلیح جدید زمین مانع از بهره‌برداری آن‌ها از خاکریز ۱۰۰۰ به عنوان خط پدافندی شد و نیز بر اثر آتش سنگین دشمن، یگان‌های خودی نتوانستند به هم ملحق شوند، لذا تا پشت خاکریز ۵۰۰ عقب آمدند.



نتیجه تعقیب دشمن در جبهه جنوبی

The Result of Pursuing the Enemy in the Southern Front



منطقه دشوار، طراحی و اجرا شد که دشواری آن عبور از اروند عریض بود. موفقیت در فاو تهدیدی جدی برای بصره و نیز همسایگان عراق بود. پس از والفجر ۸ در عملیات کربلای ۴ نیز عبور از اروند انجام شد ولی این بار دستیابی دشمن به اطلاعات مربوط به این عملیات، او را از شکست رهانید و سبب ناکامی یگان‌های خودی شد. عملیات کربلای ۴ اگرچه ناموفق بود ولی آگاهی مهمی به نیروهای خودی داد و راه‌های رخنه به استحکامات عبورناپذیر شرق بصره را نمایان ساخت. بر این اساس، عملیات کربلای ۵ طراحی شد. عبور موفقیت‌آمیز از خطوط مستحکم عراق در عملیات کربلای ۵، نشان‌دهنده قدرت نظامی ایران - با وجود محدودیت‌های تسلیحاتی و نداشتن تجهیزات پیشرفته برای کسب اطلاعات (مانند ماهواره و غیره) - بود و دنیا را به این نتیجه رساند که ممکن است ایران از میدان جنگ پیروز بیرون آید، لذا شمارش معکوس پایان جنگ پس از پیروزی عملیات کربلای ۵ آغاز شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که عملیات کربلای ۵ پایان جنگ بود، با توجه به این نکته که نظام بین‌الملل با مشاهده قدرت نظامی ایران، به جای پذیرش حقوق مردم این مرزوبوم، اعمال فشارهای همه‌جانبه را علیه ایران آغاز کرد.

از پایان عملیات طریق‌القدس، دشمن به قدرت برنامه‌ریزی فرماندهان ایرانی پی برد و از همان زمان در مورد تأمین بصره احساس نگرانی می‌کرد، لذا از آن هنگام برای پدافند از بصره و بغداد، اقدام کرد. تدابیر دفاعی دشمن در عملیات رمضان مؤثر افتاد و مانع از نتیجه‌گیری نیروهای خودی در آن عملیات شد. از سوی دیگر، ناکامی در عملیات رمضان، فرماندهان جنگ را به این نتیجه رساند که برای روبه‌رو نشدن با استحکامات دشمن، نبرد در مناطق ناهموار و دشوار را برگزینند. نیروی خودی اگرچه دچار محدودیت تجهیزاتی بود ولی با اتکا به قابلیت‌های برتر انسانی، از جنگ در مناطق دشوار استقبال می‌کرد. بدین ترتیب اولین زمینی که بعد از عملیات رمضان انتخاب شد، منطقه رملی فکه بود. اجرای عملیات والفجر مقدماتی در این منطقه به سبب هوشیاری دشمن، با ۱۳ رده پدافندی روبه‌رو شد و به نتیجه مطلوب نرسید. پس از این تجربه، فرماندهان خودی منطقه آب‌گرفته هور را برگزیدند، جایی که برای رسیدن به مواضع دشمن حداقل می‌بایست ۱۳ کیلومتر راه آبی را پیمود. این عملیات با نام "خبیر" طرح‌ریزی و اجرا شد و موفقیت چشمگیری داشت، اما سختی وضعیت میدان نبرد سبب گردید که تنها بخشی از مواضع آزاد شده تثبیت شود. عملیات والفجر ۸ نیز با توجه به اصل نبرد در





تعقيب دشمن در جبهه شمالی

6

Pursuing
THE ENEMY
IN THE
NORTHERN
FRONT



تعقیب دشمن در جبهه شمالی

Pursuing the Enemy in the Northern Front

نیروهای معارض حزب دمکرات کردستان عراق (بارزانی‌ها) - که استان اربیل منطقه تحت نفوذشان محسوب می‌شد - بیشترین سهم را در همکاری با جمهوری اسلامی ایران در این محور داشتند و تحت فرماندهی قرارگاه رمضان سپاه و یگان‌های تکاور این قرارگاه، در چندین عملیات مشارکت کردند.

در محور سلیمانیه، در طول جنگ ۱۳ عملیات منظم و ۱۶ عملیات نامنظم انجام گرفت که از مجموع عملیات‌های منظم، ۳ عملیات در محور فرعی پنجوین-چوارتا، ۶ عملیات در محور فرعی ماووت، ۲ عملیات در محور فرعی قلعه‌دیزه و ۲ عملیات در محور فرعی حلبچه انجام شد. در محور کرکوک نیز ۲ عملیات نامنظم انجام شد. اتحادیه میهنی کردستان عراق (طالبانی‌ها) در محورهای سلیمانیه و کرکوک تحت فرماندهی قرارگاه رمضان بیشترین مشارکت را در عملیات‌ها داشتند.

معارضان کرد جهت افزایش فشار بر حکومت عراق، هدفی مستقل و استراتژیک باشد. در عین حال نبردهای جبهه شمالی از یک استراتژی واحد تبعیت نمی‌کرد، بلکه تا قبل از سرمایه‌گذاری سپاه روی نیروهای معارض کرد، بصره همچنان هدف استراتژیک جنگ در آن دوره شناخته می‌شد. به عبارت دیگر، اجرای عملیات‌های والفجر ۲ و والفجر ۴ و عملیات قادر در چارچوب اجرای استراتژی تعقیب دشمن در جبهه جنوب بود. اما از پاییز سال ۱۳۶۴ با اعلام آمادگی جدی کردهای معارض عراق برای همکاری با قوای مسلح ایران، سپاه پاسداران به منظور هدایت جنگ‌های نامنظم، قرارگاه رمضان را تشکیل داد و استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی اتخاذ گردید. به این ترتیب، محدوده زمانی عملیات برداشته شد و نیروهای مسلح ایران در صدد بر آمدند تا در زمستان نیز جبهه شمالی را فعال نگه‌دارند. با این تدبیر، اجرای عملیات هم‌زمان در دو جبهه جنوبی و شمالی میسر گردید. در طول ۸ سال جنگ، در محور اربیل، ۴ عملیات منظم و ۱۰ عملیات نامنظم انجام شد. از ۴ نبرد منظم، ۳ نبرد در محور فرعی "رواندوز" و یک نبرد در محور فرعی "سیدکان" اجرا شد.

استان‌های خوزستان و بصره در جنگ عراق با ایران چندان حائز اهمیت بود که تا مدت‌ها هیچ یک از دو طرف در سایر جبهه‌ها سرمایه‌گذاری استراتژیک نمی‌کردند، اما ضرورت‌های انکارناپذیر، جمهوری اسلامی را واداشت که به هر نحو و در هر جبهه ممکن، از جمله جبهه شمالی، به تعقیب متجاوز بپردازد. در جبهه شمالی اهداف متعددی دنبال می‌شد که تأمین مرزها بخشی از آن بود. مسدود کردن گذرگاه‌های مورد استفاده نیروهای ضدانقلاب و عناصر نفوذی دشمن نیز از اهداف دیگر جبهه شمالی بود.

با مسدود شدن معابر مرزی، هرگونه عملیات نامنظم دشمن محدود می‌شد؛ کمین، ترور، گروگان‌گیری، بمب‌گذاری و مین‌گذاری به شدت کاهش می‌یافت. همچنین وجود منابع و تأسیسات اقتصادی عراق در کرکوک، اربیل و سلیمانیه، بر اهمیت این جبهه می‌افزود که در این میان، کرکوک مهم‌ترین شهر عراق بعد از بغداد و بصره به شمار می‌آمد. عملیات در اربیل، امنیت انتقال نفت عراق را به سواحل ترکیه در دریای مدیترانه به مخاطره می‌انداخت و تصرف سلیمانیه ضمن آن که گامی بود به سوی کرکوک، خود نیز می‌توانست برای برخی مقاصد از جمله کمک به



Scale: 1:1,300,000



محدوده عملیات ها
The Operations Limits

Nasr-4	نصر ۴	Valfajr 2	والفجر ۲
Nasr-7	نصر ۷	Ghader	قادر
Nasr-8	نصر ۸	Karbala-2	کربلا ۲
Beit ol - Moghaddas 2	بیت المقدس ۲	Karbala-7	کربلا ۷
Beit ol - Moghaddas 3	بیت المقدس ۳	Valfajr- 4	والفجر ۴
Beit ol - Moghaddas 6	بیت المقدس ۶	Valfajr-9	والفجر ۹
Valfajr-10	والفجر ۱۰	Fat'h-1	فتح ۱
Beit ol - Moghaddas4	بیت المقدس ۴	Karbala-10	کربلا ۱۰

Occupied Zones مناطق اشغالی

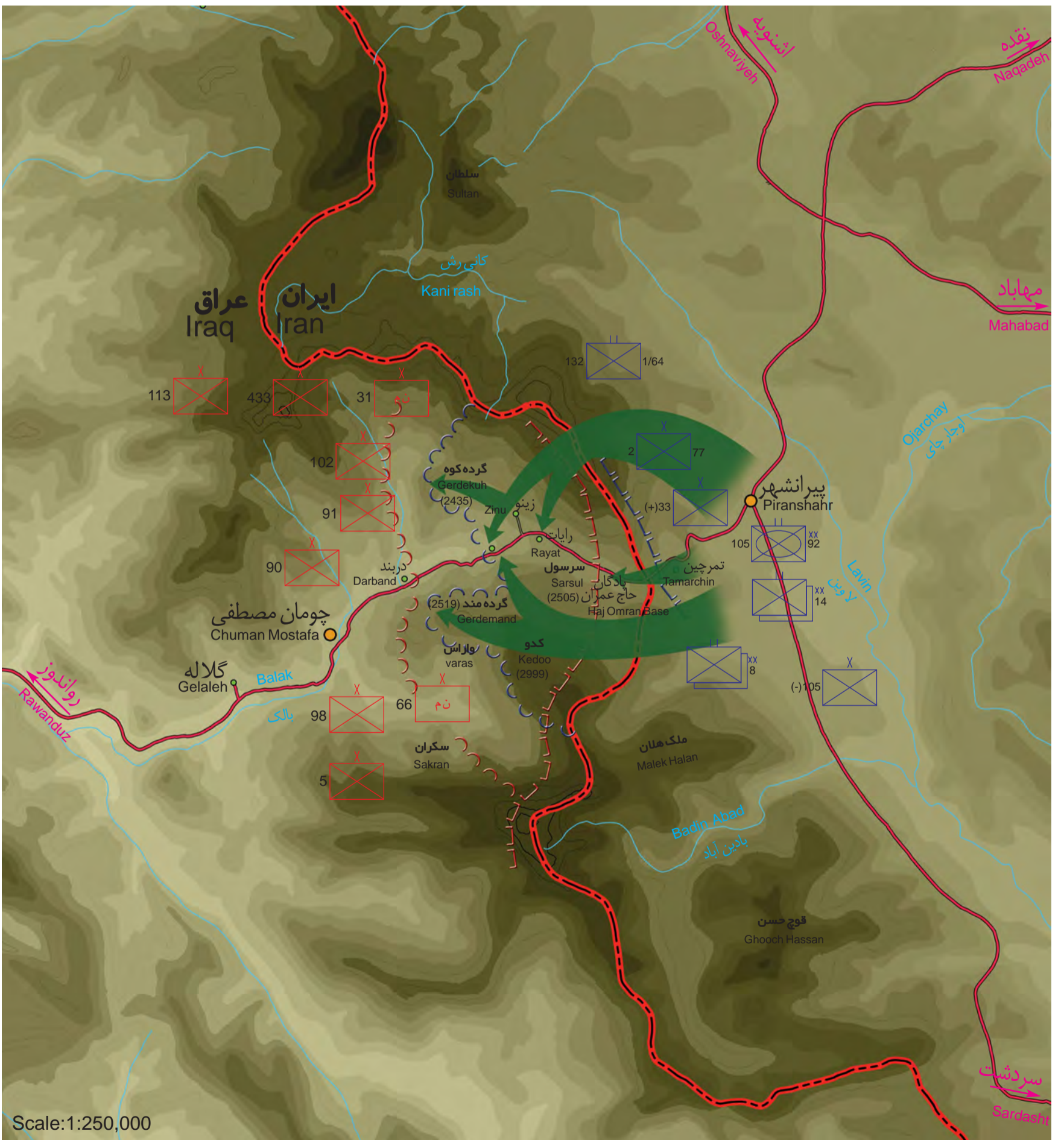
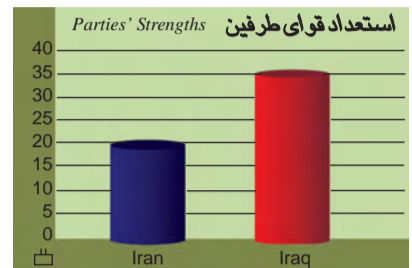
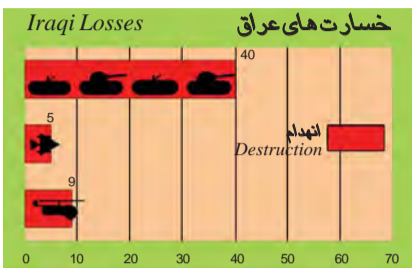
عملیات والفجر ۲

Valfajr 2 Operation

Area: Northern Front - Arbil - Haj Omran
Code: Ya Allah
Date: 20/7/1983 to 3/8/1983
Objectives: Capturing Haj Omran, Posing a Threat to Chuman Mostafa, and Controlling the Passage Ways of the Irregular Forces
Liberated Zones: 200 sq Kilometres

منطقه: جبهه شمالی: اربیل - حاج عمران
رمز: یا الله
تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۲ تا ۴/۲۹
هدف: تصرف حاج عمران، تهدید چومان مصطفی و کنترل معابر تردد نیروهای نامنظم
وسعت منطقه تصرف شده: ۲۰۰ کیلومتر مربع

پس از عدم موفقیت دو عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱ در جبهه جنوب، اولین عملیات در جبهه شمالی با نام والفجر ۲ اجرا شد. این عملیات با طراحی و فرماندهی سپاه و ارتش در دو محور اجرا شد که نتیجه آن چنین بود: تصرف پادگان حاج عمران، اشرف بر شهر چومان مصطفی، مسدود شدن یکی از معابر مهم تردد ضدانقلاب به کردستان ایران در مرز تمرچین؛ متقابلاً تسهیل نفوذ نیروهای



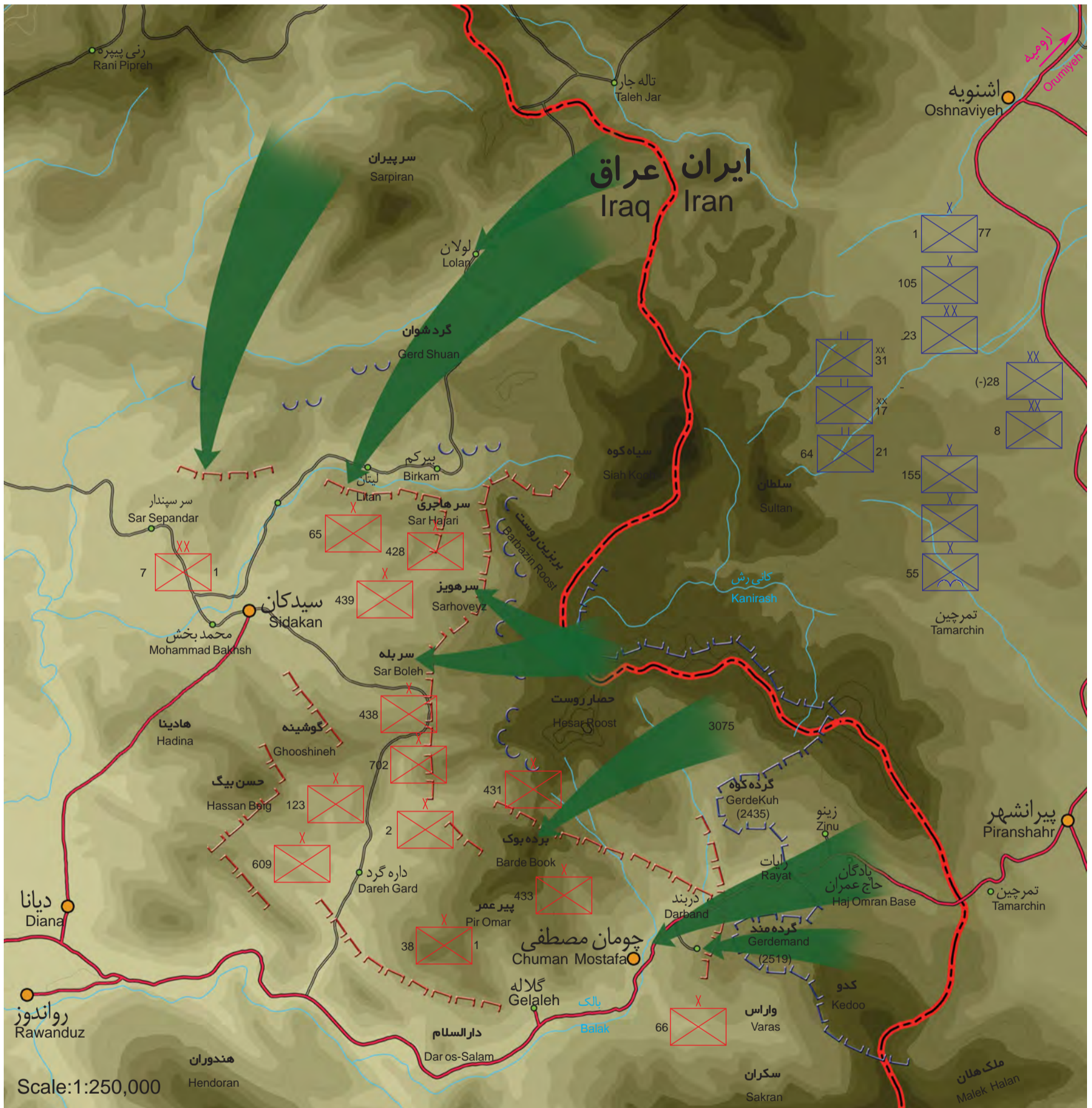
Scale: 1:250,000

عملیات قادر

Ghader (The Almighty God) Operation

Area: Northern Front - Arbil - Sidakan
Code: Ya.Saheb-az-Zaman (PBUH)
Date: 15/7/1985 to 9/9/1985
Objectives: Capturing SidaKan Heights

منطقه: جبهه شمالی: اربیل - سیدکان
رمز: یا صاحب الزمان (عج)
تاریخ: ۴/۲۴ تا ۱۸/۶/۱۳۶۴
هدف: تصرف ارتفاعات منطقه سیدکان



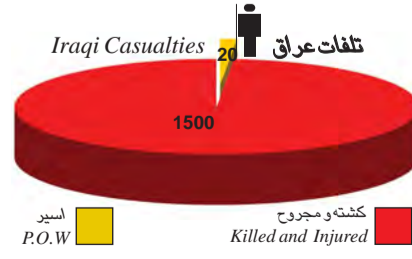
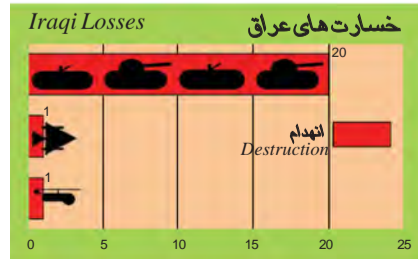
۸۷
87

شود و به انهدام دشمن اکتفا گردد. در این عملیات سرهنگ **حسن آبشناسان** فرمانده تیپ ۲۳ نوه ارتش به شهادت رسید.

خودی موفق شدند در هر یک از مراحل این عملیات هدفهایی را تأمین کنند، لیکن عواملی از جمله پاتکهای دشمن موجب شد تا عملیات با عدم موفقیت مواجه

علی صیاد شیرازی و یگانهای ارتش و سپاه به اجرا درآمد. این عملیات در دو ماه و در سه مرحله با عناوین قادر ۱ و ۲ و ۳ انجام شد. اگر چه قوای

عملیات بدر آخرین عملیات مشترک سپاه و ارتش بود و از آن پس این دو سازمان هر کدام به طور مستقل طرح ریزی و اجرای عملیات می کردند. البته تدبیر جدید مانع از آن نبود که هر کدام از این دو سازمان در اجرا از یکدیگر کمک بگیرند. همچنان که سپاه از توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش کمک می گرفت، ارتش نیز از یگانهای مانوری سپاه بهره می جست. اولین عملیات مستقل ارتش بعد از بدر، عملیات قادر بود که با فرماندهی سرهنگ



عملیات کربلا ۲

Karbala-2 Operation

Area: Northern Front - Arbil - Haj Omran
Code: Ya Aba - Abdellahel - Hossain^(PB^{UH})
Date: 1/9/1986 to 2/9/1986
Objectives: Recapturing the Height 2435 (Gerdekuh)
Battle Zones: 50 sq. Kilometres

منطقه: جبهه شمالی: اربیل - حاج عمران
رمز: یا ابا عبدالله الحسین^(ع)
تاریخ: ۶/۱۰ تا ۶/۱۱/۱۳۶۵
هدف: تصرف مجدد ارتفاع ۲۴۳۵ (گرده کوه)
وسعت منطقه درگیری: ۵۰ کیلومتر مربع



آنجا که تسلط و اشراف دشمن بر منطقه، نیروهای خودی را در فشار قرار می‌داد و پیوسته متحمل تلفات می‌کرد، عملیات کربلا ۲ با فرماندهی سپاه در دو محور شمالی و جنوبی اجرا شد. در محور شمالی، ارتفاع گرده کوه تصرف شد، اما در محور جنوبی، هوشیاری و مقاومت دشمن موجب شد تا نیروهای خودی به عقب بازگردند و ارتفاع ۲۵۱۹ در دست دشمن باقی بماند. در این عملیات **محمود کاوه** فرمانده تیپ ویژه شهدا به شهادت رسید.

اگر چه زمان عملیات کربلا ۲ مربوط به دوره‌ای است که استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی پایه‌ریزی شده بود، ولیکن تا قبل از احساس بن‌بست در جنوب، اجرای این استراتژی جدی نشد. به عبارت دیگر، اجرای عملیات کربلا ۲، بیش از هر چیز متأثر از استراتژی معروف به "دفاع متحرک"، ارتش عراق بود.

در این دوره، ارتش عراق در مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۴ در منطقه حاج عمران به ارتفاعات ۲۴۳۵ و ۲۵۱۹ حمله کرد و دستاوردهای عملیات والفجر ۲ را به اشغال درآورد. از

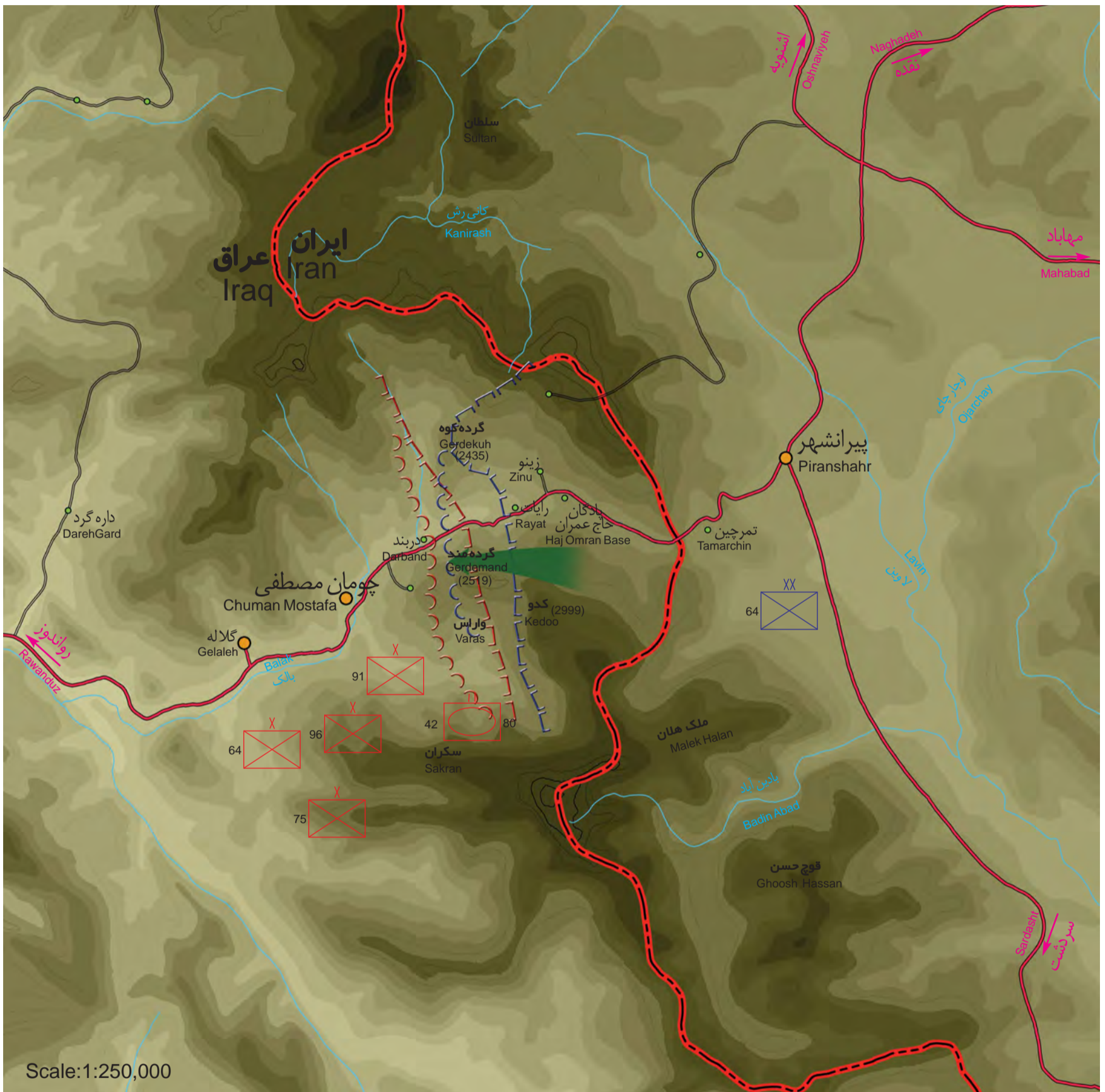


عملیات کربلای ۷

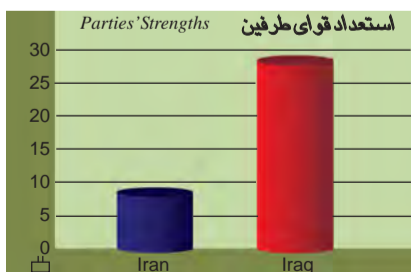
Karbala-7 Operation

Area: Northern Front - Arbil - Haj Omran
Code: Ya. Molaye Mottaqian^(PBUIH)
Date: 4/3/1987 to 8/3/1987
Objectives: Recapturing the Height 2519, and Restoring the Friendly Positions in Haj Omran Zone

منطقه: جبهه شمالی: اربیل - حاج عمران
رمز: یامولای متقیان^(ع)
تاریخ: ۱۳/۱۳ تا ۱۳۶۵/۱۲/۱۷
هدف: تصرف مجدد ارتفاع ۲۵۱۹ و ترمیم مواضع نیروهای ایران در منطقه حاج عمران



۸۹
89



تصرف ارتفاعات ۲۵۱۹ یکی از هدف های نیروهای مسلح ایران بود. این ارتفاع که در عملیات والفجر آزاد شده بود، در دوره دفاع متحرک سقوط کرد و در عملیات کربلای ۷ نیز تأمین نگردید، تا این که در زمستان ۱۳۶۵ در حالی که چند متر برف قله آن را پوشانده بود، آزاد شد. این عملیات با فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی و لشکر ۶۴ ارومیه آن را به اجرا در آورد. در این عملیات، نیروهای خودی با غافلگیر کردن دشمن، ارتفاع ۲۵۱۹ را مجدداً به

تصرف ارتفاعات ۲۵۱۹ یکی از هدف های نیروهای مسلح ایران بود. این ارتفاع که در عملیات والفجر آزاد شده بود، در دوره دفاع متحرک سقوط کرد و در عملیات کربلای ۷ نیز تأمین نگردید، تا این که در زمستان ۱۳۶۵ در حالی که چند متر برف قله آن را پوشانده بود، آزاد شد. این عملیات با فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی و لشکر ۶۴ ارومیه آن را به اجرا در آورد. در این عملیات، نیروهای خودی با غافلگیر کردن دشمن، ارتفاع ۲۵۱۹ را مجدداً به

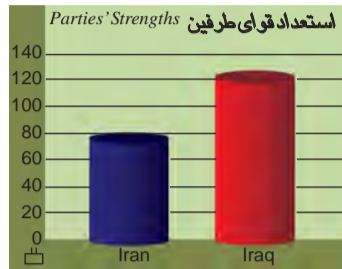
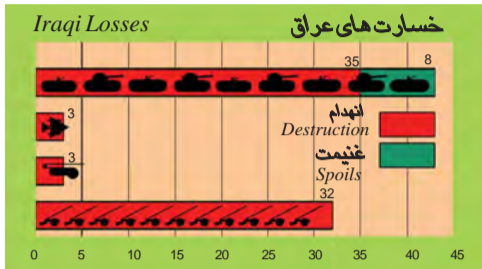


عملیات والفجر ۴

Valfajr- 4 Operation

Area: Northern Front - Soleymaniye-Panjwin
Code: Ya Allah
Date: 30/10/1983 to 21/11/1983
Objectives: Capturing Shiler Valley & Panjwin, and Blocking the Passage Ways of the Counter - revolutionary Forces
Captured Zones: 1000 sq kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه- پنجویین
رمز: یا الله
تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۳۰ تا ۷/۲۷
هدف: تصرف دره شیلر و پنجویین؛ انسداد معابر تردد ضد انقلاب
وسعت منطقه تصرف شده: ۱۰۰۰ کیلومتر مربع



اشغال دشمن باقی ماند. در عین حال، این عملیات با نتایج همچون آزادسازی بخشی از خاک ایران اسلامی، تصرف منطقه وسیع دره شیلر و در نتیجه انسداد تعدادی دیگر از معابر مهم تردد ضد انقلاب و نیز اشراف خودی بر شهر پنجویین و چندین روستای عراق، پایان یافت. در این عملیات، **علی رضائیان** فرمانده قرارگاه تاکتیکی حمزه سیدالشهدا^(ع) به شهادت رسید.

هدف از اجرای عملیات والفجر ۴، تصرف دره شیلر بود که در این صورت معابر ورودی عناصر ضدانقلاب از عراق به ایران مسدود می شد. این عملیات با فرماندهی سپاه و ارتش در دو محور بانه و مریوان انجام شد و در نتیجه آن، اغلب ارتفاعات مورد نظر در هر دو محور به تصرف درآمد، لیکن بر اثر پاتک های دشمن روی قله های کانی مانگا، برخی از قله های آن ارتفاع دست به دست شد و در نهایت در



عملیات والفجر ۹

Valfajr -9 Operation

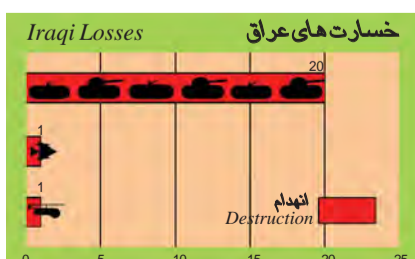
Area: Northern Front - Soleymaniye-Chuwarta
Code: Ya Allah
Date: 24/2/1986 to 1/3/1986
Objectives: Advancing towards the East of Soleymaniye in order to Reduce the Enemy's Pressure in Faw

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه - چوارتا
رمز: یا الله
تاریخ: ۱۲/۵ تا ۱۳۶۴/۱۲/۱۰
هدف: پیشروی در شرق سلیمانیه به منظور کاستن از فشار دشمن در فاو

"الفجر ۹" بود، یعنی در حالی که توان اصلی سپاه در منطقه فاو درگیر بود، یگان‌های تازه تأسیس سپاه عملیات "الفجر ۹" را انجام دادند و توانستند در تهاجم خود کاملاً موفق باشند و چنانچه نیروهای پدافندی جایگزین آن‌ها قادر به حفظ منطقه می‌شدند، نیروهای ایران در منطقه سلیمانیه به موقعیت ممتازی دست

است - دست یابند. چند روز پس از پایان عملیات و تحویل خط به نیروهای پدافندی، در حالی که مناطق متصرفه هنوز به طور کامل تثبیت نشده بود، نیروهای عراقی در ۱۳۶۴/۱۲/۲۳ طی حملاتی توانستند کلیه نقاط تصرف شده را باز پس گیرند. نکته حائز اهمیت، هم‌زمانی این عملیات با عملیات

اولین عملیات از سلسله نبردهای مربوط به استراتژی تعقیب دشمن در جبهه شمالی، در منطقه چوارتا با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در سه محور اجرا شد و نیروهای خودی توانستند در دو مرحله به اهداف مورد نظر همچون ارتفاعات کوخ نم، موبرا، پلنگه سور و قله کژال پیر (کچل) - که از بلندترین قله منطقه



عملیات فتح ۱

Fath-1 (Conquest-1) Operation

Area: Iraq - Kirkuk
Code: Ya Zeinab^(PBUIH)

Date: 11/10/1986

Objectives: Penetrating into the Depth of Iraq up to 150 Kilometres and Destroying the Economic and Military Centers of Kirkuk

منطقه: عراق: کرکوک

رمز: یازینب^(س)

تاریخ: ۱۳۶۵/۷/۱۹

هدف: نفوذ به عمق ۱۵۰ کیلومتری عراق و انهدام مراکز اقتصادی و نظامی کرکوک

- انهدام مقر سازمان امنیت عراق و مقر عناصر سازمان منافقین

الکترونیکی و پارازیت عراق در منطقه سفزلی
- اجرای آتش روی قرارگاه های سپاه یکم و لشکر هشتم
- انهدام پادگان دارامان

تمهیدات اتحادیه میهنی کردستان عراق برخوردار بودند، این خسارت ها را به دشمن وارد آوردند:

- انهدام تأسیسات پالایشگاه کرکوک
- انهدام واحد بهره برداری شماره ۱
- انهدام نیروگاه حرارتی برق کرکوک
- انهدام سه پایگاه موشکی زمین به هوا
- انهدام تأسیسات تفکیک نفت و گاز جمبور و جبل بور و شوروا
- انهدام مرکز استراق سمع و جاسوسی

در بهار سال ۱۳۶۵ شورای عالی دفاع، همکاری سپاه با گردهای معارض عراقی را تصویب کرد و از آن پس همکاری قرارگاه رمضان با آن ها تقویت شد. عملیات فتح ۱ بزرگترین بستر همکاری قرارگاه رمضان و اتحادیه میهنی کردستان عراق - تا آن روز - بود. در این عملیات که سپاه آن را طراحی و اجرا کرد، دویگان تاور سپاه به عمق ۱۵۰ کیلومتری در شمال و جنوب کرکوک نفوذ کردند و در حالی که از

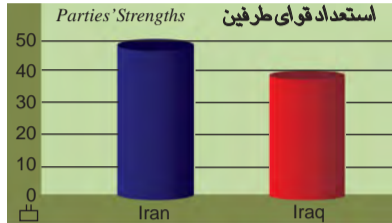
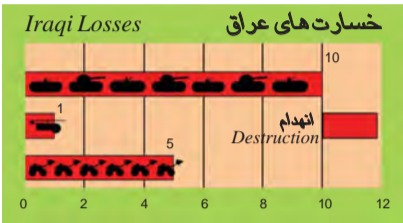
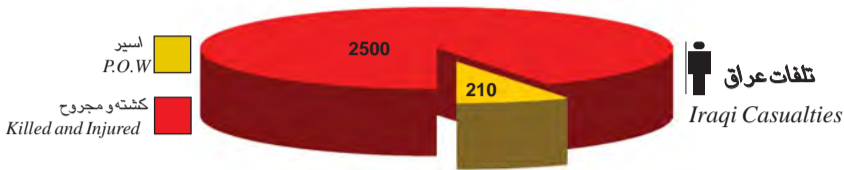


عملیات کربلا ۱۰

Karbala-10 Operation

Area: Northern Front- Soleymaniye - Mawat
Code: Ya Saheb az-Zaman^(PBUT) Adrekni
Date: 14/4/1987 to 25/4/1987
Objectives : Advancing towards Soleymaniye from the Northeast, and Linking the Friendly Front with the Sphere under the Influence of the Kurdish Patriotic Union (KPU)
Liberated Zones : 250 sq kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه - ماووت
رمز: یاصاحب الزمان^(عج) ادرکنی
تاریخ: ۱۳۶۶/۲/۵ تا ۱/۲۵
هدف: پیشروی به سوی سلیمانیه از شمال شرق و اتصال جبهه خودی به منطقه تحت نفوذ اتحادیه میهنی (یاغمسر)
وسعت منطقه تصرف شده: ۲۵۰ کیلومترمربع



که در عملیات منظم آزاد می‌گردید، متصل می‌کردند. فرماندهی عملیات منظم را قرارگاه نجف و فرماندهی عملیات نامنظم را قرارگاه رمضان برعهده داشتند. در مراحل اولیه این عملیات اغلب اهداف مورد نظر تصرف شد، لیکن در ادامه عملیات - که ده شبانه روز به طول انجامید - الحاق بین دو قرارگاه صورت نگرفت و هدف‌های عملیات ناقص ماند. در این عملیات فرمانده توپخانه سپاه، **حسن شفیق زاده** به شهادت رسید.

این عملیات که اولین عملیات گسترده در غرب کشور بعد از انتقال میدان اصلی جنگ از جنوب به شمال بود، به همت سپاه پاسداران طراحی و اجرا شد. نکته برجسته این عملیات، اجرای هم‌زمان دو تک منظم و نامنظم بود. هماهنگ با تک نیروهای منظم در جبهه ماووت، نیروهای نامنظم قرارگاه رمضان و اتحادیه میهنی کردستان عراق مستقر در یاغمسر (شمال سلیمانیه) می‌بایست دو قرارگاه دشمن را منهدم می‌کردند و منطقه تحت نفوذ اتحادیه میهنی (طالبانی‌ها) را به منطقه‌ای

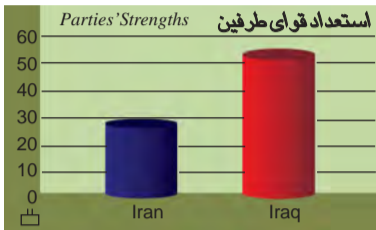


عملیات نصر ۴

Nasr-4 Operation

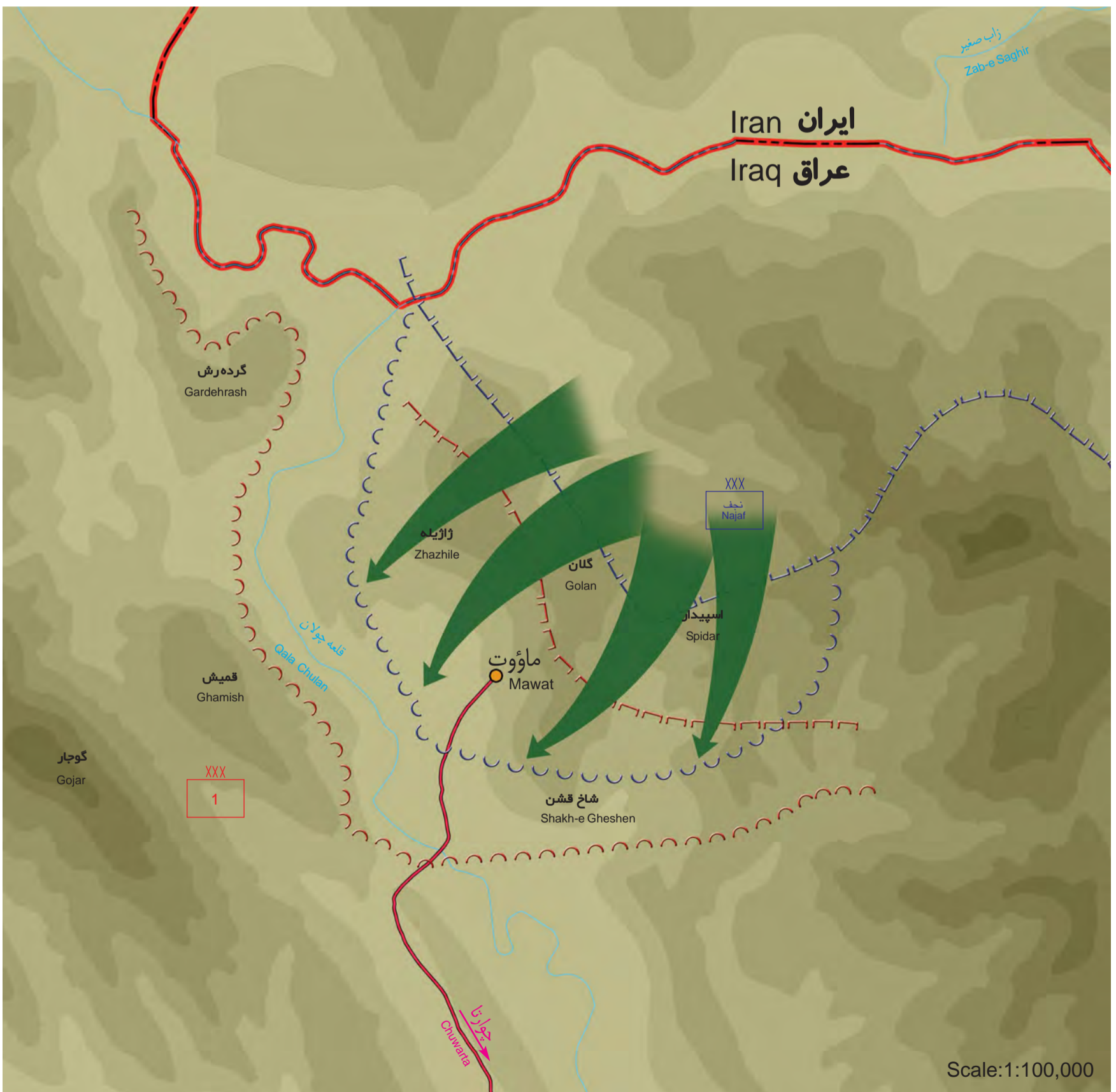
Area: Northern Front- Soleymaniye -Mawat
Code: Ya Imam Ja'far-e Sadegh^(PBUH) (the Sixth Imam of Shiites)
Date: 21/6/1987 to 5/7/1987
Objectives: Advancing towards Soleymaniye from the Northeast by Capturing Mawat
Captured Zones: 70 sq. kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه - ماؤوت
رمز: یا امام جعفر صادق^(ع)
تاریخ: ۳/۳۱ تا ۴/۱۴/۱۳۶۶
هدف: پیشروی به سوی سلیمانیه از شمال شرق با تصرف ماؤوت
وسعت منطقه تصرف شده: ۷۰ کیلومتر مربع



یگان‌های تازه‌نفس به منطقه، چند عملیات به منظور رفع نواقص محورهای قشن و تپه دوقلو انجام شد. این عملیات پس از ۱۵ روز پایان یافت و نتایج آن چنین بود: آزادسازی شهر ماؤوت و ارتفاعات ژاژیله، قشن، یال غربی ارتفاع گلان، تپه دوقلو (بالوکاوه) و دشت بالوسه و نیز ترمیم برخی خطوط پدافندی عملیات کربلای ۱۰.

این عملیات در ادامه عملیات کربلای ۱۰ و با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در چهار محور اجرا شد. در این عملیات رزمندگان خودی در دو شبانه‌روز موفق شدند به اکثر اهداف مورد نظر دست یابند. متقابلاً نیروهای دشمن در روزهای بعد چندین بار پاتک کردند که همه به شکست انجامید. در جبهه خودی نیز با اعزام



Scale: 1:100,000

عملیات نصر ۷

Nasr-7 Operation

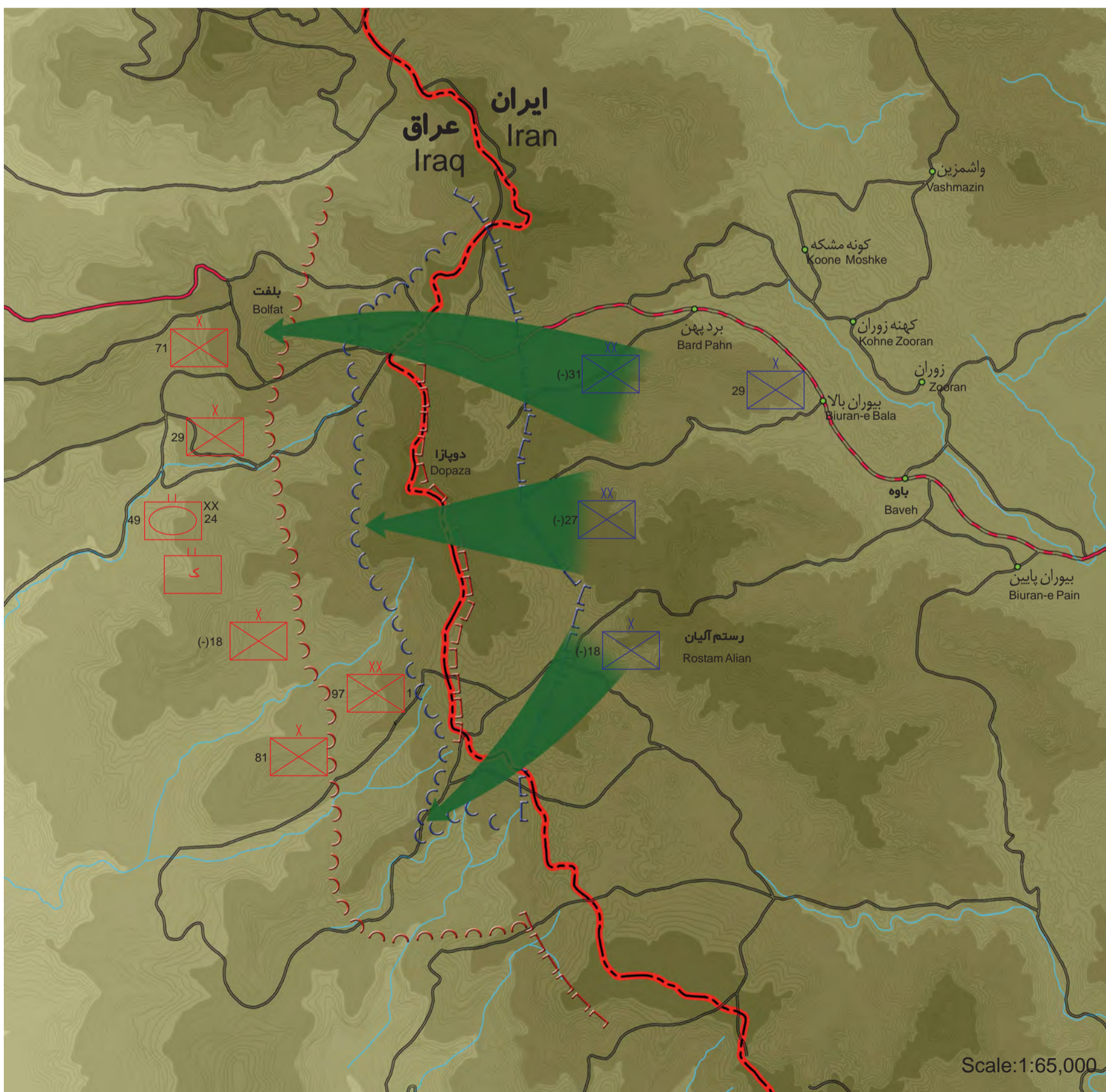
Area: Northern Front - Qala' Dizeh
Code: Ya Fatema-tuz- Zahra^(PBUH)
Date: 5/8/1987 to 14/8/1987
Objectives: Increasing the Presence in the Northeast of Soleymaniye by Capturing Dopaza, and Obstructing the Passage Ways of the Counter - revolutionary Forces
Liberated Zones: 30 sq. kilometres

منطقه: جبهه شمالی: قلعه دیزه
رمز: یافاطمه الزهرا (س)
تاریخ: ۵/۱۴ تا ۱۳۶۶/۵/۲۳
هدف: افزایش حضور در شمال شرق سلیمانیه با تصرف دویازا؛ انسداد معابر ضد انقلاب
وسعت منطقه آزادشده: ۳۰ کیلومترمربع



سرکوب بود، علاوه بر ایجاد مشکل در استقرار نیروهای خودی، تردد عناصر ضدانقلاب را نیز تسهیل می کرد. برای رفع تسلط دشمن بر این منطقه، عملیات نصر ۷ با فرماندهی سپاه پاسداران انجام شد. نیروهای خودی در این عملیات در دو مرحله موفق شدند ارتفاع مهم دویازا و بخشی از ارتفاع بلفت را تصرف کنند. به این ترتیب ضمن افزایش حضور نیروهای خودی در منطقه سلیمانیه عراق، دید و تیر دشمن از منطقه عمومی سردشت نیز قطع شد.

در تابستان ۱۳۶۶ که همزمان بود با درگیری های محدود ایران و آمریکا در خلیج فارس، دو نیروی زمینی و دریایی سپاه به تفکیک در دو جنگ درگیر شدند. نیروی دریایی سپاه جنگ دریایی را هدایت می کرد و نیروی زمینی سپاه در دو جبهه جنوبی و شمالی حضور فعال داشت. طی این مدت نبردهای نصر ۴، نصر ۵ و نصر ۷ در جبهه شمالی به اجرا درآمد. استقرار نیروهای دشمن روی ارتفاعات مرزی منطقه سردشت که بر مواضع خودی



عملیات نصر ۸

Nasr-8 Operation

Area: Northern Front- Soleymaniye-Mawat

Code: Ya Mohammad Ebne Abdollah^{(PB(UH))}

Date: 20/11/1987 to 21/11/1987

Objectives: Developing the Friendly Forces'

Situation in the West of Mawat

Captured Zones: 30 sq. kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه- ماؤوت

رمز: یا محمد ابن عبدالله (ص)

تاریخ: ۸/۲۹ تا ۱۳۶۶/۸/۳۰

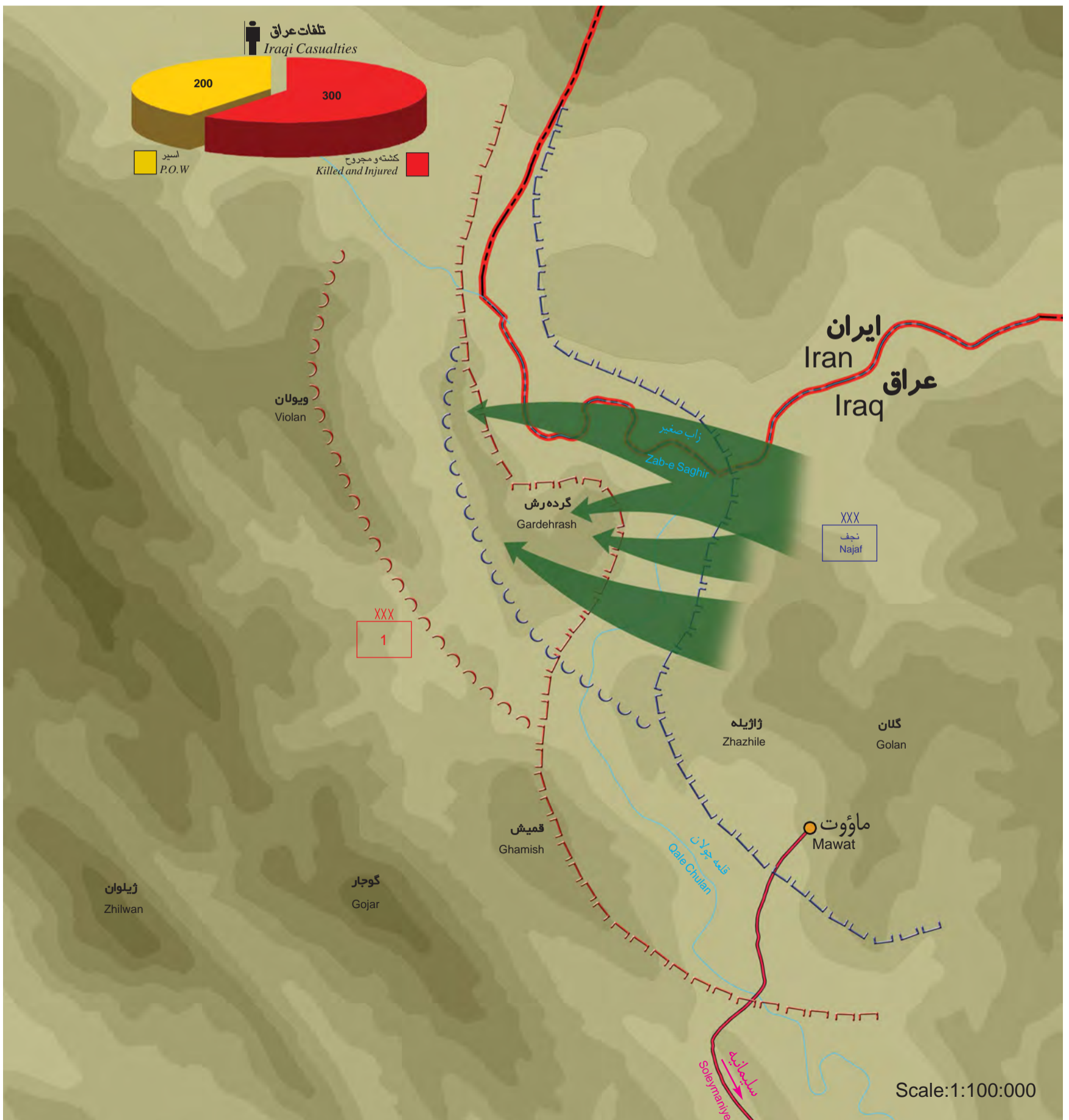
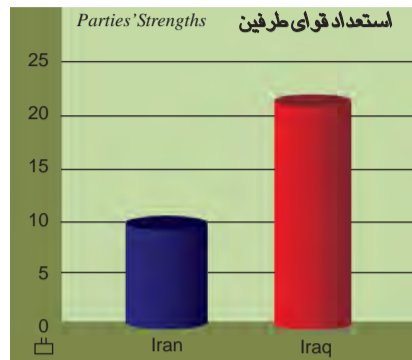
هدف: گسترش وضعیت خودی در غرب

ماؤوت

وسعت منطقه تصرف شده: ۳۰ کیلومتر مربع

معارض عراقی- که در عمق خاک عراق استقرار داشتند - مستلزم عبور از رودخانه قلعه چولان بود و عبور از این رودخانه نیز منوط به تصرف ارتفاع گرده رش بود، لذا عملیات نصر ۸ برای تصرف این ارتفاع با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران اجرا شد و ارتفاع گرده رش به تصرف درآمد. تسلط بر ارتفاع گرده رش، گرفتن سرپل و جای پا در آن سوی قلعه چولان محسوب می شد تا امکان گسترش وضعیت میسر شود.

پس از کاهش بحران خلیج فارس و قطع درگیری های ایران و آمریکا در دریا، بار دیگر جنگ زمینی اولویت خود را به دست آورد و مجدداً تلاش در جبهه شمالی، اصلی گردید. در دو عملیات کربلای ۱۰ و نصر ۴، منطقه شرق رودخانه قلعه چولان تا سورکوه تصرف شده بود؛ گسترش عملیات به سمت غرب و کوتاه کردن فاصله مواضع قوای منظم خودی- که در آن سوی مرز مستقر بودند - و نیروهای نامنظم قرارگاه رمضان و گردهای



عملیات بیت المقدس ۲

Beit ol-Moghaddas - 2 Operation

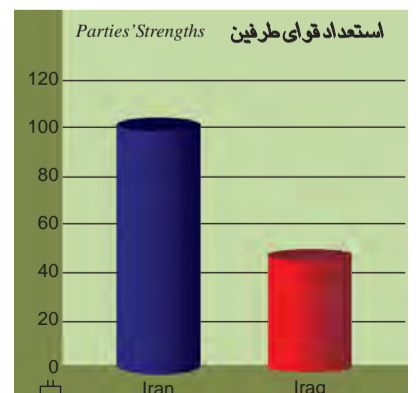
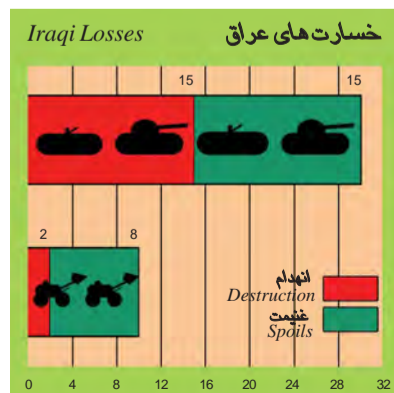
Area: Northern Front-Soleymaniye-Mawat
Code: Ya.Zahra (PB^{UH})
Data: 15/1/1988 to 22/1/1988
Objectives: Developing the Friendly Forces' Situation in the Northeast of Soleymaniye by Capturing Ghamish
Captured Zones: 95 sq. kilometers

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه - ماؤوت
رمز: یازهراس
تاریخ: ۱۰/۲۵ تا ۱۳۶۶/۱۱/۲
هدف: گسترش وضعیت خودی در شمال شرق سلیمانیه با تصرف قمیش
وسعت منطقه تصرف شده: ۹۵ کیلومترمربع



متحد ایران بودند، در معرض خطر هجوم ارتش عراق قرار داشتند و چنانچه مناطق وسیع تحت نفوذ آنان به اشغال دشمن درمی آمد، بسیاری از راهکارهای خودی بسته می شد. با توجه به این ضرورت، سپاه پاسداران عملیات "بیت المقدس ۲" را طراحی و اجرا کرد.
 در این عملیات، نیروهای خودی با وجود سرمای شدید و دشواری مسیرهای طولانی تعیین شده، موفق گردیدند حدود ۷۰ درصد از اهداف ارضی منطقه، همچون ارتفاعات ویولان، قمیش و گلاله را به تصرف خود درآورند.

با تصرف ارتفاع گردهرش و عبور از رودخانه عریض قلعه چولان در عملیات نصر ۸، امکان گسترش وضعیت خودی در منطقه غرب این رودخانه و برداشتن گام های اساسی به طرف سلیمانیه فراهم شد، به همین منظور، می بایست ارتفاعات قمیش، دولبشک و الاغلو تصرف می شد. با فرارسیدن فصل زمستان ارتفاعات منطقه را برف می پوشاند و اجرای هر عملیاتی دشوار به نظر می رسید، در حالی که وضعیت موجود جنگ اقتضا می کرد عملیات مورد نظر هرچه سریع تر آغاز گردد، زیرا نیروهای معارض عراقی که

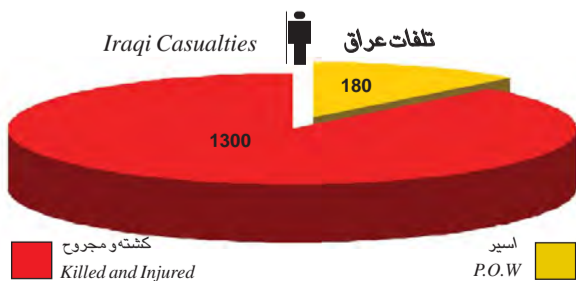
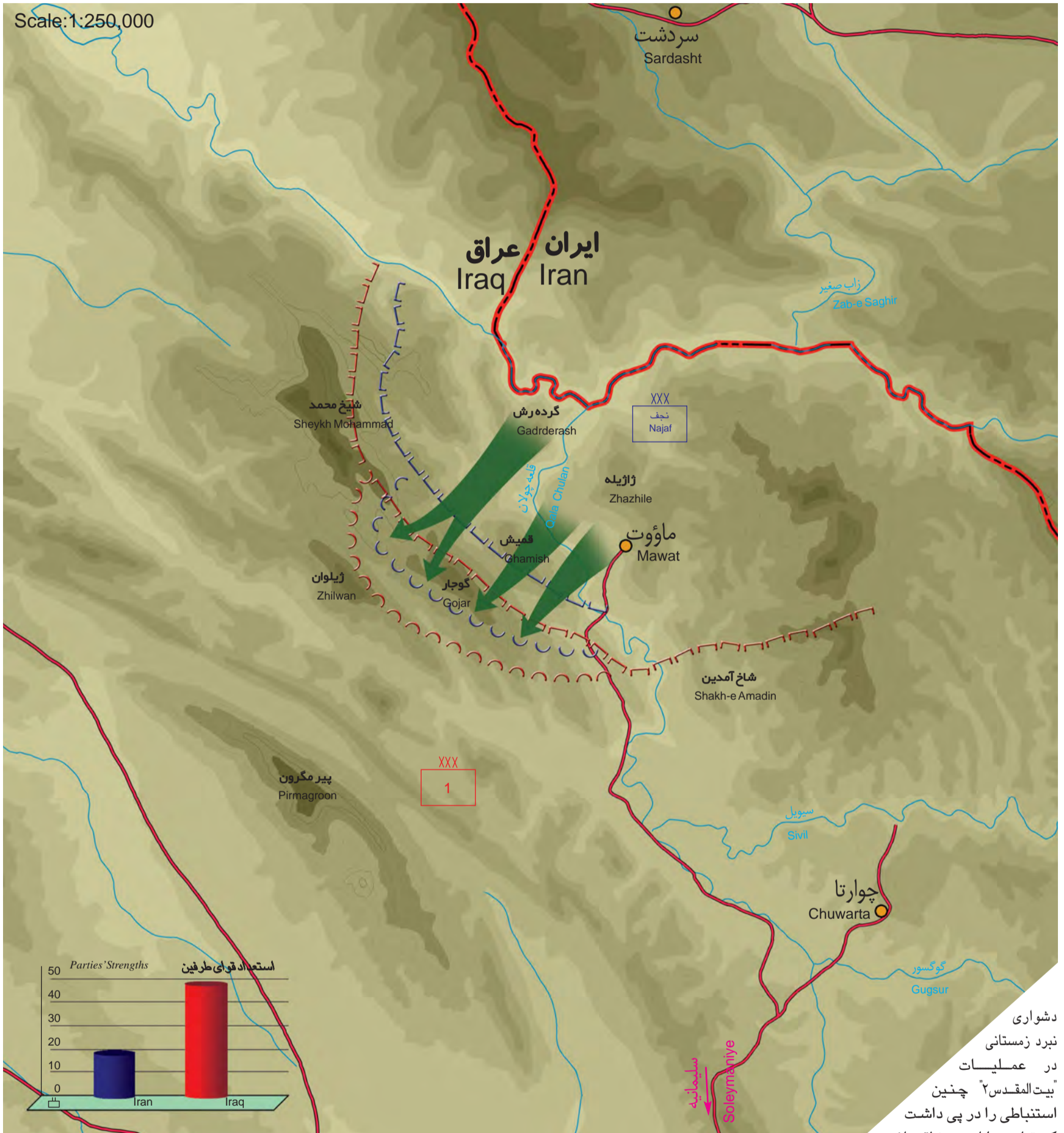


عملیات بیت المقدس ۳

Beit ol-Moghaddas - 3 Operation

Area: Northern Front- Soleymaniye-Mawat
Code: Ya Moosabne Ja'far^(PBUI)
Date: 13/3/1988 to 18/3/1988
Objectives: Capturing the Heights of Gojar
Captured Zones: 40 Sq. kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه - ماوت
رمز: یاموسی بن جعفر^(ع)
تاریخ: ۱۲/۲۳ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۸
هدف: تصرف ارتفاع گوجار
وسعت منطقه تصرف شده: ۴۰ کیلومتر مربع



موفقیت لازم را به دنبال نخواهد داشت، با وجود این، در حالی که مقدمات عملیات "الفجر ۱۰" برای آزادسازی حلبچه در قرارگاه خاتم الانبیا فراهم می‌شد، عملیات "بیت المقدس ۳" نیز برای آزمون و تلاشی دیگر در منطقه ماوت، در قرارگاه نجف سپاه پاسداران طراحی می‌شد. در مرحله اجرا، هم‌زمان با عملیات در حلبچه، رزمندگان خودی با وجود مشکلات ناشی از اوضاع جوی (بارش برف)، وضعیت زمین و فقدان پشتیبانی هوایی، اهداف مورد نظر را تصرف و تأمین کردند. اما از سوی دیگر، به فاصله‌ای کوتاه اتفاقی رخ داد که آثار درازمدت عملیات "بیت المقدس ۳" را تحت تأثیر قرارداد و آن این که ارتش عراق در هجومی گسترده به گردهای معارض، کوشید موقعیت مناسب استقرار آنان را از بین ببرد که این هجوم دشمن سبب آوارگی ساکنان کرد این مناطق و فرار آنان به سوی ایران در وضعیتی سخت و طاقت فرسا گردید.

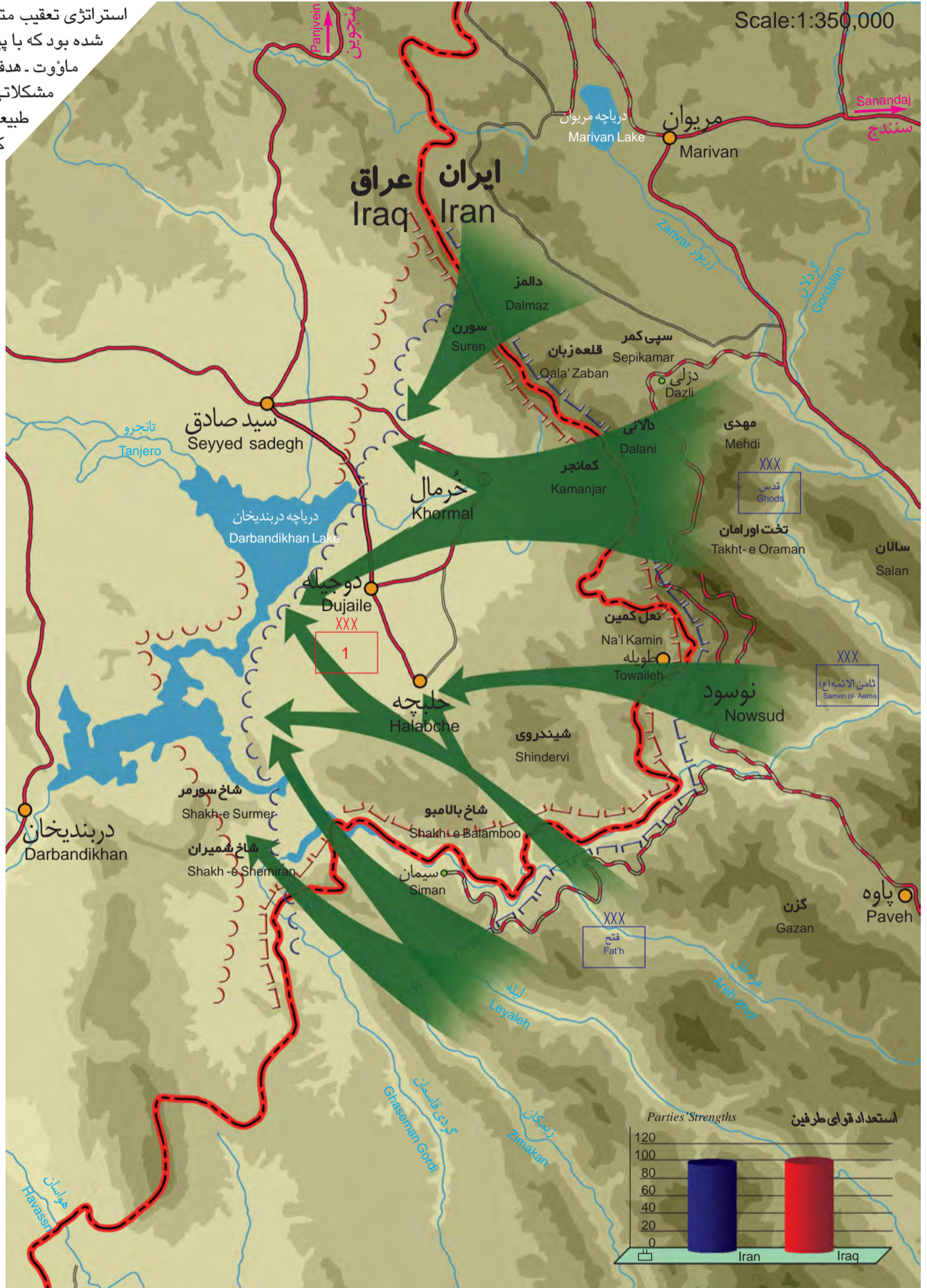
عملیات والفجر ۱۰

Valfajr-10 Operation

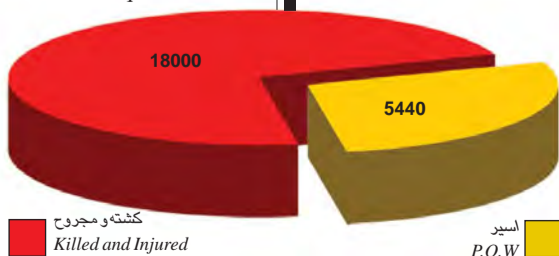
Area: Northern Front Soleymaniye - Halabche
Code: Ya.Mohammad Ebne Abdollah^(PBUH)
Date: 14/3/1988 to 19/3/1988
Objectives: Advancing towards Soleymaniye from the South East by Capturing Halabche, Khormal, Dojileh, Biyareh and Tavileh
Captured Zones: 1200 Sq. kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه - حلبچه
رمز: یا محمد بن عبدالله (ص)
تاریخ: ۱۲/۲۴ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۹
هدف: پیشروی به سوی سلیمانیه با تصرف شهرهای حلبچه، خرمال، دوجیله، بیاره و طویله
وسعت منطقه تصرف شده: ۱۲۰۰ کیلومتر مربع

استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی بر این اساس طراحی شده بود که با پیشروی در شمال سلیمانیه. در منطقه عمومی ماووت - هدف‌های پیش‌بینی شده تحقق یابد، لیکن بروز مشکلاتی در آن منطقه که عمدتاً ناشی از موانع طبیعی بود، طراحان نظامی را به این نتیجه رساند که محور حلبچه را جایگزین محور ماووت کنند. با توجه به این نکته که تصرف حلبچه خود هدف مستقلی بود، ضمن آن‌که گامی به سوی مرکز استان نیز محسوب می‌شد. بر این اساس، عملیات حلبچه با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در سه محور و در چهار مرحله اجرا شد. ابتدا با تلاش طاقت‌فرسای مهندسی، ارتفاعات سخت‌گذر، مناسب عبور شد، سپس عملیات آغاز گردید. در این عملیات رزمندگان موفق شدند با استفاده از غفلت دشمن، ارتفاعات مرزی را پشت سر گذارند و شهرهای بیاره، طویله، دوجیله، خرمال و حلبچه را تصرف کنند. به این ترتیب مقدمات تصرف سد دربندیخان و نیز انسداد جاده مهم سلیمانیه فراهم آمد. پیش‌بینی می‌شد که تصرف این منطقه وسیع، نیروهای احتیاط دور ارتش عراق را از جنوب راهی شمال کند و در این زمین، همچون زمین شلمچه و فاو آسیب فراوانی به ارتش عراق وارد آید. لیکن سرفرماندهی ارتش عراق حاضر نشد برای بازپس‌گیری منطقه حلبچه، یگان‌هایی را که در جنوب آماده نگاه داشته بود، وارد عملیات کند، بلکه برای مقابله با رزمندگان به سلاح‌های کشتار جمعی متوسل شد و صرفاً یگان‌ها و نیروهای منطقه‌ای خود را وارد نبرد کرد که آن‌ها نیز کاری از پیش نبردند. به عبارت دیگر، واکنش عراق در حلبچه بیش از آن‌که به قوای زمینی این کشور متکی باشد، به نیروی هوایی اتکا داشت. عراق با اطمینان از حمایت‌های جهانی، روش دیگری را برای مقابله با ایران برگزید: بمباران وسیع شیمیایی مردم عراق در حلبچه؛ کشتاری دهشتناک که در نهایت شگفتی، در روزهای نخست پس از حادثه هیچ‌گونه حس هم‌دردی و عواطف انسانی مجامع و محافل سیاسی و تبلیغاتی جهان را برنینگخت! در نیم روز ۱۳۶۶/۱۲/۲۶ در حالی که انبوه مردم حلبچه خانه و کاشانه خود را به قصد ایران ترک می‌کردند، به دستور حکومت عراق، نیروی هوایی این کشور مردم منطقه و خصوصاً روستای "انب" را هدف بمباران شیمیایی قرار داد که بر اثر آن، حدود ۵۰۰۰ نفر کرد عراقی به شهادت رسیدند.

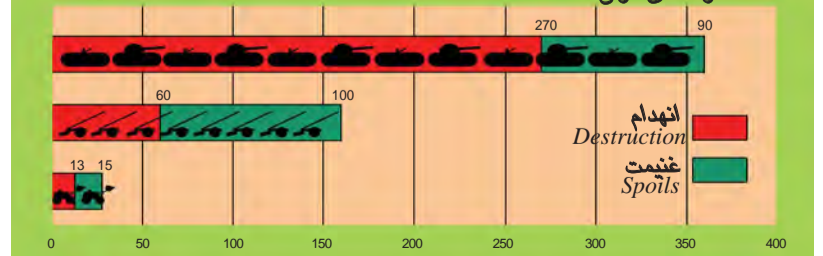


Iraqi Casualties



تلفات عراق

Iraqi Losses



عملیات بیت المقدس ۴

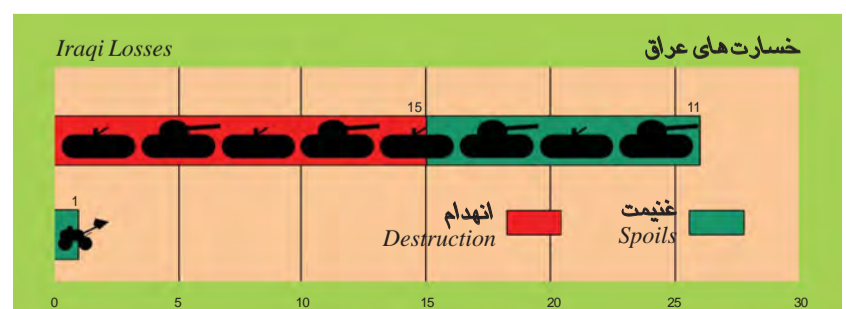
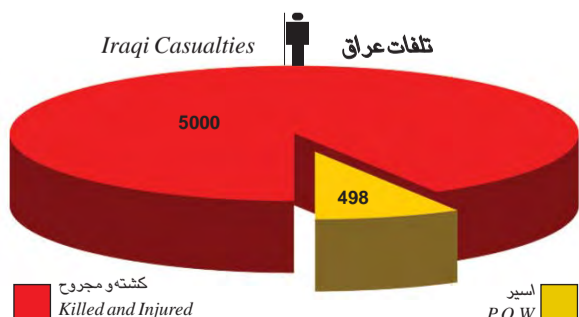
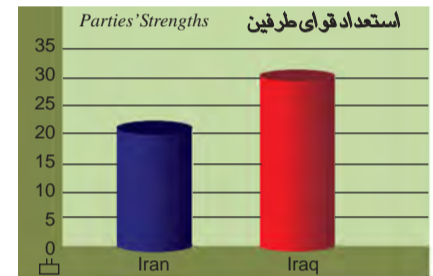
Beit ol-Moqaddas - 4 Operation

Area: Northern Front-Halabche-Shakh-e-Shemiran
Code: Ya Aba Abdellah^(PBUH)
Date: 25/3/1988 to 29/3/1988
Objectives: Capturing the Shakh-e-Shemiran Height, and Securing the Left Wing of the "Valfajr 10 Operational Region"
Captured Zones: 40 sq.kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه، حلبچه، شاخ شمیران
رمز: یا ابا عبدالله^(ع)
تاریخ: ۱/۵ تا ۱۳۶۷/۱/۹
هدف: تصرف ارتفاع شاخ شمیران و تأمین جناح چپ منطقه عملیاتی والفجر ۱۰
وسعت منطقه تصرف شده: ۴۰ کیلومترمربع



این عملیات با طراحی سپاه و فرماندهی و هدایت قرارگاه فتح در تکمیل عملیات والفجر ۱۰ اجرا شد. نیروهای عمل کننده در همان ساعات اولیه موفق شدند ارتفاعات مهم منطقه همچون شاخ شمیران و شاخ سورمر را که به سد دربندیخان مشرف هستند - تصرف کنند. متقابلاً، دشمن ضمن اجرای آتش شدید توپخانه، به بمباران شیمیایی منطقه پرداخت و پس از کاستن از توان یگان‌های خودی، پاتک کرد. به این ترتیب ادامه تک میسر نگردید ولی ارتفاعات آزاد شده حفظ و تثبیت شد.



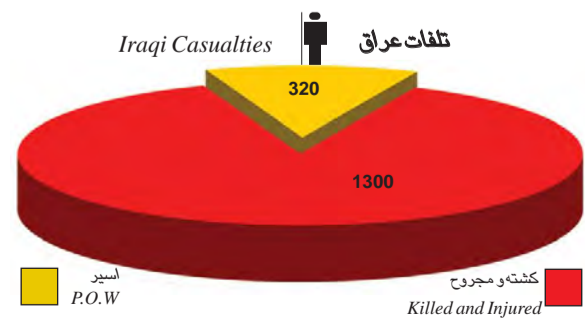
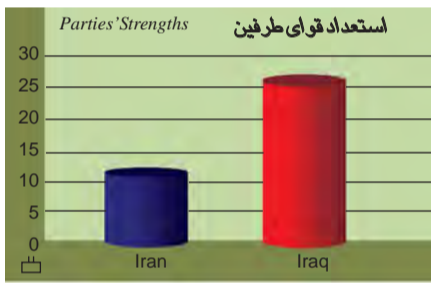
عملیات بیت المقدس ۶

Beit ol-Moghaddas - 6 Operation

Area: Northern Front- Soleyimaniye, Mawat, Sheykh Mohammad, Asoos and Astrog Heights
Code: Ya Amir al-Momenin^(PBUH)
Date: 16/5/1988 to 17/5/1988
Objectives: Capturing the Western Heights of Mawat in order to Deny the Enemy of seeing the Friendly Forces Rear
Captured Zones: 65 sq. kilometres

منطقه: جبهه شمالی: سلیمانیه، ماووت، ارتفاعات شیخ محمد، آسوس و استروگ
رمز: یا امیرالمومنین^(ع)
تاریخ: ۲۶/۵ تا ۱۶/۵/۱۳۶۷
هدف: تصرف ارتفاعات غرب ماووت برای خارج کردن عقبه خودی از دید دشمن
وسعت منطقه تصرف شده: ۶۵ کیلومترمربع

یک ماه پس از سقوط فاو در جنوب، عملیات "بیت المقدس ۶" در جبهه شمالی اجرا شد. این عملیات با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در وضعیت سخت کوهستانی و با سرعتی قابل توجه و تلفات اندک، انجام گرفت. با اجرای موفقیت آمیز این عملیات، کلیه هدف‌های تعیین شده، همچون ارتفاعات شیخ محمد، آسوس، استروگ و نیز سلسله ارتفاعات پیکانی بین شیخ محمد و گوچار تصرف و تأمین گردید. با تصرف این اهداف، امر اتصال به مناطق تحت نفوذ معارضان عراقی امکان پذیر شد و موقعیت مورد نظر خودی برای استقرار در شمال شرق سلیمانیه عراق به وجود آمد، اما بر اثر تغییر اوضاع جنگ در جنوب، امکان بهره‌برداری از این موقعیت فراهم نیامد، فقط معابر باز شده، برای خروج کُردهای معارض - که مدتی پیش تحت هجوم ارتش عراق واقع شده بودند - مورد استفاده قرار گرفت.



نتیجه تعقیب دشمن در جبهه شمالی

The Result of Pursuing the Enemy in the Northern Front

و جاده‌ها موجب گردید که نیروهای خسته خودی، قبل از دشمن، با طبیعت نبرد کنند. بر اثر این عوامل، در عملیات "کربلای ۱۰" تنها بخشی از اهداف تأمین شد، در نتیجه امکان الحاق دو عملیات منظم (کربلای ۱۰) و نامنظم (فتح ۵) فراهم نشد و کوه‌های صعب‌العبور همچنان مانع بزرگی در الحاق نیروهای منظم و نامنظم بودند. در همین ایام ناوگان دریایی کشورهای بیگانه، به ویژه آمریکا، وارد خلیج فارس شدند. این اقدام که نیروهای خودی را به میدان دریایی فرا می‌خواند، سبب فرعی شدن جبهه زمینی شد و با وجود اجرای دو عملیات نصر ۴ و ۷، عملاً جبهه شمالی تا آذرماه همان سال فرعی بود و نگاه‌ها به وضعیت خلیج فارس و درگیری‌های آن جلب شده بود. پس از آذرماه ۱۳۶۶، اگرچه عملیات‌های "نصر ۸" و "بیت‌المقدس ۲ و ۳" در جبهه شمالی به اجرا درآمد، لیکن از آن جایی که وضعیت پیش‌بینی شده تحقق نیافته بود، استراتژی برگزیده شده در این جبهه ناقص ماند، ضمن آن که متقابلاً دشمن نیز برای تنگ کردن فضای فعالیت گروه‌های نامنظم، تلاشی را آغاز کرد. بدین ترتیب که با به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و حملات منظم، مردم منطقه را آواره کرد و زمینه فعالیت چریکی را به حداقل رساند. مشکلات ناشی از نبردهای زمستانی در کوهستان‌های اطراف ماووت، سبب شد که منطقه نبرد از ماووت به حلبچه منتقل شود، لذا عملیات حلبچه که از مدت‌ها قبل مد نظر طراحان نظامی بود، برای اجرا برگزیده شد. بدین ترتیب عملیات بزرگ والفجر ۱۰ در حلبچه انجام شد. این عملیات نیز حلقه‌ای از مراحل استراتژی عملیاتی محور سلیمانیه محسوب می‌شد. در این جبهه، دو عملیات "بیت‌المقدس ۴ و ۶" نیز در دو محور حلبچه و ماووت با موفقیت انجام گرفت اما والفجر ۱۰ آخرین اقدام مهم خودی در دوران تعقیب متجاوز بود. در سلسله عملیات‌های دوران تعقیب متجاوز در شمال، اگرچه ارتش عراق آسیب‌های فراوانی دید، لیکن فرصت دادن به دشمن برای تجدید سازمان ارتش خود در جنوب و همچنین درگیر شدن نیروهای خودی در پدافند گسسته جبهه‌های متعدد، سبب گردید که قدرت واکنش خودی در برابر هجوم دشمن به فاو کاهش یابد، به خصوص که عراق تمرکز قوای خود در فاو را برای جلوگیری از سقوط حلبچه، برهم نزنده بود.

جنوب به تمامی بسته شده بود، دوره جدید جنگ در جبهه شمالی آغاز شد. در دوره یک‌ساله رکود عملیات منظم در جبهه شمالی، عملیات نامنظم روند رو به رشدی داشت. قرارگاه رمضان که در استان‌های اربیل و سلیمانیه به ترتیب دو گروه دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان عراق را به همکاری گرفته بود، در استان سلیمانیه موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد که عامل مهمی در آزادسازی این استان شمرده می‌شد. در فروردین ۱۳۶۶ در محور سلیمانیه - ماووت دو عملیات منظم و نامنظم طرح ریزی شد تا هم‌زمان به اجرا درآیند. موفقیت در عملیات نامنظم به نتایج عملیات منظم بستگی داشت، ولی عملیات منظم در وضعیتی اجرا شد که یگان‌های خودی از اول دی ۱۳۶۵ تا فروردین ۱۳۶۶ بر اثر نبردهای شدید جبهه جنوب، تلفات فراوانی متحمل شده بودند. از سوی دیگر، نزدیک به چهار ماه جنگ سنگین، افت نسبی توان یگان‌ها را در پی داشت و از همه مهم‌تر، صعب‌العبور بودن منطقه و احداث نشدن عقبه‌ها

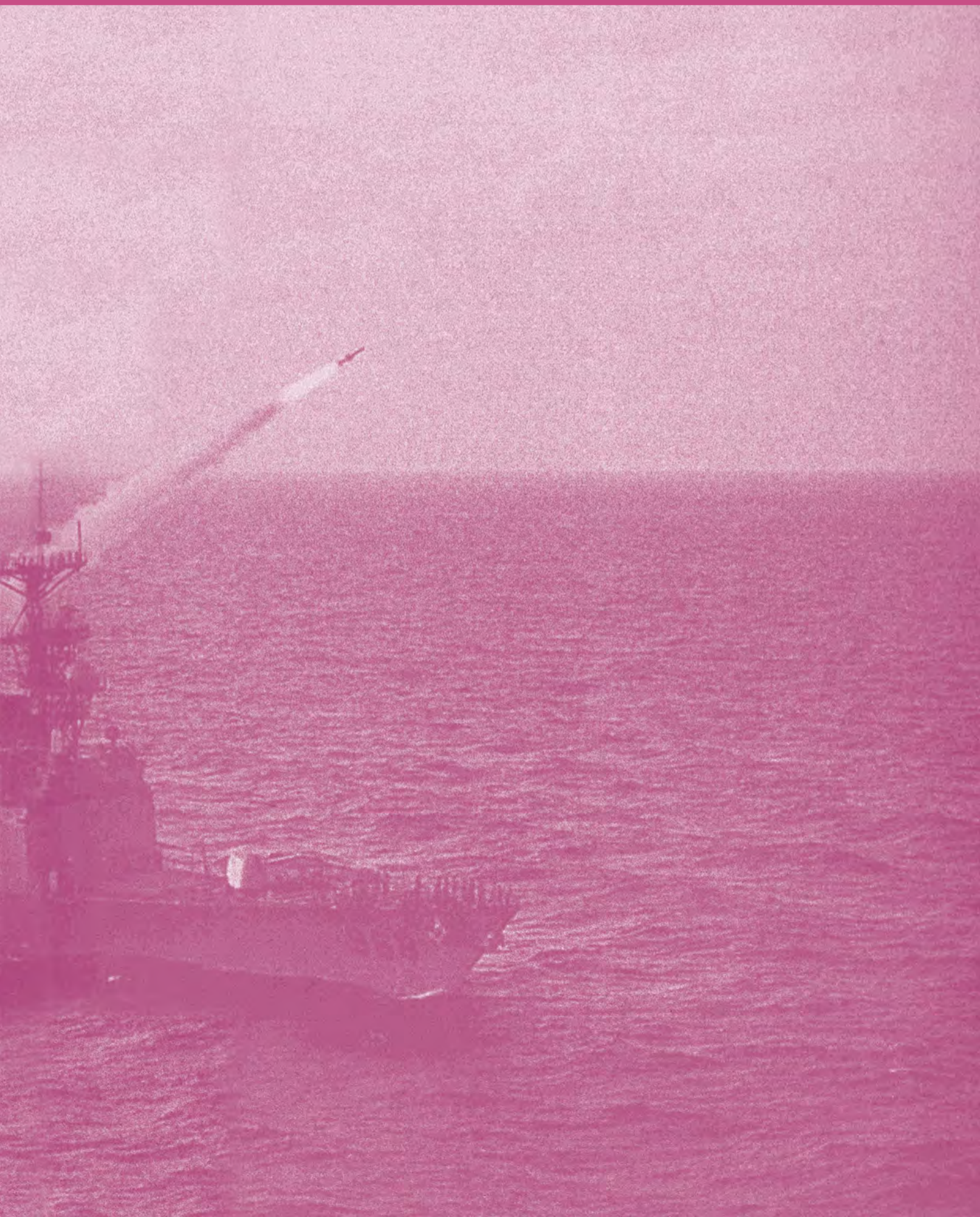
از نیمه دوم سال ۱۳۶۴ پس از آن که استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی به اجرا درآمد، اولین مرحله از اقدامات خودی، سلسله نبردهای زنجیره‌ای بود که با هدف تصرف سلیمانیه طراحی گردید. اولین حلقه از این زنجیره، تصرف منطقه چوارتا بود که با اجرای عملیات والفجر ۹ تحقق یافت. با پیروزی در این عملیات، نخستین خیز برای تصرف سلیمانیه با موفقیت برداشته شد. موفقیت در این عملیات که نشانه نتیجه‌بخش بودن نظریه "دو نبرد هم‌زمان در دو منطقه" قلمداد می‌شد، ثابت کرد که دشمن امکان ایستادگی در برابر تهاجم خودی در دو جبهه به‌طور هم‌زمان را ندارد. هم‌زمانی عملیات والفجر ۹ با عملیات والفجر ۸ موفقیت‌آمیز بودن این نظریه را اثبات کرد. همچنین اجرای عملیات والفجر ۹ در زمستان، فرصت جلو کشیدن عقبه‌ها برای برداشتن خیز بعدی را ایجاد کرد. زیرا بخش مهمی از کوه‌های صعب‌العبور پشت سر گذاشته شده بود، لیکن متأسفانه با وجود ضعف دشمن، تدبیر پدافندی و سازمان مناسب برای پدافند منطقه در نظر گرفته نشده بود. در حالی که نزدیک به دو برابر اهداف از پیش تعیین شده به تصرف برآمده بود، پدافند ضعیف سبب گردید که تمام منطقه از دست برود و تلاش خودی بی‌ثمر بماند و بر اثر آن، به استراتژی عملیاتی جبهه شمالی لطمه وارد آید، احداث جاده‌ها و جلو کشیدن عقبه‌ها نیز ناقص بماند. آثار منفی این حوادث، تحقق اهداف واسطه‌ای بعدی را نیز بسیار دشوار کرد. با عقب نشینی خودی از منطقه عملیاتی "الفجر ۹"، شروع سلسله عملیات‌های پیش‌بینی شده در این منطقه، بیش از یک سال به تعویق افتاد و تا فروردین ۱۳۶۶ عملیات منظمی اجرا نشد. به عبارت دیگر، در زمستان سال ۱۳۶۵ امکان اجرای عملیات هم‌زمان در دو جبهه شمالی و جنوبی به وجود نیامد و در سال ۱۳۶۶ در حالی که راهکارهای جبهه



امام خمینی اندکی پس از پیروزی در عملیات والفجر ۱۰، در پیامی به مناسبت ۱۲ فروردین، روز استقرار جمهوری اسلامی ایران، هشدار داد:

«امروز ایران کربلاست؛ حسینیان آماده باشید؛ "جهزوا انفسکم بالصالح والسلاح". نهراسید که نمی‌هراسید. کمربندهاتان را محکم کنید. ای آزادگان و ای احرار به پاخیزید، قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویید! امروز روز مقاومت است... امروز روز درنگ نیست؛ امروز روز صیقل انسانیت انسان‌هاست، روز جنگ است، روز احقاق حق است و حق را باید گرفت و انتظار آنکه جهان‌خواران ما را یاری کنند، بی‌حاصل است. امروز روز حضور در جبهه جهاد و شهادت و میدان نبرد است، روز نشاط عاشقان خداست، روز جشن و سرور عارفان الهی است، امروز روز نغمه‌سرایی فرشتگان در ستایش انسان‌های مجاهد ماست. درنگ امروز، فردای اسارت باری رابه دنبال دارد.» ۱۳۶۷/۱/۱۱

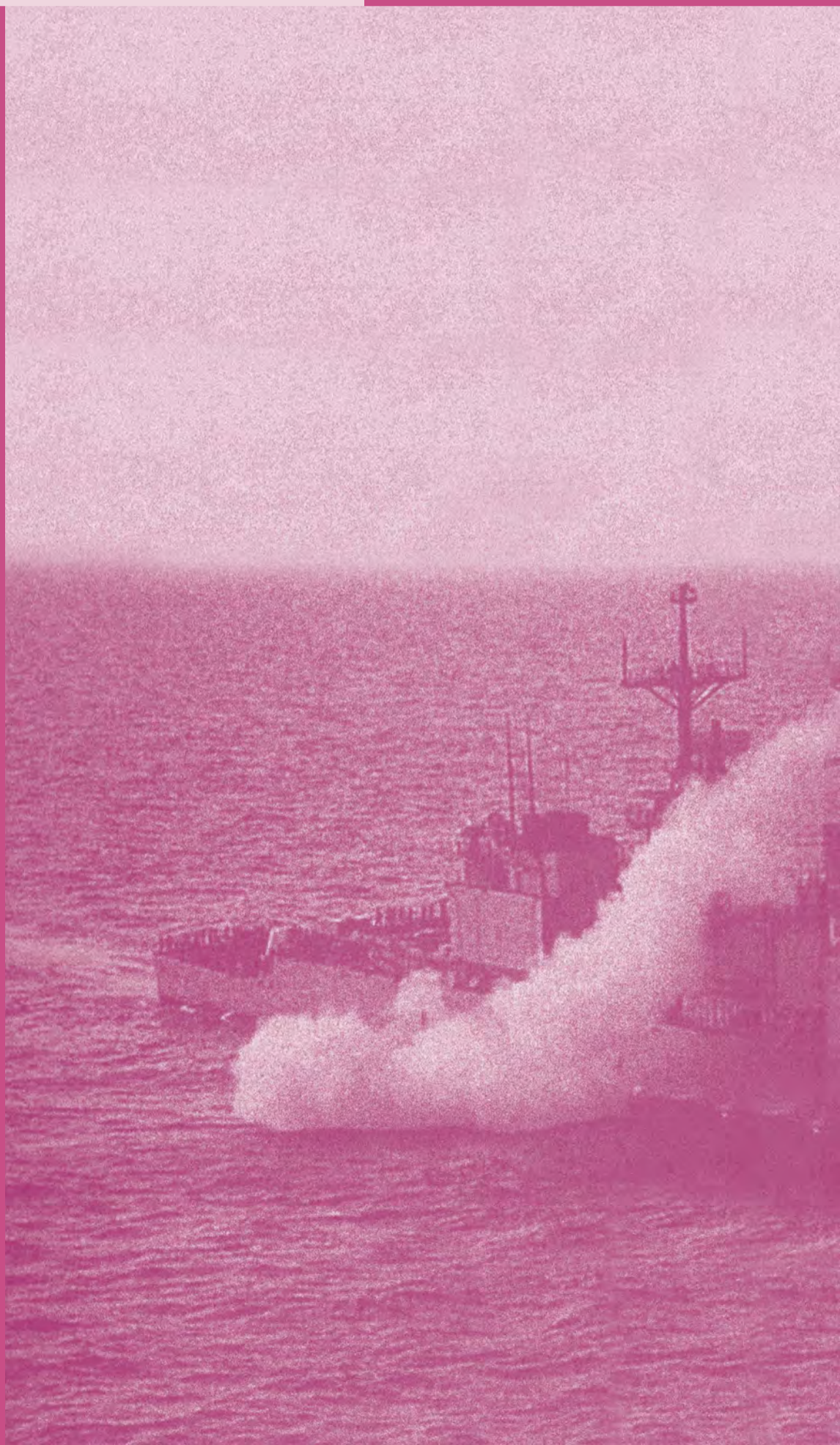




پایان جنگ
ایران و عراق،
حمله عراق به کویت

7

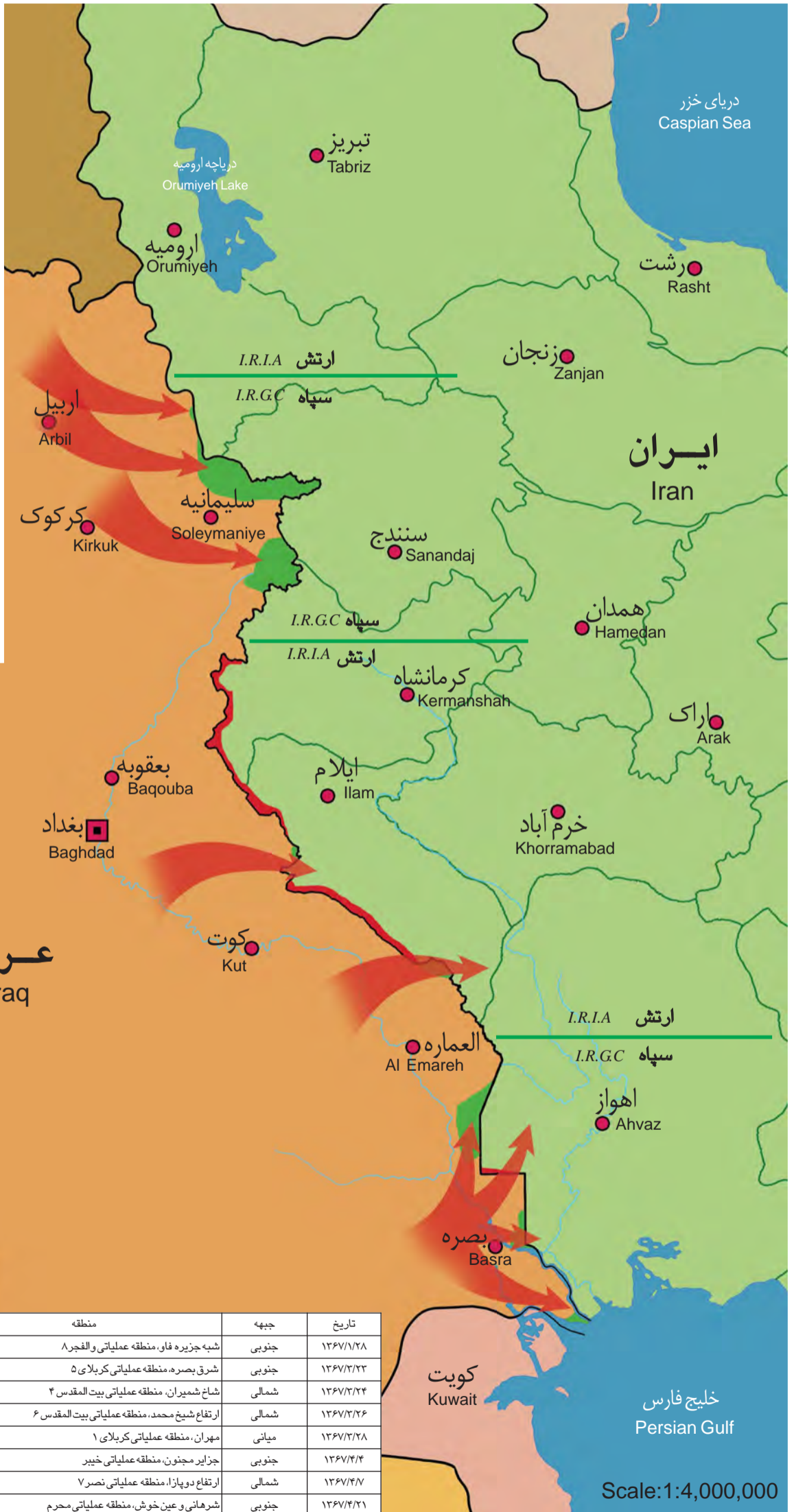
THE END OF
IRAN-IRAQ WAR-
IRAQI ATTACKS
AGAINST
KUWAIT



چهار ماه اول سال ۱۳۶۷

The First Four Months of 1367

بقای اراده جنگی و تداوم ابتکار عمل آفندی ایران در جبهه‌های مختلف و از همه مهم‌تر، شکستن دیوار دفاعی بصره در عملیات بزرگ کربلای ۵، مستکبران را به واکنش جدی واداشت. کشتار حجاج مظلوم ایرانی در مکه معظمه به دست مأموران دولت عربستان سعودی؛ حضور ناوگان امریکا در خلیج فارس؛ قتل‌عام مردم حلبچه به وسیله سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله واکنش‌های نظام جهانی در برابر پیروزی‌های بزرگ و قدرت‌مندان جمهوری اسلامی ایران بود. پس از عملیات پیروزمند والفجر ۱۰، جنگ وارد مرحله جدیدی گردید که به‌رغم مدت کوتاه آن، نتایج تعیین‌کننده‌ای در پی داشت. در این مرحله، عراق که با یاری ابرقدرت‌ها توان نظامی فوق‌العاده‌ای یافته بود، موفق شد با استفاده از این توان و به کارگیری تجارب گذشته، برای مدتی ابتکار عمل را در دست گیرد و صحنه نبرد را به نفع خود تغییر دهد. حملات ارتش عراق در پایان جنگ هنگامی آغاز شد که برخلاف دوره "دفاع متحرک" هیچ نیروی آزادی در دست سپاه نبود تا برای مقابله با دشمن به کار آید. به عبارت دیگر، اقدامات عراق در دوره دفاع متحرک اگرچه پایان خوش‌آیندی برای دشمن نداشت، در اردوی خودی نیز بدون آثار منفی نبود. تهاجم دشمن به خطوط رخنه‌پذیر خودی، سپاه پاسداران را بر آن داشت که از آن پس پدافند مناطق آزاد شده را خود به عهده بگیرد. در هنگام شروع دوره جدید، نیروهای سپاه در فاو، شلمچه، جزیره مجنون، مهران، حلبچه و ماووت خط پدافندی داشتند، به همین سبب سازمان رزم سپاه نه تنها تجزیه شده بود، بلکه یگانگی آزاد برای احتیاط کلی در اختیار نداشت. نیروهای ارتش نیز در وضعیت مشابهی به سر می‌بردند و در پیرانشهر، قصرشیرین، میمک، فگه و عین‌خوش سرگرم پدافند بودند. در چنین وضعیتی، در آغاز سال ۱۳۶۷ عراق با استفاده از برتری محسوس نظامی خود در جنوب و با اتکا به حمایت روانی و سیاسی-تبلیغاتی حضور نظامی امریکا در خلیج فارس، توانست روحیه لازم را برای خروج از وضع پدافندی و کسب ابتکار عمل به دست آورد و حملات گسترده‌ای را انجام دهد.

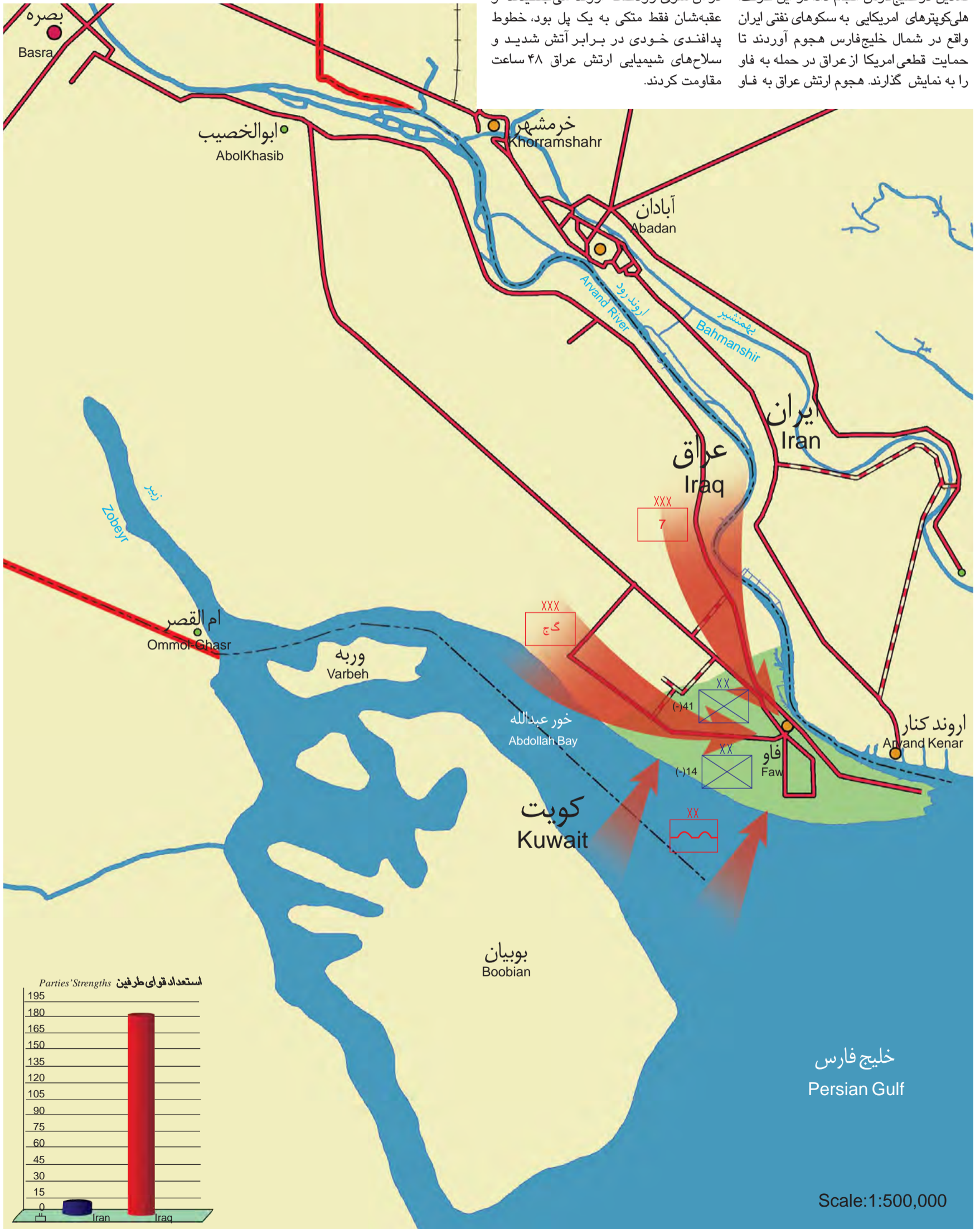


سقوط فاو

The Fall of Faw

کاملاً غافل‌گیرانه بود. گستردگی سلاح‌های شیمیایی به کار رفته در این عملیات قادر بود سه برابر منطقه عملیاتی فاو را در حد تحمل‌ناپذیر برای موجودات زنده، آلوده کند. در این وضعیت و در حالی که عراقی‌ها دارای عقبه خشکی مناسبی بودند و نیروهای ایران در آن سوی رودخانه اروند می‌جنگیدند و عقبه‌شان فقط متکی به یک پل بود، خطوط پدافندی خودی در برابر آتش شدید و سلاح‌های شیمیایی ارتش عراق ۴۸ ساعت مقاومت کردند.

نخستین حمله از حملات جدید عراق، در منطقه فاو انجام شد. ارتش عراق در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ با دو سپاه هفتم و گارد و یگان‌های نیروی دریایی خود شامل ۱۰ لشکر و ۲۶ تیپ به منطقه عملیات والفجر ۸ هجوم برد. هم‌زمان با این حمله، نیروی دریایی امریکا یک حرکت نظامی و در عین حال نمادین در خلیج فارس انجام داد. در این حرکت، هلی‌کوپترهای امریکایی به سکوهای نفتی ایران واقع در شمال خلیج فارس هجوم آوردند تا حمایت قطعی امریکا از عراق در حمله به فاو را به نمایش گذارند. هجوم ارتش عراق به فاو



سقوط شلمچه

The Fall of Shalamche



با سقوط فاو، موانع روانی در ارتش عراق برطرف شد، ابتکار عمل به دست دشمن افتاد و رزمندگان ایران قبل از این که فرصت یابند خود را با وضعیت جدید وفق دهند، با حوادث دیگری مواجه شدند. در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۴ ارتش عراق با سپاه‌های سوم، هفتم و گارد به شلمچه هجوم برد و منطقه تصرف شده در عملیات کربلای ۵ را در اختیار گرفت. در این عملیات نیز دشمن از سلاح شیمیایی به طور وسیع بهره گرفت.

عملیات بیت المقدس ۷ Beit ol-Moghaddas - 7 Operation

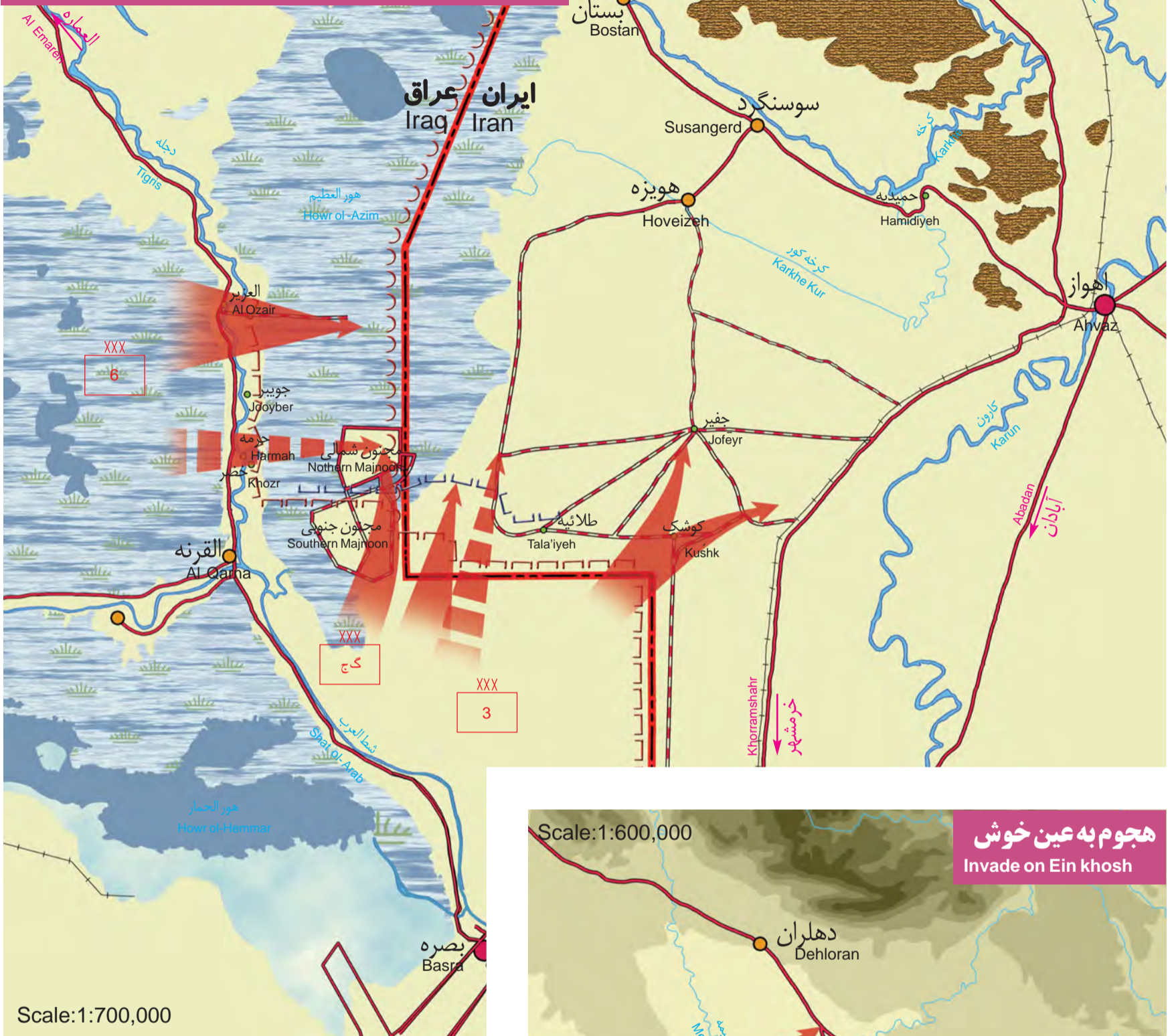


پس از سقوط شلمچه، در حالی که دشمن برای هجوم به جزایر مجنون آماده می شد، نیروهای خودی عملیات بیت المقدس ۷ را در منطقه شلمچه اجرا کردند. این عملیات با رمز "یا ابا عبدالله الحسین" در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۲، با فرماندهی سپاه پاسداران در سه محور آغاز شد و نیروهای عمل کننده پس از سه روز تلاش به دلیل مشکلات موجود به مواضع قبلی خود بازگشتند. در این عملیات ۱۲۲۰ نفر از نیروهای ارتش عراق اسیر شدند.



سقوط مجنون

The Fall of Majnoon



۱۰۹
109

در ۱۳۶۷/۴/۴ ارتش عراق پس از به کارگیری وسیع سلاح شیمیایی، با سپاه‌های سوم، ششم و گارد، به جزایر مجنون و منطقه جفیر هجوم آورد و مناطق آزادشده در عملیات خیبر و بدر را اشغال کرد.

یکی از عوامل برتری ایران بر عراق در اختیار داشتن اسیران بیش‌تر بود، لذا ارتش عراق برای افزایش اسیران خود و جهت مقابله با ایران، در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۱ با سپاه‌های چهارم و گارد به منطقه عین‌خوش هجوم برد و شماری از نیروهای ایران را اسیر کرد.



هجوم به عین خوش Invasion on Ein khosh

مناطق تخلیه شده

The Evacuated Zones



محدوده مناطق The Regions Limits

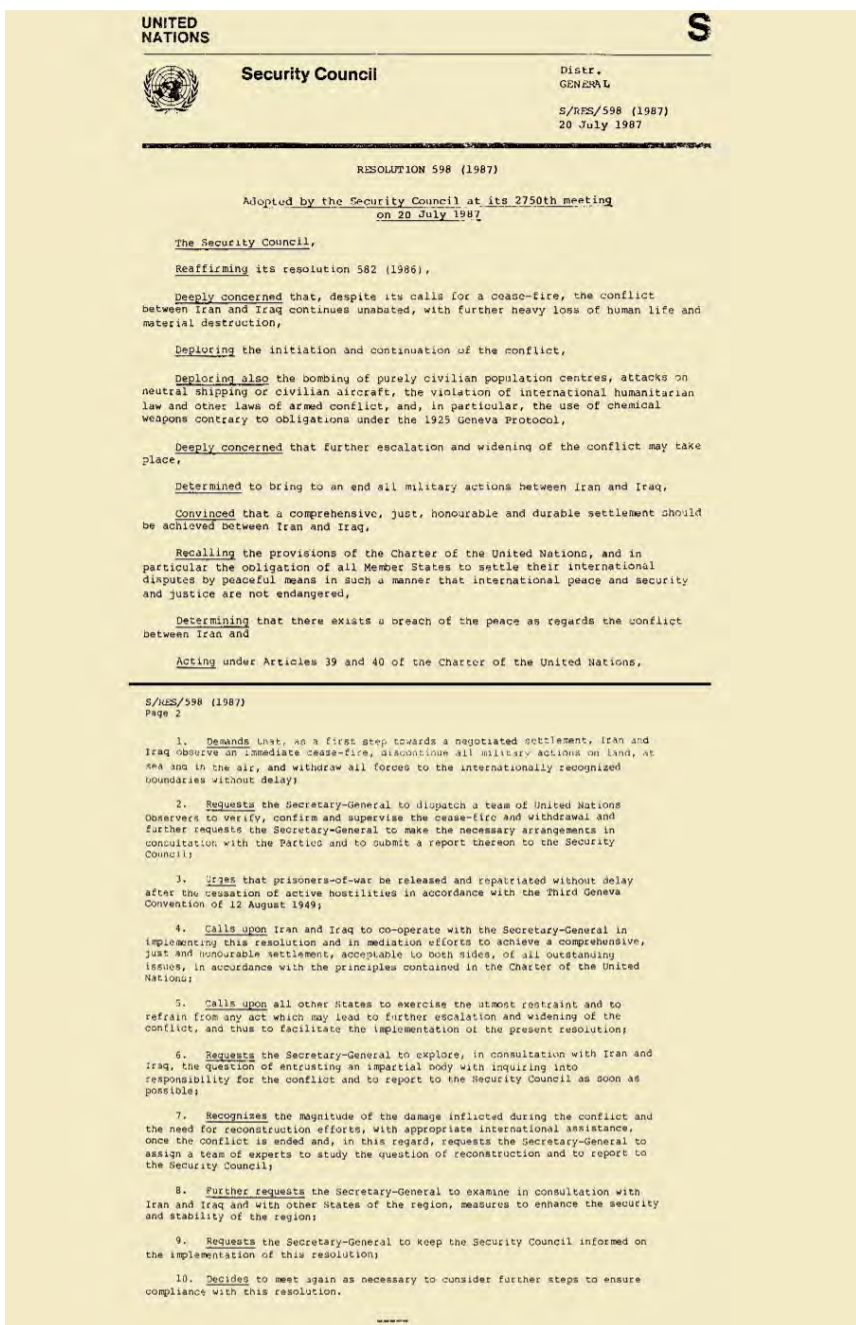
تخلیه اجباری
Voluntary Evacuation

برای به دست گرفتن مجدد ابتکار عمل، می بایست اقداماتی از قبیل آزاد کردن نیروهای خودی از پدافند در نقاط پراکنده و متمرکز ساختن آنان برای مقابله با اقدامات بعدی دشمن، انجام می شد. به همین منظور درحالی که ۳۴۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق در تصرف قوای خودی بود، ایران تصمیم گرفت این مناطق را تخلیه کند. در یک عملیات زمان بندی شده، (۱۳۶۷/۳/۳۰ تا ۱۳۶۷/۴/۲۲) این تصمیم محقق شد.

Scale: 1:4,000,000

پذیرش قطعنامه ۵۹۸

Acceptance of the Resolution 598



طوری که هر گونه اقدام سیاسی، اقتصادی و نظامی بر ضد جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی جهان موجه نشان داده می‌شد. لذا در حالی که خلأ ناشی از تحریم‌های جهانی علیه ایران به عقب ماندگی خودی در برابر دشمن انجامیده و برتری عراق را در مسابقه افزایش توان و توسعه سازمان رزم آشکار کرده بود، وضعیت جنگ علیه ایران تغییر کرد، به همین دلیل در گزارش کارشناسانه‌ای که به امام ارائه شد، میسر نبودن دستیابی به پیروزی، قطعی قلمداد شده بود؛ چشم‌انداز تیره‌ای که ممکن بود جمهوری اسلامی مجبور به پذیرش شرایط ناگوار شکست باشد. این عوامل، امام خمینی را بر آن داشت که با یک تصمیم ناگهانی اوضاع را به نفع ایران تغییر دهند و در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرند.

پذیرش قطعنامه، اوضاع داخلی و بین‌المللی را به نفع ایران تغییر داد و سبب شد بار دیگر ابتکار عمل به دست ایران بیفتد. دو روز بعد (۱۳۶۷/۴/۲۹) در پیامی که امام خمینی به مناسبت پذیرش قطعنامه صادر کردند، آمده بود: «قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس جنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشتم، با خدا معامله کردم. فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدس‌تان دست بردارید... می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از غسل در پیش شماست، مگر برای این خادمتان این گونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه نگه‌دارید، با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست.»

پذیرش قطعنامه به وسیله امام - که منعکس‌کننده روح انعطاف‌پذیر ایشان بود و نشان می‌داد که امام برای حفظ اسلام و نظام از آبروی خود گذشته است - توانی را در کشور و مردم ایجاد کرد که همه کمبدهای اقتصادی و تجهیزاتی و سازمانی خودی را پوشش داد و حتی موازنه را بر برابر دشمن - با همه برتری‌های تجهیزاتی او - برقرار ساخت؛ چیزی که دشمن ابتدا از درک آن عاجز بود، لیکن پس از حمله

حمایت ۸ ساله نظام بین‌الملل از عراق در حال به نتیجه رسیدن بود و ارسال مستمر تجهیزات روسی، فرانسوی و غیره اعم از سلاح‌های سبک و سنگین و نیز تجهیزات استراتژیک به عراق به حدی بود که توان ارتش عراق در پایان هر سال - با وجود منهدم شدن بسیاری از تجهیزاتش به دست قوای مسلح ایران - بیش از توان آن در آغاز همان سال بود.

کمک‌های مالی فراوان کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس خصوصاً عربستان سعودی و کویت نیز به حدی بود که حکومت عراق هرگز احساس فشار اقتصادی نمی‌کرد و از اعتبارات و دلارهای نفتی آنان در معاملات خارجی خود هزینه می‌کرد. انتقال تکنولوژی پیشرفته و مشارکت دولت‌های غربی در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، ارتش عراق را به قدرتی فرامنطقه‌ای تبدیل کرده بود. برخورداری ارتش عراق از اطلاعات ماهواره‌ای و جاسوسی غرب خصوصاً آمریکا و نیز مشارکت مستشاران نظامی روسی و آمریکایی در تجزیه و تحلیل توان نظامی ایران، قدرت فرماندهی ارتش عراق را نیز افزایش داده بود. رهبری مستبدانه حکومت عراق نیز که طبقات مختلف مردم این کشور را مسلح کرده و در اختیار سازمان‌های ارتش قرار داده بود، مکمل کمک‌های خارجی شده و ارتش عراق را به حدی رسانده بود که آماده به دست گرفتن ابتکار عمل باشد.

از سوی دیگر، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و مسدود کردن هرگونه معامله نظامی با ایران - که از همان روزهای اول جنگ آغاز شده بود - و نیز جنگ نفت - که اقدامی جهانی علیه ایران محسوب می‌شد و در سال‌های آخر جنگ قیمت نفت را گاهی به بشکه‌ای کم‌تر از ۷ دلار رسانده بود - و همچنین حمله به کشتی‌ها که با حضور آمریکا در خلیج فارس و بمباران کشتی‌های تجاری ایران به وسیله هواپیماهای فرانسوی - که در اختیار عراق قرار گرفته بود - صادرات و واردات اندک ایران را نیز با مشکل روبه‌رو کرده بود، همگی دست به دست هم داده بودند که توان نیروهای مسلح ایران را به حداقل ممکن کاهش دهند. در این وضعیت، وارد نشدن آسیب اساسی به ارتش عراق در سال ۱۳۶۶ این امکان را به وجود آورده بود که تهاجمات جدید عراق علیه جمهوری اسلامی ایران روزبه‌روز شکل تهدیدکننده‌تری به خود بگیرد و هم‌زمان با آن، نوعی اجماع جهانی علیه ایران در حال شکل‌گیری باشد به

جمهوری اسلامی ایران بود. تبلیغات جهانی علیه ایران را خنثی کرد و سبب تحول در افکار عمومی شد، خصوصاً که پس از این اقدام ایران، ارتش عراق مجدداً به ایران حمله کرد.

۱۳۶۷/۴/۳۱ به خوزستان و حمله ۱۳۶۷/۵/۳ به کرمانشاه و مشاهده واکنش رزمندگان اسلام، بر آن وقوف یافت. از سوی دیگر، زمان پذیرش قطعنامه - که به انعکاس جهانی آن منجر شد و اثبات‌کننده خساری صلح‌جویانه

۲- مصرانه می‌خواهد اسیران جنگی آزاد شده و پس از قطع مداخلات فعال کنونی، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴- از ایران و عراق می‌خواهد با دبیرکل در اجرای این قطعنامه و در تلاش‌های میانجیگرایانه برای حصول یک راه‌حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف در خصوص کلیه موضوعات موجود منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵- از تمامی کشورهای دیگر می‌خواهد که حداکثر خویشتن‌داری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می‌تواند منجر به تشدید و گسترش بیش‌تر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.

۶- از دبیرکل درخواست می‌نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به هیئتی بی‌طرف

۲- مصرانه می‌خواهد اسیران جنگی آزاد شده و پس از قطع مداخلات فعال کنونی، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴- از ایران و عراق می‌خواهد با دبیرکل در اجرای این قطعنامه و در تلاش‌های میانجیگرایانه برای حصول یک راه‌حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف در خصوص کلیه موضوعات موجود منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵- از تمامی کشورهای دیگر می‌خواهد که حداکثر خویشتن‌داری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می‌تواند منجر به تشدید و گسترش بیش‌تر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.

۶- از دبیرکل درخواست می‌نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به هیئتی بی‌طرف

تهدید همه دول عضو به حل اختلافات بین‌المللی خود از راه‌های مسالمت‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به مخاطره نیفتد؛ با حکم به این‌که در منازعه بین ایران و عراق نقض صلح حادث شده است؛ با اقدام بر اساس مواد ۲۹ و ۴۰ منشور ملل متحد؛ ۱- خواستار آن است که به عنوان اولین گام جهت حل و فصل مناقشه از راه مذاکره، جمهوری اسلامی ایران و عراق به یک آتش‌بس فوری تن داده و به تمامی عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه دهند و تمامی نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند.

۲- مصرأ از دبیرکل درخواست می‌کند که یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می‌نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده و گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

قطعنامه ۵۹۸
شورای امنیت، با تأیید مجدد قطعنامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) خود؛ با ابراز نگرانی عمیق از این‌که علی‌رغم درخواست‌هایش برای آتش‌بس، منازعه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق به شدت سابق با تلفات سنگین انسانی و تخریب مادی ادامه دارد؛ همچنین با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه؛ همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتی‌رانی بی‌طرف یا هواپیماهای غیرنظامی، نقض قوانین بشردوستانه بین‌المللی و سایر مقررات حاکم بر مناقشات نظامی به ویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو؛ با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیش‌تر منازعه؛ مصمم هستیم تمامی اقدامات نظامی میان ایران و عراق خاتمه یابد و معتقدیم که باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید؛ با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به ویژه

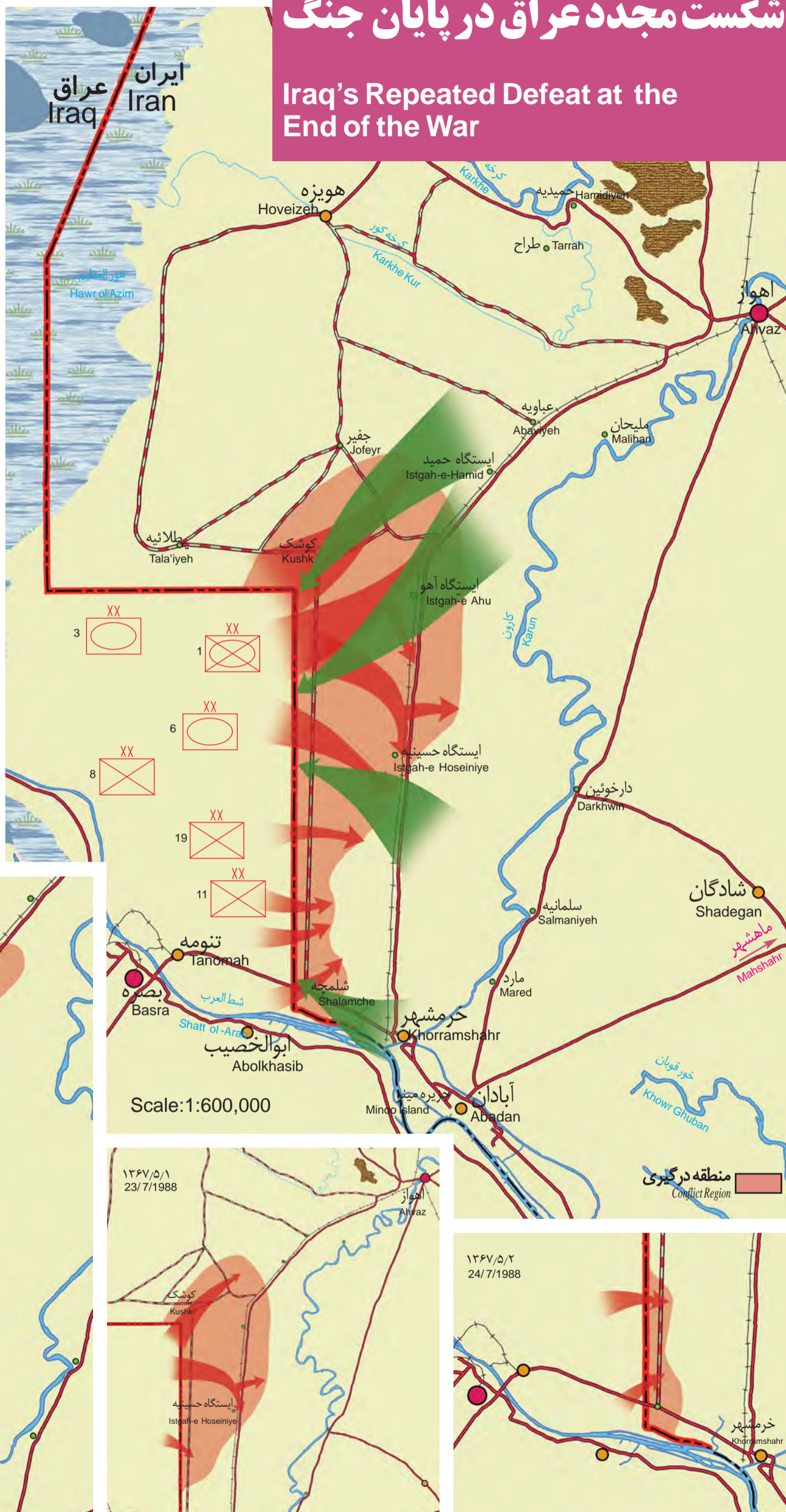
شکست مجدد عراق در پایان جنگ

Iraq's Repeated Defeat at the End of the War

پس از آن‌که ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، عراق با بهانه‌جویی‌های متعدد تهاجم خود را ادامه داد تا با تصرف خرمشهر و باختران (کرمانشاه)، از موضع برتر و به عنوان طرف پیروز بر سر میز مذاکرات صلح بنشیند و بتواند خواسته‌های خود را تحمیل کند. ارتش عراق با این هدف در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱، عملیات گسترده‌ای را با استعداد ۶ لشکر در منطقه شمال خرمشهر و جنوب اهواز برای دستیابی به جاده اهواز- خرمشهر و سپس تهدید خرمشهر، آغاز کرد.

در پی این اقدام دشمن، امام خمینی به سپاه پاسداران - که مسئولیت اصلی اداره جنگ را به خصوص در سال‌های آخر آن، برعهده داشت - هشدار دادند که از دست‌دادن خرمشهر به معنای فروپاشی سپاه است. این هشدار نشان‌دهنده حساسیت فوق‌العاده وضعیت بود. در خوزستان جنگ بسیار شدید و سختی در گرفت؛ در سه روز دشمن دو بار برای تصرف جاده اهواز- خرمشهر حمله کرد ولی هر بار با مقاومت نیروهای سپاه و بسیج عقب رانده شد.

در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ هم‌زمان با حمله به جنوب، ارتش عراق در جبهه میانی از قصرشیرین تا مهران نیز حمله کرد و برای هجوم سازمان منافقین در آن منطقه زمینه لازم را فراهم آورد. سپس هجوم نیروهای ضدانقلابی مجاهدین خلق (منافقین) به منطقه باختران (کرمانشاه) شروع شد. این نوعی آزمایش بقای اقتدار امام و مشروعیت نظام پس از قبول قطعنامه بود. وقتی حضور گسترده مردم در جبهه‌های جنوب و غرب با سازمان‌دهی سپاه، حملات دشمن را درهم کوبید و مردم نشان دادند که جمهوری اسلامی قادر است یک بار دیگر همه چیز را از ابتدا شروع کند، عراق نیز از این که بار دیگر در باتلاقی که ۸ سال در آن سرگردان بود، وارد شود، صرف‌نظر کرد و به بهانه‌جویی در مورد برقراری آتش‌بس پایان داد.

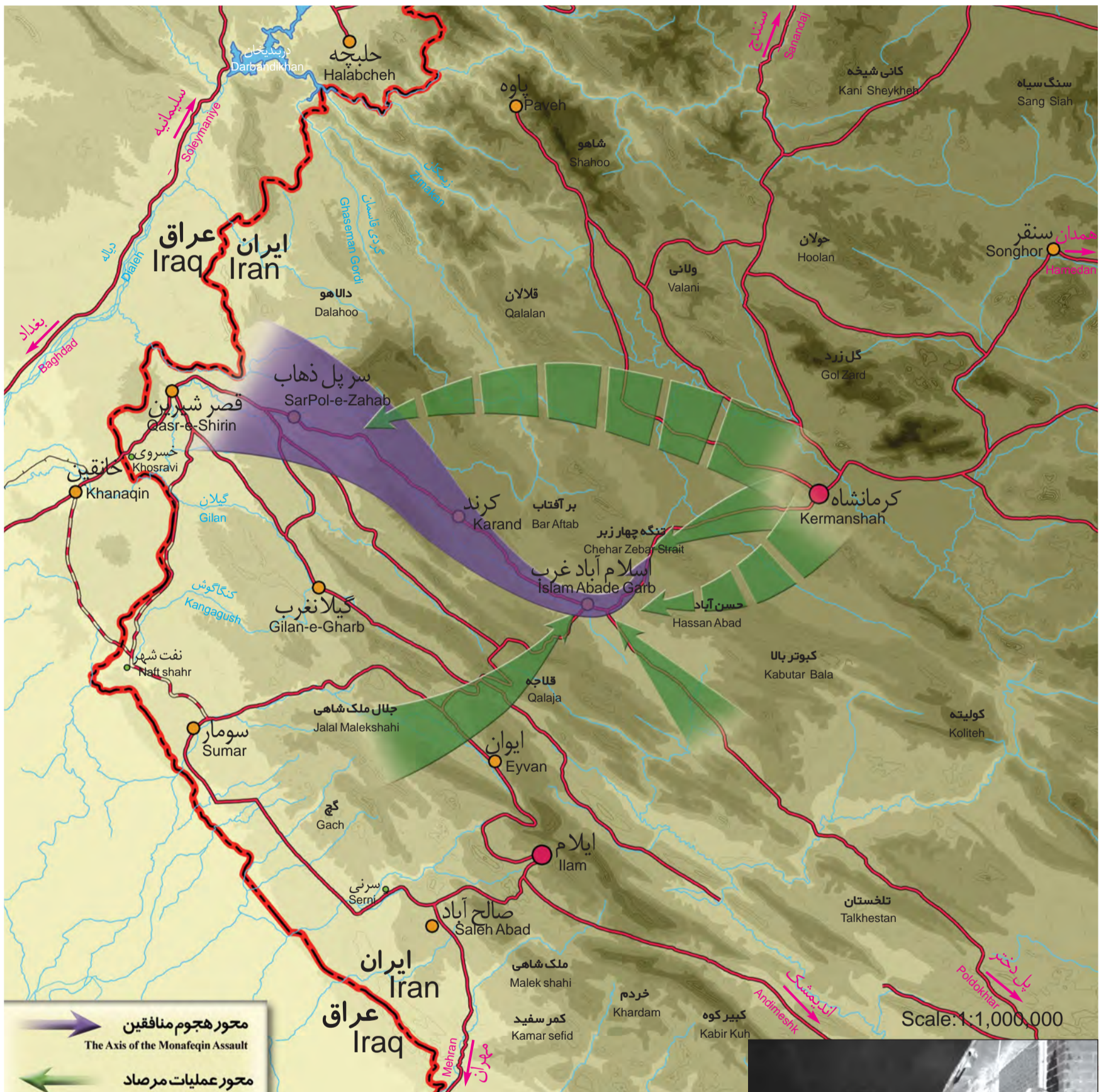


عملیات مرصاد

Mersad (on the Watch) Operation

Area: Central Front-Islam Abad
SarPol-e-Zahab
Code: Ya Ali- Yebne- Abi- Taleb^(PBUH)
Date: 26/7/1988 to 28/7/1988
Objectives: Liberating of the Occupied Territories in the West of Kermanshah
Liberated Zones: 1200 sq.kilometres

منطقه: جبهه میانی: اسلام آباد - سرپل زهاب
رمز: یا علی بن ابی طالب^(ع)
زمان: ۴/۵ تا ۶/۵/۱۳۶۷
هدف: آزادسازی زمین‌های اشغال شده در غرب باختران (کرمانشاه)
وسعت منطقه آزاد شده: ۱۲۰۰ کیلومتر مربع



و جنگ را به پایان برد. از سوی دیگر، در حالی که هنوز توقف حملات عراق در جنوب قطعی نشده بود، بخشی از مدافعان جنوب راهی غرب کشور شدند تا همراه مردم بسیج شوند و تحت عنوان عملیات "مرصاد" به سرکوب حمله منافقین بپردازند. در این عملیات که با فرماندهی سپاه پاسداران و با پشتیبانی هوانیروز ارتش اجرا شد، رزمندگان خودی از سه محور چهارزبر، قلاج و جاده اسلام آباد - پل دختر وارد عمل شدند و در دو مرحله نیروهای ضدانقلاب (منافقین) را که تا تنگه چهارزبر پیشروی کرده بودند، سرکوب کردند. در این عملیات اگر چه نیروهای منافق تا پشت نوار مرزی عقب رانده شدند، لیکن قوای ارتش عراق ارتفاعات مرزی را همچنان در اشغال خود نگه داشتند.

در جبهه میانی هدف دشمن زمینه‌سازی برای هجوم سازمان منافقین بود. در این جبهه ارتش عراق با حمله به خطوط پدافندی خودی، آن‌ها را سرگرم کرده بود تا نیروهای منافقین بتوانند از نقطه دیگری، پس از شکسته شدن خط به وسیله ارتش عراق، حرکت خود را آغاز کنند. بدین ترتیب پس از شکسته شدن خط خودی در منطقه سرپل زهاب در حمله ارتش عراق، نیروهای منافقین بدون آن‌که با مانعی روبه‌رو باشند، سوار بر خودروها به سوی کرمانشاه حرکت کردند و تا تنگه "چهار زبر" پیش آمدند. چنانچه پذیرش قطعنامه، کاهش اعتبار و اقتدار امام و نظام رادری می‌داشت و نیروهای منافقین با استقبال مردم مواجه می‌شدند، عراق می‌توانست از موضع طرف پیروز، شرایط خود را بر ایران تحمیل کند

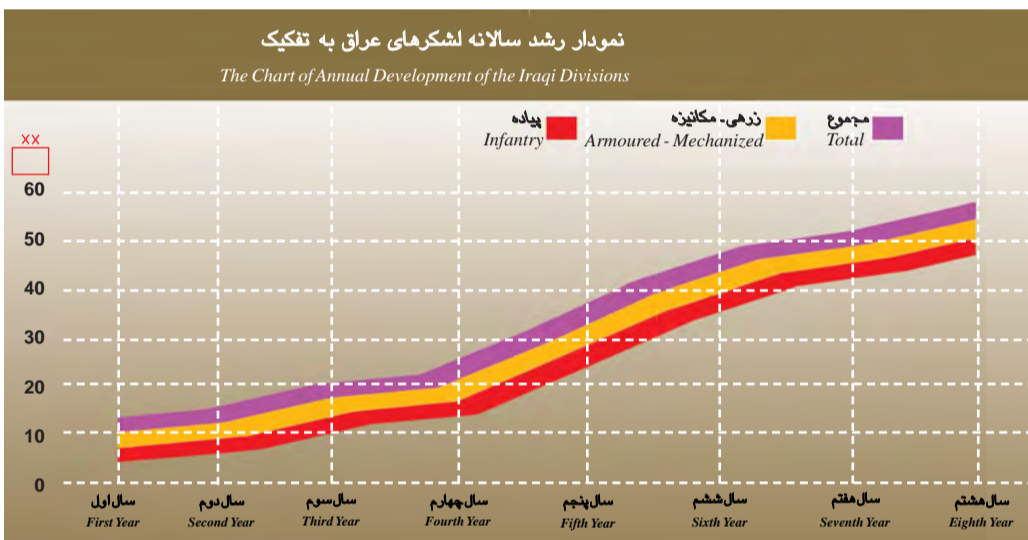
ارتش عراق پس از اعلام موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸، در دو جبهه جنوبی و میانی به طور هم‌زمان حمله کرد. در جبهه جنوب هدف، تصرف اهواز و حداقل تصرف خرمشهر بود که تلاش دشمن را نیروهای سپاه و بسیج عقیم گذاشتند، اما

رشد و انهدام ارتش عراق

The Development and Collapse of the Iraqi Army

تلفات انسانی ارتش عراق	
The Iraqi Army Human Casualties	
۲۵۰۰۰۰	کشته و مجروح
250000	the killed and wounded
۸۰۰۰۰	اسیر و پناهنده
80000	the prisoners and refugees
۳۳۰۰۰۰	جمع
330000	total

رشد و انهدام تجهیزات ارتش عراق					
The Increase And Destruction Of Iraqi Army Equipment					
توپ صحرایی و ضد هوایی	هوایما	هلی کوپتر	تانک و نفربر	نوع	وضعیت
field artillery and air defense	airplane	helicopter	tank and personnel carrier	type	situation
۱۰۹۴	۳۰۰	۳۰۰	۵۰۰۰		ابتدای جنگ
1094	300	300	5000		the outset of war
۴۳۰	۳۰۰	۱۰۰	۴۰۰۰		انهدام در طول جنگ
430	100	100	4000		destruction during the war
۴۷۰	-	۱	۱۵۰۰		غنیمت در طول جنگ
470	-	1	1500		the spoils during the war
۳۰۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۷۰۰۰		پایان جنگ
3000	600	600	7000		the termination of war



رشد نیروی انسانی ارتش عراق					
Increasing The Iraqi Army Manpower					
پایان جنگ	ابتدای جنگ	رسته			
the termination of war	the outset of war	echelon			
1,173,719	۱,۱۷۳,۷۱۹	army	220,000	۲۲۰,۰۰۰	زمینی
48,000	۴۸,۰۰۰	air force	25,000	۲۵,۰۰۰	هوایی
8,200	۸,۲۰۰	navy	5,000	۵,۰۰۰	دریایی



پایان جنگ (حمله عراق به کویت)

The End of War (Iraqi Attack against Kuwait)



عراق در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۱۱ به کویت حمله کرد و به دنبال آن، در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۲۳ بار دیگر قرارداد الجزایر را به طور رسمی پذیرفت. پس از آن، تبادل اسیران بین ایران و عراق آغاز شد. عراق که نتوانسته بود به مطامع خود در خاک ایران دست یابد، به کویت حمله کرد تا آن هدف‌ها را تأمین کند. بدین ترتیب حمایت‌کنندگان عراق در جنگ علیه ایران، گرفتار ارتشی شدند که خود آن را تقویت کرده بودند و ایران اسلامی از جنگی که نظام بین‌الملل علیه آن راه انداخته بود، سرفراز بیرون آمد.

پس از شکست آخرین تهاجم ارتش عراق به خوزستان و نیز شکست تهاجم منافقین به استان باختران (کرمانشاه)، عراق در ۱۳۶۷/۵/۱۵ به پذیرش آتش‌بس تن داد. در پی آن، دبیرکل سازمان ملل، روز ۱۳۶۷/۵/۲۹ را تاریخ رسمی آتش‌بس اعلام کرد و همان روز نیروهای ناظر سازمان ملل (یونیمک) در مرز مشترک ایران و عراق حضور یافتند تا مذاکرات صلح آغاز شود. لیکن عراق همچنان در اجرای قطعنامه ۵۹۸ کارشکنی می‌کرد. به عبارت دیگر، اگرچه جنگ تمام شده بود، لیکن وضعیت نه جنگ و نه صلح بین ایران و عراق همچنان برقرار بود. این وضعیت ادامه داشت تا این که



مدت جنگ			تاریخ پایان	تاریخ شروع	عنوان
روز	ماه	سال			
۱۵۵۸	۵۱	۴	۱۱ نوامبر ۱۹۱۸	۴ اوت ۱۹۱۴	جنگ جهانی اول
۲۱۹۱	۷۲	۶	۷ مه ۱۹۴۵ (سقوط آلمان و پایان جنگ در اروپا ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۵) سقوط ژاپن و پایان جنگ	۱ سپتامبر ۱۹۳۹	جنگ جهانی دوم
۱۱۲۷	۳۷	۳	۱۰ ژوئیه ۱۹۵۱ آغاز مذاکرات ۲ ساله، ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۲ ترک مخاصمه و آتش‌بس	۲۵ ژوئن ۱۹۵۰	جنگ کره
۴۰۵۰	۱۳۳	۱۱	۲۷ ژوئیه ۱۹۷۳	۲۲ دسامبر ۱۹۶۱	جنگ ویتنام
۶			۱۱ ژوئن ۱۹۶۷	۵ ژوئن ۱۹۶۷	جنگ اعراب و اسرائیل
۲۰			۲۴ اکتبر ۱۹۷۳	۶ اکتبر ۱۹۷۳	جنگ اعراب و اسرائیل
۲۸۸۷	۹۵	۸	۲۰ اوت ۱۹۸۸ (برقراری آتش‌بس رسمی زیر نظر نیروهای سازمان ملل)	۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰	جنگ ایران و عراق

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست؛ و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد، بالفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاش‌مان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدایی‌خبر برای از بین بردن انقلاب، هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید؛ باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند؛ در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام؛ اینان با تزویرشان از درون، محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند؛ این‌ها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت، همه را بی‌دین معرفی می‌کنند؛ باید از شر این‌ها به خدا پناه ببریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند، راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روز شماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم ...

روح‌الله الموسوی الخمینی

۱۳۶۷/۴/۲۹

Our noble people as the true defenders of Islamic values has well realized that Jihad does not compatible with the luxury. Those who think that fighting for independence and liberation of the oppressed and the deprived of the world is compatible with capitalism and hedonism are ignorant of the ABCs of Jihad. And those who think the capitalists and the carefree prosperous people can be admonished with advice and counsel to join or help the fighters for liberty, are building castles in the air. The subject of the combat versus the capital and welfare, rising and self - indulgence, and materialism and spiritualism are the entries which never gather to each other. Only those who have tasted poverty, deprivation and oppression will stay with us to the end. It is the poor and the pious who are the real founders and leaders of revolutions. We should do our best to maintain the principle of defending the oppressed by any means.

The officials of the government of revolutionary Iran must be aware that there is a group of impious people who call whoever serving the poor and trying to work for the Islam and Revolution as communist or eclectic immediately to annihilate the revolution. Do not fear these reproaches; just remember God and do your best to please him and help the poor and do not fear such accusations. The US and the Arrogance have men up their sleeves to defeat this revolution in different fields: in seminaries and universities, they have the sanctimonious that I have pointed out their threat repeatedly; these people with their guile will destroy the revolution and Islam contents internally; they with the plausible appearances which seem to be the proponent of religion and Velayat, call everybody else irreligious ; God save us from their evil. And the other group who attack all clergymen and ulama unexceptionally and refer to their Islam as «American Islam», go a dangerous path leading to the defeat of the Mohammedan Pure Islam, God forbid. We will fight to restore the rights of the poor in all human societies while we are alive.

Today, the world is thirsty for the culture of the Mohammedan Pure Islam and the muslims within a great Islamic organization will wipe out the splendor and ostentation of the Red and White Houses.

Now, Khomeini with all his heart is embracing the arrows of calamity and difficult events and the guns and rockets of the enemy and like all the lovers of martyrdom is impatient to be martyred. Our war is a war of ideology and knows no geography and boundary and in this ideological war we must initiate the massive mobilization of the Islamic soldiers throughout the world.

Ruhollah Musavi Khomeini

20/7/1988